

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ شناسی

دوره پیش دانشگاهی

رشته علوم انسانی



دین‌های بزرگ پیامبران سابق و دین بسیار بزرگ اسلام در عین حالی که یک دستشان به کتاب‌های آسمانی و برای هدایت مردم [بود]، دست دیگر [شان] به اسلحه‌ها بود. ابراهیم خلیل سلام الله علیه با یک دست صحف را داشت و با دست دیگر تبر برای سرکوبی بت‌ها. موسای کلیم سلام الله علیه با یک دست تورات را داشت و با دست دیگر عصا، عصایی که فرعونیان را به خاک مذلت کشاند، عصایی که اژدها بود، عصایی که خیانتکاران را می‌بلعید. پیغمبر بزرگ اسلام با یک دست قرآن را داشت و با دست دیگر شمشیر، شمشیر برای سرکوبی خیانتکاران و قرآن برای هدایت. آنها که قابل هدایت بودند، قرآن راهنمای آنها بود و آنهایی که هدایت نمی‌شدند و توطئه‌گر بودند شمشیر بر سر آنها.

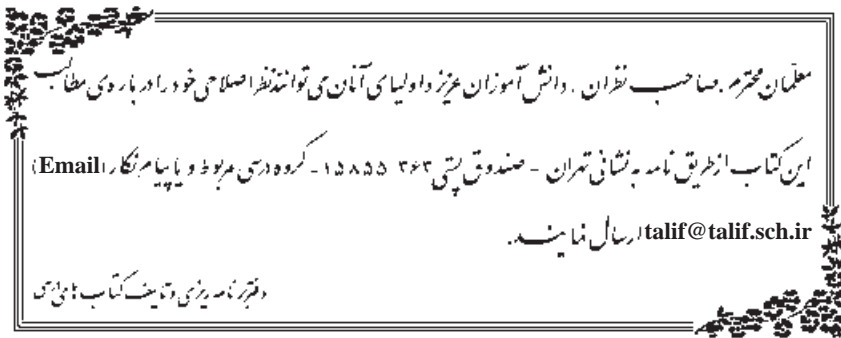
امام خمینی

فهرست

سخنی با دانش آموزان گرامی

سخنی با دبیران گرامی

۱	انسان و تاریخ	درس اول
۱۳	زمان و اهمیت آن در تاریخ	درس دوم
۲۹	جغرافیا بستر تحولات تاریخی	درس سوم
۴۲	دنیای پر رمز و راز افسانه‌ها و حماسه‌ها	درس چهارم
۵۶	آثار باستانی، مرز تاریک و روشن تاریخ	درس پنجم
۷۴	سکه‌ها آینه گذشته‌ها	درس ششم
۸۴	هنر و تاریخ	درس هفتم
۹۶	ادبیات و تاریخ	درس هشتم
۱۱۷	سفرنامه، گشت و گذار در سرزمین‌ها	درس نهم
۱۲۶	زندگی‌نامه‌ها و تاریخ	درس دهم
۱۳۶	اسناد تاریخی	درس یازدهم
۱۴۶	نشریه‌ها و تاریخ‌نویسی	درس دوازدهم
۱۵۵	مورخان و تاریخ ایران	درس سیزدهم
۱۶۴	مورخان و تاریخ جهان	درس چهاردهم



معلمان محترم، با محاسب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانم نظر اصلاحی خود را در باره ی مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و یا پیامبر نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر نامه ریزی و تالیف کتاب: بی بی

سخنی با دانش آموزان گرامی

دانش آموزان گرامی، این کتاب هم چون کتاب های تاریخی که در سال های قبل خوانده اید، تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران یا سایر کشورها نیست؛ این کتاب در پی ارائه مطالبی برای شناخت خود تاریخ است؛ علم تاریخ، مورخان و شیوه های پژوهش آنان، علوم مرتبط با تاریخ و... در این کتاب بررسی می شود.

تاریخ چگونه علمی است؟ چه رابطه ای با سایر علوم دارد؟ مورخان برای نوشتن مطالب تاریخی از چه شیوه هایی استفاده می کنند، منابع مورد استفاده مورخان در پژوهش های تاریخی چیست؟ این ها نمونه هایی از پرسش هایی است که در این کتاب با پاسخ آن آشنا می شوید.

برای فهم بهتر مطالب این کتاب، شایسته است کتاب های درسی سال های قبل را مرور کنید؛ هر چند مروری ذهنی و تخیلی. با مطالعه این کتاب هم آموخته های قبلی شما پایدارتر، معنادارتر و گسترده تر می شود و هم از علم تاریخ تصویری واقعی پیدا می کنید؛ در نتیجه برای ادامه یا عدم ادامه تحصیل در این رشته می توانید آگاهانه تصمیم بگیرید. اگر در سال های گذشته به هر علت از درس تاریخ دل خوشی نداشتید، پیش بینی می کنیم امسال از آن خوشتان بیاید! قبول ندارید؟ امتحان کنید!

سخنی با دبیران گرامی

همان‌گونه که می‌دانید کتاب تاریخ‌شناسی در میان کتاب‌های درسی تاریخ در دهه گذشته بیشترین رضایت مخاطبان را به همراه داشته و گاهی نو در عرصه تألیف کتاب‌های درسی به‌شمار می‌رود. با این حال این کتاب خالی از اشکال و ایراد نبود و تدریس آن در طول چندین سال (آن هم بدون تغییر) کاستی‌های آن را بر همگان آشکار کرده بود. به همین دلیل گروه تاریخ براساس رویه جاری در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ابتدا به تهیه راهنمای درس تاریخ دوره پیش‌دانشگاهی اقدام کرد؛ و سپس با در نظر گرفتن نتیجه نظرسنجی مربوط به راهنما، به اصلاح راهنما اقدام کرد. کتاب حاضر براساس راهنمای مذکور تهیه شده است. همان‌گونه که می‌بینید، برخی از درس‌های این کتاب کاملاً جدیدالتألیف است؛ در برخی دیگر اصلاحاتی انجام شده و برخی نیز در هم ادغام شده‌اند. ضمن آرزوی توفیق برای شما، لازم می‌دانیم درباره تدریس این کتاب نکاتی را به شرح ذیل یادآوری نمایم:

۱- از جمله اهداف دوره پیش‌دانشگاهی تعمیق آموزش دروس تخصصی دوره دبیرستان و فراهم آوردن زمینه مناسب و آمادگی لازم جهت ادامه تحصیل در دوره‌های آموزش عالی است. در برنامه‌ریزی، طراحی و تألیف کتاب حاضر، کوشش شده است که حتی‌الامکان اهداف مذکور جامعه عمل بیوشد.

۲- امروزه برنامه ریزان درسی و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت به دلیل تراکم و گستردگی روزافزون اطلاعات در عصر حاضر، فراگیری روش آموزش را بر ارائه اطلاعات مربوط به هر رشته از دانش بشری مقدم می‌دانند و بر این امر تأکید می‌ورزند. تألیف کتاب حاضر، گامی در این باره به شمار می‌رود.

۳- با توجه به بند یکم، توصیه می‌شود از دانش‌آموزان خواسته شود، کتاب‌های درسی تاریخ سال‌های گذشته خود را یک بار دیگر مرور نمایند تا در یادگیری مباحث این کتاب توفیق بیشتری یابند.

۴- در تدریس هر درس از وسایل کمک آموزشی مربوط به مباحث درس استفاده شود. در درس‌های پنجم و هفتم بازدید از اماکن تاریخی و موزه‌ها باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

۵- با توجه به این‌که در ارزشیابی درس‌های دوره پیش‌دانشگاهی ۵ نمره به فعالیت‌های کلاسی دانش‌آموزان اختصاص داده شده است، توصیه می‌شود همکاران محترم قسمت‌های اندیشه و جست‌وجو را جدی بگیرند.

۶- انجام تمامی فعالیت‌هایی که با عنوان «اندیشه و جست‌وجو» ارائه شده الزامی و اجباری نیست بلکه همکاران گرامی با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی می‌توانند انجام برخی از آنها را از دانش‌آموزان بخواهند. حتی می‌توان انجام برخی از آنها را به‌صورت گروهی از ایشان خواست.

۷- از مطالبی که با حروف ایرانیک و زمینه رنگی چاپ شده است سؤال طرح نشود. (نظیر خلاصه شاهنامه در درس ۴)

۸- تصاویر، نقشه‌ها و نمودارهای کتاب هرکدام پیامی را دربردارند، بنابراین دقت و اندیشیدن درباره آنها در فرآیند تدریس و یادگیری ضروری است.

۹- به‌دلیل تخصصی بودن مباحث این کتاب، توصیه می‌کنیم دبیران غیرمتخصص از تدریس آن بپرهیزند.

گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

انسان و تاریخ



کنجکاوی، تمایل به پیشرفت و غیره مورد توجه او بوده است. بنابراین انسان‌ها از روزگاران دور به مطالعه و بررسی دربارهٔ گذشته‌های خود پرداخته و همواره تلاش کرده‌اند که سرگذشت خود و پیشینیان خویش را حفظ کرده و مانع از فراموش شدن آنها گردند. اما باید توجه داشت که این کار

هزاران سال از زندگی انسان بر روی کرهٔ زمین می‌گذرد. در این مدت وقایع بسیاری بر جوامع انسانی گذشته و تغییرات فراوانی در زندگی اجتماعی او به وجود آمده است. وقایع تلخ و شیرین و تغییراتی که در زندگی انسان رخ داده، به دلایلی نظیر علاقه‌مندی، دانش‌اندوزی،

به آسانی صورت نگرفته است؛ زیرا گذشته در چشم همه انسان‌ها یکسان جلوه نمی‌کند و همه آنها نیز از مطالعه گذشته در پی دستیابی به هدفی واحد نیستند. روش‌ها و شیوه‌های مطالعه درباره گذشته (تاریخ) نیز یکسان و آسان نیست و با روش‌های مطالعه در سایر علوم متفاوت است.

تاریخ و مشاهده غیرمستقیم آن

روش مطالعه در برخی از علوم، مشاهده مستقیم است، در این روش، پژوهشگر می‌تواند بدون واسطه به مشاهده و مطالعه پدیده‌های مورد نظر خویش بپردازد، از آنها تصویر تهیه کند، اندازه‌گیری نماید و خواص آنها را معین سازد. بنابراین روش مشاهده مستقیم، در علوم تجربی کاربرد بسیار دارد و درحقیقت، این‌گونه علوم، مبتنی بر تجربه حسی هستند.

در علوم انسانی روش بررسی موضوعات و تحقیق پیرامون آنها به‌گونه‌ای دیگر است. در تاریخ که یکی از شاخه‌های علوم انسانی است، بیشتر با روش مشاهده غیرمستقیم به مطالعه پدیده‌ها می‌پردازند، زیرا موضوع مطالعات تاریخی در دسترس پژوهشگر نیست و مربوط به گذشته است. اما در علوم تجربی پدیده‌های مورد مطالعه در زمان حال وجود دارند. گذشته بشر (تاریخ) بسیار طولانی است و هر انسانی می‌تواند تنها بیننده بخش اندکی از این گذشته باشد. مثلاً انسانی که ۷۰ سال از سن او گذشته است، حتی

با احتساب دوران کودکی، فقط حدود ۷۰ سال از تاریخ را دیده و بقیه گذشته (تاریخ) را که شامل هزاران سال پیش از او است، ندیده است. تقریباً کلیه پدیده‌های تاریخی هم که در گذشته وجود داشته‌اند، اکنون وجود ندارند؛ یعنی مشاهده مستقیم آنها ممکن نیست و به همین جهت تنها راه مطالعه گذشته‌ها مشاهده غیرمستقیم است که با کمک ابزارها و روش‌های ویژه و با استفاده از اخبار و آثار صورت می‌گیرد و چون این کار با کمک عقل صورت می‌پذیرد، به آن تجربه عقلی می‌گویند. در این کتاب با برخی از ابزارها و شیوه‌های مطالعه گذشته آشنا خواهید شد.

تجربه تکرار ناپذیر

دانشمندان در بسیاری از علوم، این امکان را دارند که مطالعات خود را بارها تکرار نمایند تا به شناسایی بهتر پدیده‌ها دست یابند. به عبارت دیگر می‌توانند تجربه را تکرار کنند. مثلاً فیزیکدانی که درباره چگونگی عبور نور از منشور مطالعه می‌کند، می‌تواند بارها آزمایش خود را تکرار نماید. او با انجام آزمایش‌های بی‌دری، اشتباهات خود را تصحیح می‌کند، مشاهده خود را دقیق‌تر می‌سازد و با جمع‌بندی مشاهدات خود، از آنها نتیجه‌گیری می‌نماید. در علوم تجربی تکرار تجربه فرصت مناسبی را برای مطالعه و بررسی به‌وجود می‌آورد.

پدیده‌های تاریخی از نوع تجربه تکرارناپذیر هستند. به این معنی که پدیده‌های تاریخی در زمان گذشته یک بار اتفاق افتاده‌اند و دیگر امکان تکرار آنها به همان شکل نخستین وجود ندارد. مثلاً در سال ۹۲۰ ق. شاه اسماعیل یکم، پادشاه صفوی، در محلی به نام چالدران، با سلطان سلیم یکم، پادشاه عثمانی، جنگید و به دلایل گوناگون شکست خورد. این واقعه (جنگ چالدران) دیگر قابل تکرار نیست.

با طرح این نکته ممکن است تصور کنید محتوای بسیاری از کتاب‌های تاریخی قابل اعتماد نیستند و یا بی‌سید: «پس مورخان چگونه تاریخ هر دوره یا حادثه را می‌نویسند؟» در این کتاب کوشیده‌ایم شما را با برخی از شیوه‌هایی که مورخان در بازسازی رویدادهای تاریخی به کار می‌برند، آشنا سازیم؛ تا هم آموخته‌های سال‌های گذشته شما تعمیق یابد، هم با دورنمای حرفه تاریخ‌نگاری آشنا شوید و هم با فراگیری این شیوه‌ها در آینده بتوانید مستقلاً به مطالعه و پژوهش در تاریخ بپردازید.

تاریخ به عنوان شعبه‌ای از علوم انسانی

دانش بشری به شعبه‌هایی نظیر علوم انسانی، علوم تجربی و غیره تقسیم و طبقه‌بندی شده است. هر دسته از این علوم خصوصیات و روش‌های خاص خود را دارند. علوم تجربی از قبیل شیمی و زیست‌شناسی با پدیده‌هایی مانند

مواد، گیاهان، جانوران و جسم انسان سروکار دارند؛ اما علوم انسانی به جامعه، فرهنگ، زبان و روان و اندیشه انسانی توجه دارد. تاریخ از رشته‌های علوم انسانی است.

در علوم تجربی امکان مطالعه و بررسی پدیده‌ها با استفاده از معیارهای قابل اندازه‌گیری وجود دارد. دانشمندان این دسته از علوم می‌توانند با به کارگیری ابزارها و روش‌های خاص خود در آزمایشگاه‌ها نتایج مشخص و معین به دست آورند و این نتایج را بارها مورد آزمایش قرار دهند؛ به طوری که همگان در مورد این نتایج متفق‌القول باشند. این امر به پیدایش قانون منجر می‌شود؛ قانونی علمی که قابل تعمیم بر تجربه‌های همانند است. در این دسته از علوم هیچ‌گونه رابطه شخصی یا حب و بغض بین دانشمند و پدیده مورد مطالعه او وجود ندارد. مثلاً شیمی دان نسبت به عناصر مواد مورد مطالعه‌اش احساس خشم یا دوستی ندارد.

اما در علوم انسانی و به ویژه در علم تاریخ، وضع با علوم تجربی متفاوت است. علم تاریخ با جوامع انسانی سروکار دارد. انسان‌ها از این جهت که اجزای جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند، جزئی از وقایع تاریخی هستند، آن‌را به وجود می‌آورند، از آن تأثیر می‌پذیرند و خود به مطالعه آن می‌پردازند. وقتی انسان به گذشته‌ها می‌نگرد نمی‌تواند از احساسات، عواطف، علایق و اهداف خود برکنار

باشد، چرا که در جست‌وجوی گذشته‌جامعه خویش است.

هم‌چنین هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند به گونه‌ای همه‌جانبه و دقیق درباره علل و انگیزه اعمالی که انسان‌ها در گذشته براساس اهداف، اندیشه‌ها و خواسته‌های خود انجام داده‌اند، اظهارنظر کند؛ بلکه هرکس به اندازه شناخت و براساس علاقه‌ای که نسبت به بخشی از رخداد‌های گذشته دارد، اظهارنظر می‌کند. به همین جهت نتایج مطالعات تاریخی افراد مختلف درباره موضوعی واحد کاملاً یکسان نیست و قضاوت‌ها ممکن است باهم متفاوت باشند. بنابراین نتایج حاصل از مطالعه پدیده‌های تاریخی، نسبی است.



نمونه‌هایی از مکتوبات



نمونه‌هایی از محسوسات

چگونه از گذشته‌ها مطلع می‌شویم؟

گذشته طولانی بشر دربردارنده رخداد‌های بسیاری است که هیچ‌کس نتوانسته است تمامی آنها را ببیند. حتی رویدادهای زمان حال را نیز، همه نمی‌توانند مشاهده کنند؛ زیرا این رویدادها در سرزمین‌های دور و نزدیک روی می‌دهند و تنها آگاهی‌های اندکی درباره آنها از طریق وسایل ارتباط جمعی به دست می‌آید. برای کسب اطلاع از گذشته‌ها چهار دسته منابع اطلاعاتی وجود دارد که همه آنها با هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. این چهار دسته عبارتند از:

۱- منقولات: شامل داستان‌ها،

افسانه‌ها، خاطرات شفاهی، ضرب‌المثل‌ها و به‌ویژه اسطوره‌ها. معمولاً منقولات با گذشت زمان به صورت مکتوب درمی‌آیند.

۲- محسوسات: شامل بناها، ابزارها، نقش‌ها، سکه‌ها.

۳- مکتوبات: شامل کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، سفرنامه‌ها، کتیبه‌ها، سندها، نامه‌ها.

۴- معقولات: معقولات، هر نوع استنباطی است که انسان از طریق استدلال یا تخیل برای درک گذشته یا تکمیل و تصحیح اطلاعات خود درباره گذشته انجام می‌دهد.



به نظر شما تصاویر قدیمی جزء کدام دسته از منابع به شمار می‌آیند؟

تاریخ به عنوان حافظهٔ جامعهٔ بشری

جامعهٔ بشری گذشته‌ای طولانی را پشت سر گذاشته است و نیز آینده‌ای طولانی در پیش رو دارد. مرز میان گذشته و آینده، زمان حال است. شکی نیست که مدت زمان حال در مقایسه با گذشته یا آینده، کوتاه است. می‌توان گفت «حال، زمان ناپایداری است که به گذشته تبدیل می‌شود؛» اگر زمان گذشته را با آینده مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که آینده دربردارندهٔ «امید»ها و «امکان»ها است؛ اما گذشته دربردارندهٔ وقایع و رخدادها. به عبارت دیگر، گذشته دربرگیرندهٔ رخدادهای واقعی است، بدین معنی که هر پدیده‌ای به شکلی خاص در زمان گذشته رخ داده است. به همین جهت ثروت حقیقی بشر که همان تمدن است، از گذشته به امروز رسیده است. انسان در طول سال‌های بسیاری که بر او گذشته است، اکتشاف‌ها، اختراع‌ها، تجربه‌ها و به‌طور کلی دستاوردهای خود را برهم انباشته نموده که تمدن کنونی، نتیجهٔ آن است. اگر در هر زمانی دستاوردهای بشر به‌دست فراموشی سپرده می‌شد، امکان تکمیل و توسعهٔ آن وجود نداشت و تمدن امروزی به‌وجود نمی‌آمد.

مورخ کیست؟

با توجه به اهمیت اطلاع از گذشته برای انسان، از روزگاران دور، افرادی در جوامع بشری به ثبت و ضبط وقایع و نقل آنها به دیگران می‌پرداخته‌اند. به کسانی که وقایع تاریخی را فرامی‌گرفتند، و آن را با بیانی شیرین و با گرمی و شور خاصی برای دیگران بازگو می‌کردند، **نقال** و **قصه‌گو** می‌گفتند. مردم نیز در مراسم مختلف، در مواقع فراغت و استراحت پای سخن آنان می‌نشستند. نقال‌ها و قصه‌گوها باید حافظهٔ بسیار قوی می‌داشتند تا آنچه را دیده یا شنیده بودند، به‌خاطر بسپارند؛ وگرنه ممکن بود آنها را تغییر دهند یا فراموش کنند.

از آن‌جا که یادآوری وقایع تلخ و شیرین گذشته و بیان شرح اقدامات قهرمانان و بزرگان برای نسل جوان ارزش تربیتی بسیار داشته است و نیز استحکام زندگی اجتماعی با حفظ تجربه‌های گذشتگان ممکن بوده است، معمولاً افراد دنیا دیده و **کهن‌سال**، حافظ **خاطرهٔ تاریخی** و سنت‌های مردم جامعهٔ خویش می‌شدند. آنان در طول زندگی طولانی خود شاهد وقایع بسیار بودند و از پیشینیان،

در ابتدا مورخان فقط آنچه را دیده یا شنیده بودند، می‌نوشتند. یعنی آنها آنچه را خود به چشم می‌دیدند یا اخباری را که سینه به سینه نقل شده بود، به صورت کتاب تاریخ درمی‌آوردند. با گذشت زمان، کتاب‌های تاریخی و مطالب آنها افزایش فراوان یافت و بر طول تاریخ بشر نیز افزوده شد. به همین جهت گروهی از مورخان به نوشتن آنچه می‌بینند یا اخباری که می‌شنوند، اکتفا نمی‌کنند، بلکه به تحقیق در مطالب کتاب‌های تاریخی و تصحیح و تحلیل آنها می‌پردازند. درحقیقت آنها پژوهشگر تاریخ هستند. امروزه به دلیل گسترش حوزه علم تاریخ و توسعه روش‌های آن، تحقیق درباره تاریخ و تدریس آن به صورت حرفه‌ای تخصصی درآمده است. چنان‌که گروهی به‌عنوان دبیر تاریخ و گروهی دیگر به‌عنوان استاد تاریخ و افراد بسیاری نیز به‌عنوان پژوهشگر و کارشناس تاریخ در مؤسسات گوناگون به کار می‌پردازند.

اهمیت کار مورخان

وقایعی که در اجتماع رخ می‌دهند، همواره در معرض خطر فراموشی قرار دارند؛ مگر آن‌که کسانی اقدام به ثبت و ضبط آنها نمایند. یکی از کارهای مورخان، حفظ گذشته‌ها و وقایع مربوط به آنها است. درحقیقت آنان نگهبانان میراث‌ها و دستاوردهای تاریخ بشر هستند. بدون وجود مورخان، وقایع تاریخی در انزوا، سکوت و فراموشی قرار می‌گیرند. بنابراین مورخان زبان

اخبار گذشته مردم خود را فراگرفته بودند. در این حال سنت‌گرایی مهم‌ترین نتیجه توجه به تاریخ بود. تا زمانی که خط اختراع نشده بود، حافظه نقالان و سنت‌گرایی کهن‌سالان مهم‌ترین عوامل حفظ و توجه انسان به تاریخ بود.

پس از اختراع خط، ثبت تاریخ و انتقال آن با دقت بیشتری صورت گرفت. اطلاعات تاریخی انسان‌ها نیز به دلیل گذشت زمان و افزایش روابط میان آنها بیشتر شده بود. لذا پس از اختراع خط، علاوه بر نقالان و قصه‌گویان، عده‌ای به‌عنوان واقعه‌نویس یا تاریخ‌نویس به نوشتن شرح رخدادها می‌پرداختند. آنان علاوه بر شرح رویدادها، به ثبت تاریخ (زمان و وقوع) آنها نیز توجه داشتند. درحقیقت آنان علاوه بر تاریخ‌نویسی، منجم نیز بودند و به محاسبه و تنظیم تقویم نیز می‌پرداختند بدین ترتیب کارهای مربوط به تاریخ، نجوم و تقویم معمولاً به‌دست یک نفر انجام می‌شد. لازم است توجه داشته باشید که تاریخ در لغت به معنای تعیین وقت و وقوع یک رویداد است، اما در مفهومی گسترده، تاریخ دانشی است که علاوه بر تعیین وقت رخدادها به شرح، تحلیل و تفسیر آنها نیز می‌پردازد. برای نمونه هنگامی که می‌گوییم سلسله صفویه در سال ۹۰۷ ق. تأسیس شد، وقت را بیان می‌کنیم، اما وقتی به بررسی چگونگی تأسیس این سلسله و تجزیه و تحلیل آن می‌پردازیم، تاریخ معنای فراتر از تعیین وقت می‌یابد.

گویای وقایع می‌شوند و آنها را از فراموشی و نابودی رهایی می‌بخشند.

کار مورخ برای حفظ اخبار و انتقال آن، کار ساده‌ای نیست، زیرا همه آنچه در طول تاریخ رخ داده، قابلیت و ضرورت ثبت، حفظ و انتقال به دیگران را ندارد؛ بلکه تنها خبرهای مهم و باارزش و مؤثر در زندگی بشر ارزش ثبت و ضبط را دارند. تشخیص این‌که کدام خبر مهم، با ارزش و مؤثر است یا دلایل و ملاک‌های اهمیت ارزش و تأثیر کدام است، کار مورخ است. به عبارت دیگر مورخ باید بتواند گزینش و گزارش دقیق و حساب شده‌ای در مورد وقایع انجام دهد تا زبان گویا و بازگوکننده‌ی راستین گذشته‌ها باشد. او باید بتواند اخبار صحیح را از غلط، راست را از دروغ، مهم را از غیرمهم و مفید را از غیرمفید تشخیص دهد؛ زیرا او به‌عنوان شخص مورد اعتماد و امین گروه‌کنیری خواهد بود که به دانش و بینش و روش او اعتماد کرده‌اند.

مورخ علاوه بر ضبط و نقل گذشته‌ها و گزینش در آنها، باید به بازگویی و شرح و توضیح تاریخ نیز پردازد، زیرا جامعه و فرهنگ بشری مدام در حال تحول و تغییر است. این تحول و تغییر موجب می‌شود شرایط فکری و زیستی مردم از یک زمان نسبت به زمان دیگر متفاوت گردد. این تفاوت موجب جدایی میان جوامع در طول زمان می‌شود؛ تا جایی که ممکن است میان مردمان گذشته با مردم امروز هم‌فکری و هم‌زبانی

وجود نداشته باشد. در چنین حالتی درک واقعی اوضاع و احوال گذشته برای عموم مردم مشکل و یا غیرممکن می‌گردد. در نتیجه لازم است رابطی میان گذشته و حال وجود داشته باشد تا اخبار و حوادث معتبر و صحیح گذشته را به نسل حاضر انتقال دهد و به توضیح و تفسیر فرهنگ و تمدن گذشته بپردازد. این رابط همان مورخ است که با کمک دانش و فن خویش ارتباط همگان را با دنیای گذشته ممکن می‌سازد.

صفات مورخان

وقتی مورخ به تاریخ‌نویسی می‌پردازد، در واقع گذشته را بازگویی می‌کند. در این بازگویی نخستین صفت یک مورخ، راستگویی است. مورخی که دروغ بگوید، موجب اشتباه و تحریف در تاریخ می‌شود و مردم را به گمراهی می‌کشاند. راستگویی مورخ به معنای امانداری او در نقل صحیح رخدادهای تاریخی است. بهترین مورخان کسانی هستند که در نقل تاریخ راستگو و امانتدار باشند.

دیگر صفت یک مورخ، حقیقت‌جویی است. مورخ باید جویای حقیقت باشد. او با مطالعه در وقایع و سرگذشت افراد و جوامع به قضاوت درباره آنها می‌پردازد. بنابراین باید بتواند ابتدا تصویری نسبتاً همه‌جانبه از گذشته یک جامعه ارائه دهد و سپس درباره آن داوری کند. در حقیقت مورخ مانند یک قاضی است. بهترین

خصوصیتی که یک قاضی باید داشته باشد، عدالت است. بنابراین سومین صفت یک مورخ به عنوان قاضی اعمال گذشتگان، عدالت او است.

پس از راستگویی، حقیقت‌جویی و عدالت، چهارمین صفت مورخ داشتن دانش گسترده می‌باشد. مطالعه گذشته مستلزم مطالعه و تحقیق فراوان است. با دانش اندک و معلومات ناقص کسی نمی‌تواند مورخ شود. مورخ باید درباره موضوعی که تحقیق می‌کند سال‌ها مطالعه کند؛ همه اطلاعات موجود درباره آن را گرد آورد و از هیچ نکته‌ای چشم‌پوشی ننماید. بدین ترتیب او اطلاعات و اخبار بسیاری را جمع‌آوری می‌کند. هر قدر اطلاعات تاریخی مورخ بیشتر باشد، موجب اشراف و آگاهی عمیق‌تر او از موضوع مورد مطالعه خواهد شد.

دانشی که مورخ بایستی از آن برخوردار باشد، محدود به مطالعات تاریخی نیست، بلکه باید به علوم مرتبط با تاریخ نیز دسترسی و اطلاع داشته باشد. جغرافیا، جامعه‌شناسی، ادبیات، فلسفه، باستان‌شناسی، علوم سیاسی و به‌طور کلی علوم انسانی، همه علوم کاربردی در تاریخ دارند. هم‌چنان‌که تاریخ به این علوم کمک بسیار می‌کند، مورخ نیز با استفاده از آنها می‌تواند به درک بهتر تاریخ و تبیین و تفسیر رویدادها بپردازد. به‌عنوان مثال، آشنایی با ادبیات، مورخ را به فهم درست متون قدیمی تاریخی و درک مطالب تاریخی نهفته

در آثار ادبی (دیوان‌های شعر و...) قادر می‌سازد. بنابراین تاریخ‌نویسی بدون اطلاع از دیگر علوم مورد نیاز غیرممکن است.

دانش مورخ هنگامی تکمیل می‌شود که علاوه بر علوم انسانی، از دستاوردهای علوم دیگر نیز برای تکمیل دانسته‌های خود استفاده کند. زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، شیمی، پزشکی و نجوم هر یک دارای دستاوردهایی هستند که برای مورخ مفید است. مثلاً او با کمک نجوم، تقویم و زمان را می‌شناسد و به وسیله زمین‌شناسی از عمر زمین و تاریخ آن مطلع می‌شود.

دیگر صفت یک مورخ داشتن قدرت اندیشه و تفکر (تجزیه و تحلیل) است. مورخ تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر خود را با اندیشیدن و فکر کردن همراه می‌سازد تا نتیجه‌ای مطلوب به‌دست آورد. بدون اندیشه و تفکر، کار مورخ بیهوده و بی‌فایده خواهد بود.

سرانجام مورخ این اندیشه‌ها و آگاهی‌ها را می‌نویسد. بنابراین ششمین ویژگی مورخ، توانایی درست نوشتن است تا بتواند دستاورد پژوهش خویش را به‌گونه‌ای مطلوب عرضه کند.^۱

مورخان چگونه تاریخ می‌نویسند؟

مورخان برای نوشتن یک کتاب تاریخ، ماه‌ها و سال‌ها به تحقیق می‌پردازند و از اطلاعات و متون و وسایل گوناگون بهره می‌گیرند.

۱- در درس چهاردهم با برخی از مورخان آشنا خواهید شد.



مسعودی نویسنده شهیر قرن چهارم هجری قمری و دکتر عبدالحسین زرین کوب (متوفی در سال ۱۳۷۸) دو نمونه از مورخان برجسته به شمار می آیند.



دیدن کند و با اشخاصی که از موضوع اطلاعاتی داشته باشند، به گفت‌وگو بپردازد (منقولات). مورخ سپس به تفکر دربارهٔ اخبار گرد آمده و قضاوت دربارهٔ آن می‌پردازد. اخبار غلط و دروغ را کنار می‌گذارد و اخبار صحیح و قابل اعتماد را برمی‌گزیند. این مرحله، مرحلهٔ سنجش و گزینش اخبار تاریخی است.

نخستین مرحلهٔ کار مورخ در زمینهٔ پژوهش تاریخی، انتخاب موضوع است. مرحلهٔ بعد جست‌وجوی مطالب مربوط به آن موضوع است. برای این کار باید تا حد امکان به نوشته‌هایی که دربارهٔ موضوع اطلاعاتی دارند (مکتوبات)، مراجعه کند و اگر آثاری تاریخی دربارهٔ آن موضوع باقی مانده است (محسوسات)، از آن

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

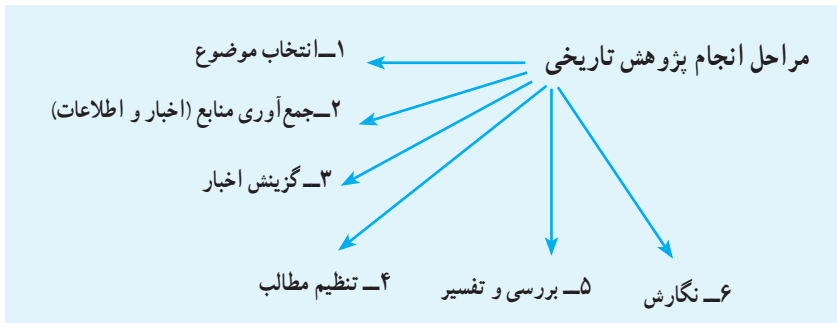
تاریخ‌نویس با چه شیوه‌هایی منقولات را جمع‌آوری می‌کند؟

شرط اساسی کار او است. پس از سنجش و گزینش، مورخ به تنظیم اخبار می‌پردازد. او این

در مراحل قبلی مورخ تلاش و جست‌وجوی فراوان کرده است و در این مرحله دقت و حوصله،

کار را بر اساس ترتیب زمانی وقایع و نیز ارتباط میان آنها انجام می‌دهد. تجربه و توانایی فکری مورخ در طراحی و برنامه‌ریزی، در این مرحله نقش بسیار مهمی دارد. بدین ترتیب او تمامی اطلاعات صحیح گردآوری شده را منظم می‌کند و پس از بررسی و تفسیر آنها (معقولات)، به آخرین مرحله کار، یعنی «نگارش» مطالب جمع‌آوری شده به همراه اظهار نظرها، نتیجه‌گیری‌ها و توضیحات، می‌رسد.

کار را بر اساس ترتیب زمانی وقایع و نیز ارتباط میان آنها انجام می‌دهد. تجربه و توانایی فکری مورخ در طراحی و برنامه‌ریزی، در این مرحله نقش بسیار مهمی دارد. بدین ترتیب او تمامی اطلاعات صحیح گردآوری شده را منظم می‌کند و پس از بررسی و تفسیر آنها (معقولات)، به آخرین مرحله کار، یعنی «نگارش» مطالب جمع‌آوری شده به همراه اظهار نظرها، نتیجه‌گیری‌ها و توضیحات، می‌رسد.



بیشتر بدانید

پیوند جامعه‌شناسی با تاریخ

جامعه‌شناسی به عنوان یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که از قوانین زندگی اجتماعی انسان و پدیده‌های اجتماعی - انسانی و تحول آنها در ارتباط با حیات اجتماعی بحث می‌کند. جامعه‌شناسی به نتیجه مطالعات تاریخی توجه دارد و بسیاری از تجزیه و تحلیل‌هایی که در جامعه‌شناسی صورت می‌گیرد، مبتنی بر شناخت و اطلاعاتی است که از گذشته جوامع به دست آمده است. سخن آنتونی گیدنز جامعه‌شناس خالی از فایده نیست، وی می‌گوید: تغییراتی که در شیوه‌های زندگی انسان از دوستان سال پیش تا به حال اتفاق افتاده بسیار فراگیر بوده است، مثلاً امروزه ما شاهد شهرهای بزرگ با جمعیت‌ها و ساختمان‌های بسیار زیاد و گسترده هستیم، اما در دوران‌های گذشته هرگز چنین نبوده؛ بلکه انسان‌ها در گروه‌های کوچک و در اجتماعات روستایی زندگی

می‌کرده‌اند. حتی در اوج پیشرفته‌ترین تمدن‌های کهن مانند روم باستان کمتر از ۱۰ درصد جمعیت در نواحی شهری زندگی می‌کرده‌اند. در گذشته اکثریت مردم ناچار بودند به کشاورزی بپردازند، خوراک و سایر وسایل زندگی‌شان را خود تهیه کنند، اما امروزه بیش از ۹۰ درصد مردم در نواحی شهری زندگی می‌کنند و کمتر از ۲ تا ۳ درصد جمعیت به کار و تولید کشاورزی مشغولند. علمای تاریخ نیز در حال حاضر تحت تأثیر نتایجی که از مطالعات جامعه‌شناسی به دست آمده است، ابعاد جدیدی را مورد توجه قرار داده‌اند. هم‌چنین اگر جامعه را در بُعد تاریخی آن بنگریم، زندگی جوامع شامل یک رشته تغییرات و دگرگونی‌هایی است که خود ناشی از عوامل گوناگونند. به این ترتیب می‌توان گفت جامعه‌شناسی هم‌چنین به مطالعه چگونگی تحولات تاریخی جوامع نیز می‌پردازد؛ و در پی درک علل حاکم بر این تغییرات و دگرگونی‌هاست.

- ۱- چرا در تاریخ، پدیده‌ها به شیوه «مشاهده غیرمستقیم» بررسی می‌شوند؟
- ۲- چرا نتایج مطالعات تاریخی کاملاً یکسان نیست؟
- ۳- منابع کسب اطلاعات از حوادث گذشته به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شوند؟ توضیح دهید.
- ۴- نقش مورخ در حفظ و انتقال میراث‌ها و دستاوردهای تاریخ بشر را توضیح دهید.
- ۵- صفات لازم برای مورخ را بیان کنید.
- ۶- مراحل کار مورخ را به‌طور خلاصه توضیح دهید.

- ۱- یک نمونه از پدیده‌های مربوط به مشاهده غیرمستقیم را انتخاب و گزارشی درباره آن تهیه کنید (نظیر تاریخچه بنای مدرسه، مسجد یا محله خود).
- ۲- با مطالعه یک کتاب تاریخی (یا یک بخش از آن) و با در نظر گرفتن خصوصیات لازم برای مورخ، نظر خود را درباره نویسنده آن بنویسید.

زمان و اهمیت آن در تاریخ

بررسی یک رویداد، بدون توجه به زمان وقوع آن، منجر به درکی نادرست یا ناقص از آن پدیده خواهد شد. همان‌طور که هر علمی براساس یک سلسله اصول بدیهی و ستون‌های اصلی بنا شده است، زمان نیز یکی از اصول اساسی علم تاریخ است.



توجه به زمان تنها مختص مورخان نیست بلکه انسان از آغاز زندگی در کره زمین با این پدیده و سنجش آن مواجه شده است. وقت‌شناسی و ترتیب و تنظیم اوقات و سنجش زمان از جمله مسائل و مشکلات انسانی بوده است و می‌توان گفت که اندازه‌گیری زمان یکی از دستاوردهای تمدن بشری محسوب می‌شود. «مارتین نیلسون^۲» مورخ سوئدی می‌گوید: «مهم‌ترین

یکی از ارکان مهم علم تاریخ زمان^۱ است. آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید در بررسی‌های تاریخی، زمان از چه جایگاهی برخوردار است؟ و تحقیقات تاریخی بدون در نظر گرفتن زمان وقوع یک رویداد چه پیامدهایی خواهد داشت؟

۱- در تعریف زمان دانشمندان تعاریف متعددی ارائه داده‌اند. از نگاه علم فیزیک، زمان عبارت است از آن کمیت فیزیکی که با ساعت اندازه‌گیری می‌شود. برخی از دانشمندان معتقدند زمان محیطی است عمومی که همه وقایع در آن به توالی یا ظاهراً به توالی رخ می‌دهد. و به وسیله تغییر است که ما بر زمان آگاهی داریم و آن را اندازه می‌گیریم و به تعبیر دیگر زمان چیزی است که بدون کمترین تأملی صحیح و واقعی فرض می‌کنیم. زیرا گذشت آن را تجربه می‌کنیم و برای ما زمان همواره حرکتی رو به آینده دارد...

۲- Martin P. Nilsson

مورخان برای بررسی دقیق‌تر رویدادهای تاریخی، به‌طور اعتباری به تقسیم‌بندی‌هایی از زمان گذشته دست زده‌اند، مانند قرن، دوره، هزاره و... به‌عنوان مثال می‌توان از تقسیم‌بندی گذشته بشر به دوره پیش از تاریخ (دوره ماقبل اختراع خط) و دوره تاریخی (دوران اختراع خط) یاد کرد.

عمل هوشمندانه در تاریخ، زمان‌شماری است.» هرچه دانش بشری در شمارش دقیق زمان پیشرفت بیشتری کرد، وقایع تاریخی دقیق‌تر ثبت و ضبط شدند. بنیادی‌ترین پرسش‌های مورخان به هنگام بررسی یک رویداد عموماً عبارتند از:

- ۱- واقعه در چه زمانی اتفاق افتاد؟
- ۲- واقعه در کجا روی داد؟
- ۳- واقعه چگونه و چرا روی داد؟



در تقسیم‌بندی دیگری مورخان و زمان‌شناسان زمان را به سه بخش تقسیم کرده‌اند.

۱- زمان‌های کوتاه، که با ساعت اندازه‌گیری می‌شود، (مانند ثانیه، دقیقه، ساعت و...).

۲- زمان‌های طولانی که در تقویم‌ها و گاه‌شمارها آمده‌اند (مانند هفته، ماه، سال و...).

۳- دوران‌های زمان شمار تاریخی که از سال‌های متمادی تشکیل شده‌اند (مانند قرن، هزاره، دوره و...).

سیر آن را در آسمان می‌دید و در غروب خورشید و با آمدن شب وضعیت ماه را نظاره می‌کرد. به جز گردش شبانه‌روز و گردش ماه، انسان‌های اولیه متوجه تکرار منظم بعضی از امور طبیعی از جمله تغییرات فصلی، مانند فصل شکوفه و

پیدایش تقویم و اهمیت آن در زندگی بشر

به نظر شما چگونه توجه انسان به عامل زمان جلب شد و درک انسان از این پدیده چگونه بود؟ اولین توجه انسان‌های اولیه به زمان، گردش شبانه‌روز بود^۱. او هر صبح طلوع خورشید و

۱- خداوند در آیه ۱۲ سوره اسراء می‌فرماید: و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم، نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیم تا در آن فضلی از پروردگارتان بجویید و تا شماره سال‌ها و حساب (عمرها و رویدادها) را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم.

مهم‌ترین مبداهای تقویم در جهان

انسان‌ها در طول زندگی خود مبداهای متفاوتی را برای زمان شماری در نظر گرفته‌اند. در این جا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱- **مبدأ دینی:** این مبدأ در میان بسیاری از مردم و ملت‌های جهان پذیرفته شده و عمومیت دارد. در این مبدأ یک واقعه بزرگ دینی به‌عنوان مبدأ آن تقویم قرار می‌گیرد. مانند تقویم هجری قمری که مبدأ آن هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه است و یا تقویم میلادی که تولد حضرت مسیح (ع) مبدأ آن قرار گرفته است.

۲- **مبدأ ملی و قومی:** برخی از ملت‌ها وقایع و حوادث خاص ملی و یا قومی خود را به‌عنوان مبدأ تقویم خود انتخاب می‌کردند. مثلاً تاریخ جلوس یک فرمانروا و یا تاریخ پیروزی در یک نبرد میهنی را به‌عنوان مبدأ تقویم خود انتخاب می‌کردند.

۳- **مبدأ مبتنی بر حوادث طبیعی:** برخی از ملت‌ها یک حادثه و رویداد بزرگ طبیعی مانند طوفانی سهمگین و یا زلزله‌ای ویرانگر و یا آتشفشانی هولناک و از این قبیل حوادث طبیعی را به‌عنوان مبدأ تقویم خود انتخاب می‌کردند. مانند

بهار، فصل رسیدن میوه‌ها، موسم برگ‌ریزان، فصل سرما و یخ‌بندان و... شدند. این موارد نیز از نشانه‌های توجه انسان به عامل زمان بود. برخی از دانشمندان معتقدند تقویم و گاه‌شماری از زمانی آغاز گشت که انسان، کشاورزی را به‌عنوان شیوه اصلی معیشت خود برگزید و در یک مکان ساکن شد و براساس تجربه متوجه تکرار زمان بذرافشانی و زمان برداشت محصولات کشاورزی شد^۱. محاسبه و اندازه‌گیری زمان کاشت و برداشت و زمان آبیاری، ضرورت توجه دقیق‌تر به زمان و ساختن وسیله‌ای برای اندازه‌گیری آن را جدی‌تر کرد. بنابراین دستگاه اندازه‌گیری زمان (تقویم) ساخته شد و طی قرون متمادی با گسترش علم نجوم و ریاضیات کامل‌تر شد. تقویم^۲ در تعریفی کلی، نظامی است که انسان برای محاسبه و اندازه‌گیری زمان طولانی و به‌خصوص سال و ماه اختراع کرده است.

بنابراین کاربرد مهم تقویم محاسبه و اندازه‌گیری دقیق زمان است. برای اندازه‌گیری زمان در هر تقویم باید مبدایی انتخاب شود. بدون وجود مبدأ، سنجش زمان امکان‌پذیر نیست.

۱- شاید به همین دلیل بود که نخستین نظام‌های گاه‌شماری در اولین کانون‌های کشاورزی، یعنی مصر و بابل بنیان‌گذاری شد.

۲- در اصطلاح نجومی تقویم عبارت است از مجموعه‌ای از اصول و قوانین که برای تقسیم و تنظیم زمان، به سال، ماه، هفته و روز که براساس گردش زمین به دور خورشید و گردش ماه به دور زمین و گردش زمین به دور خود تنظیم و تدوین شده است.

۳- برخی از محققان از این مبدأ به‌عنوان مبدأ ارضی (زمینی) نام برده‌اند. در این مورد نگاه کنید به نبی، ابوالفضل: تقویم و تقویم‌نگاری

در ایران، آستان قدس، ۱۳۶۶، صفحه ۲۱ تا ۲۴.

سومریان که تاریخ خود را به قبل از طوفان و بعد از طوفان تقسیم کرده بودند.

تقویم عبارت بودند از :
- مناسبت‌های دینی (ایام حج، روزه و...)

۴- مبدأ نجومی : برخی از منجمان معتقدند که باید یک حادثه بزرگ کیهانی و نجومی را به‌عنوان مبدأ تقویم قرار داد زیرا این مبدأ از مقبولیت عام برخوردار خواهد شد. مثل طلوع ستاره‌ای خاص و یا یک خسوف و یا یک انفجار سیاره‌ای و... البته این نوع مبدأ به‌جز منجمان چندان مورد توجه سایر مردم نیست^۱.

و ملی
- تنظیم دفترهای بودجه سالیانه
- تنظیم زمان دریافت مالیات و خراج
- تنظیم و تعیین زمان پرداخت مخارج و هزینه‌های دولت
- تعیین و تنظیم زمان قراردادهای و عهدنامه‌ها
- تعیین زمان جنگ و زمان‌های سعد (فرخنده) و نحس (شوم).

دولت‌ها و ملت‌ها همواره به منظور امور دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و برخی امور دیگر به تقویم نیازمند بودند. مهم‌ترین کاربردهای



نمونه‌ای از اسطرلاب‌هایی که در گذشته برای اندازه‌گیری زمان و جهت‌یابی مورد استفاده ستاره‌شناسان و دریانوردان قرار می‌گرفت.

۱- لازم به توضیح است که این تقسیم‌بندی‌ها اعتباری و نسبی هستند و قطعیت ندارند.

سعد و نحس

حکومت‌ها در قدیم به منظور انجام پاره‌ای از امور نظیر جلوس و تاج‌گذاری، جنگ و یا صلح، عقد قراردادهای مهم و مانند این‌ها و مردم عادی نیز به منظور انجام برخی از امور مدنی و اجتماعی و... به زمان خوب، میمون و مبارک (سعد) و زمان بد، نامبارک (نحس)، اعتقاد داشتند. منجمان اولیه که در واقع طالع‌بین هم محسوب می‌شدند، معتقد بودند بین این زمان‌ها و حرکت کواکب و سیارات ارتباط برقرار است و در واقع بین سرنوشت انسان‌ها و حرکت سیارات و طلوع و غروب آنها نوعی پیوند وجود دارد. منجمان قدیم سیاره‌های «زحل» و «مریخ» را نحسین یا دو نحس می‌خواندند و سیاره‌های مشتری و زهره را سعدین و یا دو سعد می‌نامیدند. آنان با رصد سیارات و ستارگان در صورت مشاهده سیارات سعد (مشتری و زهره) انجام یک کار را مبارک و میمون و خوش فرجام قلمداد می‌کردند و با رصد سیارات نحس (زحل و مریخ) انجام آن کار را نامبارک و بدفرجام پیش‌بینی می‌کردند. از این‌رو منجمان در دربار پادشاهان از اهمیت زیادی برخوردار بودند.

نگاهی به برخی از تقویم‌های جهان

ترتیب دادند. در گاه‌شماری بابلیان، مبدأ شمارش سال‌ها، جلوس پادشاهان بود، به‌گونه‌ای که با جلوس هر پادشاه، مبدأیی نو به‌وجود می‌آمد. سال به ۱۲ ماه ۳۰ یا ۲۹ روز تقسیم می‌شد. نخستین ماه تقویم بابلی نیسانو^۲ بود که روز اول نیسانو (نوروز) بود و ماه دوازدهم ادارو^۳ نام داشت. برای تعدیل و ازین بردن اختلاف طول

در میان دو رود گاه‌شماری خورشیدی قمری^۱ مرسوم بوده است و پیشینه اختراع این نوع گاه‌شماری را نزدیک به اختراع خط می‌دانند. بابلی‌ها که از پیشگامان علم گاه‌شماری و نجوم بودند، تقویمی درست کردند که بعدها مصریان و هخامنشیان تقویم خود را براساس آن

۱- سال آن شمسی و ماه آن قمری ۳۰ یا ۲۹ روزه بود.

۲- Nissanu

۳- Addaru

سال‌های خورشیدی و قمری هر سه سال یک بار ماه سیزدهمی به سال می‌افزودند و آن را در بابل آداری دوم می‌نامیدند.

یکی از ملت‌های باستانی که گاه‌شماری نسبتاً پیشرفته‌ای داشتند، مصریان بودند؛ زیرا آنان در نجوم و ریاضیات به موفقیت‌های زیادی دست یافته بودند و مبنای تقویم بولیانی (قیصری) و تقویم میلادی امروز براساس تقویم مصری است. مصریان سال را ۳۶۵ شبانه‌روز و $\frac{1}{4}$ حساب می‌کردند.

سال آنها دارای ۱۲ ماه ۳۰ روزه بود که بر روی هم ۳۶۰ شبانه‌روز می‌شد و پنج روز اضافی سال را به آخر ماه دوازدهم سال می‌افزودند^۱. بنابراین تقویم مصریان ۱۱ ماه ۳۰ روزه داشت و ماه دوازدهم آنها ۳۵ روزه بود. و با حساب کردن روز در هر سال با گذشت سه سال، در سال چهارم ماه ۳۵ روزه را ۳۶ روز حساب می‌کردند. مبدأ تقویم در این کشور مقارن با سلطنت هر پادشاه بود.

یکی دیگر از تقویم‌های کهن، تقویم رومی است. در این تقویم هر سال دارای ۱۰ ماه بود و هر ماه به نام یکی از پهلوانان و خدایان اساطیری رومی نام‌گذاری می‌شد. بعدها دو ماه دیگر به آن ۱۰ ماه اضافه شد. از آن‌جا که سال رومی‌ها شمسی و

ماه‌های آن قمری ۲۹ یا ۳۰ روز بود، اختلاف ۱۱ روز سال شمسی با سال قمری موجب بی‌نظمی‌های فراوانی در این تقویم می‌شد. مثلاً مراسمی که باید در زمستان برگزار می‌شد در بهار برپا می‌گردید. در نتیجه در زمان ژولیوس سزار (قیصر روم) اصلاحاتی در این تقویم صورت گرفت^۲. این تقویم تا ۱۵۰۰ سال بعد رواج داشت. تا این‌که در زمان پاپ گرگوار سیزدهم اصلاحاتی در این تقویم صورت گرفت. این تقویم که به تقویم گریگوری^۳ شهرت دارد هنوز مورد استفاده اکثر کشورهای مسیحی است.

تقویم رایج بیشتر کشورهای اسلامی تقویم هجری قمری است. این تقویم به کلی قمری است. مبدأ این تقویم اول محرم سالی است که پیامبر (ص) از مکه به مدینه هجرت فرموده است^۴. تقویم هجری قمری مبتنی بر دوره حرکت ماه به دور زمین است. سال قمری ۱۲ ماه دارد که به تناوب ۳۰ و ۲۹ روزه است^۵. سال قمری ۳۵۴ شبانه‌روز و در سال‌های کبیسه ۳۵۵ شبانه‌روز است. با گسترش اسلام این تقویم به‌عنوان تقویم دینی مسلمانان در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران رواج یافت و هم‌اکنون نیز رایج است.

۱- مصریان این ۵ روز اضافی را اپاگومن (epagomen) نامیدند.

۲- به فرمان سزار یک منجم مصری به نام سوسیگنس در سال ۴۶ ق. تغییراتی براساس تقویم مصری در این تقویم به‌وجود آورد.

۳- Gregorian calendar. ۱۵۸۲ م.

۴- برابر با جمعه ۱۶ ژوئیه سال ۶۲۲ م. است.

۵- خداوند در آیه ۳۵ سوره توبه می‌فرماید: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ... به‌درستی که شمار ماه‌ها نزد خدا دوازده ماه است و...

سال کیسه

به سال ۳۶۶ شبانه‌روزی سال کیسه گویند. از آن‌جا که مدت زمان حرکت انتقالی زمین به دور خورشید ۳۶۵ شبانه‌روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه و ۸ صدم ثانیه است برای تطبیق سال حقیقی با سال تقویمی با احتساب خرده ساعت‌های اضافه بر ۳۶۵ شبانه‌روز، ۳ سال متوالی را ۳۶۵ شبانه‌روز و سال چهارم را ۳۶۶ شبانه‌روز حساب می‌کنند. این اقدام نخستین بار در سال ۴۶ ق.م. در زمان ژولیوس سزار امپراتور روم صورت گرفت.

پیشینه تقویم در ایران

در تقویم اوستایی نام روزها و ماه‌ها مربوط به خدا و ایزدان زردشتی است. اسامی ماه‌های تقویم رسمی رایج در کشور ما برگرفته از تقویم اوستایی است. در دوره اشکانیان روز و ماه تقویم اوستایی به‌کار می‌رفت. اما سال را براساس مبدأ خودشان یعنی تأسیس حکومت اشکانیان شمارش می‌کردند. در دوره ساسانیان نیز گاه‌شماری اوستایی با تفاوت‌هایی رایج بود. مبدأ این تقویم در دوره ساسانیان آغاز پادشاهی و جلوس هر پادشاه بر تخت بود. از آن‌جا که در این تقویم سال را ۳۶۵ شبانه‌روز می‌گرفتند، در هر ۴ سال یک شبانه‌روز و در هر ۱۲۰ سال ۳۰ شبانه‌روز از سال شمسی حقیقی عقب می‌افتاد. برای رفع این مشکل آنان بعد از هر ۱۲۰ سال یک ماه به دوازده ماه سال اضافه می‌کردند و آن سال سیزده ماهه می‌شد.^۲

پیشینه تقویم و گاه‌شماری در ایران به قبل از دوره هخامنشیان بازمی‌گردد. در دوره هخامنشیان گاه‌شماری شمسی قمری بابلی رایج بود. از ویژگی‌های این تقویم این بود که آغاز سال با آغاز پاییز یکی بود و اولین ماه سال با جشن‌هایی هم‌زمان می‌شد. مبدأ این تقویم آغاز سلطنت هر شاه بود و روزهای هر ماه را شمارش می‌کردند. در این تقویم سال به چهار فصل تقسیم می‌شد. بسیاری از محققان معتقدند که در اوایل حکومت داریوش یکم این نوع گاه‌شماری منسوخ و گاه‌شماری اوستایی به‌جای آن رایج شد. سال در تقویم اوستایی ۳۶۵ شبانه‌روز بود. هر سال به ۱۲ ماه ۳۰ شبانه‌روزی و ۵ شبانه‌روز که به‌عنوان پنجه^۱ به آخر سال اضافه می‌کردند، تقسیم می‌شد.

۱- به آن پنجه دزدیده یا خمسه مسترقه و یا بهیزک کوچک، نیز می‌گویند.

۲- این ماه را بهیزک (کیسه) بزرگ می‌نامیدند.

اسامی ماه‌ها و روزها در تقویم اوستایی

اسامی ماه‌ها		
دی	مهر	تیر
بهمن	آبان	مرداد
اسفند	آذر	شهریور
اسامی روزهای ماه		
۲۱- رام	۱۱- خور	۱- هرمز
۲۲- باد	۱۲- ماه	۲- بهمن
۲۳- دی‌بدین	۱۳- تیر	۳- اردیبهشت
۲۴- دین	۱۴- جوش	۴- شهریور
۲۵- ارد	۱۵- دی‌بمهر	۵- اسفندارمذ
۲۶- اشتاد	۱۶- مهر	۶- خرداد
۲۷- آسمان	۱۷- سروش	۷- مرداد
۲۸- زامیاد	۱۸- رشن	۸- دی‌بآذر
۲۹- ماراسفند	۱۹- فروردین	۹- آذر
۳۰- انیران	۲۰- بهرام	۱۰- آبان

اسامی ماه‌ها در تقویم هجری شمسی، میلادی و هجری قمری. این ماه‌ها معادل هم نیستند.

میلادی	هجری قمری	هجری شمسی
۱- ژانویه	۱- محرم	۱- فروردین
۲- فوریه	۲- صفر	۲- اردیبهشت
۳- مارس	۳- ربیع‌الاول	۳- خرداد
۴- آوریل	۴- ربیع‌الثانی	۴- تیر
۵- مه	۵- جمادى‌الاول	۵- مرداد
۶- ژوئن	۶- جمادى‌الآخر	۶- شهریور
۷- ژوئیه	۷- رجب	۷- مهر
۸- اوت	۸- شعبان	۸- آبان
۹- سپتامبر	۹- رمضان	۹- آذر
۱۰- اکتبر	۱۰- شوال	۱۰- دی
۱۱- نوامبر	۱۱- ذى‌القعدة	۱۱- بهمن
۱۲- دسامبر	۱۲- ذى‌الحجه	۱۲- اسفند



عمر خیام، دانشمند
برجسته ایرانی

ملکشاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ ق.) و وزیر دانشمند و کاردان او خواجه نظام الملک، مجمعی از منجمان از سال ۴۶۷ ق. به امر ملکشاه مأمور اصلاح تقویم شدند. سرانجام پس از چهار سال تلاش منجمان به رهبری عمر خیام^۱ متوجه شدند

با ورود اسلام به ایران تقویم هجری قمری به مرور در ایران رایج شد. این تقویم مبتنی بر فصول طبیعی سال نبود و چندان با روند زندگی کشاورزی ایرانیان مطابقت نمی‌کرد. از سویی به علت عدم اجرای کیبسه در تقویم یزدگردی، نوروز از نقطه اعتدال بهاری خارج شده بود؛ و کارگزاران مالیاتی برای زمان دریافت مالیات‌ها و مردم جهت زمان پرداخت آن دچار زحمات فراوان شدند. در دوران حاکمیت امپراتوری سلجوقیان به علت وسعت قلمرو، حاکمیت امنیت و سازمان اداری منظم و پیشرفته جهت رفع این مشکل چاره‌جویی شد به‌طوری که در عهد جلال‌الدین



۱- دربارهٔ کسانی که در مجمع منجمان و اصلاح تقویم دخالت و حضور داشتند نظرات یکدستی وجود ندارد ولی بسیاری از افراد، اشخاصی چون عمر بن ابراهیم خیامی، ابوالمظفر اسفزاری، میمون بن نجیب واسطی، خواجه عبدالرحمن خازنی و برخی دیگر را نام برده‌اند.

به‌عنوان تقویم دینی پا به پای این فراز و نشیب‌ها در ایران کاربرد داشته و دارد. بسیاری از متون تاریخی و اسناد این دوره با تقویم دوازده حیوانی و تقویم هجری قمری به‌صورت توأمان تاریخ‌گذاری شده است.

تقویم رسمی ایران هجری شمسی بر پایه تقویم جلالی است که به موجب قانون تاریخ ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۴ ش.^۲ رسمیت یافت. این قانون سال‌های تقویم دوازده حیوانی و معادل فارسی آن

۱- سچقان ییل	۱- موش
۲- اود ییل	۲- گاو
۳- بارس ییل	۳- پلنگ
۴- توشقان ییل	۴- خرگوش
۵- لوی ییل	۵- نهنگ
۶- ییلان ییل	۶- مار
۷- یونت ییل	۷- اسب
۸- قوی ییل	۸- گوسفند
۹- پیچی ییل	۹- میمون
۱۰- تغاقوی ییل	۱۰- مرغ
۱۱- ایت ییل	۱۱- سگ
۱۲- تنگوز ییل	۱۲- خوک

که تقویم یزدگردی هجده روز از اول فروردین حقیقی جلو افتاده است؛ بنابراین آن را کیسه کردند. می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی این تقویم این است که نخستین کیسه به هنگام رسمیت بخشیدن این تقویم اعمال شد^۱. در این تقویم سال با اول فروردین شروع می‌شد. سال به چهار فصل طبیعی بهار، تابستان، پاییز و زمستان تقسیم و به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم می‌شد. خسته مسترته را در آخر اسفند اضافه کردند و هر چهارسال یا پنج سال یک روز را کیسه و آن را ۳۶۶ روز حساب کردند. بنابراین هدف اصلی اصلاح گاه‌شماری در زمان جلال‌الدین ملک‌شاه تثبیت نوروز در آغاز بهار (اعتدال بهاری) بود. تقویم شمسی رایج در ایران براساس تقویم جلالی است. این تقویم یکی از دقیق‌ترین تقویم‌های جهان است.

با چیرگی مغولان بر ایران نوعی گاه‌شماری به‌نام تقویم دوازده حیوانی^۲ در ایران رایج شد. این تقویم شمسی قمری است، یعنی سال آن شمسی و ماه‌های آن قمری ۲۹ یا ۳۰ شبانه‌روزی و دارای یک دوره ۱۲ ساله حیوانی است. پادشاهان صفوی و قاجار این تقویم را تقویم رسمی اعلام کردند. از سال ۱۳۰۴ ش. استفاده از آن منع و به‌کلی منسوخ شد. گفتنی است تقویم هجری قمری

۱- مبدأ این تقویم جمعه دهم رمضان سال ۴۷۱ ق. مطابق با پانزدهم مارس ۱۰۷۹ م. است.

۲- این تقویم به ترکی، مغولی، ختایی، غازانی و اُفغوری نیز مشهور است. سازندگان این تقویم هر سال را به‌نام جانوری نامیدند و وقایع و حوادث آن سال را از طبع و خوی آن حیوان استنباط می‌کردند.

۳- برابر با ۱۳۴۴ ق. و ۱۹۲۵ م.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تثبیت شد. بر طبق این قانون مبدأ این تقویم هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه است و اسامی ماه‌ها برگرفته از ماه‌های ایرانی اوستایی است.

تبدیل تاریخ

پژوهشگران مسائل تاریخی همواره در مطالعات اسناد و مدارک تاریخی با تاریخ‌گذاری‌هایی مواجه می‌شوند که این تاریخ‌گذاری‌ها براساس تقویم‌های رایج زمان هر کشور ثبت شده‌اند. برخی روش‌های معروف تبدیل تاریخ عبارت است از:

۱- تبدیل سال هجری قمری به میلادی

از طریق فرمول هارتنر

فرمول

$$(\text{سال هجری قمری} = ۶۲۲ + \frac{۳۲}{۳۳} \text{ سال میلادی})$$

مثال ۱: سال مورد نظر سال ۶۱ هجری

قمری

$$۱) ۶۲۲ + \frac{۳۲}{۳۳} \times ۶۱ =$$

$$۲) ۶۲۲ + \frac{۳۲ \times ۶۱}{۳۳} =$$

$$۳) ۶۲۲ + \frac{۱۹۵۲}{۳۳} =$$

$$۴) ۶۲۲ + ۵۹/۱ = ۶۸۱/۱$$

میلادی

سال مورد نظر ۶۸۱ است (سال شهادت

امام حسین (ع) در کربلا).

مثال ۲: سال مورد نظر ۱۳۵۸ هجری قمری

$$۱) ۶۲۲ + (\frac{۳۲}{۳۳} \times ۱۳۵۸) =$$

$$۲) ۶۲۲ + \frac{۳۲ \times ۱۳۵۸}{۳۳} =$$

$$۳) ۶۲۲ + \frac{۴۳۴۵۶}{۳۳} =$$

$$۴) ۶۲۲ + ۱۳۱۶/۸ = ۱۹۳۸ + ۱ = ۱۹۳۹$$

توجه: حتماً به هنگام تقسیم، یک رقم

اعشار می‌رویم. اگر ارقام اعشاری مازاد بر ۵/۰ باشد عدد ۱ را به سال به‌دست آمده اضافه می‌کنیم (مثال ۲) و اگر کمتر از ۵/۰ باشد، اعشار را حذف می‌کنیم (مثال ۱). به‌دلیل این‌که در مثال (۲) رقم اعشاری مازاد بر ۵/۰ است عدد ۱ را به سال به‌دست آمده اضافه می‌کنیم. بنابراین سال به‌دست آمده ۱۹۳۹ میلادی است.

۲- تبدیل سال میلادی به هجری قمری

از طریق فرمول هارتنر

$$\text{فرمول: (سال میلادی} - ۶۲۲) \times \frac{۳۳}{۳۲} = \text{سال هجری قمری}$$

مثال: سال مورد نظر ۱۸۱۲ میلادی

$$۱) \frac{۳۳}{۳۲} (۱۸۱۲ - ۶۲۲) =$$

$$۲) \frac{۳۳}{۳۲} (۱۱۹۰) =$$

$$۳) \frac{۳۳ \times ۱۱۹۰}{۳۲} =$$

$$۴) \frac{۳۹۲۷۰}{۳۲} = ۱۲۲۷/۱$$

چون رقم اعشاری کمتر از ۵/۰ است

بنابراین به حساب نمی‌آید و حذف می‌شود. بنابراین

سال مورد نظر ۱۲۲۷ هجری قمری است.

جدول (۱)

تبدیل روز و ماه و سال هجری شمسی به روز و ماه و سال میلادی	
اول فروردین = ۲۱ مارس	برابر با سومین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول اردیبهشت = ۲۱ آوریل	برابر با چهارمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول خرداد = ۲۲ مه	برابر با پنجمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول تیر = ۲۲ ژوئن	برابر با ششمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول مرداد = ۲۳ ژوئیه	برابر با هفتمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول شهریور = ۲۳ اوت	برابر با هشتمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول مهر = ۲۳ سپتامبر	برابر با نهمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول آبان = ۲۳ اکتبر	برابر با دهمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول آذر = ۲۲ نوامبر	برابر با یازدهمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول دی = ۲۲ دسامبر	برابر با دوازدهمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول بهمن = ۲۱ ژانویه	برابر با اولین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول اسفند = ۲۰ فوریه	برابر با دومین ماه سال میلادی در سال‌های عادی ۲۸ روز و در سال‌های کبیسه ۲۹ روز دارد.

جدول (۲)

تبدیل روز، ماه و سال میلادی به روز، ماه و سال هجری شمسی	
اول ژانویه برابر با ۱۱ دی	
اول فوریه برابر با ۱۲ بهمن	
اول مارس برابر با ۱۰ اسفند (در سال کبیسه ۱۱ اسفند)	
اول آوریل برابر با ۱۲ فروردین	
اول مه برابر با ۱۱ اردیبهشت	
اول ژوئن برابر با ۱۱ خرداد	
اول ژوئیه برابر با ۱۰ تیر	
اول اوت برابر با ۱۰ مرداد	
اول سپتامبر برابر با ۱۰ شهریور	
اول اکتبر برابر با ۹ مهر	
اول نوامبر برابر با ۱۰ آبان	
اول دسامبر برابر با ۱۰ آذر	

اقتباس از کتاب فریدناندو وستنفلد و ادوارد ماهر؛
تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی
با مقدمه و تجدیدنظر از دکتر حکیم‌الدین قریشی.

✓ تبدیل روز و ماه و سال هجری شمسی به روز و ماه و سال میلادی

از طریق جدول (۱)

مراحل کار عبارتند از:

- ۱- ابتدا به جدول (۱) مراجعه کنید و معادل اول ماه شمسی را پیدا کنید.
 - ۲- دقت کنید که تاریخ موردنظر شمسی مربوط به کدام قسمت از سال شمسی است یعنی قبل از ۱۱ دی یا بعد از ۱۱ دی ماه است؟
 - ۳- در صورتی که تاریخ موردنظر شمسی بین اول فروردین و ۱۱ دی باشد سال شمسی را با عدد ۶۲۱ جمع می‌کنیم. عدد به‌دست آمده سال میلادی است.
 - ۴- در صورتی که تاریخ موردنظر شمسی بین ۱۱ دی و ۲۹ یا ۳۰ اسفند بود سال ۶۲۲ را با سال شمسی جمع می‌کنیم. عدد به‌دست آمده سال میلادی است.
- مثال: ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ هجری شمسی برابر با کدام روز، ماه و سال میلادی است؟

- ۱- اول بهمن مطابق با ۲۱ ژانویه است.
- ۲- ۲۲ بهمن مطابق با ۱۱ فوریه است.
- ۳- چون ۲۲ بهمن بین ۱۱ دی و ۲۹ یا ۳۰ اسفند قرار دارد، بنابراین به تاریخ شمسی موردنظر عدد ۶۲۲ می‌افزاییم.

$$۱۳۵۷ + ۶۲۲ = ۱۹۷۹$$

بنابراین ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ برابر است با ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ میلادی

✓ تبدیل روز، ماه و سال میلادی به روز، ماه و سال هجری شمسی

از طریق جدول شماره (۲)

مراحل کار به‌ترتیب ذیل انجام می‌شود.

- ۱- اگر سال میلادی موردنظر، بین اول ژانویه تا ۲۰ مارس باشد، عدد ۶۲۲ را از سال میلادی کم می‌کنیم عدد به‌دست آمده سال شمسی است.
- ۲- اگر سال میلادی موردنظر، بین ۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر قرار داشته باشد، عدد ۶۲۱ را از سال میلادی کم می‌کنیم.

مثال: ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی برابر با کدام روز، ماه و سال هجری است؟

۱- اول اوت برابر است با ۱۰ مرداد

۲- ۵ اوت برابر است با ۱۴ مرداد

۳- از آنجا که تاریخ موردنظر میلادی بین ۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر قرار دارد

عدد ۶۲۱ را از سال میلادی کم می‌کنیم.

$$۱۲۸۵ = ۶۲۱ - ۱۹۰۶$$

بنابراین، ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی برابر است با ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی

✓ روش تبدیل سال هجری قمری به ضرب می‌کنیم.

سال هجری شمسی (۲) حاصل ضرب را بر عدد ۳۵۴ تقسیم

۱- سال هجری قمری موردنظر را در عدد می‌کنیم.

۱۱ ضرب می‌کنیم. (۳) سپس عدد به دست آمده را به سال

۲- سپس حاصل ضرب را بر عدد ۳۶۵ شمسی اضافه می‌کنیم.

مثال: سال ۱۳۲۰ هجری شمسی برابر با تقسیم می‌کنیم.

۳- نتیجه به دست آمده را از سال قمری

موردنظر کم می‌کنیم. سال به دست آمده سال هجری

شمسی است.

مثال: سال ۱۲۶۸ هجری قمری برابر با

کدام سال هجری شمسی است؟

بنابراین سال ۱۳۲۰ هجری شمسی برابر

است با سال ۱۳۶۱ هجری قمری

$$۱) ۱۲۶۸ \times ۱۱ = ۱۳۹۴۸$$

$$۲) ۱۳۹۴۸ \div ۳۶۵ = ۳۸$$

$$۳) ۱۲۶۸ - ۳۸ = ۱۲۳۰$$

بنابراین سال ۱۲۶۸ هجری قمری برابر

است با سال ۱۲۳۰ هجری شمسی.

روش تبدیل سال هجری شمسی به سال

هجری قمری

(۱) سال شمسی موردنظر را در عدد ۱۱



ابوریحان بیرونی دانشمند
ایرانی از نخستین کسانی
است که درباره گاه‌شماری و
نجوم تحقیقاتی انجام داد.

حساب جُمَّل و «ماده تاریخ، چیست؟

از قدیم‌الایام منجمین و تقویم‌نویسان برای ثبت بسیاری از اطلاعات نجومی و تقویمی ناچار بودند برای بسیاری از موضوعات موجود در تقویم علائم اختصاری قرار دهند، زیرا دفترهای تقویم گنجایش این همه اطلاعات را نداشت و برای این منظور برای هر یک از حروف الفبای عربی ارزش عددی ایجاد کردند. این حروف در اصطلاح نجومی «جُمَّل» و یا «حروف تقویمی» نام دارد. این حروف به شیوهٔ الفبای فینیقی نوشته می‌شود و هر کدام ارزش عددی واحدی دارد. به جدول صفحهٔ بعد توجه کنید.

این‌گونه نوشتن حروف را الفبای «ابجد» خواندند و برای سهولت در حفظ کردن آن به شکل زیر خوانده می‌شود «آبجد، هَوَز، حُطی، کَلِمَن، سَعْفَص، قَرَشْتُ، تَخَذ، ضَطَغ»
 ماده تاریخ: یکی دیگر از کاربردهای حساب ابجد تنظیم ماده تاریخ بود. ماده تاریخ، کلمه، جمله، بیت و یا مصرعی است که مجموع حروف آن به حساب ابجد مطابق با تاریخ واقعه‌ای تاریخی یا رویدادی خاص باشد. مثل سال جلوس، وفات، فتح یک شهر و ... نویسندگان بسیاری از متون با ارزش ادبی و تاریخی ما ایرانیان، از زمان‌های دور برای ذکر زمان یک رویداد، از «ماده تاریخ» استفاده می‌کردند. بنابراین پژوهشگران تاریخ برای درک و شناسایی زمان این رویدادها، الزاماً باید با اصول این فن آشنایی داشته باشند.

توجه داشته باشید که برای به‌دست آوردن سال موردنظر باید ارزش عددی حروف آن کلمه یا قطعه شعر را با هم جمع کنید.

مثال:

شاه عالم پناه اسماعیل	تا شده مهر در نقاب شده
رفت خورشید و «ظل» شدش تاریخ	سایه تاریخ آفتاب شده

این «ماده تاریخ» نشانگر سال وفات شاه اسماعیل اول صفوی است. زیرا مجموع

ارزش عددی دو حرف «ظ» (۹۰۰) + «ل» (۳۰) ، سال ۹۳۰ هجری قمری است.

ارزش عددی و	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	
ترتیب حروف ابجد	ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	
(۹)	(۱۰)	(۲۰)	(۳۰)	(۴۰)	(۵۰)	(۶۰)	(۷۰)	(۸۰)	(۹۰)
ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
(۱۰۰)	(۲۰۰)	(۳۰۰)	(۴۰۰)	(۵۰۰)	(۶۰۰)	(۷۰۰)	(۸۰۰)	(۹۰۰)	(۱۰۰۰)
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

پرسش‌های نمونه

- ۱- مهم‌ترین مبادی تقویم در جهان را نام برده و به اختصار شرح دهید.
- ۲- مهم‌ترین کاربرد تقویم توسط دولت‌ها و ملت‌ها در گذشته چه بود؟
- ۳- قبل از داریوش اول چه نوع تقویمی در ایران رایج بود و چه ویژگی‌هایی داشت؟
- ۴- در دوره ساسانیان چه نوع گاه‌شماری رایج بود؟ شرح دهید.
- ۵- روز، ماه و سال تولد خود را به روز و ماه و سال میلادی تبدیل کنید و سپس سال میلادی به دست آمده را به سال هجری قمری تبدیل کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- با راهنمایی دبیران محترم ادبیات و تاریخ، سه «ماده تاریخ» را از متون ادبی و یا تاریخی استخراج کنید و در کلاس ارائه دهید.
- ۲- در مصرع ذیل «ماده تاریخ» وفات حافظ آمده است؛ آن را استخراج کنید.
- ۳- «بجو تاریخش از خاک مصلی»
آیا می‌توانید برای سال تولد خود یک «ماده تاریخ» بسازید؟

جغرافیا بستر تحولات تاریخی



از ابعاد حیات اجتماعی زندگی گذشته انسان آماده‌تر می‌کند.

بازدید یک شهر و مشاهده آثار و بناها، بازار، میدان و محلات قدیمی، خود راهی برای ورود به زندگی ساکنان گذشته آن است و مورخان را برای فهم عمیق‌تر و بازسازی دقیق‌تر گذشته‌ها آماده می‌کند.

در این درس به بررسی یکی دیگر از بنیادها و ارکان علم تاریخ، یعنی مکان می‌پردازیم. بررسی و مطالعه بستر جغرافیایی رویدادها، یعنی مکان، در پژوهش‌های تاریخی اهمیت بسیار دارد؛ زیرا هر واقعه تاریخی در بستری جغرافیایی رخ می‌دهد. مطالعه و مشاهده دقیق محل و مکان وقوع رویدادها، مورخان را برای درک بسیاری

انسان و محیط جغرافیایی

که منکر نقش عامل انسان در تغییر و دگرگونی محیط طبیعی شده‌اند.^۱ پدیده‌های جغرافیایی مانند رودخانه‌های نیل، دجله و فرات، سند، کارون و ... همواره جمعیت‌های فراوانی را در کرانه‌های خود جذب کرده و در ظهور تحولات بزرگ تاریخی و تمدنی نقش فراوانی ایفا کرده‌اند. زندگی ایلی و اقتصاد مبتنی بر دامداری و کوچ‌نشینی در مکان‌هایی توسعه یافته‌اند که دارای مراتع سرسبز و چراگاه‌های وسیع و باران کافی بودند. سواحل مناسب دریاها، موجب توسعه اقتصاد مبتنی بر تجارت دریایی و صیادی شده است. ظهور تمدن‌های دریایی مانند تمدن فنیقی، یونانی و کارتاژی مستقیماً به نقش دریاها و سواحل مناسب آن بستگی داشته است. توسعه زندگی صحراگردی و تکیه بر زندگی عشیره‌ای و قبیله‌ای ناشی از شرایط آب و هوایی مناطق گرم و خشک است. در میان عوامل طبیعی تأثیرگذار بر زندگی انسانی، نقش آب و هوا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با نگاهی به نقشه‌های پراکندگی جمعیت، درمی‌یابیم که مناطق پرجمعیت دنیا که در واقع قطب‌های انبوه تراکم جمعیت هستند در نیم‌کره شمالی قرار گرفته‌اند^۲ و از سویی مناطقی از جهان به علت وضعیت نامساعد جغرافیایی و آب و هوایی خالی از سکنه باقی مانده‌اند. زیرا انسان

زمینی که ما بر روی آن زندگی می‌کنیم آب و هوا و ویژگی‌های جغرافیایی گوناگونی دارد. مثلاً از نظر آب و هوا، کره زمین به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود که عبارتند از: ۱- آب و هوای گرم (گرم استوایی، گرم مداری و گرم بیابانی) ۲- آب و هوای منطقه معتدل (مدیترانه‌ای، اقیانوسی، بَرّی) ۳- آب و هوای منطقه سرد (سرد قطبی و کوهستانی). هرکدام از این مناطق از نظر پوشش گیاهی و جانوری، جنس زمین، پراکندگی جمعیت، منابع طبیعی و معدنی، ناهمواری‌ها و ... با هم متفاوتند. در این سرزمین‌ها، انسان‌هایی زندگی می‌کنند که برای ادامه حیات خود در حال تعامل با محیط خود هستند. هرکدام از این محیط‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص خود، بر زندگی ساکنان خود تأثیر می‌گذارند. جغرافیای انسانی به تأثیرات متقابل انسان و محیط بر یکدیگر می‌پردازد. محیط جغرافیایی از بدو خلقت انسان، بر زندگی و فعالیت‌های او تأثیر داشته است؛ گرچه با توسعه علم و فن‌آوری در عرصه‌های مختلف، به تدریج از تأثیرات محیط جغرافیایی بر زندگی انسان تا حدودی کاسته شده اما هیچ‌گاه این تأثیر از بین نرفته است. برخی از جغرافی‌دانان در تأکید بر نقش عامل محیط بر زندگی اجتماعی انسان تا آن جا پیش رفته‌اند

۱- راتزل (Fridrich Rotzel) جغرافی‌دان آلمانی و بنیانگذار جغرافیای انسانی به جبر جغرافیایی یا دترمینیسم (Determinism) که

همان تأثیر قاطع محیط بر زندگی انسان است معتقد بود.

۲- مانند آسیای شرقی (چین، ژاپن و کره) و آسیای جنوب و جنوب شرقی (هند، پاکستان، بنگلادش و ...) و اروپای مرکزی و غربی

و ایالات متحده آمریکا تماماً در نیم‌کره شمالی قرار گرفته‌اند.



همواره از گرمای شدید و طاقت فرسا و سرمای خشن و گزنده گریزان است. برخی از جغرافی دانان و مورخان بین ظهور تمدن‌های باستانی مصر، یونان، روم و ایران باستان و وضعیت آب و هوایی آنها نوعی ارتباط قائل هستند^۱. هانتینگتن^۲ معتقد است، در بین عوامل طبیعی مؤثر بر زندگی انسان، شرایط آب و هوا در رشد و شکوفایی تمدن‌ها نقش اساسی و مهم ایفا کرده است. به جز شرایط آب و هوا، وضعیت جغرافیایی سرزمین‌ها در ایجاد ارتباط با سرزمین‌های دیگر تأثیرگذار بوده‌اند. به عنوان نمونه برخی از عوامل طبیعی مانند، رودهای قابل کشتیرانی، گذرگاه‌های کوهستانی، جلگه‌ها و دشت‌های باز و رشته‌کوه‌های کم‌ارتفاع، همواره باعث تسهیل ارتباطات بین جوامع و گاه وقوع رویدادهای مهم تاریخی نظیر مهاجرت‌ها و جنگ‌ها و یا ظهور تمدن‌ها شده‌اند. و از سویی دیگر، پاره‌ای از عوامل جغرافیایی مانند، رشته‌کوه‌هایی که عبور از آن بسیار دشوار بود، اقیانوس‌ها و دریا‌های پهناور، رودخانه‌های یخ‌زده، صحراهای سوزان و بی‌آب و علف، مرداب‌ها و باتلاق‌ها و دره‌های عمیق، جریان ارتباطات بین جوامع را در گذشته کُند و یا در پاره‌ای از موارد متوقف می‌ساخت و برخی از جوامع را در انزوا و دور از تحولات فرهنگی و تمدنی نگاه می‌داشت. به تصاویر این صفحه و صفحه بعد توجه کنید.

۱- این جغرافی‌دانان معتقدند درجه حرارت سالیانه محل پیدایش این تمدن‌ها در آن دوران در وضعیت بسیار مطلوب قرار داشته است.

جغرافی دان مشهور آمریکایی Hantington - ۲

پیوند جغرافیا و تاریخ



یکی از بنیادی‌ترین سؤالات مورخان در بررسی یک رویداد، آگاهی از مکان وقوع آن است، زیرا همواره رویدادهای تاریخی در برشی از زمان و در صحنه‌ای به نام مکان ظهور پیدا می‌کنند. پیشینه پیوند تاریخ و جغرافیا به زمان‌های بسیار دور بازمی‌گردد. هرودوت مورخ مشهور یونانی که عنوان پدر تاریخ را به او داده‌اند، به منظور تألیف اثر تاریخی خود بسیاری از سرزمین‌ها را از نزدیک مشاهده کرد. او برای مشاهده بستر جغرافیایی رویدادهای تاریخی مورد نظر خود به سفر پرداخت.



هم‌چنین بسیاری از مورخان مسلمان چون مسعودی برای تألیف آثار خود برای مشاهده محل وقوع رویدادهای تاریخی و درک و فهم بهتر وقایع، دست به مسافرت‌های دور و درازی زدند. آنان به اهمیت مکان در بررسی‌های تاریخی توجه داشتند و به همین دلیل آثار برجای مانده از آنها، ترکیبی از تاریخ و جغرافیا است.



ابن‌خلدون مورخ برجسته تونسی در قرن ۹ ق. از نخستین مورخان است که درباره تأثیر جغرافیا در جریان‌های تاریخی و حتی خلق و خوی آدمیان اظهار نظر کرده است.

امروزه مورخ سعی می‌کند تاریخ را با توجه به محل وقوع رخدادها، بازسازی کند. بسیاری از ابعاد تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی با مطالعه مکان وقوع حوادث روشن و مشخص خواهند شد. بازسازی تاریخ براساس اسناد و مدارک با مشاهده و بازرسی عرصه وقوع حوادث، یعنی مکان، کامل‌تر و دقیق‌تر صورت خواهد گرفت.

در بررسی تاریخ یک کشور، تنها با مطالعه رویدادهای تاریخی محض به شناخت دقیق و فهم درستی از گذشته نایل نمی‌شویم. بلکه زمانی این امر میسر می‌شود که در کنار مطالعه رویدادها به بررسی موقعیت مکانی و جغرافیایی آن نیز بپردازیم. شهرها، پایتخت‌ها، راه‌های ارتباطی، مناطق مهم نظامی، (مثل گذرگاه‌ها و تنگه‌ها) باید به دقت مشاهده و توصیف شوند.

اطلاعات جغرافیایی به دلایل گوناگون مورد توجه فرمانروایان کشورها و تجار و ... بوده است. برخی از این دلایل عبارتند از:

۱- آگاهی از موقعیت جغرافیایی سرزمین‌های دور و نزدیک و سرزمین‌های تحت سلطه، مانند وضعیت چراگاه‌ها، مراتع و آب و هوای سرزمین‌ها، جهت اداره قلمرو حکومت، نظیر تعیین مالیات و خراج.

۲- اطلاع از گذرگاه‌ها، تنگه‌ها و کمین‌گاه‌های نظامی، منابع آب و آذوقه، استحکامات شهری به منظور اهداف نظامی و سیاسی.

۳- آگاهی از شبکه راه‌های زمینی و دریایی جهت انجام امور تجاری و اقتصادی و حتی برخی از ضرورت‌های دینی نظیر زیارت اماکن مقدس و علم‌آموزی و آگاهی از فرآورده‌های صنعتی و کشاورزی ممالک دیگر جهت توسعه مراودات تجاری و ...



کتاب‌های مسالک و ممالک

مسالک در لغت به معنی راه‌ها و ممالک به معنی کشورها و سرزمین‌ها و ولایات است. المسالک و الممالک (راه‌ها و کشورها) عنوان برخی از کتب جغرافیایی است که توسط جغرافی‌دانان مسلمان ایرانی و عرب به زبان عربی تألیف شده‌اند. مانند کتاب المسالک و الممالک ابن‌خردادبه و یا کتاب المسالک و الممالک ابن‌حوقل و ... که حاوی اطلاعات جغرافیایی و تاریخی سرزمین‌ها و راه‌های آنها است.



ویرانه‌های شهر موسوم به «شهر غُلغله» در سیستان قدیم که اینک در خاک افغانستان قرار دارد. این تصویر به خوبی تأثیر عوامل طبیعی (ماسه روان) را بر ویرانی مناطق مسکونی نشان می‌دهد.

تحت الشعاع قرارداد و امروزه با کشف ذخیره‌های عظیم نفت در جزایر، سواحل و بستر آب‌های آن، اهمیت آن به شدت افزایش یافته است. مطالعه سیر تاریخ استعمار در ایران بیانگر این حقیقت است که، حضور استعمارگران در ایران با موقعیت جغرافیایی ممتاز خلیج فارس گره خورده است.

جغرافیای تاریخی^۲

بررسی و مطالعه تاریخ در عرصه جغرافیایی آن به عهده علمی به نام جغرافیای تاریخی است. تاریخ علم بازسازی گذشته اجتماعی انسان و

در بررسی تاریخ سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران، توجه به پدیده‌های جغرافیایی نظیر شبکه‌های راه‌ها، (مثل راه ابریشم^۱) گذرگاه‌ها و آبراه‌های مهم مانند خلیج فارس اهمیت فراوانی دارد. آبراه‌ها همواره بستری برای انتقال و مبادله دستاوردهای مادی و معنوی بشر بوده‌اند و در میان آنها خلیج فارس نقشی ممتاز در تاریخ دارد. با شروع دریانوردی و تجارت دریایی، خلیج فارس نقش جهانی یافت و به یکی از گذرگاه‌های مهم ارتباطی اروپا با آسیا تبدیل شد و بعد از چندی اهمیت نظامی آن حتی نقش بازرگانی آن را

۱- راه ابریشم جاده‌ای بود که چین شرقی را به دریای مدیترانه پیوند می‌داد و از شهرهای مهمی از ایران نظیر ری و نیشابور عبور می‌کرد. این راه شرق دور را به اروپا پیوند می‌داد. کالاهای گرانبها و نفیس شرقی نظیر ابریشم، ادویه، جواهرات و سنگ‌های قیمتی از این راه به اروپا حمل می‌شد. اما از آن‌جا که ابریشم شرقی طرفداران زیادی در مغرب زمین داشت به جاده ابریشم شهرت یافته است. تا زمان فتح ایران به دست اعراب مسلمان، تجارت عمده و اصلی ابریشم مشرق زمین را تجار ایرانی اداره می‌کردند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، جلد اول، امیرکبیر، ۱۳۸۱، صفحه ۷۱۷.

جغرافیای تاریخی به منزله بازسازی گذشته جغرافیایی محسوب می‌شود. گذشته‌ای که آثار آن ممکن است هم‌اکنون وجود نداشته و یا از دید ما پنهان باشد. و به عبارت دیگر جغرافیای تاریخی علمی است که محل دقیق حوادث و رویدادها، و تأثیر مداخلات انسان در محیط طبیعی و تأثیر محیط بر زندگی انسان را در گذشته مورد مطالعه قرار می‌دهد. روزه دیون^۱ جغرافی‌دان فرانسوی می‌گوید: «جغرافیای تاریخی نوعی جغرافیای انسانی است که به گذشته توجه دارد.» بنابراین جغرافیای تاریخی هر نوع مسئله مربوط به جغرافیای انسانی را در گذشته مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. امروزه در جهان به ویژه در برخی از کشورهای اروپایی نسبت به جغرافیای تاریخی رویکردی جدید در حال شکل‌گیری است و برای بازسازی جغرافیایی گذشته مطالعات وسیعی طرح‌ریزی شده است تا از این طریق، سهم محیط جغرافیایی را در رویدادهای تاریخی به‌خوبی اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل نمایند. مثلاً متخصصان جغرافیای تاریخی شهری به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل هستند: ۱- چرا در دوره ایلخانان مراغه به عنوان پایتخت انتخاب شده است؟ ۲- علت رشد و رونق اقتصادی و بارکود آن در گذشته چه بوده است؟ ۳- آیا این شهر دژی نظامی محسوب می‌شده است؟ ۴- مراکز صنعتی، فرهنگی و اقتصادی

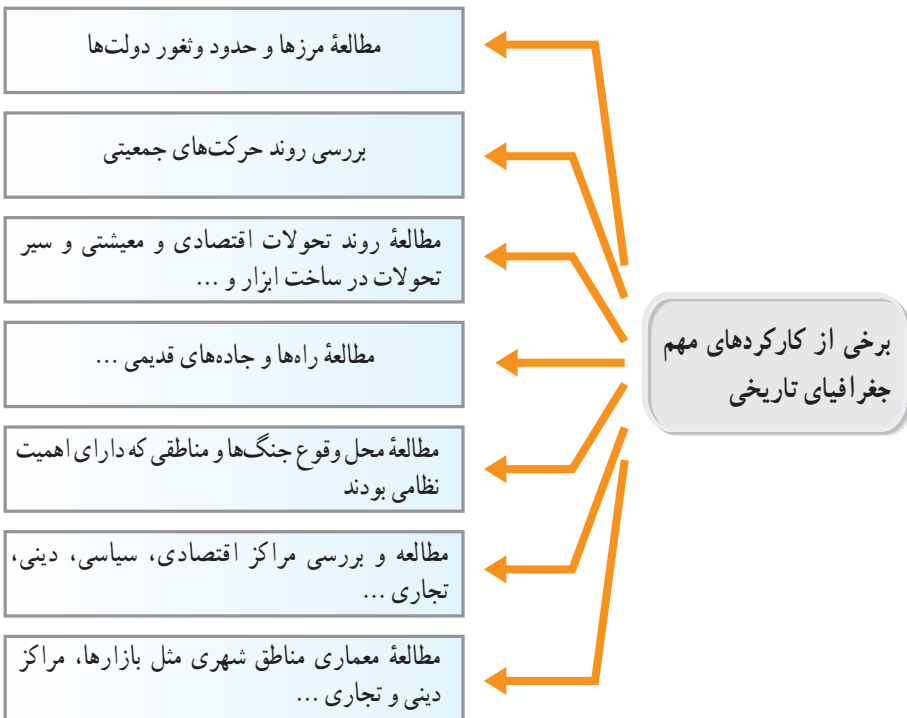
آن در فلان دوره در چه مناطقی قرار داشته است و... .

دامنه مطالعات جغرافیای تاریخی بسیار گسترده است. مطالعه مرزها و حدود و ثغور دولت‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی، بررسی روند حرکت‌های جمعیتی مثل مهاجرت‌های بزرگ اقوام، مطالعه روند تحولات اقتصادی و معیشتی و بررسی جریان تولید و سیر تحولات در ساخت ابزار و فن‌آوری در عرصه‌های صنعت و کشاورزی در قلمرو مطالعات این رشته قرار دارد. حتی مطالعه راه‌ها و جاده‌های قدیمی و مطالعه مردمانی که از این جاده عبور می‌کردند. مانند تجار و بازرگانان، نظامیان، زائران، مبلغان مذهبی، چارها و بررسی اشیاء و اجناس و کالاهای تجارتمندی که در این جاده‌ها حمل و نقل می‌شده، یکی دیگر از موضوعات مطالعات این رشته است. مطالعه و بررسی محل وقوع جنگ‌ها و مناطقی که از لحاظ نظامی اهمیت داشته‌اند مانند دره‌ها، گذرگاه‌های طبیعی، قلعه‌ها و برج‌ها و بررسی مکان‌هایی که از نظر اقتصادی و سیاسی و دینی در گذشته مهم بوده‌اند، مانند بندرها، رودها و دریاها، شاهراه‌های تجارتمندی، چاپارخانه‌ها، شهرها، پایتخت‌ها، پل‌ها، مساجد، خانقاه‌ها، کلیساها، دیرها و معابد، همه از مواردی هستند که بازسازی گذشته را به صورت دقیق‌تر میسر می‌سازند.

مرزها، پدیده‌ای جغرافیایی و تاریخی

«سرحدات» و «حدود و ثغور» است^۱. چرا که مرز کلمه‌ای است که در دوره معاصر به ادبیات سیاسی و نظامی ما وارد شده است و در گذشته به جای این کلمه از سرحدات و حدود و ثغور استفاده می‌شد. به مرور زمان شیوه سرحدداری در جهان به شیوه مرزداری تبدیل شد. در آغاز مرزها و سرحدات به مفهوم اولیه خود، شکل طبیعی داشت نه مصنوعی. دریاها و رودها تا مدت‌ها از نمونه‌های مشخص و عینی مرز طبیعی بودند. جنگل‌ها و مرداب‌ها و صحراها، مکان‌های خالی

یکی از موضوعاتی که در مطالعات تاریخی و به‌ویژه در جغرافیای تاریخی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد مسئله مرز است. در جغرافیای تاریخی مرز به عنوان عنصری زنده و پویا و در مواقعی مخاطره‌آمیز که موجب جنگ‌های فراوانی در طول تاریخ شده است، بررسی می‌شود. در گذشته مفهوم مرز به شکل امروزی وجود نداشت. هنگامی که کلمه مرز را در رابطه با تاریخ زمان‌های گذشته به کار می‌بریم، منظور ما



۱- به عنوان مثال دولت ساسانیان در بین‌النهرین حیره را به عنوان منطقه سرحدی میان خود و روم شرقی قراردادند و دولت روم

شرقی نیز غسان را در شامات به عنوان منطقه سرحدی با ایران تأسیس کرد.

از انسان بودند که میان اجتماعات انسانی فاصله می‌انداختند. در آن سوی این حصارها و مناطق خالی از سکنه، سرزمین‌هایی قرار داشت که در آن حکومت‌ها و دولت‌ها شکل گرفته بود. در درون هر کدام از این واحدهای سیاسی و اجتماعی کوچک و بزرگ گاه مرزهای داخلی وجود داشت که قلمرو حکومت‌های محلی و منطقه‌ای را مشخص می‌ساخت.

مورخان با مطالعهٔ مرزها، به بررسی و شناسایی بسیاری از عوامل می‌پردازند که برخی از آنها عبارتند از:

۱- بررسی ریشهٔ جنگ‌های برخی از اقوام و ملت‌ها در گذشته و نیز بررسی قراردادهای مرزی بین کشورها؛

۲- راه‌های نفوذ و عبور سپاهیان و محل وقوع جنگ‌ها در مناطق سرحدی و مرزی و شناسایی مراکز نظامی، پادگان‌ها، دژها، استحکامات و ... که در مناطق مرزی کشورها ایجاد شده‌اند؛

۳- نقش قدرت سیاسی و نظامی حکومت‌ها و یا خلع آنها در تعیین خطوط مرزی در سلسله‌های تاریخی گذشته و نیز کشف و شناسایی خطوط مرزی در دوره‌های مختلف تاریخی.

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

به جز موارد فوق آیا موضوعات دیگری نیز در مطالعات و بررسی‌های مرزها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند؟ به چند مورد اشاره کنید.

نقشه‌های تاریخی

که در آثار تاریخی تألیف شده این دوره نقشه‌هایی از دوره‌های مختلف تاریخی تهیه و ترسیم شده است. مراجعه به نقشه‌های تاریخی به تاریخ‌پژوهان کمک می‌کند تا با مشاهدهٔ تاریخ برگسترهٔ جغرافیایی آن نائل شوند. توجه داشته باشید که، نقشه‌های تاریخی با نقشه‌های قدیمی متفاوت است. مثلاً نقشه‌ای که از شهر اصفهان در دورهٔ شاه عباس

مطالعات و پژوهش‌هایی که در عرصهٔ جغرافیای تاریخی صورت می‌گیرد، سرانجام به تهیه و تدوین نقشه‌ها و اطلس‌های^۱ تاریخی می‌انجامد. با پیشرفت روش‌ها و تکامل شیوه‌های پژوهش در تاریخ در دو قرن اخیر، مورخان به اهمیت و استفاده از نقشه‌ها بی‌برده‌اند. به طوری

۱- اطلس به کتابی گفته می‌شود که شامل نقشه‌ها، تصاویر، نمودار، جدول، و یک سلسله اطلاعات دیگر دربارهٔ یک موضوع و رشتهٔ

خاص است. مانند اطلس جغرافیایی، اطلس تاریخی و ...



در آن است. اطلاعات موجود در نقشه‌های تاریخی بیشتر کمیت‌های سیاسی و نظامی را در برمی‌گیرد و چنین نقشه‌هایی از ارائه اطلاعات و اخبار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و بسیاری دیگر از جلوه‌های حیات اجتماعی انسان در گذشته ناتوان هستند؛ اما با مطالعات دقیق و موشکافانه مورخان و پژوهشگران در عرصه جغرافیای تاریخی به مرور این گونه نقشه‌ها کامل‌تر و غنی‌تر می‌شوند.

اول تهیه شده است، نقشه‌ای قدیمی است و تنها به عنوان یک سند و مدرک تاریخی مورد توجه مورخان قرار می‌گیرد.

نقشه تاریخی حاصل کار مورخان و مؤسسات نقشه‌نگاری در دوره کنونی است که از طریق بررسی و مطالعه جامع و دقیق اسناد و منابع تاریخی به دست می‌آید و علت توجه مورخان به تهیه و تنظیم نقشه‌های تاریخی بیشتر به جهت فراوانی نسبی اطلاعات موجود

در کلاس با همکاری دبیر خود نقشه تاریخی دوره سامانیان را با عصر صفویان

مقایسه کنید. چه برداشتهایی از این مقایسه دارید؟ در چند سطر بنویسید.

برخوردهای نظامی، مناطق استراتژیک، شبکه راهها، مراکز فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک دوره تاریخی بازشناخته و با سهولت بیشتری بررسی می‌شوند.

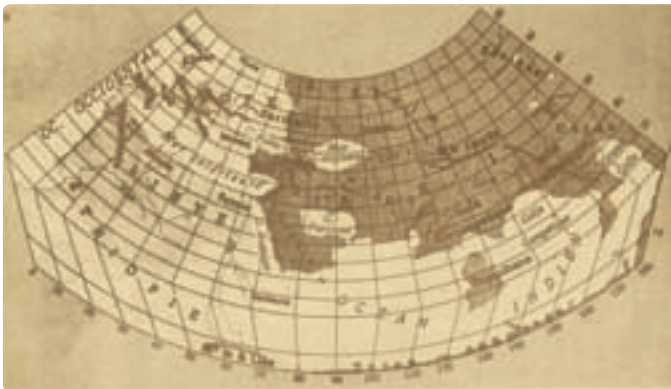
۴- یکی از راههای درک بصری رویدادهای تاریخی استفاده از نقشه‌های تاریخی است. نقشه‌های تاریخی ابزار سودمند در آموزش تاریخ محسوب می‌شوند، زیرا استفاده از آنها در آموزش سلسله‌ها و دوره‌های حکومتی، دانش‌آموزان و دانشجویان را آماده می‌کند تا مفاهیم و موضوعات تاریخی را در فضای جغرافیایی و در بستر مکان بهتر درک کنند.

نقشه‌های تاریخی به عنوان ابزاری سودمند به مورخان و معلمان تاریخ یاری می‌رسانند. برخی از این موارد عبارتند از:

۱- با مشاهده نقشه‌های تاریخی و بررسی قلمرو جغرافیایی و سیاسی یک سلسله، می‌توان به اقتدار و عظمت و اهمیت آن دوره و یا به ضعف و سستی آن پی برد.

۲- از طریق نقشه‌های تاریخی مقایسه دوره‌ها و سلسله‌های حکومتی از لحاظ وسعت قلمرو، پایتخت‌ها، شهرها، شبکه راه‌های تجاری و نظامی، خطوط مرزی و ... امکان پذیر می‌شود.

۳- از طریق نقشه‌های تاریخی، محل



نام خلیج فارس در نقشه جهان بطلمیوس

جغرافیای تاریخی خلیج فارس

خلیج فارس به واسطه اهمیت مهم جغرافیایی، تجاری، اقتصادی و نظامی خود یکی از کانون‌های اصلی تبادل فرهنگی در مشرق زمین محسوب می‌شود. کهن‌ترین نامی که از خلیج فارس وجود دارد «نارمَرتو»^۱ است که در کتیبه‌های آشوری برجای مانده است. در کتیبه‌ای که از **داریوش اول** پادشاه هخامنشی در تنگه سوئز در مصر برجای مانده، عبارت «**دراپه تیه هچا پارسا آئی تی**»^۲ یعنی دریایی که از سرزمین پارس می‌رود یعنی همان خلیج فارس نام برده شده است. در دوره ساسانیان این دریای کهن را دریای پارس می‌گفتند. در بسیاری از منابع دست اول و قابل استناد یونانی و رومی نام خلیج فارس برده شده است. **فلاویوس آریانوس**^۳ (قرن دوم میلادی) در اثر خود به نام شرح سفرهای جنگی اسکندر خلیج فارس را «**پرسیکون کای تاس**»^۴ نوشته است که ترجمه‌ی آن خلیج فارس است. **استرابن**^۵ جغرافی‌دان نامی یونانی (قرن یکم میلادی) از خلیج فارس با همین عنوان یاد کرده است. **بطلمیوس** جغرافی‌دان بزرگ قرن دوم میلادی در اثر جغرافیایی بزرگ خود خلیج فارس را با عنوان «**پرسیکوس سینوس**»^۶ یاد کرده است. همچنین مورخ مشهور رومی قرن اول میلادی «**کوین توس کورسیوس روفوس**»^۷ خلیج فارس را به زبان لاتینی «**آکواریوم پرسیکو**»^۸ یعنی آبگیر فارس خوانده است. سپس اصطلاح «**سینوس پرسیکوس**» در بسیاری از زبان‌های زنده دنیا ترجمه گردید و همه ملت‌های جهان این دریای ایرانی را به زبان خود، خلیج فارس می‌خوانند. در منابع جغرافیایی و تاریخی اسلامی، مورخان و جغرافی‌دانان بزرگ جهان اسلام خلیج فارس را با نام‌های «**بحر فارسی**» یا «**البحر الفارسی**» یا «**الخلیج الفارس**» یا «**خلیج فارس**» یاد کرده‌اند.^۹

۱- Narmaratu به معنی رود تلخ است.

۲- Draya tya hacha parsā aity

۳- Flavius Arrianus

۴- Persikon kaitas

۵- Strabon

۶- Persicus sinus

۷- Quintus curtius Rufus

۸- Aquvarum persico

۹- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به **مشکور، محمد جواد**؛ نام خلیج فارس در طول تاریخ، بی‌تا، بی‌نا، صفحه ۷ و ۸.

- ۱- چه عوامل جغرافیایی در طول تاریخ موجب تسهیل ارتباطات و یا کندی و توقف آن بین جوامع شده‌اند؟
- ۲- چرا اطلاعات جغرافیایی مورد توجه فرمانروایان بود؟
- ۳- خلیج فارس از چه ابعاد گوناگونی از گذشته تاکنون حائز اهمیت است؟
- ۴- مهم‌ترین کارکردهای جغرافیای تاریخی چیست؟
- ۵- مورخان با مطالعه مرزها چه مسائلی را مورد بررسی قرار می‌دهند؟
- ۶- محدودیت نقشه‌های تاریخی چیست؟ شرح دهید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- آیا به جز موارد مطرح شده در درس مورخانی را می‌شناسید که در آثار خود بر اهمیت بستر جغرافیایی رویدادهای تاریخی تأکید کرده باشند؟ در این باره تحقیق کنید و گزارشی در یک صفحه به کلاس ارائه دهید.
- ۲- در مورد جغرافیای تاریخی شهر و یا روستای محل زندگی خود گزارشی تهیه کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.
- ۳- یکی از کتاب‌های جغرافیای تاریخی نظیر المسالک والممالک تألیف ابن‌خردادبه یا صورة الارض تألیف ابن‌حوقل را از کتابخانه تهیه کنید و با کمک دبیر خود سابقه تاریخی نام خلیج فارس را با استفاده از آن بررسی کنید.

دنیای پر رمز و راز افسانه‌ها و حماسه‌ها



جنگ‌های ایرانیان با تورانیان

چگونه به بازسازی گذشته می‌پردازند و برای این کار از چه ابزارهایی بهره می‌برند. نیز با این نکته آشنا خواهید شد که تا چه اندازه بازسازی آغاز تاریخ انسان، دشوار است و مورخان برای بازسازی گذشته‌های دور، از چه منابعی استفاده می‌کنند. یکی از این منابع افسانه‌ها و حماسه‌های رایج در میان ملت‌ها هستند که در این درس با آنها آشنا می‌شوید.

براساس آنچه تاکنون خوانده‌اید، تاریخ دانشی معرفی شد که دو رکن عمده آن زمان و مکان است. موضوع اصلی این دانش بررسی گذشته بشر و تحولات آن است. اما باید دید اندازه آگاهی‌های ما از گذشته چه قدر است؟ آیا ما درباره همه گذشته طولانی بشر، آگاهی‌های نوشته شده (مکتوبات) داریم؟ در این درس و درس‌های بعد با این موضوع آشنا می‌شوید که مورخان

افسانه و تاریخ

مشهور است که تاریخ از افسانه شروع می‌شود؛ یعنی ابتدای تاریخ، «افسانه‌ای» است. ایرانیان باستان عقیده داشتند که اولین انسان و نخستین فرمانروای روی زمین شخصی به نام کیومرث بوده است. چینی‌های باستان بر این باور بودند که اولین انسان پان‌کو نام داشته و از نفس او باد و از موهایش درختان به‌وجود آمده‌اند. به همین نحو اگر تاریخ همه اقوام و ملل را مطالعه کنیم، می‌بینیم همه آنها وقتی تاریخ خود را از زمان‌های دور - زمان‌هایی که ما به درستی نمی‌دانیم چند هزار سال پیش بوده است - آغاز می‌کنند، از افسانه‌ها کمک می‌گیرند. اقوام و ملت‌ها با استفاده از افسانه‌ها، چگونگی پیدایش انسان، ساخته‌شدن وسایل و ابزارها، بنیان‌گذاری اعیاد و سنت‌ها و همانند آنها را بیان می‌کنند.

وقتی که افسانه‌ها، گذشته جوامع انسانی را بازگو می‌کنند، انسان با دنیایی از رمز و رازها، شگفتی‌ها و زیبایی‌های خیال‌انگیز روبرو می‌شود، اما در همان حال توضیحی روشن و دقیق از آنچه روی داده است به دست نمی‌آورد. در حقیقت وقتی که انسان به افسانه‌ها که محتوای آنها مربوط به دور دست‌های تاریخ است، می‌نگرد، مانند آن است که در افاق‌های دور دست همه‌چیز در حاله‌ای از ابهام فرومی‌رود. در عین حال اجزای اشیاء از یکدیگر تفکیک نمی‌شوند.

نامشخص و غیردقیق بودن محتوای افسانه‌ها بدین دلیل است که در افسانه‌ها به زمان و مکان پدیده‌ها توجهی نمی‌شود در حالی که در درس‌های گذشته خواندید که در تاریخ، هر واقعه‌ای زمان و مکان معینی دارد. مثلاً در افسانه‌های سومری آمده است که پهلوانی به نام گیل‌گامش^۱ در جست‌وجوی زندگی جاوید به جزیره‌ای به نام دیلمون سفر کرد. ما نمی‌دانیم دیلمون کجاست و گیل‌گامش کی و طی چند روز به آنجا رسیده است. اما در تاریخ، به عنوان مثال، می‌خوانیم؛ در سال ۴۶۳ ق. در ملازگرد (در شرق آسیای صغیر) میان آلب ارسلان سلجوقی و رومانوس دیوجانوس امپراتور بیزانس جنگی درگرفته و آلب ارسلان پیروز شده است. حتی می‌توان این خبر را دقیق و با ذکر جزئیات فراوان عرضه کرد.

اصطلاحاتی مانند افسانه، قصه، داستان و اسطوره اگر چه هر یک معنای خاص و ریشه لغوی مخصوص خویش را دارند، اما تقریباً به یک مفهوم به کار می‌روند. معمولاً منظور از به‌کاربردن این نام‌ها، داستان یا سرگذشت خیالی و غیرواقعی است. اما در مورد این که محتوای افسانه‌ها به کلی غیرواقعی است یا نه، میان مورخان، اسطوره‌شناسان و صاحب‌نظران فرهنگ بشری اتفاق‌نظر وجود ندارد. اکثر آنان بر این عقیده هستند که افسانه‌ها براساس واقعیات ساخته شده‌اند و در اصل واقعی بوده‌اند، لیکن با



بر اساس افسانه‌های یونانی، مهاجمان با ساختن یک اسب چوبی و پنهان کردن سربازان خود در آن، موفق به نفوذ در شهر تروا شدند.

۲- مفاهیم و مضامین افسانه‌ها، اختصاصاً به یک قوم یا ملت ندارد. مثلاً «قهرمان» در همه افسانه‌ها وجود دارد. در افسانه‌های ایران باستان اسفندیار، قهرمانی روئین تن است. در یونان باستان آشیل و در اسکانديناوی بالدر روئین تن هستند. بدون آن‌که ظاهراً میان این فرهنگ‌ها رابطه‌ای وجود داشته باشد، در این مفاهیم مشترک می‌باشند. این تشابه و اشتراک نشانه چیست؟ دانشمندان با استفاده از اسطوره‌شناسی تطبیقی به مطالعه دربارهٔ وجوه مشترک افسانه‌های ملل می‌پردازند و به موارد فراوانی از این شباهت‌ها دست یافته‌اند. آنان به این نتیجه رسیده‌اند که این شباهت‌ها اتفاقی نیست و گویای حقایق است. مثلاً نشان می‌دهد که انسان‌ها در گذشته‌های دور با هم زندگی می‌کرده‌اند و سپس از هم جدا شده‌اند.

گذشت زمان دچار دگرگونی شده و به شکل افسانه و اسطوره درآمده‌اند. در این تغییر و تبدیل، آن قدر سخنان عجیب و مطالب حیرت‌انگیز به آنها افزوده شده و توأم با اغراق‌گویی و خیال‌پردازی شده است که ظاهر آنها با خرد سازگار نمی‌نماید.

بعضی از دانشمندانی که افسانه‌ها را یک سره بی‌اساس می‌دانند معتقدند که چون انسان‌ها در گذشته، دربارهٔ پدیده‌های طبیعی و وقایع تاریخی آگاهی اندکی داشته‌اند، برای بیان آنها به تخیل و پندار متوسل می‌شده‌اند. بنابراین نظر، افسانه دستاورد خیال‌پردازی انسان‌ها بوده است، اما تحقیقات گروهی دیگر از دانشمندان، این ادعا را رد می‌کند که افسانه‌ها یکسره زادهٔ پندار و خیال باشند؛ زیرا:

۱- در اثر مطالعات مورخان و باستان‌شناسان، شواهدی به دست آمده که با بعضی مطالب موجود در افسانه‌ها هم‌خوانی دارد. مثلاً در تاریخ و فرهنگ یونان باستان «داستان جنگ تروا» بسیار مشهور است. جنگ تروا میان اقوام مهاجم یونانی با ساکنان شهر تروا صورت گرفت و سرانجام شهر به تصرف مهاجمان درآمد. همه فکر می‌کردند این داستان غیرواقعی است، اما هنگامی که در پی کاوش‌های باستان‌شناسی، خرابه‌های شهر تروا در غرب آسیای صغیر کشف شد، تحقیقات نشان داد این جنگ در ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد رخ داده است.

۱- در سال ۱۸۷۰ م توسط شلیمان باستان‌شناس آلمانی

خدایی به نام زئوس اعتقاد داشته‌اند. تحقیقات اسطوره‌شناسی و زبان‌شناسی نشان داده که دیو، زئوس و دئوس یکی بوده‌اند و در زمانی که اقوام ایرانی و هندی با هم زندگی می‌کرده‌اند خدای مورد پرستش آنان بوده است. حال بینیم افسانه‌ها چگونه پدید آمده‌اند.

به همین دلیل برخی باورها و شکل زندگی آنها در دوران زندگی مشترک همانند هم بوده است؛ مثلاً در ایران باستان مردم بر این باور بوده‌اند که موجود شروری به نام دیو وجود دارد. همین موجود را هندی‌ها دئوس می‌خوانده‌اند، و آن را یکی از خدایان خود می‌پنداشته‌اند. یونانی‌ها نیز به

پیک ژرف‌بینی

بر اساس اسطوره‌های اسکانندیناوی، **لوکی دشمن بالدر** است. بالدر چندین بار در خواب می‌بیند که خواهد مرد. اما **فریگ** (یکی از خدایان) همه موجودات را سوگند می‌دهد که به بالدر آسیبی نرسانند؛ به جز درختی که بسیار کوچک است. لوکی با شاخه‌ای از درخت، تیری می‌سازد و به **هود** می‌دهد تا به طرف بالدر پرتاب کند. بدین ترتیب بر اثر آن تیر، بالدر جان می‌سپارد.

تلاش بسیار می‌کرده‌اند، و به خصوص ایرانیان باستان از دروغگویی متنفر بوده‌اند. اما باید توجه داشت که حافظه انسان همواره در معرض خطر قرار دارد و این موضوع موجب از بین رفتن اطلاعات ما درباره آن واقعه یا تغییر و تبدیل آن می‌شود. از سوی دیگر در گفت‌وگوشنود هم، همواره احتمال اشتباه و لغزش وجود دارد. اگر گوینده در گفتار خود دچار نارسایی باشد یا شنونده درک شنیده‌ها دقت کافی به خرج ندهد، به احتمال زیاد موضوع مورد گفت‌وگو دچار تغییر و تبدیل فراوان می‌شود.

فرهنگ شفاهی و پیدایش افسانه‌ها

یکی از دلایل حضور بینش‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای در تاریخ بشر، حاکمیت فرهنگ شفاهی بوده است. نقطه مقابل فرهنگ شفاهی، فرهنگ مکتوب است. در فرهنگ مکتوب عامل اصلی حفظ و انتقال دانش‌ها و تجارب بشری و به‌طور کلی آنچه فرهنگ را می‌سازد، کتابت است؛ اما در فرهنگ شفاهی عامل اصلی حفظ و انتقال دانش‌ها، تجارب و به‌طور کلی فرهنگ، حافظه و گفت‌و شنود است. انسان‌ها در زمان‌های گذشته برای حفظ میراث‌های فرهنگی جوامع خویش

فرهنگ مکتوب به پایان می‌رسد. در هند باستان پس از آن‌که چندین قرن افسانه‌ها و اعتقادات مردم سینه به سینه نقل شد در حدود ۱۲۰۰ ق. م به صورت مکتوب درآمد که به آنها کتاب‌های ودا می‌گویند. در یونان باستان نیز پس از چند قرن افسانه‌ها و داستان‌ها در قرن نهم قبل از میلاد مکتوب شد. دو کتاب ایللیاد و او دیسه از آن جمله هستند. افسانه‌ها تا زمانی که مکتوب نشده‌اند همواره در حال تغییر و تحول و نیز تلفیق با افسانه‌های دیگر ملل هستند، اما پس از نوشته‌شدن، دیگر تقریباً شکل و محتوای ثابتی به خود می‌گیرند. برای مثال هنگامی که فردوسی شاهنامه را به نظم می‌آورد، روایت‌های مختلفی از افسانه‌ها و حماسه‌های ایرانی وجود داشت. اما پس از آن همگان شاهنامه را شکل واحد افسانه‌ها و حماسه‌های ایرانی دانستند.



هومر، حماسه سرای یونانی به جمع‌آوری افسانه‌ها و حماسه‌های یونانی پرداخت و آنها را در دو مجموعه به نام‌های «ایللیاد» و «او دیسه» گرد آورد.

علاوه بر این عواملی چون گذشت زمان، تحول فرهنگ‌ها، اعمال سلیقه، نفوذ اغراض و اهداف و دخالت تعصبات اعتقادی و قومی و مسائلی نظیر آنها از مهم‌ترین عوامل دگرگونی اخبار و داستان‌ها در فرهنگ‌های شفاهی است.

پیدایش افسانه‌ها یا به عبارتی دیگر تبدیل رخداد‌های تاریخی به افسانه‌ها، در اصل به همین دلیل بوده است. زیرا واقعه‌ای که رخ می‌داد از نسلی به نسل دیگر به صورت سینه به سینه انتقال می‌یافت و در این انتقال تغییراتی به وجود می‌آمد و یک واقعه تاریخی را به افسانه تبدیل می‌کرد. به عنوان مثال رستم، قهرمان معروف شاهنامه، فردی است که در حماسه‌ها چند صد سال عمر می‌کند. در همه جنگ‌ها پیروز می‌شود، بسیار زورمند است و... شکی نیست که پهلوانی به نام رستم وجود داشته، اما در مورد او اغراق‌گویی شده است. فردوسی خود در این مورد می‌گوید:

که رستم یلی بود در سیستان

منش کرده‌ام رستم داستان

بنابراین دانشمندان معتقدند افسانه‌ها هسته‌ای از واقعیت دارند که در طول زمان در هاله‌ای از تخیلات و در معرض افزودن‌ها و کاستن‌ها قرار می‌گیرند. ویکو مورخ ایتالیایی در این مورد می‌گوید: افسانه‌ها در اصل راست و جدی بوده‌اند، اما بعدها دستخوش تغییر شده‌اند.

معمولاً فرهنگ شفاهی جوامع با حاکمیت

آنها را به سوی زندگی سالم و به کارگیری ابزار و وسایل راهنمایی می کرده اند.

اگر به افسانه‌های ملت‌های دیگر نیز مراجعه کنیم، می‌بینیم که همه در اوایل افسانه‌های خویش دارای دورانی طلایی بوده اند.



حماسه‌ها

گفتیم که تاریخ با افسانه آغاز می‌شود یا به قولی افسانه‌ها سپیده دم تاریخ را مه‌آلود کرده اند. در حد فاصل افسانه و تاریخ، حماسه قرار دارد. حماسه بیان شاعرانه اعمال رزمی و پهلوانی است. افسانه با حماسه تفاوت زیادی ندارد. فقط می‌توان گفت که در افسانه‌ها بیشتر راجع به پیدایش ملت‌ها، سنت‌ها، ابزارها و پدیده‌ها سخن گفته می‌شود، در حالی که در حماسه‌ها درباره حفظ جوامع از دستبرد دشمنان با توسل به جنگ و اعمال پهلوانی گفت‌وگو می‌شود. در فرهنگ ملت‌ها همواره حماسه بیش از افسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. زیرا حماسه‌ها نقش بسیار مهمی در حفظ جوامع از خطراتی که آنها را تهدید می‌کرده، ایفا کرده اند و روحیه جوانمردی و جنگاوری را تقویت می‌کرده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که گذشته ملت‌های بزرگ و قدیمی دارای سه مرحله است که به ترتیب عبارتند از:

۱- مرحله افسانه‌ای

۲- مرحله حماسی

۳- مرحله تاریخی

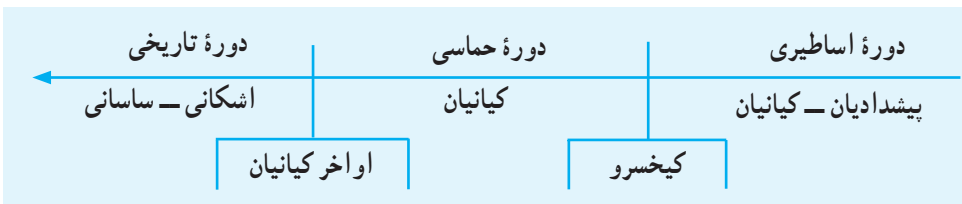
عصر طلایی در تاریخ ملت‌ها

گفتیم که اقوام و ملل مختلف، تاریخ خود را با افسانه‌ها آغاز می‌کنند. در افسانه‌ها از چگونگی پیدایش انسان و جهان، جدال خیر و شر و اموری مانند آنها سخن گفته می‌شود معمولاً در افسانه‌ها، هر ملتی دارای یک عصر طلایی است. یعنی عصری که سراسر آن خوبی و خوشبختی بوده و از درد و رنج و دشمنی اثری و خبری نبوده است. ایرانیان باستان بر این باور بوده اند که در روزگاران دور، شهریاری افسانه‌ای به نام جمشید در محلی به نام وَرَجْمَکَرْد زندگی می‌کرده است. در ورجمکرد اثری از مرض، پیری، مرگ، گرسنگی، حسادت، دشمنی و مانند آنها نبوده و انسان‌ها در خوشبختی زندگی می‌کرده اند. به عقیده هندی‌های باستان در عصری به نام کریتایوگا انسان‌ها عمر طولانی داشته و براساس راستی و درستی زندگی می‌کرده اند به عقیده چینی‌های باستان، در عصر خاقان‌های نیکوکار، انسان‌ها خوشبخت بوده اند. خاقان‌ها که خیرخواه انسان‌ها بوده اند مانند معلمی دلسوز

در مرحله اول (افسانه) وقایع تاریخی کاملاً دگرگون شده‌اند. در مرحله دوم (حماسه) وقایع تاریخی تا حدود زیادی دگرگون شده‌اند و در مرحله سوم (تاریخ) وقایع تاریخی کمابیش بدون تغییر مانده‌اند. مهم‌ترین عامل حفظ اخبار تاریخی و جلوگیری از تبدیل آنها به حماسه یا افسانه گسترش استفاده از خط است. استفاده از خط تا آن اندازه در تاریخ‌نویسی اهمیت دارد که مورخان بر مبنای آن، تاریخ را به دو دوره پیش از تاریخ و تاریخی تقسیم کرده‌اند.

تاریخ ایران پیش از اسلام بر اساس شاهنامه

چنان که در سال‌های قبل خوانده‌اید،



بر این اساس، و با توجه به مراحل سه‌گانه تاریخ ملت‌ها در گذشته، تاریخ ایران پیش از اسلام را می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد:

(۱) دوران افسانه‌ای (اساطیری)
از پیشدادیان تا دوره کیخسرو پادشاه کیانی

(۲) دوران حماسی
از فرمانروایی کیخسرو تا اواخر دوره کیانیان.

(۳) دوران تاریخی
از سال‌های پایانی فرمان‌روایی کیانیان تا سراسر دوران فرمان‌روایی اشکانیان و ساسانیان.

دوران تاریخی کشور ما در حال حاضر نیز ادامه دارد.

تاریخ حماسی ایران براساس شاهنامه

در زیر شرح خلاصه‌ای از این دوره‌ها براساس شاهنامه فردوسی و دیگر روایات ایرانی آورده می‌شود.

پیشدادیان – پیشداد یعنی قانون‌گذار نخستین و جمع آن پیشدادیان است. به نوشته شاهنامه فردوسی کیومرث اولین انسان و اولین فرمانروا بود. او که در کوه‌ها زندگی می‌کرد و لباسش از پوست پلنگ بود، سی‌سال بر انسان و حیوان فرمانروایی کرد. پسر کیومرث، سیامک نام داشت که به دست دیوها کشته شد. اما فرزندش به نام هوشنگ از دیوها انتقام گرفت. هوشنگ اولین کسی است که لقب پیشدادی یافت و شیوه استخراج فلزات و رام کردن حیوانات را به بشر آموخت. روزی هوشنگ سنگی به سوی ماری پرتاب کرد. از برخورد آن سنگ با سنگی دیگر جرقه‌ای پدید آمد و بوته‌ای خشک را به آتش کشید. بدین ترتیب آتش کشف شد.

پسر هوشنگ، تهمورث نام داشت. او فن ساختن نخ از پشم و دوختن پارچه را به مردم آموخت. تهمورث دیوها را مطیع خود ساخت و آنان به او خواندن و نوشتن آموختند.

پس از تهمورث جمشید به فرمانروایی رسید. او ۷۰۰ سال حکومت کرد جمشید ساختن اسلحه، پارچه‌بافی از ابریشم و خانه‌سازی را به مردم آموخت. سپس جمشید بر دیوان پیروز شد و روز پیروزی خود را نوروز نامید. بدین ترتیب عید نوروز به وجود آمد. او در اواخر عمر دچار غرور شد و گناهکاری پیشه ساخت. در نتیجه بدبختی پدید آمد و جادوگری به نام ضحاک به او حمله کرد. جمشید اسیر ضحاک شد و با ارّه به دو نیمه گردید. ضحاک هزار سال حکومت کرد و چون بر شانه‌هایش دو مار روییده بود، برای خوراک آنها عده زیادی را کشت. تا آنکه کاوه آهنگر علیه او به پاخاست. کاوه آهنگر چرمی را بر سر نیزه کرد که آن را درفش کاویان نامیدند. درفش کاویان پرچم ایرانیان پیش از اسلام بوده است. با قیام کاوه آهنگر، فریدون نوه جمشید که پنهان

شده بود، به کاخ ضحاک حمله کرد و او را اسیر و در کوه دماوند زندانی کرد. فریدون مدت‌ها حکومت کرد. او بر تمامی جهان حکم می‌راند. فریدون سه پسر به نام‌های **ایرج، سلم و تور** داشت. او غرب دنیا را به سلم داد. سلم نیای مردم مغرب یعنی یونان و روم است. شرق دنیا را هم به تور داد. تور نیای تورانی‌ها یعنی ترکان و چینی‌ها است. وسط زمین را هم به ایرج داد. ایرج نیای ایرانیان است. قلمرو ایرج را که در میانه جهان قرار دارد، ایران می‌نامند.

چون ایران بهترین جای دنیا بود، سلم و تور بر ایرج حسد بردند و او را کشتند. اما **منوچهر** نوه ایرج با کشتن سلم و تور انتقام گرفت. از زمان منوچهر جنگ ایران و توران آغاز شد. **افراسیاب** پادشاه توران به ایران حمله کرد. براساس روایات حماسی پس از مدتی جنگ، دو طرف تصمیم گرفتند برای تعیین مرز ایران و توران، **آرش** پهلوان ایرانی از بالای کوه دماوند تیری به سوی مشرق پرتاب کند. آرش با تمام نیرو تیری پرتاب کرد؛ به طوری که بر اثر فشار ناشی از این کار جان به جان آفرین تسلیم کرد. تیر پس از طی مسافتی طولانی در کنار رود **جیحون** به تنه درختی نشست و آن‌جا مرز ایران و توران شد.

اما افراسیاب که فرد شروری بود حمله به ایران را ادامه داد و کشتار و خرابی بسیار پدید آورد. ایرانیان سخت در برابر او ایستادگی می‌کردند. به خصوص پهلوانان سیستانی در جنگ‌ها دلیری بسیار نشان دادند. یکی از این پهلوانان **سام** نام داشت. او پسری داشت به نام **زال** که موهای سفیدی داشت. سام از داشتن پسری با این رنگ مو شرم‌منده بود لذا او را در کوهی رها کرد. اما **سیمرغ** که پرنده‌ای دانا بود او را نجات داد و بزرگ کرد. زال که جوانی زیبا و نیرومند شده بود به سوی پدرش که از عمل خود پشیمان شده بود بازگشت. زال صاحب فرزندی به نام **رستم** شد. او نیرومندترین پهلوان ایران قدیم بود و بارها دشمنان ایران را شکست داد.

کیانیان – حملات وحشیانه افراسیاب، ایران را دچار نابسامانی و ویرانی ساخت. پس از مدتی **کی قباد** از نوادگان فریدون فرمانروای ایران شد. «کی» به معنای پادشاه است و کیانیان یعنی «پادشاهان». کی قباد بنیانگذار سلسله «کیانی» است و پس از او **کی کاووس** به پادشاهی رسید. کی کاووس فرمانروای خردمندی نبود و دو بار به دست

دشمنان اسیر شد هر دو بار رستم او را نجات داد. اقدامات کی کاووس سرانجام موجب رنجش پسرش **سیاوش** گردید. سیاوش نیز به توران نزد افراسیاب رفت. افراسیاب در ابتدا با سیاوش مهربانی کرد. اما سپس با ناجوانمردی او را به قتل رساند. لشکریان ایرانی به فرماندهی رستم به انتقام خون سیاوش به توران حمله کردند.

پس از مدتی **کی خسرو** پسر سیاوش که از دست افراسیاب جان سالم به در برده بود، به ایران آمد و پادشاه شد. او به انتقام خون سیاوش به توران حمله کرد. پهلوانان ایرانی در این جنگ دلیری‌های بسیار از خود نشان دادند. عاقبت افراسیاب اسیر شد و به قتل رسید.

پس از کی خسرو، **لهراسب** به شاهی نشست که به خوبی کشور را اداره کرد. سپس فرمانروایی به پسرش **گشتاسب** رسید. در زمان گشتاسب **زرتشت** پیامبر ایران باستان ظهور کرد. گشتاسب و ایرانیان آیین زردشت را پذیرفتند. **ارجاسب** پادشاه توران که دشمن خدایپرستان (زردشتیان) بود به ایران حمله کرد، اما ایرانیان او را شکست دادند. در این دوره از جنگ‌های ایران و توران، **اسفندیار** پسر گشتاسب، خدمات بزرگی انجام داد و در مقابل از پدر خواست که تاج و تخت را بدو واگذارد، گشتاسب برای آن‌که از خواسته پسر سرباز زند، از او خواست به سیستان برود تا رستم را دست بسته به نزدش بیاورد، زیرا می‌دانست او از عهده این کار برنخواهد



کشته شدن سیاوش به دست تورانیان. زنی که در تصویر دیده می‌شود، فرنگیس دختر افراسیاب و همسر سیاوش است.

آمد. رستم بسیار کوشید که اسفندیار را از اجرای فرمان پدر منصرف سازد، اما موفق نشد؛ لذا جنگ میان آن دو در گرفت. چون اسفندیار رویین تن بود، رستم نتوانست او را شکست دهد. لذا با راهنمایی سیمرغ تیری از چوب درخت گز بر چشم او (تتها جایی از بدنش که رویین نبود) زد و اسفندیار را کشت. پس از کشته شدن اسفندیار، بهمن پسر او به سیستان لشکر کشید. او عدهٔ زیادی را کشت و همه جا را ویران ساخت. رستم نیز به دست برادر نادان و حسود خود کشته شده بود. رستم پهلوان بزرگ ایران سرنوشتی تلخ یافته بود. او در چاهی که برادرش بر سر راهش کنده بود، افتاد و کشته شد. پیش از آن نیز در نبردی که با پسرش سهراب انجام داده بود، او را به قتل رساند زیرا سهراب را از کودکی ندیده بود و نمی دانست که با پسر خود می جنگد. پس از آن که سهراب به قتل رسید، رستم متوجه شد فرزند خود را کشته است. رستم از این مصیبت سخت به ناله افتاد و دلشکسته شد.

پس از بهمن، خواهرش **همای** به پادشاهی رسید و پس از او پسرش «دارا»ی بزرگ پادشاه شد. او در دریاها فتوحات بسیار کرد. سپس پسرش که او نیز **دارا** نام داشت بر تخت نشست. در زمان دارا، **اسکندر** به ایران حمله کرد. او دارا را کشت و ایران را تصرف کرد. با کشته شدن دارا سلسله کیانیان نیز به پایان رسید.

کاربرد حماسه‌ها و افسانه‌ها در تاریخ

مهم‌ترین موارد کاربرد افسانه‌ها و حماسه‌ها در مطالعات تاریخی عبارتند از:

۱- پیدایش بسیاری از آیین‌ها، رسوم، اعیاد، بنای شهرها، استفاده از ابزارها، فنون و ... در افسانه‌ها بیان شده است. مثل عید نوروز و کشف آتش. در حقیقت ریشه و بنیان بسیاری از پدیده‌ها تنها با استفاده از افسانه‌ها قابل شناسایی و مطالعه است.

۲- بسیاری از اخبار و اطلاعاتی که در تاریخ گم‌شده یا مورخان به آنها دسترسی ندارند، در افسانه‌ها و حماسه‌ها قابل کشف و استفاده است. در حقیقت افسانه‌ها و حماسه‌ها بسیاری از کمبودها و خلأهای دانش تاریخی بشر را تکمیل می‌کنند. مثلاً از نام **لهراسب**، **گشتاسب** و تعدادی دیگر که در نامشان کلمه «اسب» وجود دارد، به وجود خاندانی موسوم به «اسب» در تاریخ ایران بی برده‌اند. از آن‌جا که اسب وجه مشخصه

اقوام آریایی در هنگام ورود به ایران بوده است، با استفاده از تحقیقات دربارهٔ این خاندان، تا حدودی ابهامات این قسمت از تاریخ ایران برطرف شده است.

۳- چنان که پیش‌تر هم اشاره شد، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مطالعه دربارهٔ افسانه‌ها و حماسه‌ها، اسطوره‌شناسی تطبیقی است. اسطوره‌شناسی تطبیقی اطلاعات فراوانی در مورد روابط اقوام و ملل، چگونگی جدا شدن آنها از یکدیگر، مبادلات فرهنگی میان آنها، تحول زبان‌ها و دگرگونی فرهنگ‌ها به دست داده است. مثلاً دیو در ایران با دئوس در هند و زئوس در یونان از یک ریشه بوده‌اند که این نشان می‌دهد ایرانی‌ها، هندی‌ها و یونانی‌ها ریشهٔ قومی مشترک دارند که به آنها هند و اروپایی (آریایی) می‌گویند.

۴- افسانه‌ها و حماسه‌ها علاوه بر آن که در بردارندهٔ اطلاعات تاریخی، ادبی و اجتماعی فراوانی دربارهٔ ملت‌ها هستند؛ طرز فکر، روحیات، آرمان‌ها و به‌طور کلی خصوصیات روحی و معنوی آنها را نشان می‌دهند. به همین جهت یکی از عرصه‌های مهم شناخت هویت ملت‌ها، مطالعه در افسانه‌ها و حماسه‌های آنهاست.

اندک، شاخ و برگ می‌دهند و اشخاص یا وقایع را به سمبل‌ها تبدیل می‌کنند. بنابراین در استفادهٔ تاریخی از آنها باید شاخ و برگ‌ها را کنار زد و هر چه بیشتر به واقعیت نزدیک شد. در این حالت است که می‌توان به آگاهی‌هایی از تاریخ دست یافت. مثلاً حتی اگر شخصی به نام کیومرث هم وجود نداشته، او سمبل دورهٔ زندگی کوه‌نشینی انسان در تاریخ است.

حماسه‌ها بیشتر به ارائهٔ تاریخی آرمانی می‌پردازند، یعنی بیش از آن که تاریخ بسازند، تاریخ ملت‌ها را در قالبی مطابق با آرمان‌ها و آرزوهایشان در می‌آورند. بدین ترتیب در افسانه‌ها و حماسه‌ها امکان جعل، غلتیدن در دامان توهم، آلودگی به خرافات، مواجهه با شرک و کفر، در هم آمیختگی فرهنگ‌ها، فرورفتن در تعصبات، پیروی از اهداف و اغراض، اغراق‌گویی و قوم‌پرستی همواره وجود دارد. لذا کسانی که به تحقیق دربارهٔ افسانه‌ها و حماسه‌ها می‌پردازند، لازم است با بینش علمی و دانشی غنی بدین کار مشغول شوند. لازم است آنان با دقت، حوصله، نگرش عمیق توأم با جامع‌نگری و به کارگیری علوم و فنون مختلف در این راه گام بردارند.

علوم مرتبط با افسانه‌ها و حماسه‌ها

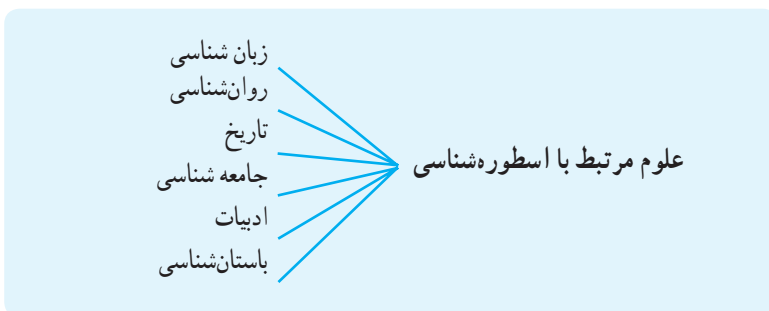
کسانی را که به مطالعه دربارهٔ افسانه‌ها و حماسه‌ها (اسطوره‌ها) می‌پردازند، اسطوره‌شناس می‌نامند. آنان پس از سال‌ها تحقیق موفق به

درجهٔ اعتبار و ضعف افسانه‌ها در تاریخ‌نویسی

گرچه افسانه‌ها به تکمیل دانش تاریخی ما کمک می‌کنند، اما بنا به دلایلی که قبلاً شرح داده شد، توأم با تخیل هستند و یا به اطلاعات

سروکار دارند. زیرا کتاب‌های ادبی گاه از ماجراهای اساطیری تأثیر می‌پذیرند. کتاب‌های افسانه‌ای و حماسی به یک معنی کتاب‌های ادبی هستند. زبان‌شناسی (زبان‌های باستانی) نیز چون امکان خواندن کتاب‌ها و کتیبه‌ها و اسناد قدیمی را فراهم می‌سازد، به مضامین افسانه‌ای و حماسی می‌پردازد. مورخان نیز به دلیل احاطه بر ادوار تحول فرهنگی و اجتماعی بشر به تحقیق دربارهٔ افسانه‌ها و حماسه‌ها می‌پردازند. باستان‌شناسان نیز با کشفیات خود کمک‌های فراوانی به اسطوره‌شناسی کرده‌اند.

رسیدن به چنین مرتبه‌ای شده‌اند. اسطوره‌شناسان با دیدگاه‌های متفاوتی به اسطوره‌ها می‌نگرند؛ بعضی براساس زبان‌شناسی، یا روان‌شناسی، یا جامعه‌شناسی، عده‌ای از دید تاریخی. به همین نحو نتایج مطالعات اسطوره‌شناسی نیز برای علوم گوناگونی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، ادبیات و غیره کاربرد دارد. به همین دلیل اگر چه در دانشگاه‌ها رشتهٔ خاصی در مورد اسطوره‌شناسی وجود ندارد، امروزه این علم اهمیت زیادی یافته است. متخصصان ادبیات نیز، با اسطوره‌شناسی



- ۱- آیا افسانه‌ها صرفاً زادهٔ پندار و خیال هستند؟ توضیح دهید.
- ۲- مسائل مشکل آفرین در فرهنگ شفاهی را توضیح دهید.
- ۳- حماسه چیست و چه تفاوتی با افسانه دارد؟
- ۴- کاربرد افسانه‌ها و حماسه‌ها در تحقیقات تاریخی از چه جهاتی است؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در محل زندگی شما دربارهٔ کوه، رود، ستاره‌ها و... چه داستان‌هایی وجود دارد؟ یک مورد آن را گزارش کنید.
- ۲- برای تجربه کردن تأثیر نقل قول‌های مکرر در تغییر اخبار (یک کلاغ چهل کلاغ) سه تن از دانش‌آموزان را انتخاب کنید و از آنها بخواهید به خارج از کلاس بروند. سپس داستانی را که کمی مفصل باشد به‌طور دقیق برای دانش‌آموزان حاضر در کلاس بیان کنید. پس از آن یکی از دانش‌آموزان (از سه نفر) را به کلاس بخواهید تا یکی از دانش‌آموزان حاضر در کلاس داستان را برایش بگوید. در هیچ مرحله‌ای، دیگر دانش‌آموزان نباید تذکری بدهند یا نکته‌ای را تصحیح کنند. سپس دانش‌آموز دوم را به کلاس بخواهید و توسط نفر اول (وارد شده به کلاس) داستان را برایش تعریف کنید. بعد دانش‌آموز سوم را بخواهید تا دانش‌آموز دوم برایش داستان را بگوید. در پایان از دانش‌آموز سوم بخواهید آنچه را شنیده برای همهٔ دانش‌آموزان نقل کند. آیا آنچه شما برای دانش‌آموزان تعریف کرده‌اید با آنچه نفر سوم تعریف کرد، یکی است؟
- ۳- برداشت‌های خود را از تاریخ افسانه‌ای ایران که در «بیشتر بدانید» این درس آمده است، در چند سطر بنویسید.
- ۴- یکی از داستان‌های شاهنامهٔ فردوسی را انتخاب کرده و با راهنمایی دبیر خود نکات تاریخی آن را براساس آنچه که در درس تاریخ ایران و جهان (۱) دربارهٔ تاریخ ایران خوانده‌اید، بررسی و مقایسه کنید.

آثار باستانی، مرز تاریخ و روشن تاریخ



تمامی مسائل مربوط به این دوره پنج هزار ساله را شامل نمی‌شوند. چرا که بیشتر در بردارنده وقایع مهم سیاسی - نظامی و زندگانی اشخاص برجسته هستند. از این جاست که بشر باید به دنبال راه‌های دیگری برای تکمیل دانش تاریخی خویش باشد. یکی از مهم‌ترین این راه‌ها مطالعه آثار مادی به جامانده از انسان‌های گذشته است که اصطلاحاً «آثار باستانی» یا «آثار تاریخی»

انسان طی هزاران سال زندگی بر روی زمین، کارهای فراوانی انجام داده و حوادث بی‌شماری را از سر گذرانده است، اما همه اطلاعات و اخبار مربوط به آنها به دست ما نرسیده است. نوشته‌های قدیمی نیز تنها بخشی از گذشته بشر را برای ما روشن می‌کنند. به علاوه عمر این گونه دانستنی‌ها به زحمت تا پنج هزار سال می‌رسد. کتاب‌های تاریخی نیز

نامیده می‌شوند.^۱ در این درس با چگونگی استفاده از این آثار در مطالعات تاریخی آشنا می‌شوید.

آثار باستانی

در اختیار ما می‌گذارند. برای مثال یک بنای تاریخی فقط توده‌ای از سنگ، گل، گچ، چوب و فلز نیست؛ بلکه همچون کتابی است که اندیشه، هنر، علم، دین و در یک کلام تمدن و فرهنگ سازندگان آن را به ما معرفی می‌کند. دست یافتن به چنین درکی از آثار باستانی نیازمند داشتن دانش‌ها و مهارت‌های خاصی است که اصطلاحاً به آنها «باستان‌شناسی» گفته می‌شود.

باستان‌شناسی و باستان‌شناسان

باستان‌شناسی علمی است که در آن آثار به جامانده از انسان‌های گذشته، شناسایی و مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. به کمک این علم است که یک بنا یا شیء معمولی مربوط به گذشته تبدیل به گنجینه‌ای از اطلاعات تاریخی می‌شود و مورخان این امکان را می‌یابند تا پاسخ بعضی از پرسش‌ها و ابهامات خویش را بیابند. اهمیت این موضوع تا آنجا است که برخی صاحب‌نظران نقش یافته‌های باستان‌شناسی در مطالعه گذشته انسان را همانند کتاب‌ها و اسناد تاریخی دانسته‌اند.

آثار باستانی به بناهای تاریخی، مجسمه‌ها، فسیل‌های انسانی، اشیاء، سنگ نبشته‌ها و به طور کلی همه آثار که ساخته دست و اندیشه انسان‌های گذشته هستند و یا به نحوی با زندگی او ارتباط دارند^۲ گفته می‌شود.

بدین ترتیب نسخه‌های خطی یا اسناد کهن نیز گذشته از محتوای آنها، اثری تاریخی محسوب می‌شوند که می‌توان به کمک آنها دانستنی‌هایی دربارهٔ مواردی چون کاغذسازی، نوع خط و شیوه نگارش و جنس مرکب در عصر نوشته شدن آنها پی برد.

آثار باستانی بیشتر در جاهایی که سکونت‌گاه و یا مسیر آمد و رفت انسان بوده‌اند، یافت می‌شوند. اگر هر یک از ما از دیدگاه باستان‌شناسی به محیط روستا، شهر، یا کشورمان بنگریم، می‌توانیم نمونه‌های بسیاری از این آثار را شناسایی کنیم. این آثار چشم‌اندازی ملموس و بی‌واسطه از چگونگی زندگی گذشتگان را

۱- در مورد نام‌گذاری آثار باقی مانده از گذشته، شیوه یکسانی وجود ندارد و تعریف‌های مربوط به آنها براساس دیدگاه‌های گوناگون و نیز دوره‌های زمانی مختلف، متفاوت است. مثلاً عده‌ای همه آنها را آثار باستانی می‌نامند، اما عده‌ای دیگر فقط آثاری را «باستانی» می‌نامند که متعلق به دوره‌های قدیمی‌تر زندگی انسان هستند. بر این اساس آثار دوره‌های بعدی با نام‌هایی چون «آثار تاریخی»، «آثار اسلامی»، «آثار رومی» و ... نام‌گذاری می‌شوند. در این درس عبارت‌های آثار باستانی یا آثار تاریخی برای اشاره به همه آثار به جا مانده از انسان‌های گذشته به‌طور یکسان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- در این معنی آثاری مانند بقایای انسانی و حیوانی هم چنانچه در محیط زندگی انسان یافت می‌شوند، اهمیت باستان‌شناختی پیدا می‌کنند.



در روستا، شهر یا استان محل زندگی شما چه آثار تاریخی مهمی وجود دارد؟
جدول زیر را درباره آنها تکمیل کنید:

نام اثر	محل قرار گرفتن اثر	دوره زمانی مربوط به اثر

مراحل کار باستان‌شناسی

به‌طور کلی مراحل فعالیت باستان‌شناسان شامل موارد زیر می‌شود:

۱- مرحله کشف و شناسایی مکان‌ها و آثار

۲- مرحله کاوش و حفاری

۳- مرحله استخراج و تنظیم اطلاعات

در مرحله کشف و شناسایی باستان‌شناسان با استفاده از شواهد و ابزارهای مختلف اقدام به شناخت آثار می‌کنند. بدیهی است که برخی آثار مانند بناهای تاریخی یا ویرانه‌های آنها به آسانی قابل شناسایی هستند، اما بخش مهمی از آنها در معرض دید مستقیم انسان نیستند. به همین جهت باستان‌شناسان از شیوه‌هایی چون مراجعه به منابع نوشتاری (مثل کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌ها) و

توسعه فعالیت‌های باستان‌شناسانه در دو قرن اخیر و پی بردن به اهمیت و حساسیت‌های ویژه این کار موجب شده تا رشته‌ای به نام «باستان‌شناسی» در بعضی دانشگاه‌ها تأسیس شود. دانشجویان این رشته درباره چگونگی شناسایی و کشف آثار، تعیین سن آنها، فنون حفاری و کاوش، شناخت دوران‌های تاریخی و ویژگی‌های هر دوره و مواردی از این قبیل آموزش می‌بینند. بخش مهمی از کار آنان نیز مربوط به حضور در محوطه‌های تاریخی و انجام فعالیت‌های عملی می‌شود. از آن‌جا که آثار مورد مطالعه باستان‌شناسان و شیوه‌های کار آنان بسیار متنوع می‌باشد، آنها از دستاوردهای علوم دیگر نظیر زمین‌شناسی، شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی و جغرافیا نیز بهره می‌گیرند.

عکس برداری به کمک دوربین‌های بسیار قوی، می‌توان بدون حفاری وجود آثار در دل زمین را اقدام می‌کنند. به کمک بعضی از این دوربین‌ها تشخیص داد.



کتیبه روزت^۱



گاهی اوقات نیز ممکن است یک اثر باستانی به‌طور تصادفی شناسایی شود. برای مثال در آخرین سال قرن هجدهم میلادی (۱۷۹۹) یعنی زمانی که مصر به اشغال ارتش ناپلئون درآمده بود، یک سرباز فرانسوی در حین حفر سنگر به سنگ نوشته‌ای برخورد که بعداً معلوم شد یکی از مهم‌ترین آثار مصر باستان و جهان است. این اثر همان کتیبه سه زبانه رشید یا روزت بود که در کتاب تاریخ ایران و جهان (۱)، مطالبی درباره آن خواندید.

از آنجا که مطالب موجود در کتیبه روزت (رشید) علاوه بر خطوط مصری با ترجمه یونانی همراه بود، باستان‌شناسان با استفاده از آن توانستند به رموز خط مصریان باستان پی ببرند.

کاوش و حفاری برای یافتن آثاری صورت می‌گیرد که در ویرانه‌ها یا درون زمین پنهان هستند. این مرحله یکی از مراحل حساس و مهم در کار باستان‌شناسی است که در آن دانش و تجربه لازم است کوچک‌ترین آثار گردآوری و تمام باستان‌شناس محک زده می‌شود. زیرا آنچه یک باستان‌شناس در حین حفاری می‌بیند و می‌آزماید، تکرارپذیر نیست و به همین جهت

۱- کتیبه روزت یا رشید امروزه در کشور انگلستان نگهداری می‌شود.



جزئیات با دقت ثبت و گاه عکس برداری شوند.^۱ به دلیل همین حساسیت‌هاست که یکی از باستان‌شناسان معتقد بود «در مواقعی که حفاری منجر به از بین رفتن آثار می‌شود، بهتر است از انجام آن خودداری شود.»^۲

سرانجام آن که در مرحله استخراج و تنظیم اطلاعات باستان‌شناسان به کارهایی مانند تاریخ‌گذاری آثار، شناسایی مواد به کار رفته در آنها و ارائه آگاهی‌های تاریخی براساس آنها می‌پردازند.

پیچیده‌ای هستند؛ اما در اینجا فقط به معرفی کلی آنها بسنده می‌شود.

تعیین سن آثار باستانی

۱- استفاده از شواهد نوشتاری :
بر روی بعضی از بناها، ظروف و سایر اشیای تاریخی نوشته‌هایی وجود دارد که گاه شامل توضیحاتی دربارهٔ زمان ساخت و نیز سازندهٔ آنها می‌باشد. گاهی هم در میان آثار به‌دست آمده در یک محل آثار نوشتاری مانند لوحه یا سکه یافت می‌شود که به کمک آنها می‌توان زمان مربوط به آن آثار را تعیین کرد. این امکان نیز وجود دارد که در نوشته‌های مورخان، جغرافی‌دانان، سیاحان و مسافران و دیگر نوشته‌های قدیمی دربارهٔ یک اثر (مثلاً یک بنا یا وسایل و ابزارهای مورد استفاده در زمانی خاص) مطلبی نوشته شده باشد. به این ترتیب

یکی از کارهای مهم و در ضمن پیچیده و فنی در باستان‌شناسی تعیین دورهٔ زمانی است که یک اثر بدان تعلق دارد. همچنان که در درس دوم خواندید «زمان» در مطالعات تاریخی نقشی محوری دارد و بنابراین تا هنگامی که زمان مربوط به یک اثر تاریخی شناخته نشود، مورخان نمی‌توانند از آگاهی‌های به دست آمده از آن اثر استفاده کنند. سالیابی یا تاریخ‌گذاری آثار با استفاده از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی انجام می‌شود که در ادامه با تعدادی از مهم‌ترین آنها آشنا می‌شوید. لازم است به این نکته توجه شود که هر یک از روش‌های زیر دارای مراحل، محاسبات و نکات فنی دقیق و

۱- برای مثال گاهی مواقع با الک کردن یا شستن خاک محل کاوش، ریزه‌های آثار جمع‌آوری می‌شوند. همچنین ممکن است بعضی آثار که دچار تجزیهٔ شیمیایی شده‌اند در اثر لمس شدن یا کوچک‌ترین ضربه‌ای متلاشی شوند.

۲- این سخن از اسکار منتلیوس (Oscar Montelius) باستان‌شناس سوئدی است.

باستان‌شناسان می‌توانند به کمک این نوشته‌ها زمان اثر مورد نظر را تعیین کنند.

۲- سال‌یابی به روش کربن ۱۴: این روش یکی از مشهورترین روش‌های مورد استفاده باستان‌شناسان است که در اواسط قرن بیستم ابداع شده است. کربن ۱۴ عنصری است که بر اثر فعل و انفعالات انجام شده بین اتم‌های نیتروژن و پرتوهای کیهانی در سطوح بالایی جو زمین به وجود می‌آید. این کربن پس از چندی در طبیعت پراکنده می‌شود. گیاهان از طریق عمل فتوسنتز، انسان‌ها و حیوانات از راه تغذیه، مقداری از کربن ۱۴ را جذب می‌کنند. همچنین ممکن است مقداری از آن جذب مواد دیگر از قبیل سنگ‌ها یا فلزات شود. این عنصر با گذشت زمانی نسبتاً طولانی اما مشخص، دوباره به نیتروژن تبدیل می‌شود. تا زمانی که یک موجود زنده (مثل گیاه) به حیات خود ادامه می‌دهد فرایند جذب کربن ۱۴ و تبدیل آن تکرار می‌شود. اما هنگامی که این

موجود می‌میرد، جذب کربن ۱۴ متوقف می‌شود؛ در حالی که روند تبدیل آن به نیتروژن ادامه دارد. دانشمندان دریافته‌اند که تجزیه کربن ۱۴ با سرعت زمانی معین و منظمی انجام می‌شود. از نظر آنان حدود ۵۷۰۰ سال طول می‌کشد تا میزان کربن ۱۴ موجود در بقایای یک موجود دارای این کربن نصف شود. سپس در همین مدت، نیمه باقی مانده آن نیز نصف می‌شود و این روند همچنان ادامه می‌یابد تا این که کربن ۱۴ تمام می‌شود. دانشمندان این دوره زمانی ثابت (حدود ۵۷۰۰ سال) را اصطلاحاً «نیمه عمر» کربن ۱۴ نامیده‌اند. هرگاه مقدار کربن ۱۴ موجود در بقایای به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی با مقدار آن در نمونه‌ای زنده از آن نوع مقایسه شود، معلوم خواهد شد که آن بقایا چند دوره ۵۷۰۰ ساله را از سر گذرانده‌اند. دوره زمانی که می‌توان از روش کربن ۱۴ برای تعیین سن آثار استفاده کرد، حداکثر تا حدود ۷۰ هزار سال است.



کفن تورین

در سال ۱۳۸۰ م. یک اسقف مدعی شد پارچه‌ای در شهر تورین ایتالیا به دست آمده که کفن حضرت عیسی (ع) است. این ادعا همچنان وجود داشت تا اینکه در دهه ۱۹۸۰ میلادی عملیات سال‌یابی به روش کربن ۱۴ بر روی این پارچه به طور همزمان در سه آزمایشگاه در کشورهای مختلف انجام گرفت و مشخص شد که پارچه متعلق به سال‌های بین ۱۲۶۰ تا ۱۳۸۰ م. است. یعنی حدود ۱۳۰۰ سال بعد از دوران زندگانی عیسی (ع)!

۳- سال‌یابی پتاسیم - آرگون : از

این روش برای شناسایی سن آثار باستانی چند صد هزار تا چند میلیون سال استفاده می‌شود. پتاسیم عنصری است که در پوسته زمین و به‌ویژه سنگ‌های آتشفشانی به فراوانی یافت می‌شود. با گذشت زمان به تدریج مقداری از این پتاسیم در فرایندی شبیه به آنچه درباره کربن ۱۴ گفته شد (با دوره زمانی بسیار طولانی‌تر)، به گاز آرگون تبدیل و در منافذ سنگ‌ها محبوس می‌شود. هرگاه غلظت پتاسیم و آرگون موجود در یک نمونه سنگ قدیمی اندازه‌گیری و با میزان آن در طبیعت مقایسه شود، امکان تعیین سن تشکیل آن سنگ فراهم می‌شود. بدین ترتیب اگر فسیل‌های انسانی یا سایر آثار در لایه‌های سنگی یا نزدیک آنها یافت شوند، می‌توان از این روش برای تعیین سن آنها استفاده کرد. قدیمی‌ترین اجساد انسانی به‌دست آمده در قاره آفریقا با قدمت ۲/۵ تا ۴ میلیون سال با همین روش تاریخ‌گذاری شده‌اند.

علاوه بر کربن ۱۴ و پتاسیم باستان‌شناسان و دیرینه‌شناسان با تجزیه و تحلیل عناصر دیگر نظیر اورانیم هم به سال‌یابی می‌پردازند.

۴- تعیین سن براساس حلقه‌های تنه

درختان : اگر به برش عرضی یک تنه درخت کهن‌سال توجه کنید، حلقه‌های تودرتوی متعددی را در آن می‌بینید. گیاه‌شناسان دریافته‌اند که هر یک از این حلقه‌ها به‌طور معمول در طی یک سال

به‌وجود آمده‌اند. نکته‌ای که در تعیین سن اهمیت دارد این است که پهنای حلقه‌های مربوط به هر سال با بقیه متفاوت است. تعیین سن براساس حلقه‌های درختان با تهیه نمودارهای نمونه برای درختان هر ناحیه (درختان تازه بریده شده و درختان بریده شده در دوره‌های قبل)، همراه با محاسباتی خاص انجام می‌گیرد. برای مثال اگر نموداری از حلقه‌های یک نوع درخت در یک منطقه در مدت ۵۰۰ سال تهیه شود، می‌توان با تطبیق پهنای حلقه‌های یک قطعه چوبی مربوط به گذشته از جنس همان درخت، با پهنای حلقه‌ها در نمودار مذکور، سن آن را تعیین کرد. امروزه با استفاده از ابزارهای دقیق و پیشرفته و از جمله تکنیک‌های رایانه‌ای بر سرعت و دقت این روش افزوده شده است.

باستان‌شناسان از این روش برای تعیین سن آثاری که در آنها به نحوی از چوب استفاده شده باشد، بهره می‌گیرند. خانه‌های چوبی یا بناهایی که در آنها از چوب استفاده شده، کشتی‌های قدیمی، ابزارهای چوبی و حتی تابلوهای نقاشی که بوم آنها از چوب است، از این جمله‌اند. برای مثال درباره یکی از تابلوهای رامبراند که متعلق به قرن هفدهم میلادی است، مدت‌ها اختلاف نظر وجود داشت، تا این که با سال‌یابی بوم چوبی آن مشخص شد که این زمان تقریباً درست است.

کاربرد مطالعات باستان‌شناختی در تاریخ‌نویسی

که انسان هنوز نوشتن را نیاموخته بود و بنابراین اثری نوشتاری نیز از او به جا نمانده است، آثار باستانی مهم‌ترین منبع کسب آگاهی هستند. به عبارت دیگر تاریخ‌نویس باستان‌شناس در این دوران را باید در لابه‌لای آثار جست‌وجو کرد. آنچه که ما دربارهٔ اعصراری مانند عصرسنگ، عصر مس، عصر مفرغ و نظایر آنها می‌دانیم، همچنان که از نام آنها برمی‌آید، به کمک آثار انسانی به دست آمده است. در واقع با استفاده از دستاوردهای باستان‌شناختی است که آگاهی مورخان و ما به ده‌ها، صدها، هزارها و گاه میلیون‌ها سال رسیده است. زیرا چنان‌که قبلاً گفتیم عمر نوشته‌های تاریخی به زحمت تا چند هزار سال می‌رسد.

حتماً تاکنون متوجه شده‌اید که مورخان برای بازسازی کامل‌تر زندگی انسان‌های گذشته نیازمند توجه به آثار تاریخی و نتایج کار باستان‌شناسان بر روی آنها هستند. هر چه به گذشته‌های دورتر می‌رویم و دسترسی ما به سایر منابع (کتاب‌های تاریخی و دیگر منابع نوشتاری) کمتر می‌شود، اهمیت آثار تاریخی در بازسازی گذشته بیشتر می‌شود. برای شناخت بهتر کمک‌های باستان‌شناسی به تاریخ‌نگاری بحث را دربارهٔ دو دوره پیش از تاریخ و دورهٔ تاریخی زندگی بشر جداگانه پی می‌گیریم. دربارهٔ دوران پیش از تاریخ یعنی دوره‌ای



باستان‌شناسان در همایش‌های علمی حاصل‌کاو‌ش‌های خود را به صورت مقاله یا سخنرانی ارائه می‌کنند.

شهر سوخته، بهشت باستان‌شناسان

یک نمونه مهم از اهمیت آثار باستانی در شناخت تاریخ ایران را در منطقه‌ای در نزدیکی زابل می‌توان مشاهده کرد که «شهر سوخته» نامیده شده است. این شهر که در هزاره چهارم پیش از میلاد (حدود شش هزار سال پیش) آباد بوده، در هزاره سوم پیش از میلاد به دلایلی که هنوز کاملاً شناخته نیست، رونق و آبادانی خود را از دست داده است. در نوشته‌های تاریخی تا اواسط قرن بیستم هیچ‌گونه آگاهی تاریخی درباره این شهر و مردم آن وجود نداشت اما امروزه در اثر حدود نیم قرن تلاش باستان‌شناسان و کشف هزاران شیء تاریخی آگاهی‌های بسیاری درباره این شهر به دست آمده و مشخص شده است که ساکنان این شهر دارای تمدنی درخشان و برجسته در جهان آن زمان بوده‌اند. لوله‌های سفالی (برای انتقال آب و فاضلاب)، چرخ، مهرهای تجاری، زیورآلات ظریف و مجسمه جراحی شده یک کودک از جمله آثار به دست آمده در این منطقه هستند. باستان‌شناسان می‌گویند وسعت محوطه باستانی شهر سوخته و گستردگی آثار موجود در آن به حدی است که کشف و شناسایی آنها ده‌ها سال دیگر نیز طول خواهد کشید.



بخشی از گورستان شهر سوخته

۱- از جمله دلایل ذکر شده در این مورد می‌توان به تغییر مسیر رود هیرمند، حمله اقوام مهاجم و آتش‌سوزی اشاره کرد.

ما نشان می‌دهد. از سوی دیگر همواره این امکان هست که یافته‌های باستان‌شناسان بعضی اطلاعات تاریخی موجود را رد یا تصحیح کنند. برای نمونه تا قبل از کشف آثار مربوط به دوره اشکانیان و مطالعه بر روی آنها، تاریخ این سلسله ایرانی در هاله‌ای از ابهامات و اخبار نادرست قرار داشت.

جنبه دوم کمک آثار باستانی به شناخت دوران تاریخی زندگی انسان، به تأثیر آنها در تکمیل دانش تاریخی مورخان مربوط است. کتاب‌های تاریخی در بعضی زمینه‌ها همچون زندگی روزمره مردم، وضع هنر و صنعت و ارتباط‌های تمدنی ملت‌ها با یکدیگر دانستنی‌های زیادی در اختیار ما نمی‌گذارند. در عوض مطالعه بر روی آثار نظیر ابزارها، بناها، سکه‌ها، نقوش، ظروف و امثال آنها در این موارد راه‌گشاست. نظیر آثار دوره اشکانی که در شهر نسا (در ترکمنستان امروزی) یافت شده است.

درباره دوران تاریخی زندگی انسان نیز اگرچه به تدریج منابع نوشتاری اهمیت بیشتری می‌یابند، اما این موضوع موجب غفلت مورخان از توجه به نتایج فعالیت‌های باستان‌شناسان نمی‌شود. در بررسی دوران تاریخی زندگی انسان توجه به آثار باستانی از دو جنبه به مورخان کمک می‌کند:

۱- تأیید یا رد آن چه در نوشته‌های تاریخی وجود دارد.

۲- روشن ساختن مسائلی از تاریخ که در منابع نوشتاری نیست و یا بسیار کم به آنها توجه شده است.

در مورد نخست، آثار تاریخی می‌توانند با تأیید نوشته‌های مورخان و دیگر نویسندگان گذشته بر یقین ما بیفزایند. مثلاً اگر در تاریخ چین بارها از هجوم اقوام شمالی به این کشور سخن به میان آمده، وجود دیوار چین به عنوان یک اثر تاریخی ضمن تأیید این موضوع، اهمیت آن را نیز بیشتر به



دیوار بزرگ چین از جمله مهم‌ترین آثار تاریخی جهان است.

آیا نمونه‌های دیگری از نقش مهم آثار باستانی در روشن شدن زوایای پنهان تاریخ ایران یا جهان می‌شناسید؟ دربارهٔ آنها در کلاس بحث کنید.



ملاحظات مورخان در استناد به آثار تاریخی

اگرچه آگاهی‌های به دست آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی برای مورخان روشنی بخش هستند، اما باید توجه داشت که همه اطلاعاتی که دربارهٔ آثار ارائه می‌شوند، دارای ارزش یکسان نیستند و چه بسا اعتماد به بعضی از آنها موجب دوری مورخ از واقعیت شود. برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی توجه به چند نکته ضروری است:

۱- اطلاعات تاریخی در مورد یک اثر باید از سوی افراد متخصص (در باستان‌شناسی) تأیید شود. آنچه یک فرد غیرمتخصص با حدس و گمان دربارهٔ آثار تاریخی می‌داند با اطلاعات ارائه شده توسط یک باستان‌شناس معمولاً تفاوت‌های قابل توجهی دارد.

۲- این امکان هست که افراد یا مراکزی با انگیزه‌های سودجویانه (کسب درآمد یا تحریف تاریخ) و یا از سرناآگاهی اشیای جعلی را به عنوان اثر تاریخی مربوط به یک دوره معرفی کنند. بدیهی است که هرگونه استناد به این گونه موارد به معنی انحراف از واقعیت تاریخی است.

۳- نتایج حاصل از تحقیقات باستان‌شناسی مانند بسیاری دیگر از یافته‌های تاریخی تنها تا

زمانی معتبر هستند که یافته‌های باستان‌شناسی و تاریخی جدیدتر آنها را نقض نکرده باشند. بنابراین مورخ باید همواره از آخرین اطلاعات مربوط به اثر مورد استناد خود، آگاه باشد.

حفظ آثار باستانی به عنوان مدارک تاریخی

پس از کشف یا شناسایی یک اثر تاریخی بلافاصله تلاش برای نگهداری و در صورت نیاز مرمت آن مطرح می‌شود. دست‌اندرکاران حفظ و مرمت آثار معمولاً آنها را به دو دسته «قابل انتقال» و «غیرقابل انتقال» تقسیم‌بندی می‌کنند. آثار منقول

زلزله)، ترمیم خرابی‌های آنها و نگهداری آنها در مکان‌های امن و مناسب از نظر دما و نور اشاره کرد. انجام هر یک از این کارها نیازمند دانش، دقت و سرمایه کافی است. برای مثال در بازسازی بناها طوری عمل می‌شود که ضمن افزودن بر عمر و استحکام آنها، هویت تاریخی و حقیقی آنها نیز آسیب نبیند. برای انجام این امور و سایر امور مربوط به آثار باستانی در همه کشورهای جهان مؤسسه‌ها یا سازمان‌هایی تأسیس شده‌اند که توصیه می‌شود هر اثر یافت شده‌ای در اختیار آن مؤسسه یا سازمان قرار داده شود. در کشور ما مسئولیت این امور بر عهده «سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی» است.

مانند ظرف‌ها، ابزارها و سلاح‌ها به آزمایشگاه‌های باستان‌شناسی و سپس موزه‌ها برده می‌شوند و آثار غیرمنقول همچون بناها در محلی که هستند مورد مطالعه قرار گرفته و حفظ می‌شوند. البته گاهی ممکن است قسمت‌هایی از یک بنای ویران شده (مثل سرستون‌ها و گچ‌بری‌ها) نیز به موزه‌ها انتقال داده شوند.

اهمیت مراقبت از آثار باستانی کمتر از اهمیت کشف آنها نیست. چه بسیار آثاری که به دلیل کم‌توجهی در حفظ آنها به تدریج از بین رفته یا سرقت شده‌اند. برای حفظ آثار کارهای مختلفی انجام می‌شود که از جمله آنها می‌توان به ایمن‌سازی در برابر حوادث طبیعی (مثل سیل و



تصویری از مرمت یک اثر تاریخی

کشف یک تمدن کهن در جیرفت

سال ۱۳۸۰ش. برای خبرگزاری‌های سراسر جهان، با پیگیری خبرهای مربوط به آثار یافت شده در چند کیلومتری جیرفت همراه بود. بررسی این آثار (که هنوز هم ادامه دارد) نشان می‌دهد که این منطقه یکی از مراکز مهم تمدن در ایران بوده است که قدمت آن به حدود ۵ تا ۶ هزار سال می‌رسد. ابتدا این آثار توجه حفاران غیرقانونی و سارقان میراث فرهنگی را به خود جلب کرد. در نتیجه اقدامات آنان، مقداری از آثار یا نابود شد و یا از موزه‌های کشورهای دیگر سر درآورد. سپس باستان‌شناسان به کاوش و مطالعه در تپه‌های باستانی این منطقه مشغول شدند و در نتیجه فعالیت‌های آنان، آثار و آگاهی‌های تاریخی قابل توجهی به دست آمد. به دلیل وسعت محوطه



تنگ مخروطی از جنس سنگ صابونی (بلندی ۲۶/۲ سانتی‌متر) نمونه‌ای از آثار یافت شده از جیرفت که نبرد مارها و عقاب‌ها را نشان می‌دهد.

باستانی و آثار موجود در این منطقه، آنان پیش‌بینی می‌کنند استخراج آثار و شناخت کامل تمدن جیرفت مدت زیادی طول بکشد. آنان همچنین معتقدند که شناخت این تمدن می‌تواند به تکمیل یا تصحیح دیدگاه‌ها و اطلاعات موجود در مورد تاریخ ایران و خاورمیانه باستان کمک زیادی کند.

موزه‌ها، گنجینه‌های آثار باستانی
مهم‌ترین مکان نگهداری آثار و اشیای تاریخی موزه‌ها هستند که در عین حال با به‌نمایش گذاشتن آنها امکان آشنایی مستقیم همه مردم با آثار را فراهم می‌کنند.

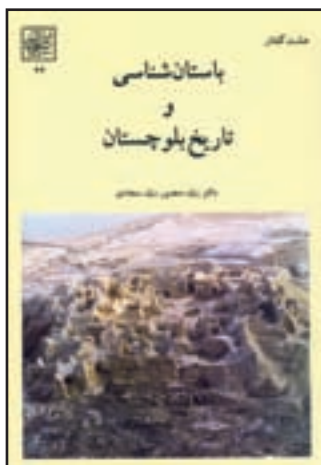


نمای درونی یکی از بخش‌های گنجینه ملی ایران. در این بخش و بخش‌های دیگر، آثار گوناگونی که طی کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، به ترتیب زمانی قرار داده شده است.

۱- کلمه موزه از ریشه یونانی موزیون (Mouseion) گرفته شده است. در یونان قدیم، معابد رب‌النوع‌های یونانی به این نام خوانده می‌شدند. به همین جهت به مرور زمان برای هر مکانی که در آن آثار مقدس و گرانبها نگهداری می‌شد، این کلمه به کار رفته است. خواه این آثار ارزشمند مربوط به دوران گذشته و خواه مربوط به زمان حاضر باشد.

سابقهٔ تشکیل موزه‌ها برای نگهداری و نمایش آثار باستانی به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. تمایل ذاتی بشر به حفظ اشیای کمیاب و گرانبها، پیشرفت‌های علمی در زمینهٔ باستان‌شناسی و تاریخ، رشد احساسات ناسیونالیستی و علاقه به هویت ملی و افزایش آگاهی نسبت به اهمیت این آثار در شناخت

بهبتر زندگی گذشتگان از جمله دلایل توجه جدی جوامع و حکومت‌ها در این زمینه بود. در نتیجه همین توجه است که همواره بر تعداد و دامنهٔ کار موزه‌ها افزوده شده و امروزه تبدیل به یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی در داخل هر کشور و در سطح بین‌المللی شده‌اند.^۱



نمونه‌ای از کتاب‌های تاریخی، که براساس یافته‌های باستان‌شناختی نوشته شده است.

از جمله موزه‌های بزرگ جهان می‌توان از موزه‌های «لوور»^۲ در پاریس، «بریتانیا»^۳ در لندن، «ارمیتاژ»^۴ در سن‌پترزبورگ و «متروپولیتن»^۵ در نیویورک نام برد. در ایران مهم‌ترین موزهٔ آثار تاریخی «گنجینهٔ ملی ایران» است که در تهران قرار دارد. در بسیاری از شهرهای دیگر کشور

نیز موزه‌هایی ایجاد شده و تعداد آنها دائماً در حال افزایش است.

بازدید از موزه‌ها نیازمند رعایت برخی اصول و نکات است. علاقه‌مندی، دقت در جریان بازدید، داشتن وقت و حوصلهٔ کافی و داشتن اطلاعات اولیهٔ تاریخی در این مورد اهمیت دارد.

۱- رسیدگی و نظارت بین‌المللی بر امور موزه‌ها بر عهده شورای بین‌المللی موزه‌ها یا (International Council Of Museums) I.C.O.M می‌باشد که بخشی از سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) است.

۲- Louvre

۳- British Museum

۴- Ermitazh

۵- MetroPolitan

آثار باستانی و دنیای رایانه‌ای

ابداع و پیشرفت آنچه که اصطلاحاً «سواد رایانه‌ای» خوانده می‌شود، بر وضعیت آثار باستانی و رابطه انسان با آنها نیز همچون سایر عرصه‌های زندگی بشر تأثیر گسترده‌ای داشته است. امکانات رایانه‌ای از یک سو ابزارها و فنون تازه‌ای را برای انجام دقیق‌تر و سریع‌تر فعالیت‌های علمی در اختیار باستان‌شناسان قرار داده است و از سوی دیگر دسترسی همگانی به این آثار و دستاوردهای علمی مربوط به آنها را در مقیاسی وسیع و آسان ممکن ساخته است. برای مثال در مورد نخست با کمک رایانه بازسازی چهره کامل نقوش تصویری و اشیای ناقص مربوط به گذشته و همچنین انجام محاسبات آزمایشگاهی و فنی با سرعت و دقت بالاتر عملی شده است. در یک کلام می‌توان گفت که امروزه رایانه و امکانات آن ابزاری ضروری در مراحل مختلف فعالیت‌های باستان‌شناسان به شمار می‌آید. در مورد دوم نیز این امکان فراهم شده تا عموم مردم بتوانند با دسترسی رایانه‌ای به آثار تاریخی و اطلاعات علمی مرتبط با آنها در ابعادی وسیع و جهانی، هر چه بیشتر با اهمیت این آثار آشنا شوند. علاوه بر تولید سی‌دی‌های اختصاصی دربارهٔ



تصویر سایت خبرگزاری میراث فرهنگی www.chn.ir

آثار، بسیاری از موزه‌ها و مراکز مرتبط با آثار باستانی (سازمان‌های مسئول، دانشکده‌ها و ...) با ایجاد سایت‌های اینترنتی، اطلاعات و یافته‌های خود اعم از مطالب نوشتاری، تصاویر و گاه فیلم‌ها را در اختیار مراجعان قرار می‌دهند. حتی با ایجاد تورهای مجازی به آنها این امکان را داده‌اند که از داخل خانه یا محل کارشان به بازدید از یک موزه یا محوطه تاریخی بازسازی شده به صورت گرافیکی، اقدام کنند. برای آشنایی با اهمیت و ابعاد این دنیای جدید کافی است نام یا آدرس اینترنتی یک موزه یا اثر تاریخی مهم (مانند تخت جمشید یا اهرام مصر) را به رایانه خود بدهید. بدون شک از آنچه در برابر دیدگان شما ظاهر می‌شود، شگفت زده خواهید شد. در ایران، سایت سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با آدرس www.iranmiras.org از جمله سایت‌های فعال اطلاع‌رسانی علمی در این عرصه است.

- ۱- آثار باستانی (تاریخی) به چه آثاری گفته می‌شود؟
- ۲- مراحل کار در یک عملیات باستان‌شناسی را نام ببرید.
- ۳- درباره یکی از شیوه‌های سال‌یابی آثار باستانی توضیح دهید.
- ۴- آثار باستانی چگونه به شناخت بهتر دوران تاریخی زندگی انسان کمک می‌کنند؟
- ۵- مورخان در استناد به آثار تاریخی چه ملاحظاتی را باید در نظر بگیرند؟
- ۶- دلایل اهمیت یافتن موزه‌ها در قرون اخیر چیست؟

- ۱- از یک بنای تاریخی یا موزه در محلی که زندگی می‌کنید، بازدید نموده و گزارش مشاهدات خویش را به کلاس ارائه کنید.
- ۲- مجموعه‌ای از عکس‌های مربوط به آثار تاریخی تهیه و آنها را براساس موضوع یا سیر زمانی دسته‌بندی کنید.

سکه‌ها آینه گذشته‌ها

سرگذشت سکه

کهن‌ترین سکه یافته شده در جهان، متعلق به سناخریب پادشاه آشور است که در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد تهیه شده است. شاید در همین حدود بود که در لودی^۱ سکه‌هایی از جنس الکتروم^۲ ضرب شد. سکه‌هایی که کروزوس پادشاه



نمونه‌هایی از نخستین پول‌ها

سکه‌های یکی دیگر از منابع پژوهش در تاریخ هستند^۱. در این درس با چگونگی پیدایش و تکامل آنها و نیز نقشی که در پژوهش‌های تاریخی دارند، آشنا می‌شوید.

همه شما با سکه آشنا هستید. سکه پول فلزی است که می‌توان با آن چیزی را خرید. آیا تاکنون اندیشیده‌اید که این پول چگونه ساخته شده، چگونه رواج یافته و چه کسی آن را ساخته است؟ آیا تاکنون به نقش‌ها و نوشته‌های روی سکه‌ها دقت کرده‌اید؟ سکه‌شناسی علمی است که به این گونه سؤالات تا حد امکان پاسخ می‌دهد. در این درس با سکه‌شناسی و کاربرد سکه‌های قدیمی در تاریخ‌نگاری آشنا می‌شوید.

۱- اگرچه سکه‌ها از جهتی در ردیف آثار باستانی قرار می‌گیرند، اما نظر به اهمیت خاص آنها نسبت به بسیاری آثار دیگر و نیز بدان جهت که امروزه «سکه‌شناسی» علمی با مبانی خاص خود تلقی می‌گردد، در این درس به‌طور جداگانه درباره آنها بحث شده است.

۲- واقع در آسیای صغیر - دولت لودی به پیش از دوره هخامنشیان اقتدار داشت.

۳- آلیاژی طبیعی مرکب از طلا و نقره ($\frac{3}{4}$ طلا، $\frac{1}{4}$ نقره).



لودیه رواج داد به کرزوئید (کرزوسی) معروف شد. پس از فتح لودیه توسط کوروش هخامنشی سکه‌های کرزوسی در ایران رواج یافت. داریوش یکم هخامنشی سکه‌های ذریک طلا و شیکل نقره را ضرب کرد که کهن‌ترین سکه‌های ایرانی است. کشورهای دیگر جهان نیز یکی پس از دیگری اقدام به ضرب سکه کردند. در کنار رواج سکه، مؤسساتی نیز به وجود آمدند که سرمایه اضافی مردم را حفظ و به متقاضیان وام می‌دادند. این مؤسسات پس از چندی به بانک معروف شدند. در گذشته مراکزی نیز وجود داشتند که سکه‌های سرزمین‌های گوناگون را تعویض می‌کردند. به این مراکز «صرافی» گفته می‌شد که اینک نیز همچنان به فعالیت مشغول هستند. بعدها انواع دیگر پول مانند اسکانس، چک، سفته، کارت اعتباری و غیره نیز پیدا شدند. اختراع پول پس از «کشف آتش و آهن» و «اختراع چرخ و خط»، مهم‌ترین دستاورد تمدن بشری بوده است.

و هند ساخته می‌شد.

۲- روش ضرب: در این روش ابتدا فلز را به ورق‌های نازک و مسطح تبدیل می‌کردند. سپس از آن قطعاتی مدور می‌بریدند که به آن پولک می‌گفتند. پولک بدون نقش با روش قالب‌ریزی هم به دست می‌آمد. سپس با استفاده از دو قطعه فلز فولادی یا چدنی که شبیه میخ بود و به آن سرسکه یا میخ سکه گفته می‌شد و نقش مورد نظر به صورت معکوس بر روی آنها حک شده بود، پولک‌ها را منقوش می‌کردند. به این صورت که سرسکه پایینی را که نقش روی سکه را برخورد داشت در سندان قرار می‌دادند. سپس پولک تهیه شده را گرم کرده و روی سرسکه پایینی قرار می‌دادند. بعد سرسکه بالایی را روی پولک نهاده با چکش بر آن می‌کوفتند

چگونگی ساخت سکه در گذشته و حال

سکه‌ها معمولاً به دو روش ساخته می‌شوند:

۱- قالب‌ریزی، ۲- ضرب.

۱- روش قالب‌ریزی: در این روش قالب‌هایی از گِل رس یا گچ تهیه می‌شد که تصویر رو و پشت سکه بر آن نقش می‌بست. سپس قالب‌ها را به هم چسبانده و از بالا فلز ذوب شده در آن می‌ریختند، پس از سرد شدن، قالب‌ها را شکسته و سکه‌ها را از قالب بیرون می‌آوردند. این نوع سکه‌ها بیشتر در چین



ضرب سکه در ضربخانه

تا نقش سرسکه‌ها بر پولک افتد^۱. نقش سرسکه پایینی به صورت برجسته بر روی سکه می‌افتاد. در دورهٔ ما ضرب سکه با دستگاه‌های جدید و سرعت زیاد انجام می‌شود.

جنس سکه‌ها

طلا و نقره فلزاتی قالب‌پذیر و در برابر رطوبت و گرما مقاوم هستند، به همین دلیل همواره برای ضرب سکه از آنها استفاده می‌شد. سکهٔ طلا معمولاً در معاملات بزرگ و با دیگر کشورها

۱- گاه پیش می‌آمد که فرصت ضرب سکهٔ جدید نبود و یا سکه‌های معتبری به‌دست می‌آمد که به ضرب مجدد نیاز نداشت، در این صورت آنگ (مهر) کوچکی ساخته و بر گوشهٔ سکهٔ قدیمی می‌زدند. این عمل، ضرب مجدد (سورشازز) نام داشت که بر یک روی سکه انجام می‌شد. بعضی از سکه‌های شاهخ تیموری تا پنج بار ضرب مجدد شده است.

۲- سکه‌های ۲۵۰ ریالی که در کشور ما رایج است، دو جنسی هستند نه آلیاژی.

واحدهای پول

معمولاً هر سکه‌ای نامی دارد که نشانگر واحد پول کشوری است که آن سکه در آن رایج می‌باشد. این نام مانع اشتباه در شناسایی سکه می‌گردد. در دوره اسلامی به سکه طلا دینار^۱، به سکه نقره درهم^۲ و به سکه مسی فلس^۳ گفته می‌شد. نام سکه‌ها معمولاً به چند طریق انتخاب می‌شد. جدول زیر راه‌های نامگذاری سکه‌ها را نشان می‌دهد.



نمونه‌هایی از شکل‌های مختلف پول از قدیم تا کنون

ملاک‌های نام‌گذاری و نمونه‌های نام سکه‌ها

۱- لقب حاکم	مثل شاه‌ی، قران (صاحب قرانی)، ریال (سلطنتی)
۲- نام حاکم	مثل ییمینی (یمین‌الدوله محمود غزنوی)، دریک (داریوشی)، عباسی (شاه عباس صفوی)
۳- نام شهر	مثل نیشابوری، لاری، فلوری (منسوب به فلورانس)
۴- جنس سکه	مثل فضی (نقره‌ای)، آئوروس (طلایی)
۵- رنگ سکه	مثل آقچه (سفید کوچک)، پول سیاه (مسی)
۶- اجزا و اضعاف سکه	مثل ربعی (یک چهارم)، بیستی (بیست دینار)، تومان (ده هزار)
۷- نقش روی سکه	مثل تیرانداز (نقش دریک هخامنشی)

در دوره اسلامی، علاوه بر نام‌های گرفته شده با ریشه ترکی - مغولی (آقچه، تومان) هندی (مُهر)، از یونان (دینار، درهم، فلس) واحدهای پولی، نام‌هایی تنگه و اروپایی (منات، ریال، لیره) داشته‌اند.

۱- از کلمه یونانی Denarius که سکه‌ای نقره‌ای بود و در صدر اسلام برای نامیدن سکه‌های طلایی رومی به کار می‌رفت.

۲- از کلمه یونانی Drachma (دراخما) که سکه‌ای نقره بود. سکه‌های نقره ایرانی پیش از اسلام نیز درهم نام داشتند.

۳- از کلمه یونانی Folis به معنی «سکه مسی» گرفته شده بود. جمع فلس، فلوس بود که بعداً برای سکه مسی به کار رفت.

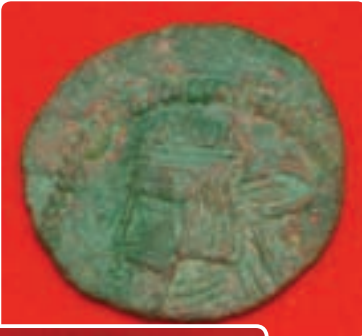
روش کار در سکه‌شناسی

سکه‌شناس در کار خود مراحل زیر را در

پیش رو دارد :

۱- یافتن : روش یافتن سکه‌ها معمولاً

روشی باستان‌شناسی است. به این ترتیب که در کاوش‌های باستان‌شناسی، به همراه دیگر آثار باستانی، گاه تعدادی سکه یا ابزارهای پولی نیز به دست می‌آید. همچنین ممکن است به هنگام تعمیر یا تخریب بناها و یا کاوش‌های غیرمجاز، تعدادی سکه کشف گردد. این سکه‌ها معمولاً به موزه‌ها و مراکز تحقیقاتی برده می‌شوند. سکه‌شناس خود به تنهایی به حفاری نمی‌پردازد بلکه از نتیجه کار باستان‌شناس بهره می‌گیرد. پاره‌ای اوقات، سکه‌ها در مجموعه‌های خصوصی نیز نگهداری می‌شوند.



یک سکه اشکانی قبل و بعد از مرمت

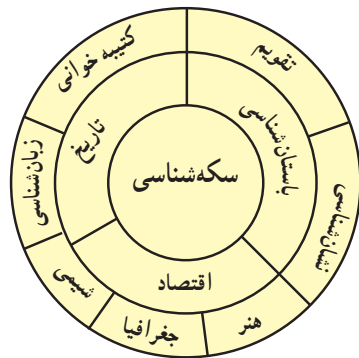
۳- طبقه‌بندی : سکه‌های شناسایی شده

براساس معیارهای تاریخی، جغرافیایی و دودمانی طبقه‌بندی می‌گردند. در ثبت مشخصات سکه اطلاعات زیر جمع‌آوری می‌گردد :

دوره ضرب سکه، حاکم ضرب کننده، جنس، وزن، قطر دایره سکه، مشخصات ویژه (ساییدگی، شکستگی، بریدگی، لحیم خوردگی، سوراخ، ضرب مجدد)، زمان ضرب، مکان ضرب، متن روی سکه، متن پشت سکه

۴- انتشار : نتایج کار سکه‌شناس پس از

طبقه‌بندی به صورت فهرست (کاتالوگ) منتشر می‌گردد تا مورد استفاده مورخان و محققان و نیز سکه‌شناسان دیگر قرار گیرد.



علوم یاری‌گر سکه‌شناسی

۲- شناسایی : از این زمان سکه شناس،

کار تخصصی خود را آغاز می‌کند و می‌کوشد سکه را شناسایی کند. او از تحقیقات دیگران و فهرست‌های سکه‌های شناسایی شده نیز بهره می‌برد.

سکه‌ها روشن می‌گردد.

۲- تاریخ اقتصادی و اجتماعی :

سکه‌ها با وزن و عیار خود، توان اقتصادی دولت‌ها، و با پراکندگی خود رواج تجارت را نشان می‌دهند. مثلاً پیدا شدن سکه یک کشور در سرزمین‌های دیگر، نشانه ارتباطات متقابل بین آنهاست. گسترش روابط تجاری نیز نشانه وجود امنیت اجتماعی است. وجود سکه‌های مسی کم‌ارزش فراوان در یک منطقه نشانه نیازمندی مردم به لوازم روزمره و عیار پایین سکه‌ها حاکی از فساد مالی حکام، ضعف ضرابخانه‌ها و ناتوانی اقتصادی است. پنهان کردن سکه‌ها در زیر زمین یا در خمرها نیز نشانگر آن است که صاحبان پول، امنیت نداشته‌اند.

۳- تاریخ مذهبی : سکه‌ها نشانگر

گرایش‌های دینی دولت‌های ضرب‌کننده آن نیز هستند. مثلاً با کمک نوشته‌های روی سکه می‌توان به شیعه یا سنی بودن یک فرمانروا پی برد. روابط امرا و پادشاهان کشورها با خلیفه (در بغداد) و پاپ (در واتیکان) نیز از روی نقش‌های سکه‌ها مشخص می‌گردد.

۴- تاریخ فرهنگی و هنری : خط،

زبان و هنر هر قومی، بر سکه‌های آن قوم نقش می‌بندد. با مطالعه هر سکه می‌توان به وضع هنری و تحول، تغییر و تأثیرپذیری آن قوم از هنر اقوام دیگر پی برد.

۵- جغرافیای تاریخی : به یاری سکه‌ها



گاه سکه‌های یافت شده موجب تغییر نظریات تاریخی می‌گردد. در کتاب‌های تاریخی آمده است که سلسله ساسانی با مرگ یزدگرد سوم منقرض شد. در کتاب آخرین شاه، نویسنده با استناد به سکه‌های یافت شده، معتقد است پس از یزدگرد سوم نیز تعدادی از شاهزادگان ساسانی به نام خود به‌عنوان شاه ایران سکه ضرب کرده‌اند.

استفاده‌های تاریخی از هر سکه

در پژوهش‌های تاریخی، سکه‌ها منبع مهم استخراج آگاهی‌ها در زمینه‌های گوناگون هستند و از هر سکه می‌توان در شاخه‌های گوناگون دانش تاریخ بهره برد، نظیر :

۱- تاریخ سیاسی : سکه‌ها سال‌شماری

دقیقی از حکام، تعداد، سال‌های حکومت و توالی آنها به دست می‌دهند. همچنین از نسب آنها، پیدایش دودمان‌های حکومتگر جدید، مدعیان حکومت، شورش‌ها و فتوحات خبر می‌دهند. چگونگی رابطه حکام محلی با یکدیگر و با حکام برتر نیز با مطالعه

از آنجا که در گذشته، همراه مردگان غذا، پول و سایر چیزها را در گور قرار می‌دادند، یافتن سکه‌ها در آن گورها، عمر سایر اشیاء را نیز معین می‌کند.

مورخان با یاری گرفتن از آگاهی‌های بالا، می‌کوشند اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و دینی هر عصری را همه جانبه‌تر بررسی کنند.

می‌توان نام دقیق شهر و محل ضرب آن را شناسایی کرد. بسیاری از مکان‌هایی که سکه‌ها در آنجا ضرب شده‌اند، اکنون ویران شده یا جای آنها را شهر دیگری گرفته است. با کمک سکه‌ها می‌توان با نام این مکان‌ها آشنا شد.

۶- باستان‌شناسی: پیدا شدن سکه‌ها در بناهای تاریخی، عمر آنها را مشخص می‌کند.



اندازه‌گیری وزن اشیای فلزی به عنوان واحد پول در دوره هخامنشی

دشواری‌های سکه‌شناسی

مهم‌ترین دشواری‌های سکه‌شناسی عبارتند از: آسیب‌ها (نظیر ساییدگی، زنگ‌زدگی، شکستگی)، اشتباه در خواندن، عدم دسترسی فراوان، عدم اطلاع از محل کشف سکه‌ها و احتمال جعل سکه.



یکی از نخستین سکه‌های اسلامی: این سکه در زمان عبدالملک بن مروان اموی ضرب شده است. نقش دو طرف این سکه با خط کوفی می‌باشد.

متن روی سکه:

مرکز: لا اله الا الله وحده لا شریک له

کناره: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین — الحق لیُظهِره
عَلَى الدِّینِ کُلِّه



متن پشت سکه:

مرکز: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد کناره: بسم الله
ضرب هذا الدرهم فی سنة سبع و سبعین

مهم ترین وقایع پولی در ایران

رواج حلقه‌های نقره‌ای در شوش (دورهٔ ایلامی)	ح (حدود) ۲۰۰۰ پ.م
رواج شمش و حلقهٔ طلا و نقره در سرزمین ماد (دورهٔ مادی)	ح ۶۰۰ پ.م
رواج سکه‌های کرزوسی در ایران (دورهٔ هخامنشی)	ح ۵۵۰ پ.م
رواج دریک طلا و شِکِل نقره در ایران (دورهٔ داریوش اول)	ح ۵۲۰ پ.م
رواج سکهٔ نقرهٔ یونانی در اِرخما در ایران (دورهٔ سلوکی)	ح ۳۲۰ پ.م
رواج سکه‌های پارسی با نوشتهٔ یونانی (دورهٔ اشکانی)	ح ۱۶۰ پ.م
رواج سکه‌های پارسی با نوشتهٔ پهلوی	ح ۶۰ پ.م
رواج سکه‌های عرب - ساسانی در ایران (صدر اسلام)	ح ۳۰ ق.
رواج سکه‌های اسلامی در ایران (دورهٔ اموی)	ح ۷۵ ق.
رواج سکه‌های پهلوی در طبرستان (دورهٔ اسپهبدان طبرستان)	ح ۱۰۰ ق.
رواج اولین سکه‌های ایرانی پس از اسلام (دورهٔ قاجاریان)	ح ۲۱۰ ق.
ضرب سکهٔ هزار دیناری توسط صاحب‌بن عباد (دورهٔ آل بویه)	ح ۳۷۸ ق.
رواج شمش طلا و نقره (بالش) در ایران (دورهٔ مغولی)	ح ۶۴۰ ق.
انتشار پول کاغذی ایرانی (چاو) در ایران (دورهٔ ایلخانان)	ح ۶۹۳ ق.
اصلاحات پولی غازان خان (دورهٔ ایلخانان)	ح ۷۰۰ ق.
رواج سکه‌های لاری در ایران (دورهٔ صفوی)	ح ۹۰۰ ق.
اصلاحات پولی شاه سلیمان صفوی (دورهٔ صفوی)	ح ۱۰۹۷ ق.
ورود اولین دستگاه ضرب سکه به ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۲۷۸ ق.
برقراری سیستم فرانک فرانسه در ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۲۹۰ ق.
تأسیس ضرابخانهٔ دولتی در ایران و رواج اولین سکه‌های ماشینی در ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۲۹۵ ق.
تأسیس بانک جدید شرق (انگلیسی) در ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۳۰۴ ق.
تأسیس بانک شاهنشاهی ایران (انگلیسی) (دورهٔ قاجار)	ح ۱۳۰۶ ق.
انتشار اسکناس توسط بانک شاهنشاهی ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۳۰۷ ق.
تصویب قانون تأسیس بانک ملی ایران (دورهٔ مشروطه)	ح ۱۳۲۶ ق.
رواج اسکناس‌های آلمانی توسط دولت مهاجرین در غرب کشور (دورهٔ مشروطه)	ح ۱۳۳۴ ق.
تأسیس بانک سپه، اولین بانک ایرانی	ح ۱۳۰۴ ش.
تأسیس بانک ملی ایران	ح ۱۳۰۶ ش.
خرید امتیاز انتشار اسکناس از بانک شاهنشاهی ایران	ح ۱۳۰۹ ش.
انتشار اسکناس توسط بانک ملی ایران	ح ۱۳۱۱ ش.
تأسیس بانک مرکزی ایران	ح ۱۳۳۹ ش.
انتشار اسکناس توسط بانک مرکزی ایران	ح ۱۳۴۰ ش.
تأسیس بورس اوراق بهادار ایران	ح ۱۳۴۵ ش.
ملی شدن بانک‌های کشور	ح ۱۳۵۹ ش.

- ۱- با استفاده از تصویر ص ۷۷ مهم‌ترین اشکال سکه را نام ببرید.
- ۲- چگونه می‌توان از سکه‌ها در نگارش تاریخ سیاسی بهره جست؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- یکی از سکه‌های رایج در جامعه را انتخاب کنید و نظرات خود را درباره آن بنویسید.
- ۲- سکه دوره اشکانی (صفحه ۷۸) را با سکه دوران اسلامی (صفحه ۸۱) مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را بیان کنید.

هنر و تاریخ

تجسم گذشته در آثار هنری

که از دریچهٔ آن با دوران‌های گذشته ارتباط برقرار کند و اختصاصی‌ترین ویژگی‌های یک جامعه را در زمانی مشخص آشکار سازد.

پس بی‌دلیل نیست که مورخان برای تدوین سرگذشت شهرها، مناطق و شخصیت‌های تاریخی و یا اوضاع فرهنگی هر دوره، از آثار هنری باری می‌جویند.

نقاشی قدیمی‌ترین هنر انسانی

محققان نقاشی را قدیمی‌ترین هنری

می‌دانیم که رویدادهای تاریخی تنها یک بار اتفاق می‌افتند و پس از آن دیگر وجود خارجی ندارند تا انسان بتواند دوباره آنها را مشاهده کند. اما یک اثر هنری پدیده‌ای زنده و موجود در برابر بینایی و شنوایی انسان‌هاست که گوشه‌هایی از اوضاع و احوال زمان آفرینش خود را منعکس می‌کند. به تعبیر دیگر هر اثر هنری را می‌توان گونه‌ای رخداد تاریخی دانست که تا زمان حال باقی مانده است و به محقق این امکان را می‌دهد



نقاشی روی دیوار غار لاسکو در فرانسه

زندگی اجتماعی بشر پدید آمد، نقاشی هم دچار دگرگونی‌های فراوانی گردید. برای شناخت بهتر این دگرگونی‌ها آثار را براساس معیارهایی مانند زمان و مکان آفرینش و نیز شکل و محتوای آنها طبقه‌بندی کرده، تحت عنوان سبک‌های^۲ مختلف نام‌گذاری می‌کنند.

کاربرد نقاشی در تاریخ‌نویسی

یک تابلوی نقاشی به عنوان محصول اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زمان خود، حاوی اطلاعات مهمی برای شناخت مسائل آن دوره است. از یک تابلوی نقاشی می‌توان در شاخه‌های مختلف تاریخ‌نویسی استفاده کرد، از جمله:

۱- تاریخ اجتماعی: با بررسی یک اثر

نقاشی می‌توان مطالب گوناگونی را پیرامون تاریخ

می‌دانند که توسط انسان آفریده شده است. زمان آفرینش کهن‌ترین نقاشی‌های شناخته شده به حدود ۲۰ هزار سال قبل باز می‌گردد. این آثار که در دل تاریک‌ترین نقاط غارهایی در اسپانیا و فرانسه^۱ ترسیم شده‌اند، مشتمل بر تصویر حیواناتی‌اند که به دست انسان‌ها شکار شده و از پای درآمده‌اند.

اما هدف نقاشان ماقبل تاریخ از ترسیم این نقوش چه بوده است؟ به گفته پژوهشگران، این نقاشی‌ها به دلیل اعتقاد انسان‌های نخستین به قدرت جادویی موجود در آثار هنری کشیده شده‌اند. بدین معنی که پیکرنگاران ماقبل تاریخ می‌پنداشتند کشیدن شکل حیوانات زخم خورده و از پای درآمده، جریان شکار را در عالم واقع آسان‌تر و نتیجه‌بخش‌تر خواهد نمود.

با گذشت زمان و به دنبال تحولاتی که در



نقاشی صحنه‌ای از جنگ‌های ایران و روسیه

۱- غار آلتامیرا (Altamira) در اسپانیا و غار لاسکو (Lascaeu) در فرانسه

۲- سبک style - ویژگی‌ها و مشخصات صوری مربوط به یک دوره هنری، گروه و یا شخص معین را می‌گویند.

نقاشی یافت می‌شود. مثلاً عقاید اساطیری مردمان میان دو رود در نقاشی‌هایی که آن اقوام بر روی سفالینه‌های خود باقی گذاشته‌اند، تجلی پیدا کرده است و نقاشی‌های باقی مانده از دوره قرون وسطای اروپا، آینه‌ای از عقاید دینی مسیحیان است که مباحث مختلف این آیین از خلقت انسان تا وقایع روز جزا (طبق روایات مسیحی) و نیز روایات مربوط به عیسی (ع) را دربر می‌گیرند.

۳- تاریخ سیاسی: تابلوهای نقاشی که از مجلس مذاکرات صلح بین عباس میرزا و پاسکویچ ترسیم شده‌اند، از جمله اسناد گران‌بها پیرامون جنگ‌های ایران و روس است که از طریق آن می‌توان سیاستمداران ایرانی و روسی شرکت کننده در مذاکرات را شناسایی و اهمیت مرتبه هر یک را مشخص نمود.

اجتماعی کشورهای مختلف در مقاطع خاصی از زمان به دست آورد. از جمله: نوع و شکل لباس و آرایش طبقات اجتماعی، انواع غذاهای مرسوم و نحوه سرو آنها، شیوه کاربرد تزیینات و دکوراسیون داخلی بناها، وسایل مورد نیاز در زندگی روزانه طبقات مختلف، نوع و شکل وسایل حمل و نقل رایج، آداب و رسوم برگزاری مراسم مختلف اجتماعی مانند ازدواج، جشن، مهمانی، سوگواری و انواع سرگرمی‌های مردم.

۲- تاریخ فرهنگ و تمدن: در زمینه عقاید و آداب و رسوم مذهبی، تفکرات غالب فلسفی، نوع معیشت، شکل و شیوه دادوستدهای اقتصادی، شیوه‌های معماری و شهرسازی، روش‌ها و مسائل تعلیم و تربیت، شکل و نوع آلات موسیقی، مطالبی زنده و گویا در تابلوهای



جایگاه هنر ایران در جهان

ایرانیان در طول تاریخ از فرهنگ و تمدن جهانی تأثیر پذیرفته و در عین حال بر آن تأثیر گذاشته‌اند. هنر ایران در جهان جایگاهی والا دارد.

عصر، آشنا شد. تابلوهای نقاشی که با موضوع صحنه‌های مختلف جنگ‌های ایران و روس کشیده شده‌اند، بهترین مثال در این مورد هستند.

۵- تاریخ هنر: بررسی آثار نقاشی نشان می‌دهند که در هر دوره‌ای چه تحولاتی در هنر نقاشی پدید آمده است.

۴- تاریخ نظامی: از خلال نقوش موجود بر روی تابلوهای نقاشی می‌توان با انواع سلاح‌های مورد استفاده، شکل و شیوه آرایش‌های رزمی و تاکتیک‌های جنگی، وسایل حمل و نقل نظامیان و ادوات نظامی، لباس‌ها و تجهیزات سربازان و افسران و چهره فرماندهان مشهور تاریخ، در هر

حجاری و مجسمه‌سازی

همان‌طور که درباره‌ی دگرگونی‌های سبک‌های نقاشی گفته شد، مجسمه‌سازی نیز تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در ادوار مختلف تاریخ رخ داده، سبک‌های مختلفی را به خود دیده و شیوه‌های گوناگونی را تجربه کرده است.

کاربردهای مجسمه‌سازی و حجاری در تاریخ‌نویسی

آثار حجاری نیز می‌توانند اطلاعات متنوعی را از گذشته در اختیار تاریخ‌نویسان قرار دهند. از جمله در تاریخ فرهنگ و تمدن، تاریخ

پژوهشگران، مجسمه‌سازی^۱ را نیز همپای نقاشی یکی از نخستین هنرهای آفریده‌ی دست بشر می‌دانند. کهن‌ترین حجاری‌های شناخته شده، در غارهای^۲ محل زندگی انسان‌های ماقبل تاریخ حک گشته‌اند.

این آثار با کار تکمیلی هنرمندان غارنشین بر روی اشکال طبیعی سنگ‌های دیواره‌ی غارها و یا دیگر سنگ‌ها و مواد موجود در محیط اطراف پدید آمده‌اند.



بخشی از حجاری‌های طاق بستان



مجسمه‌ی یک شاهزاده‌ی پارسی که در ایذه واقع در خوزستان یافت شده است.

مجسمه‌سازی نیز در آغاز راه همانند نقاشی از اعتقاد انسان‌ها به نیروهای جادویی نشأت گرفته است. مجسمه‌سازان نخستین، همچون اولین نقاشان، می‌پنداشتند که با شکار پیکره‌ی سنگی حیوانات شکاری در عالم خیال، موفقیت خود را در صحنه‌های واقعی شکار تضمین خواهند نمود.

۱- مجسمه‌سازی statue، هنری سه‌بعدی است که از طریق کاربرد فنون آن، هنرمند مجسمه‌ساز به توده‌ای از مواد ملموس و بدون

شکل، شکل و حالت دلخواه خود را می‌بخشد.

۲- مثلاً در غارهای کاپ بلان - فون دو گوم - و کُمبارل که همگی در فرانسه واقع شده‌اند.

اجتماعی، تاریخ سیاسی و تاریخ هنر می‌توان از اطلاعات تاریخی موجود در یک اثر حجاری استفاده کرد.

به‌طور مثال با کمک آثار حجاری مربوط به دوره هخامنشی، در نقش رستم فارس، که در آن پادشاه در مقابل آتشدانی افروخته به سوی نماد اهورامزدا (فَرَوَهَر) و رو به سمت شرق ایستاده است، مورخان می‌توانند تصویری درست‌تر از عقاید دینی رایج در دوران هخامنشی ارائه دهند. در همین نقوش، اقوامی که تخت پادشاه را حمل می‌کنند، گواهی بر وسعت قلمرو

کشور هخامنشی‌اند. نقوش حجاری شده بر روی پلکان‌های کاخ آپادانا در تخت جمشید، نوع لباس، نوع آرایش و مهم‌ترین محصولات اقتصادی هر یک از ملل تابعه امپراتوری هخامنشیان را نمایش می‌دهند و در عین حال چگونگی باریابی نمایندگان آن ملل را به دربار شاه، در جشن نوروز، نمایانگرند. برخی نقوش اساطیری موجود در تخت جمشید مانند نقش کشتن دیو خشکسالی توسط شاه هخامنشی، مؤید نگرانی خاطر همیشگی ایرانیان نسبت به مشکل طبیعی کم آبی است.



ایران دوستی پوپ

آرتور پوپ ایران‌شناس و نویسنده آمریکایی، سال‌ها در ایران به مطالعه و پژوهش درباره آثار هنری پرداخت. او در پایان عمر (۱۳۴۸ ش) وصیت کرد تا جسدش را مجاور پل خواجه در اصفهان دفن کنند.

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

به نظر شما از نقوش حجاری‌های ساسانی در طاق بستان چه برداشت‌هایی می‌توان کرد؟

نمایش و تاریخ

مطالعات مردم‌شناسی و تحقیقات باستان‌شناسی نشان داده که نمایش نیز نزد انسان‌های نخستین از مهم‌ترین شاخه‌های هنر محسوب می‌شود. نمایانگر نوعی اعمال جادویی بوده است. آنها از

جمله می‌پنداشته‌اند که با تقلید حرکات و حالات موجودی که «توتم»^۱ قبیله محسوب می‌شده است، قدرت او را از آن خود خواهند نمود.

در پی رشد جوامع انسانی و پدید آمدن شیوهٔ معیشتی کشاورزی، نمایش در قالب مراسم جادویی طلب باران یا مراسم شادی و شکرگزاری به مناسبت فصل برداشت محصولات کشاورزی به حیات خود ادامه داد. کشاورزان اولیه می‌پنداشتند که این نمایش‌ها سبب غلبه و تسلط آنها بر قوای طبیعت خواهد شد.

از دل همین نمایش‌های آیینی بود که برای نخستین بار در یونان باستان، هنر تئاتر^۲ پدید آمد.

عناصر اصلی هنر تئاتر و تئوری‌های توضیح دهندهٔ ارکان آن نیز توسط یونانیان ابداع شده است.

هنر نمایش در ایران همانند سایر نقاط جهان، ریشه در اعتقاد بشر به نیروهای ماوراءالطبیعه دارد. کما اینکه تصاویر موجود بر روی سفالینه‌های به جای مانده از ادوار بسیار دور ایران، نشان از برگزاری نوعی مراسم آیینی به مناسبت برداشت محصولات کشاورزی دارند. هروقت از اجرای نمایشی خاص در سالروز قتل گئوماتای مغ خبر داده و اخبار بسیاری از برگزاری نمایش اسطوره‌ای سوگ سیاووش در نقاط مختلف ایران در دست است.



در داستان‌های حماسی ایرانی، سیاووش فرزند برازندهٔ کیکاووس کیانی است که پس از رفع تهمتی که به او زده بودند به توران زمین رفت و با دختر افراسیاب پادشاه توران ازدواج کرد. اما در پی توطئه چینی درباریان، افراسیاب به قتل او فرمان داد. این قتل فجیع و ناجوانمردانه آتش کینه و جنگ را بین ایرانیان و تورانیان گدازان تر کرد. ماجرای مرگ دلخراش سیاووش در قالب نمایش‌های غمناکی تحت عنوان سوگ سیاووش، در روزی که سالروز قتل او می‌دانستند اجرا می‌شد. کیخسرو و جانشین کیکاووس، فرزند سیاووش، از همسر تورانی او فرنگیس دختر افراسیاب، است.

۱- توتم (Totem) حیوان یا گیاهی است که در اعتقاد انسان‌های ابتدایی نیای یک گروه انسانی به‌شمار می‌رفت.

۲- کلمهٔ تئاتر [Theater] در اصل مشتق از واژهٔ تئاترون [Theatron] است که جزء اول آن تا [Thea] به معنی تماشاکردن و محل تماشا و مشاهده می‌باشد. ریشهٔ این مفهوم به دوره‌ای از تاریخ یونان بازمی‌گردد که تماشاگران بر شیب تپه‌ای می‌نشستند و مراسم آیینی را که در پای همان تپه انجام می‌شد، تماشا می‌کردند.

کاربرد نمایش در تاریخ‌نویسی

اجرای نمایش‌های آیینی در زمان حاضر (مانند تعزیه) که به همان شکل و شیوه سنتی خود اجرا می‌شوند، حکم دریچه‌ای را دارند که به سوی گذشته فرهنگی یک ملت گشوده می‌شود. همچنین از آنجا که متون باقی‌مانده از اجرای نمایش‌های آیینی، خود در واقع جزء متون ادبی به‌شمار می‌آیند، بررسی آنها به روشن‌تر شدن تاریخ ادبیات (به‌خصوص ادبیات مذهبی و ادبیات عامیانه) در هر دوره‌ای یاری می‌رساند. این در حالی است که کنکاش در عناصر مختلف متون مزبور، از جمله اصطلاحات، تکیه‌کلام‌ها، شیوه ادای گفتگوهای نمایش، موسیقی متن و عناصر صحنه، می‌تواند برای محققان در زمینه تاریخ اجتماعی و تاریخ هنر ایران، از عصر صفوی به این سو، برخی مواد لازم را فراهم کند.

نمایشنامه‌های اروپایی نیز علاوه بر اهمیتی که در تاریخ ادبیات دارند، به لحاظ اینکه گاه جزئیات لباس بازیگران، چهره‌نگاری آنان، تزئینات و تجهیزات صحنه نمایش نیز در متن نمایش مشخص شده است، می‌توانند به مشخص‌تر شدن آداب و رسوم اجتماعی در دوران‌های گذشته یاری برسانند. از خلال متن نمایشنامه‌ها اطلاعات مفیدی پیرامون اعتقادات مذهبی، موقعیت اقشار و طبقات مختلف و اوضاع سیاسی - اقتصادی زمان تألیف نمایشنامه‌ها به دست می‌آید. ضمن این که این نمایشنامه‌ها از آنجا که گاه در قالب‌های

اما شاخص‌ترین نمایش آیینی ایرانی، تعزیه یا شبیه‌خوانی است، نمایشی که ریشه‌های عمیق در سایر نمایش‌های آیینی ایرانی داشته و موضوع اصلی آن واقعه جانسوز کربلا و شهادت امام حسین (ع) است. اجرای این نمایش از دوران صفویه و همگام با رسمی شدن آیین تشیع در ایران مرسوم گردیده است. باید به خاطر داشت که تعزیه تنها نمایش بومی - مذهبی، در جهان اسلام است.

یکی دیگر از نمایش‌های بومی - سنتی ایران نقالی است. نقال در مکان‌های عمومی (به‌خصوص قهوه‌خانه‌ها) به نقل داستان‌های مختلف شاهنامه (و گاه داستان‌های دیگر) می‌پردازد. او ضمن شاهنامه‌خوانی نقش تمام قهرمانان داستان‌هایش را نیز به صورت نمایش‌های تک‌گویی (مونولوگ) بازی می‌کند.

گاه نقالی در کنار پرده‌های نقاشی مزین به تصاویر قهرمانان شاهنامه یا مقدسین مذهبی اجرا می‌شود و نقال ضمن داستان‌گویی به تصاویر روی پرده که در ارتباط با داستان‌های او نقش شده‌اند، اشاره می‌کند و با این تمهید درکی بصری از داستان در شنونده پدید می‌آورد. این نوع از نقالی را پرده‌خوانی می‌نامند.

شاید بتوان نقالان را تنها آموزگاران تاریخ قبل از تأسیس مدارس جدید دانست. زیرا آنان در قالب روایات عامیانه گوشه‌هایی از تاریخ را نیز به مخاطبان خود می‌آموختند.

مختلف به انتقاد از اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر خود می‌پردازند، آینه‌ای شفاف از معضلات و مشکلات جامعه در آن عصر هستند^۱. علاوه بر اینها، نمایشنامه‌ها حاوی اطلاعات مهمی پیرامون نوع زبان، لهجه و اصطلاحات عوامانهٔ زمان خلق خود می‌باشند.

بدیهی است که هر نمایشنامه، روشن - کهندهٔ گوشه‌ای از تاریخ هنر محسوب می‌شود.

فیلم و سینما

تلاش دانشمندان برای ثبت حرکت سرانجام در سال ۱۸۹۵م به دست برادران لومیر^۲ به ثمر نشست و نخستین فیلم^۳ متحرک در پاریس به نمایش عمومی درآمد.

مقولهٔ فیلم را می‌توان به شاخه‌های مختلفی مانند فیلم‌های خبری، مستند و داستانی تقسیم کرد که هر کدام در جای خود برای مورخ تاریخ معاصر دارای اهمیت‌اند.

کاربرد فیلم و سینما در تاریخ‌نویسی

با توجه به این مسئله که فیلم و سینما وقایع را در جریان حرکتی نمایشی در معرض دید بینندگان خود قرار می‌دهند، می‌توان ادعا نمود که اختراع فیلم و سینما به مثابهٔ تحقق آرزوی دیرین

مورخان جهت دیدن رویدادهای گذشته است. فیلم‌های خبری مستقیم‌ترین منابع و شواهد را از وقایع مختلف سیاسی - اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و ... در اختیار محققان تاریخ قرار می‌دهند. آنها با کمک گرفتن از فیلم‌های خبری می‌توانند صحنهٔ جنگ‌ها، شورش‌ها، انقلاب‌ها، کودتاها، ترورها، ملاقات‌های سیاسی، کنفرانس‌ها و اجلاس سران کشورهای مختلف، رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری، ورزشی و حوادث طبیعی را که در تاریخ معاصر روی داده‌اند، بارها و بارها تماشا کنند و به تبیین و تفسیر دقیق‌تر و واقعی‌تری از این حوادث و رویدادها دست یابند.

فیلم‌های مستند که در موضوع‌های مختلف مانند علوم، هنر، صنعت، آموزش، صنایع دستی، فنون، سیاست، ارتش، تبلیغات سیاسی جنگ، قوم‌نگاری، جرم‌شناسی و غیره تولید شده‌اند دیر یا زود به منبعی تاریخی بدل می‌شوند. مثلاً یک فیلم مستند از سال ۱۹۶۰ در زمینهٔ هواپیماهای جت، در سال ۲۰۰۷م دیگر ارزش علمی چندانی ندارد، اما به لحاظ تاریخ علم و صنعت، به‌خصوص تاریخ صنایع هوایی، بسیار باارزش بوده، گوشه‌ای از تحولات این رشته از علم را در اختیار مورخان تاریخ علم قرار می‌دهد.

۱- نمایشنامه‌های مربوط به عصر مشروطیت از مهم‌ترین نمونه‌ها در این زمینه‌اند.

۲- لوئیس و اوگست لومیر

۳- فیلم (film) ورقه‌ای شفاف و انعطاف‌پذیر است که پوششی از نیترا تفره دارد. از فیلم برای ثبت و ضبط حرکات استفاده می‌کنند.

در عکس‌های تاریخی موضوعاتی مانند چهرهٔ رجال سیاسی و فرهنگی، مناظری از زندگانی روزمرهٔ مردم کوچه و بازار، صحنهٔ نبردها، جنبش‌ها، انقلاب‌ها، مجازات‌های قضایی، کنفرانس‌ها و ملاقات‌های سیاسی، رویدادهای مهم طبیعی و غیره ثبت دائمی شده‌اند. به همین خاطر در تمام تحقیقات پیرامون تاریخ معاصر، از عکس‌ها به‌عنوان شواهدی مستند که می‌توانند به روشن‌تر شدن مباحث گوناگون تاریخ نویسی کمک کنند استفاده می‌شود. از سوی دیگر عکس‌های تاریخی با پدید آوردن درک بصری از موضوعات مختلف به تفهیم بهتر مطالب تاریخی یاری می‌رسانند.

با انتخاب عکس‌های مناسب می‌توان از این منبع در جهت تفسیر حوادث و رویدادها نیز استفاده کرد. به تعبیری عکس‌ها خود در واقع نوعی تفسیر از وقایع تاریخی هستند.



تصویری از یک خانوادهٔ ارمنی در دورهٔ رضا شاه

در صورتی که فیلم‌های خبری و مستند مورد نقد کامل قرار گیرند، می‌توانند مدارکی جالب‌تر و قطعی‌تر از یک سند کتبی، تابلوی نقاشی یا عکس ارائه دهند. فیلم‌هایی که از قتل رئیس‌جمهور مصر در سال ۱۹۸۱م/۱۳۶۰ش یا جریان زلزلهٔ سونامی در سال ۲۰۰۴م/۱۳۸۲ش تهیه شده‌اند، بهترین مثال در این زمینه می‌باشند. محققان تاریخ هنر هم با مطالعه در عناصر پدیدآورندهٔ یک فیلم داستانی (سینمایی) می‌توانند تاریخ تکامل سینما را روشن ساخته و با قاطعیت بیشتری دربارهٔ توان هنری هنرپیشگان پیشین داوری کنند.

اهمیت فیلم و سینما تنها به ثبت رویدادهای مهم ختم نمی‌شود بلکه سینما با ثبت صحنه‌هایی از نحوهٔ زندگی افراد عادی بهترین سند را در این زمینه پیش‌روی مورخان آینده قرار می‌دهد.

عکس‌های تاریخی

از قرن نوزدهم بشر به امکان دیگری برای به‌تصویر کشیدن صحنه‌های زندگی خود دست یافت و آن عکاسی به معنای فن تثبیت دائمی تصاویر بود.

عکاسی همانند سینما با ضبط تصاویر، خاطرهٔ هرآنچه را که در سیر زمان نابودشدنی است، حفظ نموده، آن را به ساده‌ترین شکل ممکن در اختیار مورخان قرار می‌دهد.

موسیقی و تاریخ



تصویر یک مَهر قدیمی مربوط به دورهٔ ایلام. در این مَهر یک آوازخوان را می‌توان دید.

در مراحل ابتدایی حیات انسان، افراد هر گروه انسانی برای غلبه بر مشکلات توان‌فرسای زندگانی، اجباراً به صورت مشترک و به طرز هماهنگ کار می‌کردند و چون هر کاری مانند غلتانیدن سنگ یا فروانداختن درختان یا پاروزدن، مرکب از حرکاتی مکرر و منظم است، مردم ابتدایی در حین کار جمعی به رفتاری موزون دست می‌زدند. آنها مانند پتک‌زنان امروزی نفس خود را به شدت و با صدا از سینه بیرون می‌دادند. این اصوات با صداهای ناشی از برخورد ابزار کار، به سبب وزن کار، هماهنگ می‌شدند. بدیهی است که انسان‌های ابتدایی در ضمن انجام کار، به مقتضای احوال خود، کلماتی هم بر زبان می‌آوردند. (مانند یاعلی گفتن‌های کارگران امروزی) از این کلمات که در نظر آنان عناصری جادویی بودند، و پیوسته با فریاد کار و صدای ابزار قطع می‌گردیدند، ترانه‌های ابتدایی پدید آمد.

صداهای ناشی از ابزار کار انسان را به ساختن ابزارهای موسیقی کشانید. به طوری که برخی از قدیمی‌ترین آلات موسیقی، مستقیماً از ابزارهای کار پدید آمده‌اند. مثلاً بسیاری از سازهای زهی با الهام گرفتن از کمان ساخته شده‌اند. در موسیقی ایرانی چنگ و کمانچه دقیقاً چنین خاستگاهی دارند.

هنر موسیقی ایرانی که در عصر ساسانی به پیشرفت چشم‌گیری رسیده بود، در پی فتح ایران به دست مسلمانان، به میان اعراب رفت و موسیقی بدوی عرب‌ها را متحول نمود. به طوری که موسیقی سرزمین‌های خلافت شرقی در دوران اقتدار بنی‌عباس به اوج شکوه خود رسید. هماهنگ با رشد موسیقی در بین مسلمانان، از قرن دوم هجری تألیف کتب مختلف دربارهٔ تاریخ موسیقی و قواعد آن آغاز شد که مهم‌ترین آنها، اثر «ابوالفرج علی بن‌الحسین اصفهانی» تحت عنوان «الآغانی» است.

کتبی مانند الاغانی با داشتن اطلاعاتی درباره زندگی موسیقی‌دان‌های بزرگ شرق و همچنین از طریق گردآوری آوازاها و ترانه‌های مشهور و ثبت‌الحان (نوعی الفبای موسیقی) و نیز جمع‌آوری روایات و قصه‌های مختلفی که درباره هر آواز رسیده، تاریخ را با موسیقی پیوند می‌دهند.

اطلاعات تاریخی موجود در این دسته از منابع، علاوه بر کمک به نوشتن تاریخ هنر موسیقی، می‌توانند در تحقیقات پیرامون تاریخ فرهنگ و تمدن، تاریخ اجتماعی، تاریخ سیاسی، تاریخ تشکیلات اداری و نیز در روشن‌شدن اسرار دربارهای حکام و خلفا، مورخان را یاری دهند.

تحلیل و تفسیر علمی آثار موسیقایی جدی و سنگین می‌تواند در شناخت مسائل فرهنگی - اجتماعی مؤثر افتد. اما مهم‌تر از آنها، ترانه‌ها و آهنگ‌های عامیانه است. آثاری که در عین سادگی، بهترین انعکاس‌دهنده مشکلات، دردها، نیازها، آرزوها و آرمان‌های اجتماع در یک مقطع زمانی خاص هستند. سرایندهگان این آهنگ‌ها مردم کوچه و بازارند و الهام‌بخش آنان در سرایش شعر و ترانه بیشتر تحولات و تغییرات نامساعد یا نابهنگام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. این مردم هرگاه با امری مخالف شئون ملی یا سنن مذهبی یا فرهنگ اجتماعی خود مواجه می‌شدند یا در اموری ناروا مجبور به تحمل ستم آشکاری می‌گردیدند و در خود توان رویارویی نمی‌یافتند بی‌درنگ به حربه‌ی شعر و ترانه دست می‌بردند و چنین بود که ناگاه درباره آن امر نامطلوب یا دستور ظالمانه، ترانه‌ای با ساده‌ترین الفاظ و گاه با تندترین کلمات منتشر می‌شد و در مدت کوتاهی شهر و کشوری از آن با خبر شده در همه جا فریاد می‌شد. دلیل آن هم واضح است زیرا این ترانه‌ها زبان حال همه بود و از دردی برمی‌خاست که همه احساسش می‌کردند و آن را درد خود می‌دانستند.

- ۱- نقاشی چه نقشی در زندگی انسان‌های نخستین داشت؟
- ۲- چه شباهتی بین کاربرد نقاشی و مجسمه‌سازی در زندگانی انسان‌های ماقبل تاریخ وجود دارد؟
- ۳- هنر تئاتر چه پیوندی با فرهنگ یونان باستان دارد؟
- ۴- فیلم‌های خبری چه استفاده‌هایی در تاریخ‌نویسی دارند؟
- ۵- عکس‌های تاریخی در چه زمینه‌هایی به تاریخ‌نویسان یاری می‌رسانند؟

در مورد شبیه‌خوانی و تعزیه مطلبی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

ادبیات و تاریخ

مرز تاریخ و ادبیات

می‌توان فراز و نشیب زندگی اجتماعی و روحی ایرانیان را در آن دید.

گذشته از این، متون تاریخی و متون ادبی با هم ارتباط نزدیکی دارند. این ارتباط گاهی آن‌قدر نزدیک است که نمی‌توان بین متون ادبی و متون تاریخی فرقی گذاشت. کتاب‌هایی مثل تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی اگر چه نامشان تاریخ است ولی کتاب‌های ادبی هم هستند. گاهی هم در یک نوشته ادبی مانند یک شعر یا یک داستان کوتاه یا یک رمان، زمینه، بینش و یا اطلاعات تاریخی وجود دارد. کسانی که تاریخ یک دوره را می‌نویسند از مراجعه به متون ادبی بی‌نیاز نیستند.

در گذشته مورخانی که در خدمت دربارها بودند و با دستور سلاطین تاریخ می‌نوشتند، بیشتر شرح زندگی آن سلطان، توصیف اقدامات و جنگ‌ها و توضیح دوران حکومت او را

تاریخ و ادبیات در سرزمین ایران سرنوشت نزدیک و مشترکی دارند. در اولین نگاه باید اشاره کرد که ادبیات فارسی در بستر جریان تاریخ ایران به‌وجود آمده و پیش رفته است. در تمامی تاریخ ما، ادبیات، هم ابزاری برای بیان رویدادهای تاریخی بوده و هم در چگونگی وقوع این رویدادها اثر داشته است. گاهی ابزاری بوده در دست حاکمان برای تبلیغ خواسته‌ها و محکم‌تر کردن پایه‌های قدرت خود و گاهی هم سلاحی بوده است در دست مردم برای مبارزه با ستم حاکمان و ستیز با بیگانگانی که هر از چندگاهی بر سرزمین ایران می‌تاختند و بر آن مسلط می‌شدند. ادبیات همواره راهی بوده است برای حفظ هویت ایرانی و نگهداری از آن در برابر فرهنگ و هویت اقوام مهاجم. در عمل و در مسیری که ایرانیان در طول تاریخ خود طی کرده‌اند، ادبیات آینه‌ای است که

ادبی. این نویسندگان تاریخ را ادیبانه می‌نوشتند و نوشته خود را به آیات قرآن، احادیث، شعرها، حکایات و ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی زینت می‌دادند. به همین ترتیب، در همان دوران، متونی به‌وجود آمد که هم از نظر مورخان و هم از نظر ادیبان اهمیت دارند. این روش، بعدها هم حفظ شد و نوشتن کتاب‌های تاریخی با رنگ و بوی ادبی طی چند قرن ادامه پیدا کرد. کتاب‌هایی چون ترجمه تاریخ طبری اثر ابوعلی بلعمی؛ تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی و تاریخ جهانگشای اثر عظاملک جوینی نمونه‌هایی از این متون تاریخی-ادبی است.

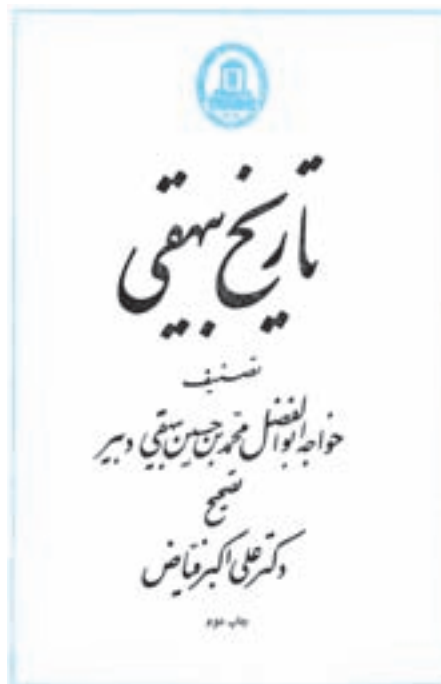
علاوه بر این، نویسندگان هر دوره‌ای، برای نوشتن از زبان و بیانی که در همان زمان در میان مردم متداول بود، استفاده می‌کردند. با گذشت یکی دو قرن زبان و بیان مردم و زبان نویسندگان تغییر می‌کرد و متن نوشته‌های تاریخی یک دوره، در قرون بعد برای مردم دشوار و گاه ناآشنا بود. مردم امروز دیگر نمی‌توانند به راحتی زبان نویسندگان قرون قبل را درک کنند و هرچه بیشتر به گذشته برگردیم، این دشواری بیشتر خواهد بود. در بعضی از این کتاب‌های تاریخی، شاید خلاقیت ادبی و زیبایی زبان و بیان مورد توجه نویسنده نبوده باشد، ولی چون نوشته به چند قرن قبل مربوط می‌شود، نویسنده امروز برای درک محتوای آن باید با ادبیات آشنایی کافی داشته باشد.

هدف خود می‌دانستند و به سرگذشت مردم توجه نداشتند. از طریق این دسته از کتاب‌های تاریخی، ما می‌توانیم از تاریخ سیاسی و نظامی دوره‌های مختلف تاریخ ایران آگاه شویم، ولی اگر بخواهیم تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران را بنویسیم باید به سراغ منابع دیگری برویم. یکی از این منابع، گنجینه پربار و عظیم آثار ادبی است. مورخان، برای نوشتن تاریخ اجتماعی و فرهنگی یک ملت، باید از گنجینه غنی و عظیم آثار ادبی آن ملت نیز استفاده کنند. نظیر دیوان شعر شاعران، منظومه‌های تاریخی، حماسی و دینی، اشعار و نوشته‌های طنزآمیز و ادبیات عامه مثل قصه‌ها، تصنیف‌ها، حکایات، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، متل‌ها و حتی لالایی‌ها.

ادبیات در آینه تاریخ

تاریخ‌ها: در مراحل اولیه پیدایش و رشد زبان فارسی دری، نویسندگانی که در خدمت دربارها بودند وظایف مختلفی برعهده داشتند. چون ادبیات تنها ابزار تبلیغی این حکومت‌ها بود، نویسنده باید فنون و صنایع ادبی را به خوبی می‌دانست. همین فرد، وظیفه داشت وقایع تاریخی مربوط به حکومت معاصر خود را هم بنویسد و با نوشته‌اش موفقیت‌های آن حکومت را ماندگار کند. این دبیران، طبیعتاً از تمام توانایی‌های ادبی خود در نوشتن تاریخ بهره می‌گرفتند و کتاب آنان هم ترکیبی بود از مواد تاریخی و خصوصیات

قمری به بعد بیشتر شد. مغولان به منظومه‌های تاریخی علاقه زیادی نشان دادند. آنان دوست داشتند کتاب‌های تاریخ به نظم درآید تا مردم به آن بیشتر توجه کنند و یاد و خاطره پیروزی‌های آنها ماندگارتر شود. گاهی مورخی تاریخ خود را تنها با این انگیزه می‌نوشت که براساس آن یک منظومه تاریخی سروده شود. در دوره‌های بعد، به خصوص در دوران حکومت تیموریان، صفویان و قاجارها این شیوه دنبال شد و منظومه‌های تاریخی فراوانی به وجود آمد. ظفرنامه حمدالله مستوفی، تیمورنامه عبدالله هاتفی جامی، شاهنامه صادقی اثر صادقی بیگ افشار و شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا، نمونه‌هایی است که به ترتیب در دوره‌های یاد شده به نظم درآمده‌اند.



تاریخ‌های منظوم

آداب الملوک‌ها
 برخی اندیشمندان می‌کوشیدند شیوه حکومت عادلانه و درست را به فرمانروایان زمان خود توصیه کنند. نوشته‌های این اندیشمندان را آداب الملوک یا سیاست‌نامه می‌نامند. کتاب‌های مربوط به روش کشورداری اگرچه نام تاریخ بر خود ندارند، ولی از نظر محتوایی برای نوشتن تاریخ اهمیت دارند. هر چند در این کتاب‌ها نباید به دنبال خبرهای تاریخی درست و معتبر بود، ولی می‌توان از آنها برای آگاهی از اندیشه سیاسی و روش‌ها و سیاست‌های کشورداری در دوره‌های مختلف استفاده کرد. چون نویسندگان

گاهی هم مورخان وقایع تاریخی را به صورت شعر بیان کرده‌اند. این مورخان شاعر اعتقاد داشتند، تاریخی که به شعر درآید می‌تواند در میان مردم اثر بهتری داشته باشد و بیشتر بماند. ایرانیان همیشه به سرودن منظومه‌ها یا داستان‌هایی که به زبان شعر بیان می‌شد، علاقه داشته‌اند. منظومه‌های تاریخی و دینی که زبان آن پرشور و حماسی است در سراسر تاریخ ادب فارسی نمونه‌های فراوانی دارد. شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی یکی از شناخته شده‌ترین منظومه‌های حماسی و تاریخی زبان فارسی است. سرودن این‌گونه منظومه‌ها، از قرن هفتم هجری



سیاست نامه ها، کتاب خود را برای سلاطین می نوشتند، در کار خود از حکایت های لطیف و دلنشین ادبی استفاده می کردند که هم مطالب کتاب خسته کننده نباشد و هم اثر بیشتری در خواننده بگذارد. یکی از این کتاب ها سیر الملوک یا سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی است. سلطان ملکشاه سلجوقی از نزدیکان خود خواست در کار کشورداری اندیشه کنند و بایدها و نبایدهای درگاه و دیوان را بنویسند. ملکشاه همچنین خواست راه و رسم پادشاهان گذشته در این مجموعه ذکر شود تا خاندان سلجوقی آن راه و رسم را بکار بندند. چند نفر از سیاستمداران و نویسندگان هر کدام کتابی نوشتند، ولی تنها کتابی که نظام الملک نوشته بود مورد قبول سلطان قرار گرفت. در این کتاب، ابتدا اصلی کلی که حاکمان باید در کار کشورداری به آن توجه داشته باشند ذکر شده و بعد از آن برای روشن تر شدن موضوع، حکایتی آورده شده است.



نظام الملک در فصلی با عنوان «در گزاردن حق خدمتکاران و بندگان شایسته»

چنین می نویسد:

«هر که از خدمتکاران خدمتی پسندیده کند، باید که در وقت نواختی یابد و ثمرت آن بدو رسد و آنکه تقصیری کند بی ضرورتی و سهوی، آن کس را به اندازه گناه مالشی رسد، تا رغبت بندگان در خدمت زیادت گردد و بیم گناهکاران بیشتر می شد و کارها بر استقامت می رود.»

حکایت: گویند روزی نوشروان عادل بر نشسته بود و با خاصگیان به شکار

می‌رفت و برکنار دیهی گذر می‌کرد. پیری را دید نودساله که گردو در زمین می‌نشاند. نوشروان را عجب آمد، زیرا که بیست سال گردو کشته بر می‌دهد. گفت: «ای پیر! گردو می‌کاری؟» گفت «آری». خدایگان گفت: «چندان بخواهی زیست که برش بخوری؟» پیر گفت: «کشتند و خوردیم و کاریم و خوردند». نوشروان را خوش آمد. گفت: «زه». در وقت خزانه‌دار را گفت تا هزار درم به پیر داد. پیر گفت: «ای خداوند! هیچ‌کس زودتر از بنده بر این گردو نخورد». گفت: «چگونه؟» پیر گفت «اگر من گردو نکشتمی و خدایگان این‌جا گذرنکردی، آنچه بر بنده رسید نرسیدی و بنده آن جواب ندادی، من این هزار درم از کجا یافته‌ام؟» نوشروان گفت: «زه‌ازه!». خزانه‌دار در وقت دو هزار درم دیگر بدو داد از بهر آن‌ک دو بار زه بر زبان نوشروان برفت.^۱

می‌شود. شاعران در انواع قالب‌های شعر فارسی به خصوص قصیده و قطعه از وضع زمانه خود سخن گفته‌اند. درست است که بعضی قالب‌ها مثل غزل در بیشتر دوره‌های شعر فارسی، برای بیان احساسات شاعر مورد استفاده قرار می‌گرفته و کاملاً شخصی بوده است، ولی همین قالب‌ها هم در دوره‌هایی از مفاهیم سیاسی و اجتماعی خالی نیست. برای نمونه، غزل‌های خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، آینه تمام‌نمای اوضاع اجتماعی و فرهنگی شیراز در دوران حکومت آل اینجو^۲ و آل مظفر^۳ است؛ همین‌طور، محتوای غزل‌های عصر مشروطه دیگر احساسات عاشقانه و شخصی نیست و این قالب شعر فارسی ابزاری رایج برای بیان انقلابات سیاسی و اجتماعی روزگار قاجار است.

اندرزنامه‌ها هم مثل آداب‌الملوک‌ها هستند، با این فرق که اندرزنامه نوشته‌ای ادبی است، نه تاریخی. این کتاب‌ها، در توضیح روش و اخلاق کشورداری و شرح اخلاق فردی نوشته شده و دارای زبان و بیان ادبی است. قابوسنامه عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بهترین نمونه این کتاب‌هاست.

تاریخ در آینه ادبیات

اخبار تاریخی در دیوان شعر شاعران یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های آگاهی مورخان اشعار شاعران است. در تمام انواع شعر، می‌توان مواد و مطالبی را یافت که به تاریخ سیاسی، اجتماع، اقتصادی و فرهنگی ایران مربوط

۱- نظام‌الملک طوسی، سیرالملوک (سیاستنامه)، تصحیح هیوبرت دارک، تهران ۱۳۵۵، صفحه ۴ و ۱۵۳.

۲- سلسله‌ای محلی که از سال ۷۰۳ تا ۷۵۸ ق. در فارس حکومت می‌کرد.

۳- سلسله‌ای محلی که از سال ۷۱۳ تا ۷۹۵ ق. در کرمان، یزد و فارس حکومت می‌کرد.

قصیده‌های سبک خراسانی از قرن پنجم هجری قمری به بعد، تنها در مدح سلاطین و پادشاهان نبود. در میان انبوه قصاید مدحیه سبک خراسانی، قصایدی وجود دارد که بهترین سند در شرح اوضاع اجتماعی روزگار است. تاخت و تاز صحرائشینان در شهرهای خراسان و آشفته‌گی وضع مردم در بعضی از منابع تاریخی چون *راحة الصدور و آية السرور* راوندی آمده است؛ ولی گویاتر از کتاب راوندی در این باره، *قصیده انوری ابیوردی* است که به عنوان «نامه اهل خراسان» در تاریخ ادبیات فارسی مشهور شده است.



قسمت‌هایی از قصیده انوری ابیوردی:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر

نامه اهل خراسان به برخاقان بر

نامه‌ای مطلع آن رنج تن و آفت جان

نامه‌ای مقطع آن رنج تن و سوز جگر

نامه‌ای بر رقص آه عزیزان پیدا

نامه‌ای در شکنش خون شهیدان مضمهر

نقش تحریرش از سینه مظلومان خشک

سطر عنوانش از دیده محرومان تر

بر بزرگان زمانه شده خردان سالار

بر کریمان جهان گذشته لئیمان مهتر

مسجد جامع هر شهر، ستورانشان را

پایگاهی شده نه سقفش پیدا و نه در ...

شاید هیچ نوشته تاریخی نتواند وضع اجتماعی ایران را به خوبی این دو بیت

شعر عبید زاکانی بیان کند:

در وضع روزگار نظر کن به چشم عقل

احوال کس مپرس که جای سؤال نیست

در موج فتنه‌ای که خلائق فتاده‌اند

فریادرس بجز کرم ذوالجلال نیست

همین‌طور اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی کلامی بعضی از فرقه‌ها و نهضت‌های سیاسی ایران در اشعار شاعران قابل جستجوست. نهضت‌هایی چون شعوبیه از شعر به عنوان مهم‌ترین ابزار بیان اندیشه‌های خود استفاده می‌کردند و درک ماهیت این نهضت جز از طریق مطالعه اشعار شاعران آن ممکن نیست. آراء و اندیشه‌های اسماعیلیان را می‌توان با بررسی شعر شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی و یانزاری قهستانی مطالعه کرد. از برخی فرقه‌ها چون حروفیه و نقطویه بیش از آن که متون مثنوی به جا مانده باشد، دیوان شعر باقی مانده است. این فرقه‌ها برای بیان اعتقادات خود که با اعتقادات عموم مردم سازگاری نداشت، به شعر نیازمند بودند و از آن استفاده می‌کردند.

طنز، ادبیات رمزی و تاریخ

تاریخ به شکل‌های مختلف راه خود را در آثار ادبی باز کرده است. در بسیاری از دوره‌های تاریخ ایران، استبداد سیاسی، دست و زبان نویسندگان را برای بیان درست و واقعی اوضاع سیاسی و اجتماعی بسته است. در چنین شرایطی، نویسندگان به طنز و ادبیات رمزی پناه برده‌اند و تلاش کرده‌اند وضع اجتماع خود را به شکلی بیان کنند که جان خود را در معرض خطر

قرار ندهند و کتاب‌هایشان هم در معرض نابودی قرار نگیرد و برای نسل‌های بعد باقی بماند. در تاریخ ادبیات ایران، طنزنویسی با نام عبیدزاکانی پیوند خورده است.

عبید در سال ۷۷۱ و یا ۷۷۲ ق. از دنیا رفته است. دوران پختگی و کمال عمر او مصادف بود با دورانی از تاریخ ایران که اصلی‌ترین ویژگی آن هرج و مرج سیاسی، آشفتگی اجتماعی و بحران اقتصادی است. اضمحلال حکومت ایلخانان مغول که از سال ۷۳۶ ق. آغاز شد و بعد از درگیری حکومت‌های محلی با یکدیگر، دست کم سه دهه پایانی عمر عبید را در برمی‌گیرد. عبید در همه آثار خود شرایط جامعه خود را به باد انتقاد گرفته است. برای نمونه دو حکایت او را می‌آوریم:

«دهقانی، در اصفهان، به در خانه خواجه بهاء‌الدین صاحب‌دیوان^۱ رفت. با خواجه سرا گفت: «با خواجه بگوی که خدا بیرون نشسته است، با تو کاری دارد. با خواجه به گفت؛ به احضار او اشارت کرد. چون درآمد، پرسید: «تو خدایی؟» گفت: «آری». گفت: «چگونه؟» گفت: «حال آن‌که من پیش، دهخدا و باغ خدا و خانه خدا بودم. نواب تو ده و باغ و خانه از من به ظلم بستند؛ خدا ماند»

«جنازه‌ای را بر راهی می‌بردند، درویشی با

۱- بهاء‌الدین محمدجوینی پدر شمس‌الدین و علاء‌الدین محمد جوینی که هر دو از دیوانسالاران برجسته ایرانی در دوره ایلخانان

مغول بودند.



منشآت و مکاتبات

منشآت و مکاتبات یا نامه‌ها و مکتوبات را بیشتر متن ادبی می‌دانند. این تقسیم‌بندی برای این صورت گرفته است که منشآت معمولاً به نثری ادیبانه نوشته می‌شد و منشیان و نویسندگان توانایی ادبی خود را در این گونه آثار ارائه می‌کردند. ولی از نظر مضمون و محتوا، به ویژه منشآت مربوط به سلاطین (سلطانیات) و نامه‌های مربوط به مکاتبات اداری (دیوانیات) کاملاً در حوزه تاریخ قرار می‌گیرد. البته نامه‌های شخصی و مکاتبات دوستانه (اخوانیات) هم از مضمون تاریخی خالی نیست. با وجود این، منشآت در حقیقت به اسناد تاریخی نزدیک است، ولی به دو دلیل نمی‌توان آن را با اسناد تاریخی یکی دانست: نخست این که نسخه یا اصل نامه‌ها در دست نیست و آنچه از این منشآت به ما رسیده، در چندین مرحله

پسر بر سر راه ایستاده بودند. پسر از پدر پرسید: «بابا! در اینجا چیست؟» گفت: «آدمی». گفت: «کجایش می‌برند؟» گفت: «به جایی که نه خوردنی باشد و نه پوشیدنی، نه نانی و نه آب و نه هیزم؛ نه آتش، نه زر، نه سیم، نه بوریا، نه گلیم» گفت: «بابا! مگر به خانه ما می‌برندش.»^۱

ادبیات رمزی نیز در همین دوره‌های نبود آزادی‌های سیاسی پدید آمده است. در این نوع نوشته‌های ادبی نویسنده از سمبل‌ها یا نمادهایی برای بیان مقصود خود استفاده می‌کند. حرف خود را بر زبان پیر زنان و دیوانگان یا دیوانه‌نمایان می‌گذارد و یا از قول حیوانات سخن می‌گوید. در بیان غیرمستقیم و کنایه‌آمیز و استعاری این نوشته‌ها، حقیقت تاریخی به صورتی بیان می‌شود که صاحبان خرد و بصیرت آن را دریابند، بی‌آنکه کسی به سبب گفتن حقیقت با خطر مواجه شود. یکی از عرصه‌های مهم استفاده از رمز و تمثیل در ادب فارسی، نوشته‌های عرفانی یا ادبیات صوفیانه است. منظومه‌هایی چون *منطق الطیر عطار نیشابوری* در زمره این داستان‌های رمزی است. آثار کلامی فرقه‌های مختلفی که با جریان رسمی و عرفی سازگار نبوده‌اند هم در پوششی از رمز و تمثیل بیان می‌شده است. این بیان آنان را از این که مورد تعقیب و آزار حکومت قرار گیرند رهایی می‌داده است.

۱- عبیدزاکانی، کلیات دیوان، تهران، ۱۳۷۶، صفحات ۲۲۴ و ۲۲۳.

نسخه برداری شده است. دیگر این که زبان و بیان، یعنی وجه ادبی نامه، برای منشیان اهمیت خاصی داشته و تنها انتقال خبر تاریخی مدنظر نبوده است. منشآت برای بازسازی نظام اداره کشور و همچنین

روابط میان کشورها برای مورخ اهمیت دارد. این نامه‌ها در نوشتن زندگی‌نامه اشخاص تاریخی نیز از منابع تاریخ محسوب می‌شود.

قلعه حیوانات اثر جرج اورول یکی از نمونه‌های ادبیات رمزی است.

شهر آشوب‌ها و تاریخ اجتماعی

شهر آشوب یکی دیگر از انواع شعر فارسی است. در این نوع شعر، معشوقی توصیف می‌شد که با حسن و زیبایی خود شهری را بر هم می‌زد و آشفته می‌کرد. چون قبل از وصف معشوق، شهری که در آن زندگی می‌کرد وصف می‌شد و درباره خصوصیات شهر توضیح داده می‌شد، این نوع شعر به صورت نوعی تاریخ محلی منظوم درآمد. شرایط تاریخی شهر و امتیازات آن در میان شهرهای دیگر، شغل‌ها و اصناف شهر و بسیاری از آگاهی‌های مهم دیگر درباره آن در این شهر آشوب‌ها ارائه می‌شود. در این آثار، هم ستایش شهرها به چشم می‌خورد و هم نکوهش و بدگویی شهرها و مردم آن وجود دارد. رفته رفته مضمون شهر آشوب‌ها به توصیف پیشه‌وران و صاحبان صنایع و حرف شهرها محدود شد. شهر آشوب در ادب فارسی سابقه‌ای طولانی دارد. نخستین شهر آشوب‌ها را مسعود سعد سلمان در زندان و در وصف لاهور سرود. این نوع شعر در دوره تیموری

رشد و رونق بیشتری یافت و در دوره صفوی به اوج خود رسید. آگاهی‌های این نوع شعر درباره تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرها در کتاب‌های تاریخی وجود ندارد و مورخان می‌توانند آگاهی‌های خود را با استفاده از این شعرها کامل کنند. شهر آشوب‌هایی درباره تبریز، اصفهان و هرات سروده شده است. شهر آشوب سیفی بخاری به نام صنایع البدایع و شهر آشوب لسانی شیرازی به نام مجمع الاصناف دو نمونه مشهور از شهر آشوب‌های زبان فارسی است.

رد پای تاریخ در ادبیات عامیانه

ادبیات عامیانه شامل انواع مختلف شعرها قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها یکی از سرچشمه‌های آگاهی تاریخی است. ادبیات عامه یکی از راه‌هایی است که مردم هر سرزمین برای نگهداری و حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، آیین‌ها و اعتقادات خود در پیش می‌گیرند. شعر فولکلور، قصه‌ها و افسانه‌های بلند، مثل‌ها یا قصه‌های کوتاه، ضرب‌المثل‌ها،

فرهنگ را در میان مردم جستجو کند. در قصه‌ها و ترانه‌های آذری در آذربایجان، اشارات فراوانی به شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی وجود دارد. خاطره قهرمانی‌های رئیس علی دلواری در مبارزه با اشغال‌گران انگلیسی، در شروه‌های^۱ تنگستانی حفظ شده است. در بسیاری از لالایی‌های مردم گیلان می‌توان ذهنیت اجتماعی آنها را درباره قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی دید. در ترانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه مردم فارس و کرمان هنوز نشانه‌هایی از سلاطین خوشنام زندیه زمزمه می‌شود. برای نمونه، در ترانه‌ای کرمانی چنین می‌خوانیم:

بازم صدای نی میاد
آواز بی‌دربی میاد
لطفعلی خانم کی میاد
لطفعلی خان بوالهوس
زن و بچه شو بردن طبس
طبس کجا، اینجا کجا!

لالایی‌ها و دیگر انواع این‌گونه ادبیات، به راستی زبان حال مردمی است که نسل به نسل و طی دوره‌های مختلف تاریخی فرهنگ خود سینه به سینه روایت و نقل کرده‌اند و از دستبرد روزگار ننگه داشته‌اند. فرهنگ بازی‌ها، جشن‌ها و شادمانی‌ها، ماتم‌ها و عزاداری‌ها جنگ‌ها و دوستی‌ها، عشق‌ها و نفرت‌ها و دیگر ابعاد زندگی اجتماعی در این ادبیات حفظ شده است. حتی رد پای بعضی رویدادهای سیاسی ثبت نشده و فراموش شده مناطق مختلف ایران در این فرهنگ قابل جستجو است. لالایی‌های محلی شکوه مادران از ستم‌کاری و بیداد و دلاوری ظلم ستیزی پدرانی است که در این راه جان باخته‌اند. یکی از سرچشمه‌های آگاهی درباره تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران همین‌گونه از ادبیات است. پژوهش در این زمینه دیگر در گوشه آرام و ساکت کتابخانه‌ها صورت نمی‌گیرد، بلکه پژوهشگر برای شناخت این فرهنگ باید به سراغ پژوهش میدانی برود و روستا به روستا و شهر به شهر این

بیشتر بدانید

رمان تاریخی

رمان یا داستان بلند یکی از انواع آثار ادبی است. هر چند رمان در اساس در ادبیات غرب ظهور کرده و به عرصه رسیده، ولی نمونه داستان‌های بلندی چون

۱- شروه: نوعی آهنگ خُرُن‌آور که بیشتر در مناطق جنوب ایران مرسوم است.

سمک‌عیار در فرهنگ و زبان ما وجود داشته است. وقتی مضمون و محتوای رمان، تاریخ است و یا داستان در یک دوره تاریخی و درباره یک شخصیت تاریخی شکل گرفته باشد، رمان تاریخی پدید می‌آید. رمان تاریخی پلی است میان ادبیات و تاریخ؛ مردم را به تاریخ علاقه‌مند می‌کند و راهی است برای آشتی آنان با مطالعات بیشتر و عمیق‌تر در وادی تاریخ. در بعضی از رمان‌ها نویسندگان خود در متن تاریخ بوده‌اند و توانسته‌اند گوشه‌های تاریک اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار خود را روشن کنند. رمان بینویان اثر **ویکتور هوگو** و **یا جنگ و صلح** اثر **لئون تولستوی** دو نمونه از این رمان‌ها هستند. در موارد زیادی هم تاریخ در یک رمان بازسازی شده و نویسنده خود در روزگاری که از آن سخن می‌گوید زندگی نکرده است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- منظومه تاریخی چیست و از چه زمانی بیشتر رواج یافت؟
- ۲- چرا مغولان بیشتر به منظومه‌های تاریخی علاقه نشان می‌دادند؟
- ۳- آداب الملوک‌ها از چه جنبه‌هایی برای نوشتن تاریخ اهمیت دارد؟ دو نمونه از این کتاب‌ها را نام ببرید.
- ۴- در چه شرایطی نویسندگان به طنز و ادبیات رمزی پناه برده‌اند و در این نوع آثار به چه مسائلی اشاره می‌شود؟
- ۵- منشآت چیست و آیا می‌توان آن را با اسناد تاریخی یکی دانست؟
- ۶- شهر آشوب چه مضامینی دارد و نخستین شهر آشوب را چه کسی سروده است؟
- ۷- کدام دوره تاریخ ایران، دوران اوج شهر آشوب‌سرای است؟

اندیشه و جست و جو

با مراجعه به یک اثر ادبی یا یک دیوان شعر، مطلبی تاریخی را از آن استخراج کنید و در کلاس ارائه دهید.

نسب‌نامه‌ها و تاریخ

آن فرزندان نیز به نوبه خود صاحب فرزندانی می‌شوند؛ بدین ترتیب حیات بشری از زمان آفرینش انسان تاکنون ادامه یافته است. اگر در یک خانواده نام پدران و فرزندان را به ترتیب پشت سر هم قرار دهیم، فهرست منظمی به دست می‌آید که نسبت آن افراد با یکدیگر را اعم از پدری یا فرزندی نشان می‌دهد. این فهرست را **نسب‌نامه** می‌نامند. مثلاً در صفحه ۱۱۳ به **نسب‌نامه** خاندان صفوی نگاه کنید. در این نسب‌نامه از بالا به پایین به ترتیب اسامی افراد خاندان صفوی از پدر به فرزند نوشته شده است. یعنی شیخ صفی پدر صدرالدین و صدرالدین پدر خواجه علی می‌باشد. شاه اسماعیل صفوی بنیان‌گذار این دولت با علامت ستاره مشخص شده است. **أسلاف**^۱ (پدر و اجداد) او تا شیخ صفی‌الدین مشخص شده‌اند و **أخلاف**^۲ او نیز تا صفی‌میرزا ارائه گردیده است. نسبت هر یک از افراد این نسب‌نامه با شاه اسماعیل در سمت

یکی از منابع مهم پژوهش تاریخی، **نسب‌نامه‌ها** است.^۱ آنچه تاکنون درباره منابع پژوهش در تاریخ خوانده‌اید، دربرگیرنده آگاهی‌هایی درباره متون و گزارش‌های گفتاری و نوشتاری بود. **نسب‌نامه‌ها** معمولاً درباره یک خاندان یا افراد گوناگونی که هر یک به گونه‌ای در رویدادهای تاریخی مؤثر بوده‌اند، سخن می‌گویند. بنابراین، روشن است که بازیگران اصلی رویدادها، انسان‌ها هستند. چون انسان‌ها نقش عمده‌ای در تحولات تاریخی یک کشور داشته و دارند، بنابراین شناخت آنها، به‌ویژه پیوندهای خانوادگی آنها اهمیتی به‌سزا در پژوهش‌های تاریخی دارد. در این درس با **نسب‌نامه** و نقش و اهمیت آن در تاریخ‌نگاری آشنا می‌شوید.

نسب و نسب‌نامه

هر انسانی از پدر و مادری زاده می‌شود و خود نیز معمولاً دارای یک یا چند فرزند می‌گردد.

۱- نسب یعنی خویشی و خویشاوندی و جمع آن انساب است.

۲- اسلاف به معنای پیشینیان است. جمع سلف.

۳- اخلاف به معنای جانشینان و بازماندگان است. جمع خلف.

راست نوشته شده است.

شخصیت فرضی احمد می‌توانید موقعیت بستگان او را روی نسب‌نامه ملاحظه نمایید.

از آن‌جا که از یک فرد فرزندان به وجود می‌آید و از آن فرزندان نیز فرزندان دیگر، نسب‌نامه را می‌توان به صورت درختی نمایش داد که دارای یک تنه است و سپس شاخ و برگ پیدا می‌کند. به همین جهت به نسب‌نامه، **شجره‌نامه** نیز می‌گویند.

نسب‌نامه گویای چه نکاتی است؟

یک نسب‌نامه دربرگیرنده گروهی از انسان‌هاست که با یک‌دیگر خویشاوند به‌شمار می‌آیند. پس در قدم نخست نسب‌نامه گویای نسبت افراد با یک‌دیگر است. نسب‌نامه به صورتی خلاصه، گویا و آسان نسبت هر یک از این افراد با دیگری را در اختیار ما می‌گذارد. از آن‌جا که خویشاوندی، یکی از مهم‌ترین شکل‌های روابط میان انسان‌هاست و این روابط تأثیر بسیار زیادی بر زندگی فردی و اجتماعی دارد، مطالعه تاریخ و به‌طور کلی مسائل یک جامعه بی‌نیاز از شناختن این روابط نیست. بدین ترتیب در دومین قدم، نسب‌نامه ساده‌ترین وسیله نشان‌دادن روابط افراد خویشاوند اعم از خویشاوندان نسبی^۲ و خویشاوندان سببی^۳ است.

دوره زندگی هر فرد را تا وقتی که جای خود را به دیگری (فرزندش) بدهد نسل^۱ (یک نسل) می‌نامند. بدین ترتیب از شیخ صفی تا شاه اسماعیل هفت نسل می‌شود. معمولاً هر نسل را یک دوره سی‌ساله می‌دانند زیرا به‌طور معمول هر شخص از تولد تا ازدواج و صاحب فرزند شدن زمانی نزدیک به سی سال را از سر می‌گذراند. این دوره سی‌ساله تقریبی و تخمینی است. معمولاً افرادی را که در یک زمان نشو و نما یافته باشند، یک نسل می‌نامند. مثلاً در نسب‌نامه صفحه بعد، شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدا بنده در یک نسل یعنی نسل نهم صفویه هستند.

نسب‌نامه فقط دربردارنده فهرست پدران و فرزندان نیست بلکه خواهران و برادران را نیز می‌توان در آن نشان داد. پس از گذشت یک نسل، خواهران و برادران برای نسل بعدی به صورت عمو، عمه، دایی یا خاله در می‌آیند. در نسب‌نامه‌ها پدران و فرزندان پشت سر هم قرار می‌گیرند و خواهران و برادران در یک ردیف در کنار هم واقع می‌شوند. مثلاً در نمودار صفحه ۱۱۵ مربوط به خاندان صفوی، می‌توانید نام خواهران و برادران شاه محمد خدا بنده و نیز پدر، جد، عموها و عمه او را پیدا کنید.

صورت کلی یک نسب‌نامه را می‌توانید در صفحه ۱۱۵ مشاهده کنید. در این نسب‌نامه برای

۱- نسل در لغت به معنای فرزند است.

۲- خویشاوندان نسبی مانند پدر، مادر، فرزند.

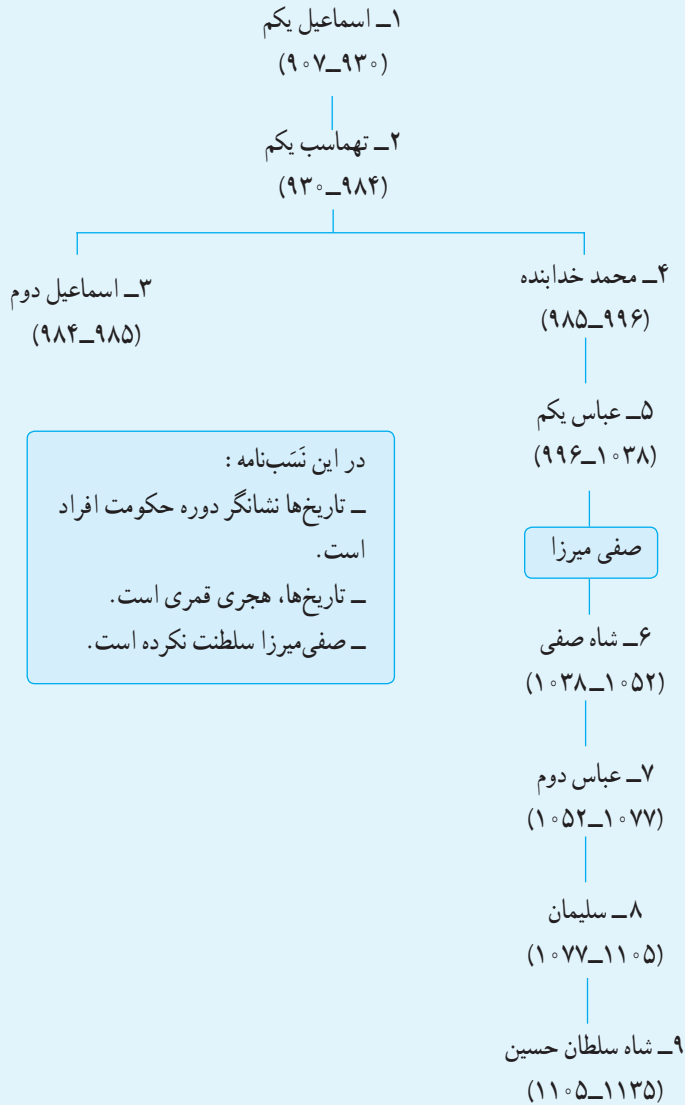
۳- خویشاوند سببی یعنی خویشاوندی که به دلیلی (سببی) مثل ازدواج به وجود آمده باشد.



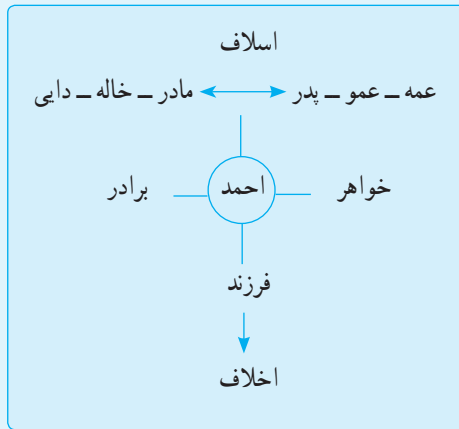
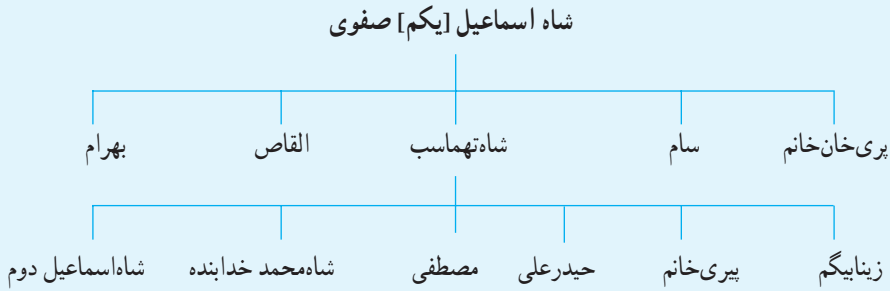
واژهٔ سلسله که برای حکومت خاندان‌ها به‌کار می‌رود، براساس نسب‌نامه است. سلسله در لغت به معنای زنجیر است و مقصود آن است که افراد یک خاندان که به‌ترتیب یکی پس از دیگری به حکومت رسیده‌اند، مانند حلقه‌های زنجیر با یکدیگر مربوط و متصل می‌باشند. این ارتباط و اتصال میان فرمانروایان در نسب‌نامه به‌خوبی نشان داده می‌شود.

از آن‌جا که هر فرد دارای یک تاریخ تولد و مرگ است یا فرمانروایان برای مدتی معین حکومت می‌کنند، لذا نسب‌نامه آسان‌ترین راه نشان‌دادن ترتیب افراد، فرمانروایان و غیره است. مثلاً در نسب‌نامه صفحهٔ بعد شاهان سلسله صفوی نشان داده شده‌اند. شماره‌ای که در کنار هر نام است ترتیب فرمانروایان را نشان می‌دهد و در زیر هر نام دوره فرمانروایی او مشخص شده است.

نسب‌نامه پادشاهان صفوی



در این نسب‌نامه:
 - تاریخ‌ها نشانگر دوره حکومت افراد است.
 - تاریخ‌ها، هجری قمری است.
 - صفی میرزا سلطنت نکرده است.



فکر کنید و پاسخ دهید ✓

به نظر شما ازدواج‌های سیاسی چه نقشی در سلسله‌های فرمانروایان داشته است؟

کاربرد نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی

تاریخی، تعدادی از وقایع قابل ثبت است، پس می‌توان با تنظیم شجره‌نامه‌ها و مشخص کردن ترتیب افراد، وقایع تاریخی مربوط به زمان هریک را منظم و مرتب کرد.

بدین ترتیب که در مقابل نام هر فرد وقایعی را نوشت که به‌دست او یا در زمان حیات و حکومت او

خواندید که مورخان برای نوشتن تاریخ نیازمند به داشتن ترتیب زمانی وقایع هستند. اما تاریخ وقوع همه وقایع در کتب تاریخ ثبت شده است. چون تمامی وقایع تاریخی توسط انسان‌ها رخ داده‌اند و در مقابل نام هریک از اشخاص

بازساختن افراد همنام از یک دیگر بوده است. مثلاً می‌گفتند احمد پسر حسن و اگر باز هم تشابه اسمی وجود داشت می‌گفتند احمد پسر حسن پسر مرتضی. به همین نحو اگر ضرورت داشت همچنان نام اجداد او را ذکر می‌کردند تا کاملاً از اسامی مشابه متمایز شود. انجام چنین کاری مستلزم استخراج نسب‌نامه‌ها و استفاده از آنها بود. در فهرست اسامی پادشاهان صفوی چند تن دارای نام اسماعیل یا عباس هستند که ما آنها را با نوشتن یکم و دوم پس از اسامی آنها مشخص می‌کنیم، اما همین کار با داشتن نام فرمانروای پیش از آنها ممکن شده است.

رخ داده است. بنابراین ترتیب وقایع (اعم از آن که تاریخ آنها موجود باشد یا نباشد) و نیز ارتباط آنها با افراد معلوم می‌شود. این کار که گامی اساسی در تاریخ‌نویسی است اگرچه ساده به نظر می‌آید، اما کاری سخت و مستلزم دقت و صرف وقت بسیار است. اگر اشتباهی در این مرحله رخ دهد، بسیاری از مطالب بعدی اشتباه خواهد بود. لذا استخراج نسب‌نامه‌ها (مثلاً سلسله‌ها) و تنظیم وقایع براساس آنها، از اقدامات اساسی مورخان به‌شمار می‌آید. در واقع نسب‌نامه‌ها چهارچوبه مناسبی برای ارائه و شناخت رویدادهای تاریخی هستند. دومین استفاده نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی،



یادگاری از این روش هنوز در میان عرب‌ها وجود دارد که برای مشخص ساختن افراد از نام پدرشان استفاده می‌کنند. مثلاً می‌گویند فلان بن (پسر) فلان یا فلانه بنت (دختر) فلان. اما در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما، برای شناسایی افراد، نام خانوادگی معمول شده است؛ یعنی پس از نام (نام کوچک) نام خانوادگی (فامیل) آورده می‌شود مانند رضا حسینی.

نسب‌شناسی^۱

براساس خویشاوندی و روابط قبیله‌ای بوده است، همگان توجهی ویژه در به خاطر سپردن نسب افراد و قبایل داشته‌اند. در جوامعی مانند یونان باستان که اشراف^۲ (نجبا - اصیل زادگان) قدرت را در دست داشته‌اند، فقط افرادی که اصل و نسب مهمی

دانستن اصل و نسب همواره برای انسان‌ها اهمیت داشته و به‌خصوص در زمان‌های گذشته از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. به‌طور کلی چون در جوامع گذشته، روابط اجتماعی و سیاسی

۱- Genealogy

۲- آریستوکرات (ها)

داشتند، جزو اشراف به‌شمار می‌آمدند. در ایران باستان طبقه حاکمه یعنی طبقه ممتاز مدعی بود که دارای اصالت خون است. پادشاهان ساسانی خود را از نسل پادشاهان کیانی می‌دانستند. بر این اساس کسی که از نسل کیانیان و به‌خصوص ساسان نبود، نمی‌توانست به پادشاهی برسد. مرتبه و منزلت اجتماعی افراد نیز براساس نسب آنها مشخص می‌شد. در روم باستان با حفظ نسب افراد، طبقات جامعه را مشخص می‌ساختند؛ یعنی اشراف را از مردم طبقات پایین جدا می‌کردند. برای این کار افرادی که موسوم به سانسور بودند، نسب‌نامه افراد را بررسی می‌کردند. چنان‌که شغل، مقام و موقعیت فردی با نسب او منطبق نبود، وی را وادار می‌کردند شغل و موقعیت اجتماعی خود را تغییر دهد.

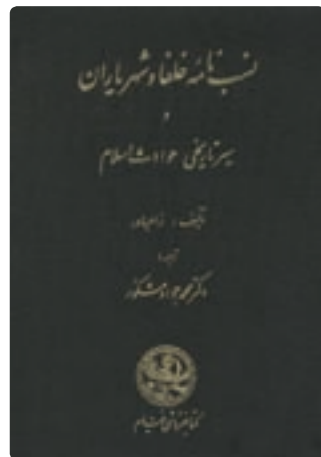
در میان عرب‌ها نیز شناخت نسب اهمیت بسیاری داشته است. افراد هر قبیله می‌کوشیدند نام پدران خود را حفظ کنند و روابط قبیله خود

با قبایل دیگر را بشناسند. در حقیقت براساس همین روابط، (سببی یا نسبی) اتحاد قبایل به‌وجود می‌آمد. به همین جهت در میان عرب‌ها اشخاصی موسوم به نَسَابَه (نسب‌شناس) وجود داشتند که نسب افراد و قبایل را می‌شناختند و به دیگران می‌آموختند. بعدها در تمدن اسلامی مقامی به نام نقیب به وجود آمد که وظیفه‌اش شناختن نسب افراد خاندان‌های مهم بود. نقیب در اصل رابط حکومت با افراد این خاندان‌ها بود. چون این کار مستلزم شناخت نسب افراد این خاندان‌ها بود، لذا نقیب‌ها افرادی نسب‌شناس به‌شمار می‌آمدند.

اهمیتی که جوامع در طول تاریخ به نسب می‌دادند موجب شده است تا علمی به نام نسب‌شناسی (تبارشناسی) به وجود آید. این علم یکی از شعبه‌های علم تاریخ است. هرچند فواید و نتایج آن منحصر به علم تاریخ نبوده است، برای این منظور کتاب‌های متعددی در مورد شناخت نسب‌ها تألیف شده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان «الأنساب» نوشته «کلبی» و «الفصول الفخریه» نوشته «ابن عنبه» و تعدادی کتاب دیگر را نام برد.

درجه اعتبار نسب‌نامه‌ها

آن‌چه تا این‌جا گفته شد در مورد جنبه‌های مثبت نسب‌نامه‌ها بود، اما باید توجه داشت که نسب‌نامه‌ها به دلایل متعددی ممکن است درست نباشند. گذشت زمان و مرور ایام موجب



آشنایی با چند واژه در نسب‌شناسی	
نام خانوادگی	در جوامع مختلف به شیوه‌های گوناگونی انتخاب می‌شود. در کشور ما معمولاً برای فرزندان نام خانوادگی پدر را برمی‌گزینند. مگر آن‌که به هر دلیلی بخواهند نام خانوادگی دیگری انتخاب کنند؛ اما همسر نام خانوادگی خود را حفظ می‌کند. در ممالک انگلیسی زبان زن پس از ازدواج، از نام خانوادگی شوهر استفاده می‌کند. در سرزمین‌های اسپانیولی زبان، نام خانوادگی فرزند مرکب از فامیل پدر و مادر است.
لقب	عرب‌ها علاوه بر نام معمولی، نام دیگری نیز دارند که بدان مشهورند مانند این‌که پیامبر(ص) را در کودکی محمد «امین» می‌گفتند. به این نام، لقب می‌گویند.
کنیه	اسمی است که در آن شخص را به نام پدر یا پسر بزرگش می‌نامیدند مانند ابوجعفر یا ابن‌خلدون
سلسله، آل، دودمان، خاندان	همه این‌ها غالباً به یک معنی به کار می‌روند.
خویشاوندی غیرطبیعی	گاه بنا به عللی روال معمولی پیوند خانوادگی (پدر، مادر، فرزند) تغییر می‌یابد و پیوندهای دیگر ایجاد می‌شود مانند: پدرخواندگی، فرزندخواندگی، نامادری و ...
جد، نیا، جده	پدر پدر را جد یا نیا یا نیاک و مادر پدر را جدّه می‌گویند.

یا چون پیش‌بینی نمی‌کردند که ممکن است به قدرت برسند، اقدام به ثبت نسب خود نمی‌کردند. در نتیجه پس از رسیدن به قدرت، چون مطابق فرهنگ عصر خویش باید خود را دارای نسب عالی نشان می‌دادند، اقدام به ساختن نسب‌نامه اعم از راست یا دروغ می‌نمودند. مثلاً عبیدالله المهدی بنیان‌گذار دولت اسماعیلی فاطمیان در مصر، مدعی بود که نسبش به امام جعفر صادق (ع) می‌رسد، یا صفویان مدعی بودند که سید هستند و نسبشان به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. چون این سلسله‌ها تا قبل از رسیدن به قدرت چنین ادعاهایی نداشته‌اند، بنابراین مورخان اعتماد کاملی به این ادعاها ندارند.

فراموش شدن اسامی افراد یک خاندان یا اشتباه در ترتیب و تاریخ زندگی آنها می‌شود. به علاوه آشفتگی سیاسی جوامع که موجب به قدرت رسیدن چند فرمانروا در یک کشور به‌طور همزمان یا جدال قدرت می‌شود، معمولاً فهرست نسب‌نامه را دچار بی‌نظمی می‌سازد. چنین اشکالاتی گرچه اهمیت دارند و باید برطرف شوند، اما مسأله مهم و درخور توجه، جعل و تحریف نسب‌نامه‌ها است. جعل و تحریف نسب‌نامه‌ها معمولاً به دلایل زیر بوده است:

۱- بسیاری از سلسله‌هایی که در تاریخ به قدرت می‌رسیدند، یا دارای نسب عالی نبودند و

۲- در بعضی از دوران‌ها، فرهنگ سیاسی رایج در جامعه حکومت را فقط حق خاندانی خاص می‌دانسته است. لذا کسانی که به قدرت می‌رسیدند، می‌کوشیدند نسب خود را به همان خاندان برسانند تا حکومتشان مشروعیت پیدا کند. مثلاً تیمور مدعی خویشاوندی با چنگیزخان بود؛ سامانیان ادعا داشتند که از نسل بهرام چوین (سردار ساسانی) هستند. در مورد صحت این ادعاها تردیدهایی وجود دارد.

۳- از آن جا که داشتن نسب مشترک میان دو شخص یا دو قبیله، موجب اتحاد آنان می‌شده است (یعنی یک خانواده هستند و خویشاوند به‌شمار می‌آیند) لذا بنا بر مصالح اجتماعی و سیاسی گاهی دو قبیله بدون آن که در واقع دارای یک نیا باشند، چنین ادعایی داشتند.^۱ این مسأله باعث گمراهی نسل‌های بعدی می‌شد.



نسب‌شناسی در دنیای کنونی

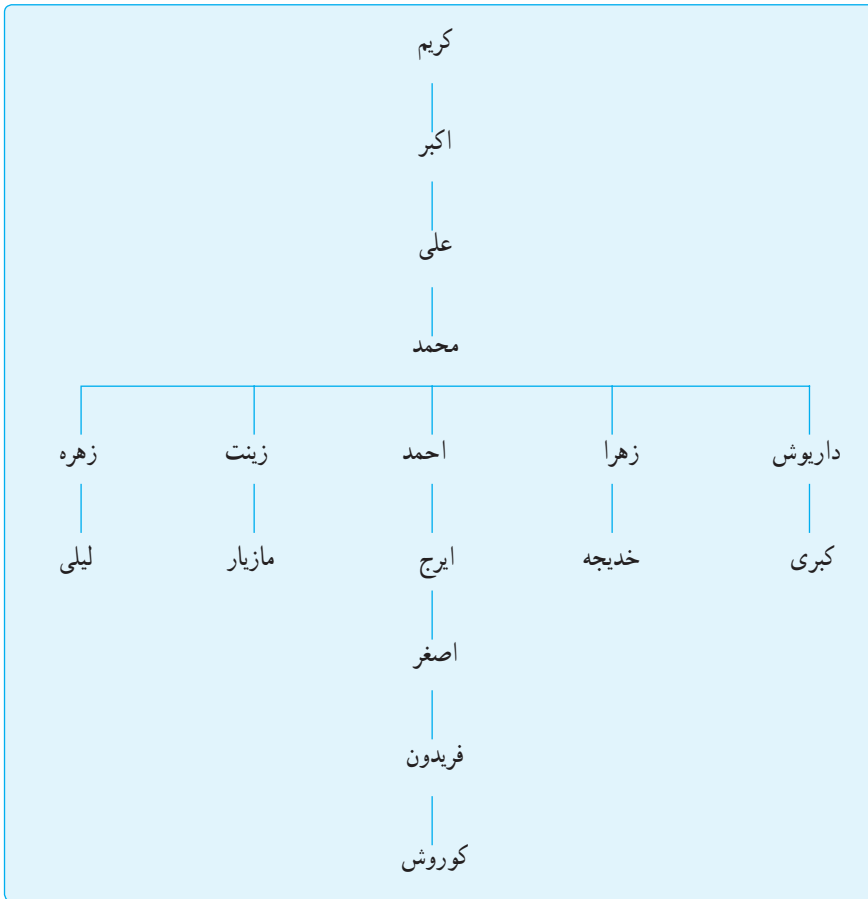
امروزه با تحولاتی که در جوامع بشری به‌خصوص جوامع صنعتی روی داده، تنها در موارد محدودی از مسایل حقوقی و کشف هویت ممکن است شناخت نسب ضرورت پیدا کند و یا در بعضی از جوامعی که تمايلات نژادپرستانه داشته‌اند یا هنوز به سنت‌های اشرافی پای‌بند هستند ممکن است به نسب‌نامه‌ها اهمیت فراوان داده شود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- نسب‌نامه چیست؟
- ۲- کاربرد نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی را توضیح دهید.
- ۳- به چه دلایلی ممکن است نسب‌نامه‌ها دچار تغییر و تحریف شوند؟

۱- به همین جهت عده‌ای معتقدند که بعضی از انساب چیزی جز حلف (پیمان اتحاد) نیستند.

۱- در نسب‌نامه فرضی زیر



الف : داریوش با لیلی چه نسبتی دارد؟ ب : زهرا و زهره چه نسبتی با هم دارند؟

ج : کریم چه نسبتی با احمد دارد؟ د : کورش چه نسبتی با احمد دارد؟

هـ : کبری چه نسبتی با اصغر دارد؟ و : خدیجه چه نسبتی با مازیار دارد؟

ز : لیلی چه نسبتی با اصغر دارد؟

۲- با استفاده از اطلاعات پدر و مادر و سایر بزرگ‌ترهای فامیل، نسب‌نامه خود

را به‌صورت یک نمودار تنظیم و نام خود را در آن مشخص کنید.

سفرنامه، گشت و گذار در سرزمین‌ها

قوی نیاز داشت تا فردی از شهر و دیار خود دل بکند و عزم سفر کند. معمولاً سفر برای انسان‌ها با تغییر و تحولات فکری و روحی همراه است. به همین دلیل قرآن کریم انسان‌ها را به گشت و گذار و دقت در آنچه بر مردمان سایر سرزمین‌ها گذشته است، دعوت می‌کند. برای توجه بیشتر بدین نکته، لازم است درباره «اقامت» و «مسافرت» بیشتر تأمل کنیم.

در مسافرت فرد می‌بایست، اگرچه برای زمانی کوتاه، از بسیاری تعلقات خود دل بکند؛ زحمت و سختی سفر را تحمل کند؛ در شرایطی متفاوت از

حال که با نقش و اهمیت نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی آشنا شدید، به بررسی یکی دیگر از مهم‌ترین منابع پژوهش در تاریخ می‌پردازیم. خواندید که مورخان، «گذشته» را به یاری اطلاعات مختلفی که از اخبار و آثار به دست می‌آیند، بازسازی می‌کنند. در سده‌هایی از تاریخ ایران، سفرنامه‌ها یکی از مهم‌ترین منابع به دست آوردن آگاهی درباره وضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌شمار می‌روند.

اقامت و مسافرت

در گذشته مسافرت آسان نبود و انگیزه‌های



از آن‌جا که در گذشته وسایل حمل و نقل به اسب، الاغ و شتر و نظایر آن منحصر می‌شد و حمل و نقل، با سرعتی بسیار کمتر از عصر حاضر انجام می‌گرفت، وجود مکان‌هایی در بین راه برای استراحت و سپری کردن شب ضروری بود. آیا نمونه‌هایی از این کاروانسراها را در شهر و دیار خود می‌شناسید؟

در سال‌های گذشته دربارهٔ برخی لشکرکشی‌های فرمانروایان مطالبی خوانده‌اید. این‌گونه لشکرکشی‌ها از نوع سفرهای نظامی هستند و باید دانست که انجام آنها کاری ساده نبوده است. هنگامی که در تاریخ می‌خوانید کوروش پادشاه هخامنشی از پارس به سارد لشکر کشید، یا محمود غزنوی برای فتح سومنات از غزنین به هندوستان رفت یا ... باید توجه کنید که حرکت یک لشکر عظیم و طی صدها و هزاران کیلومتر مسافت با وسایل و امکانات روزگار گذشته، با حوادث زیادی همراه بوده و هفته‌ها و ماه‌ها به طول می‌انجامیده است.

۲- سفرهای اجتماعی (مهاجرت اقوام):
 مواردی نظیر مهاجرت آریایی‌ها به ایران، هند و اروپا؛ مهاجرت ایلات و عشایر ترک به ایران؛ حملات هول‌انگیز نظیر حملهٔ مغولان را سفرهای اجتماعی می‌نامند.

شرایط معمولی زندگی‌اش، فرار بگیرد و با آن مدارا کند. در مسافرت، آنچه انسان در پیرامون خود می‌بیند، توجه او را جلب می‌کند، در نتیجه دقت، تأمل و تفکر او افزایش می‌یابد و در مجموع به دلیل عادت شکنی و تجاری که به همراه دارد، موجب تحول روحی می‌گردد.

انگیزه‌ها و انواع سفر

سفرها انواع مختلفی دارند. در این باره به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

سفرهای نظامی (لشکرکشی)، اجتماعی (مهاجرت‌های قومی)، تجاری، مذهبی، سیاسی، علمی (دانش‌اندوزی) و تفریحی.

۱- سفرهای نظامی (لشکرکشی):
 سفرهای نظامی از جمله مهم‌ترین سفرهایی است که از قرن‌ها پیش همواره صورت می‌گرفته است.

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

این‌گونه سفرها معمولاً تحولات اجتماعی مهمی را در پی داشته‌اند. آیا می‌توانید

برخی از این تحولات را حدس بزنید؟

جمله کسانی بوده‌اند که همواره از شهری به شهر دیگر در حرکت بوده‌اند.

۳- سفرهای تجاری: از آن‌جا که نیازهای مردمان هر شهر و دیار از طریق تجارت و انتقال کالا برآورده می‌شود، در طول تاریخ، بازرگانان از

سلیمان سیرافی در چین

در سال ۲۳۷ ق. یک بازرگان ایرانی از اهالی بندر سیراف (که امروزه از بین رفته است) از طریق دریا به چین سفر کرد و در بازگشت به شرح مشاهدات خود پرداخت. سلیمان سیرافی چند قرن پیش از مارکوپولو قدم به خاک چین نهاد.

سفیرهایی را نزد دیگر فرمانروایان می‌فرستاده‌اند. برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

– برقراری روابط بازرگانی و فراهم نمودن تسهیلات تجاری

– تقدیم هدایا و یا باج و خراج

– بازخرید یا مبادله اسیران جنگی

– ترک نزاع و انجام مذاکرات صلح

– زمینه‌سازی برای اتحاد برضد دولتی

دیگر

– درخواست کمک نظامی در مواقع

ضروری

– گردآوری اخبار و اطلاعات از اوضاع

کشورها

– شادباش و تسلیت به مناسبت‌های مختلف

– خواستگاری

۶– سفرهای علمی (دانش‌اندوزی):

در گذشته بسیاری از عالمان دینی در روستاها و

شهرها پراکنده بودند و طالبان علوم برای بهره‌گیری

از دانش آنان راهی دیارشان می‌شدند. به همین

دلیل در سرگذشت بسیاری از دانشمندان پیشین

۴– سفرهای مذهبی: نزد پیروان هر آیینی

بعضی مکان‌ها مقدّس هستند. شهرهای مذهبی نظیر

مکه، مدینه، نجف، مشهد، بیت‌المقدّس، لَهاسا

(مرکز بودایی‌ها در تبت)، بنارس (مرکز هندوها در

هند) معابد و آتشکده‌های زردشتیان در یزد، از

این جمله‌اند.

پیروان آیین‌های مختلف نظیر اسلام،

مسیحیت، بودایی، هندویی، زردشتی و غیره با

توجه به آموزه‌های دینی خود، با شوقی وافر و

به امید تقرّب یا انجام تکلیف، به سوی مکان‌های

مذهبی به حرکت درمی‌آیند. در طول قرن‌ها، این

گونه سفرها با همهٔ سختی‌ها و صرف وقت زیاد،

انجام می‌شده است.

علاوه بر این، پیروان و مبلغان هر یک از

آیین‌های بزرگ جهان، به‌منظور گسترش آیین خود،

راهی سرزمین‌های شناخته و ناشناخته می‌شدند.

مهاجرت مبلغان بودایی، مانوی، مسلمان و مسیحی

در تحولات تاریخ اهمیتی بسزا دارد.

۵– سفرهای سیاسی: از روزگاران

قدیم فرمانروایان همواره بنا به دلایلی مأموران و



آرمینیوس وامبری جهانگردی از اهالی مجارستان که در اواسط قرن نوزدهم از طریق قلمرو عثمانی به ایران آمد و با نام مستعار «رشید افندی» به آسیای میانه رفت و پس از بازگشت، اطلاعات فراوانی از این سرزمین‌ها در اختیار دولت‌های اروپایی قرار داد.^۱

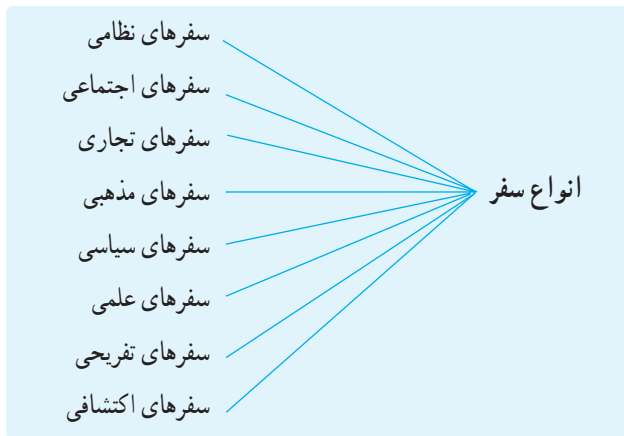
به‌خصوص در جهان اسلام، می‌خوانیم که در پی کسب علم به سفرهای دور و نزدیک پرداخته‌اند.

۷- سفرهای تفریحی: دیدن سرزمین‌ها

و گشت‌و گذار در طبیعت، جوامع انسانی و آشنایی با نهادها و پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی آنها و دیدن عجایب جهان اطراف، همواره برای انسان‌ها نشاط‌آور بوده است. به همین دلیل تفریح و تفریح از انگیزه‌های مهم سیر و سیاحت بوده است.

۸- سفرهای اکتشافی: در قرن‌های

اخیر سفر به منظور پژوهش و بررسی پدیده‌های طبیعی (کویر، دشت، ...)، انسانی (بررسی اقوام و فرهنگ‌های آنان) و تاریخی (آثار باستانی، کتیبه‌ها، نقش‌ها، خط‌های قدیمی) مورد توجه بوده است. مثلاً راولینسون و دیولافوا از جمله اروپاییانی بودند که در دوران معاصر به ایران و عراق سفر نمودند و بر روی آثار باستانی این کشورها به تحقیق پرداختند.



۱- سفرنامه وامبری با این مشخصات به فارسی ترجمه شده است: سیاحت درویشی دروغین، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران،

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.

سفرنامه چیست؟

گزارش‌هایی تهیه کرده، در اختیار دولت خویش قرار دهند؛ زیرا این دولت‌ها برای هدف‌های سیاسی و نظامی خود، به چنان اطلاعاتی نیازمند بودند. به این گونه نوشته‌ها سفرنامه گویند. بنابراین سفرنامه عبارت است از گزارش یک یا چند سفر. امروزه سفرنامه‌های فراوانی از دوران‌های مختلف تاریخی برجای مانده که توسط بازرگانان، سفیران، زایران، کشیشان، جاسوسان، دولتمردان و پژوهشگران نوشته شده است.

برای بسیاری از کسانی که به سفرهای یادشده می‌رفتند، بسیاری از پدیده‌هایی که می‌دیدند تازگی داشت و از دیدن آنها به شگفت می‌آمدند، بنابراین تصمیم می‌گرفتند مشاهدات خود را برای دیگران بنویسند (برخی ضمن سفر و برخی پس از انجام سفر).

از طرف دیگر هیأت‌های سیاسی که به هر کشور می‌رفتند، وظیفه داشتند از اوضاع اقتصادی و سیاسی مربوط به دربار، پایتخت و غیره

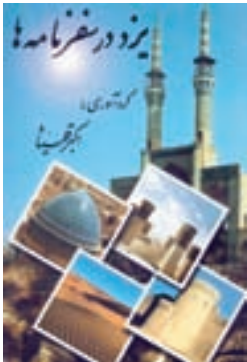
فکر کنید و پاسخ دهید ✓

از برخی از دوره‌های تاریخی یک سرزمین، سفرنامه‌های بیشتری برجای مانده است. آیا می‌دانید چرا؟

سپاهیان، نوع ازدواج، پوشاک و خوراک، فنون و هنرها، اوضاع دربارها، روحیات مردم و غیره به رشته تحریر درآورده‌اند و حتی بعضی از آنان به ترسیم آن، پرداخته‌اند.^۱ امروزه این تصاویرها

سفرنامه چه کاربردی در تاریخ‌نویسی دارد؟

سفرنامه‌ها از منابع مهم تاریخ‌نگاری هستند. به نظر شما در سفرنامه‌ها چه نوع مطالبی می‌توان یافت؟ تصور کنید اگر در گذشته کاروانی از ایران راه می‌افتاد چه مدت طول می‌کشید تا پس از پیمودن فرسنگ‌ها راه از بیابان‌ها و روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ، به چین برسد؟ سفرنامه‌نویسان معمولاً بسیاری از ماجراهای تلخ و شیرین و نیز مشاهدات خود را از راه‌ها، بناهای تاریخی، ساختمان‌ها، آداب و رسوم، لهجه‌ها، بازارها، اوضاع عمومی شهرها، شیوه تجارت



۱- مثل اوژن فلاندن که در دوره قاجار به ایران آمد.

خواندید که انگیزه‌های مسافرت در گذشته، گوناگون بود. در میان مسافران، مأموران سیاسی بیشترین سفرنامه‌ها را از خود برجای گذاشته‌اند. آنان پس از طی طریق، پیامی را که گاه سَرّی بود، به پادشاه می‌رساندند و طی چند جلسه با او به مذاکره می‌پرداختند. سپس پاسخ و پیام او را برای پادشاه خود می‌بردند. سفرنامه‌های این مأموران سیاسی، گذشته از دربرداشتن اطلاعات اقتصادی و اجتماعی، منابع بسیار خوبی برای آگاهی از روابط سیاسی دولت‌ها به‌شمار می‌روند. از دیگر کاربردهای سفرنامه، آشنایی با دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نویسنده آن است.

آگاهی‌هایی سودمند در اختیار بیننده قرار می‌دهد. بنابراین سفرنامه‌ها حاوی اطلاعاتی ارزشمند از همهٔ شؤون حیات اجتماعی هر دوره هستند. برخی از جهان‌گردان اروپایی هنگام دیدار از شهرها، بناها و شخصیت‌ها به ترسیم تصویر آنها می‌پرداخته‌اند، حتی برخی از آنان هنگام عزیمت به مشرق زمین، نقاشی استخدام می‌کردند تا تصویرهای مورد نظرشان را ترسیم کند؛ در نتیجه امروزه که بسیاری از آثار از میان رفته یا دچار تغییراتی شده‌اند، این تصویرها آگاهی‌هایی سودمند برای شناخت گذشته در اختیار بیننده قرار می‌دهد.



بخشی از یک سفرنامه



تصویر منسوب به ابن بطوطه

ابن بطوطه در سفر طولانی خود، در سال ۷۵۳ق. به منطقهٔ شمال آفریقا رسید. پس از آن به مالی رفت. برای آشنایی بیشتر با آگاهی‌هایی که از خواندن یک سفرنامه به دست می‌آید قسمتی از سفرنامهٔ «ابن بطوطه» را در زیر می‌خوانید. او خصوصیات مثبت اهالی مالی را چنین برشمرده است:

از نیکویی‌های سیاهان یکی این است که ظلم و ستم در میان آنان بس اندک می‌باشد. سیاهان از ظلم و ستم‌کاری بسیار بدورند؛ سلطان آنان در این باره اغماض و چشم‌پوشی روا نمی‌دارد. دیگر، امنیت است که در آن کشور نه در حَضَر و نه در سفر بی‌می‌ازدزدی و تعدّی در میان نمی‌باشد.

۱- مثل شاردن که در دورهٔ صفویان به ایران آمد.

دیگر از رسوم مستحسن آنان، این است که اگر سپیدپوستی در آن کشور بمیرد مداخله‌ای در ماترک او نمی‌کنند، اگر چه اموال او بسیار زیاد و هنگفت بوده باشد.

دیگر از رسوم نیک آنان مواظبت بر نماز و ادای آن با جماعت و تنبیه اولاد به خاطر نماز است. روزهای جمعه اگر انسان زودتر و اول وقت به مسجد نرود از کثرت ازدحام، جا برای نماز پیدا نخواهد کرد و عادت آنان چنین است که هر کس از پیش، سجاده خود را توسط غلام به مسجد می‌فرستد تا آن را در جای مناسبی بگستراند و سجاده آنان از برگ‌های درختی شبیه به خرما بافته می‌شود و این درخت میوه ندارد.



مسیر مسافرت‌های ابن بطوطه

سرزمین‌های اسلامی در قرن هشتم هجری

- ۷۲۵-۷۲۷ ق. حرکت از مراکش به مکه و سفر او به ایران
- ۷۳۰-۷۲۷ ق. سفر دریایی به آفریقای شرقی و بازگشت به عربستان
- ۷۳۳-۷۳۰ ق. حرکت به هند از راه آناتولی و آسیای مرکزی
- ۷۴۱-۷۳۳ ق. توقف در دهلی، بازگشت به کلکته و سپس سفر به مرزهای چین
- ۷۴۹-۷۴۱ ق. سفر به بنگال و فراتر از آن از راه‌های بازرگانی دریایی و بازگشت به مراکش
- ۷۵۴-۷۴۹ ق. عبور از کوه‌های اندلس، عبور از صحرای آفریقا همراه کاروان

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

به نظر شما آیا همه مطالب سفرنامه‌ها حقیقت دارد؟

چهره زنان ایرانی در سفرنامه‌ها

سفرنامه‌نویسان اروپایی کم و بیش زنان را نیز مورد توجه قرار داده و مطالبی نیز درباره آنها نگاشته‌اند. از آن‌جا که سفرنامه‌نویسان از سرزمین‌های دوردست به ایران می‌آمدند، تفاوت بسیاری میان شیوه زندگی زنان ایرانی با زنان وطن خودشان می‌دیدند. این تفاوت‌ها اغلب به دلیل ناآشنایی آنان با فرهنگ ایرانی اسلامی بود. به عنوان مثال زنان ایرانی از پوشش خود به‌ویژه چادر ناراحت و ناراضی نبودند؛ در حالی که اروپاییان آنان را در زحمت می‌دانستند و یا در حالی که شمار زیادی از مردم شهری و روستایی فاقد سواد بودند، آنان در سفرنامه خود از بی‌سوادی زنان می‌نوشتند و یا به دلیل بی‌خبری از دستورات دینی، نسبت به حقوق اجتماعی زنان قلم‌فرسایی می‌کردند. با این حال از لابه‌لای مطالب آنها نکات جالب و خواندنی به‌ویژه مطالب مربوط به تاریخ اجتماعی می‌توان یافت. در یک دسته‌بندی می‌توان گفت مطالب مربوط به زنان در سفرنامه‌ها عبارت است از:

- ۱- پوشاک زنان مناطق مختلف؛
- ۲- زنان شهری؛
- ۳- زنان روستایی؛
- ۴- زنان دربار (زنان پادشاه و نظایر آن)؛
- ۵- زنان عشایر؛
- ۶- ازدواج و مراسم آن؛
- ۷- بچه‌داری و تربیت فرزند؛
- ۸- سرگرمی‌ها و تفریحات؛
- ۹- شغل و پیشه؛
- ۱۰- میزان تحصیلات؛
- ۱۱- زنان مسیحی، زردشتی و غیره.

مثلاً شاردن که در عصر صفویه به ایران آمد شرح نسبتاً مفصلاً از وضعیت زنان پادشاه ارائه کرده است. مادام دیولافوا باستان‌شناس که در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار به ایران آمد دربارهٔ زنان ایرانی مطالبی نوشته است. حتی نویسنده‌ای همچون کلارا کولیور رابین نام سفرنامهٔ خود را «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان» گذاشته است. او در جایی از کتاب خود می‌نویسد: «زن ایرانی ... از هرگونه فعالیت اجتماعی عام یا خاص که مردان انجام می‌دهند، محروم گشته است. به ندرت به دنبال آموزش و تحصیل می‌رود. و کمتر به وی اعتماد می‌شود و برای او ارزش و احترام قایلند. چگونه می‌توان از کشوری که زنان آن تا این اندازه عقب مانده نگاه داشته شده‌اند انتظار پیشرفت داشت؟» امروزه که حدود ۲۰۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد، اگر وی زنده بود و حضور زنان ایرانی را در مراکز آموزشی، پژوهشی و اداری می‌دید، قطعاً قضاوت دیگری می‌کرد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- مسافرت در دوران گذشته با امروز چه تفاوتی داشته است؟
- ۲- خواندید که فرمانروایان به دلایل مختلف، سفیرهایی نزد سایر فرمانروایان می‌فرستادند. چهار مورد از این دلایل را بنویسید.
- ۳- به نظر شما سفرهای اکتشافی با سفرهای علمی چه تفاوتی دارد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- فصلی از یک سفرنامه را انتخاب کنید و گزارشی کوتاه دربارهٔ کاربردهای آن برای مورخان و باستان‌شناسان آماده سازید.
- ۲- با مراجعه به یک کتابخانه و استفاده از رایانه، فهرستی از ۱۰ سفرنامه مربوط به ایران تهیه کنید.

زندگی نامه‌ها و تاریخ

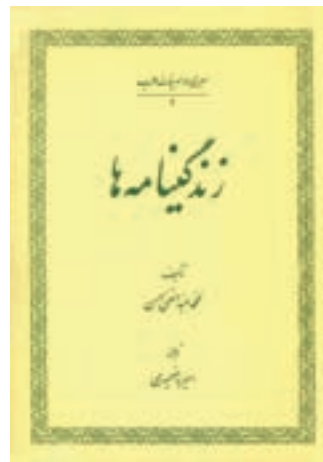
گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، حوادث و ماجراهای تلخ و شیرین و... مرگ» است. بنابراین زندگی نامه عبارت است از هر نوع نوشته کوتاه و بلند که حاوی آگاهی‌هایی از تمامی یا بخش‌هایی از دوران زندگانی یا اندیشه‌های یک فرد باشد.

زندگی نامه هرکس، توسط خودش یا توسط دیگران نوشته می‌شود. زندگی نامه‌ای که توسط خود شخص نوشته می‌شود «زندگی نامه خودنوشت»^۱ و یا «حَسَبِ حَال» می‌نامند.

از سوی دیگر، از قرن‌ها پیش، عده‌ای از نویسندگان به نوشتن شرح حال شخصیت‌های مهم نظیر پیامبران، خلفا، امامان، پادشاهان، دانشمندان، صوفیان، عارفان و وزیران اقدام می‌کردند. این شرح حال‌ها که بعضی از آنها شامل شرح زندگانی یک تا ده‌ها و صدها نفر می‌شوند، به نام‌های مختلفی چون: سیره، رجال و فیات (درگذشتگان) خوانده می‌شدند.

در این درس خواهید خواند که زندگی نامه و یادداشت روزانه چیست و در تاریخ نویسی چه جایگاهی دارد. همچنین، با اهمیت زندگی نامه‌ها آشنا خواهید شد. چه بسا تصمیم بگیرید که شما هم روزی زندگی نامه خود و یا دیگران را بنویسید.

اگر پسوند «نامه» را از این واژه برداریم، کلمه «زندگی» باقی می‌ماند. زندگی هرکس در برگیرنده نکاتی چون «تولد، خانواده و محیط اولیه پرورش، تحصیل، ازدواج، شغل، فعالیت‌های



از طرفی بسیاری از کتاب‌های تاریخی، در حقیقت زندگی‌نامه‌ی فرمانروایان آن دوره است، زیرا مورخان پیشین، آنها را به قصد نگارش اقدامات شاهان عصر خود نوشته‌اند.

در تاریخ ایران، از دوران معاصر به‌خصوص پس از مشروطه، نگارش حسب‌حال رایج‌تر و متنوع‌تر شد، به‌طوری که بخش مهمی از میراث فرهنگی ما را شامل می‌شود، زیرا این‌گونه آثار حقایق تاریخی، اخلاقی و اجتماعی فراوانی را در بر می‌گیرند.

اکنون ببینیم «حسب حال» چگونه تهیه می‌شود. این نوع نوشته‌ها معمولاً به یکی از این دو شیوه تهیه می‌گردد:

الف - نگارش حوادث زندگی به صورت یادداشت‌های روزانه

ب - نگارش یا تدوین خاطرات^۱ و ماجراهای زندگی به صورت یک‌جا

الف - یادداشت‌های روزانه: بعضی از افراد به‌ویژه سیاست‌مداران و دانش‌پژوهان، در پایان هر روز و یا هر چند روز یک‌بار، گزارش مهم‌ترین فعالیت‌های خود را یادداشت می‌کنند. این‌گونه یادداشت‌ها به مرور زمان افزایش می‌یابد و در پایان مجموعه‌ای را فراهم می‌سازد. این

مجموعه‌ها در زمان نویسنده و یا پس از مرگ او به چاپ می‌رسد.

یادداشت‌های اسدالله علم وزیر دربار محمدرضا پهلوی از جمله این مجموعه‌ها است. در سال‌های قبل در کتاب «تاریخ ایران و جهان ۲» در شرح حوادث مربوط به انقلاب اسلامی خوانده‌اید که در سال ۱۳۴۲ ش. که رژیم پهلوی دست به کشتار در مدرسه علمیه زد، اسدالله علم نخست‌وزیر ایران بود. علم پس از برکناری از نخست‌وزیری، وزیر دربار شد و تا سال ۱۳۵۶ ش. از نزدیک‌ترین افراد به شاه بود. او به‌طور سری مهم‌ترین فعالیت‌ها و حوادث روزانه دربار و خارج از دربار و ملاقات‌های خود با شاه را یادداشت می‌کرد و آنها را به بانکی در سوئیس می‌سپرد تا نگهداری شود. پس از انقلاب، این یادداشت‌ها چاپ شد و از بسیاری از اسرار دربار و اقدامات خاندان پهلوی پرده برداشت. در زیر، گزیده‌ای از این مجموعه را می‌خوانید. این یادداشت‌ها به ترور چند آمریکایی در سال ۱۳۵۳ ش. اشاره دارد، یعنی دوره‌ای که رژیم ایران به امریکا وابستگی زیادی داشت.

«شنبه ۶ شهریور. شرفیابی. اوقات شاه خیلی تلخ بود. قبل از اینکه فرصت کنم دهانم را باز کنم گفت که امروز صبح تروریست‌ها سه‌تن

۱- برای خاطرات تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. از جمله گفته‌اند: خاطره پدیده‌ای است دارای این ویژگی‌ها: الف - یادی از گذشته دربردارد. ب - مشتمل بر حادثه یا صحنه یا حالتی است. پ - دارای رنگی از احساس و عاطفه و خیال است و اغلب نشانگر تأثیرپذیری روانی فوق‌العاده است. ت - متکی و متوقف بر مشاهده و حضور است؛ اگرچه به صورت غیرمستقیم. ث - در یک ظرف زمانی و مکانی مشخص قرار دارد.

از مستشاران آمریکایی وابسته به ارتش ما را کشته‌اند. گفت: «در اسرع وقت به سفیر (سفیر آمریکا) تلفن کنید. تسلیت ما را به او و خانواده‌های قربانیان ابلاغ کنید. ضمناً نامه‌های خصوصی هم باید به آنها نوشته شود... به ارتش بگویید بالاترین مستمری را که می‌توان در چنین موردی پرداخت، درست مشابه شهدای خودمان بپردازند. ضمناً ما هشدار داده بود.»



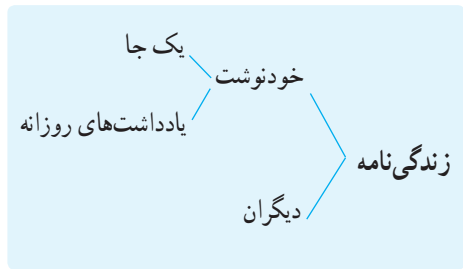
درباره سخت‌گیری‌های رضا شاه در مورد تغییر لباس، قسمتی از خاطرات عین‌السلطنه خواندنی است.

«شاه باز می‌بیند [مردم] در کرمانشاه با همان کلاه و البسه قدیم خود هستند. لذا خیلی فحش می‌دهد ولدی‌الورود از تهران حکم می‌کند به همه تلگراف شود ممانعت کنند. امنیه به دهات افتاد، قبا و کلاه است که پاره می‌کنند، رعیت فقیر است، قادر نیست لباس نو و کلاه بی‌دوام پهلوی تهیه کند. رعیتی که یک کلاه نمد به ارث به او رسیده و تا حال

سرش است چطور ماهی یک کلاه پارچه‌ای بی‌دوام می‌تواند عوض کند، یا کت و شلوار تنگ بپوشد... رعیت صبح تا شب مشغول کار است. آن وقت قبا و عبا و کلاه او را امنیه پاره می‌کند. (روزنامه خاطرات، جلد ۱۰، ص ۷۶۵۱)

۱- عین‌السلطنه (برادرزاده ناصرالدین شاه) از دوره نوجوانی اقدام به ثبت یادداشت‌های روزانه خود نمود. روزنامه خاطرات او از حدود سال ۱۳۰۰ ق. یعنی مصادف با چهارمین سال سلطنت ناصرالدین شاه شروع و تا سال ۱۳۲۴ ش. یعنی چهارمین سال سلطنت محمدرضا شاه پهلوی ادامه می‌یابد. او در این اثر ده جلدی، خاطرات مربوط به دوران سلطنت شش پادشاه قاجار و پهلوی را نوشته است. خاطرات نویسنده بسیار متنوع و جامع است. در این خاطرات علاوه بر مسائل شخصی و خانوادگی، بسیاری از مسائل ایران و گاه جهان نیز آمده است.

ب — نگارش یا تدوین خاطرات و ماجراهای زندگی به صورت یکجا: زندگی نامه‌ها معمولاً بیشتر به شیوهٔ یک جا نوشته و تدوین می‌گردند. امروزه زندگی نامهٔ شخصیت‌ها از طریق مصاحبه و نظایر آن نیز تدوین می‌گردد. عده‌ای نیز خاطرات خود را با استفاده از یادداشت‌های روزانهٔ شخصی، به صورتی نو به نگارش درمی‌آورند.



زندگی نامه‌ها و خاطرات چرا نوشته می‌شوند؟

زندگی نامه‌ها خواه توسط دیگران و خواه توسط خود شخص، با انگیزه‌هایی یکسان نوشته

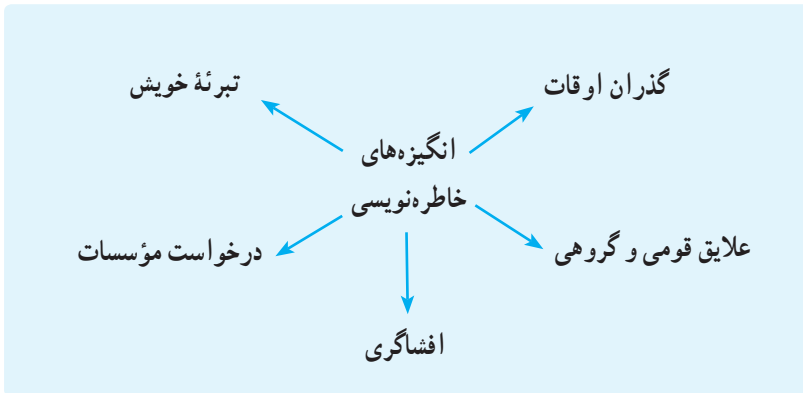
نمی‌شوند، بلکه دلایلی گوناگون موجب اقدام برای ثبت خاطرات یک مرحله یا مراحل زندگی اشخاص می‌گردد. مهم‌ترین این انگیزه‌ها عبارت‌اند از:

۱- تبرئه خویش: یک حادثهٔ سیاسی اجتماعی نظیر انقلاب، اختلافات درونی اعضای یک حزب و غیره ممکن است موجب بدنامی برخی اشخاص گردد (خواه به حق خواه به ناحق). در چنین مواردی این افراد ظاهراً به منظور بیان خاطرات، اما در حقیقت به قصد دفاع از خویش در برابر ادعاهای دیگران خاطرات خود را می‌نویسند.

۲- افشاگری: گاه بعضی از اعضای گروه‌های سیاسی، در پی اختلاف با سایر هم‌زمان و همراهان، خاطرات سیاسی اجتماعی خود را می‌نگارند تا بدین وسیله به زعم خود به افشای فریب‌ها، خیانت‌ها و کژرفتاری‌های باران سابق و دشمنان امروزی خود بپردازند.



دکتر عبدالهادی حائری مورخ برجستهٔ معاصر در اواخر عمر، زندگی‌نامهٔ خود را برای عبرت‌آموزی جوانان نگاشت و آن را «آنچه گذشت» نام نهاد.



۳- درخواست مؤسسات و نهادها: امروزه

مؤسساتی که تحقیقات تاریخی و انتشار اسناد و نظایر آن از وظایف آنان است، با دعوت از شخصیت‌های سرشناس به تهیه و تدوین زندگی‌نامه و خاطرات آنان اقدام می‌ورزند. این کار معمولاً از طریق مصاحبه، ضبط خاطرات و غیره انجام می‌گیرد.

۴- گذران اوقات: زندان، بازنشستگی،

و نظایر آن برای بعضی از افراد فرصت‌هایی برای نوشتن داستان زندگی‌شان ایجاد می‌کند.

البته همیشه میان انگیزه‌های نام‌برده مرزی مشخص نمی‌توان کشید و چه بسا یک زندگی‌نامه به انگیزه‌های گوناگون نوشته شود. اما معمولاً یک انگیزه نسبت به سایر انگیزه‌ها اهمیت بیشتری دارد. مثلاً فردی که روزگاری موقعیت مهم

اجتماعی داشته است، در سنین پیری در بیان خاطرات خود، گاه به اشتباهاتش اعتراف می‌کند، گاه نکاتی را درباره اشخاص و ماجراهای عصر

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

یکی از نویسندگان گفته است: «در خاطره‌نگاری، زمان، مکان و استناد باید پررنگ

باشد.» به نظر شما منظور وی چیست؟

کنفرانس‌های بین‌المللی و مسایل جاری سیاسی از این قبیل‌اند.

بسیاری از این موضوعات در زمان وقوع و جریان، به دلیل اشتغالات روزمره دست‌اندرکاران یا سرّی بودن آنها وغیره، به‌طور مشروح ثبت یا منتشر نمی‌گردند؛ اما با گذشت زمان شرح بسیاری از آنها در کتاب‌های خاطرات و یادداشت‌های روزانه عرضه می‌شود. پژوهشگران برای نگارش تاریخ‌های سیاسی، به این‌گونه نوشته‌ها بسیار نیازمند هستند. به عنوان مثال کسی که بخواهد اوضاع سیاسی دوران پهلوی را بررسی کند، می‌بایست از خاطرات اشخاصی نظیر علم و فردوست استفاده کند.

۲- تاریخ اجتماعی: در تاریخ اجتماعی، زندگی مردم و مسایل مربوط بدان مورد بررسی قرار می‌گیرد. شیوه معیشت، آداب و رسوم، نوع پوشاک، خوراک، ورزش‌ها و تفریحات و موضوعاتی از این قبیل، در «تاریخ اجتماعی» مورد بحث قرار می‌گیرند. از آن‌جا که زندگی اجتماعی هر ملتی با گذشت زمان دچار دگرگونی می‌گردد، ثبت و ضبط آنها در زندگی‌نامه‌ها، به مورخان بسیار یاری می‌رساند.

۳- تاریخ علم و اندیشه: تحول علوم و اندیشه‌ها و شرح حال بزرگان هریک از دانش‌ها در «تاریخ فرهنگ و تمدن» بررسی می‌شود.

خویش افشا می‌سازد و گاه یاد بزرگانی چند را پاس می‌دارد.

یادداشت‌های روزانه و زندگی‌نامه‌ها به هر انگیزه‌ای که نوشته شوند، از آن‌جا که انواع اطلاعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و غیره را در بردارند، در ردیف مهم‌ترین منابع مورد استفاده تاریخ‌نگاران هستند. زندگی‌نامه‌ها بسته به این‌که به چه شخصیتی مربوط باشند، به جنبه‌ای ویژه از تاریخ، ارتباط بیشتری می‌یابند. در مجموع، یادداشت‌های روزانه و شرح حال‌ها در تهیه این موضوعات کاربرد دارد: تاریخ سیاسی، تاریخ اجتماعی، تاریخ علم و اندیشه، تاریخ انقلاب‌ها، تاریخ جنگ‌ها، تاریخ زندگی اشخاص^۱. در زیر به اختصار شرح هریک از این موضوعات را می‌خوانید:

۱- تاریخ سیاسی: شخصیت‌های سیاسی خواه به عنوان عضو یک حزب، خواه به عنوان وزیر، سفیر، نماینده مجلس و نظایر آن، در دوران زندگی خویش با بسیاری از مسایل سیاسی درگیر هستند. مسایلی نظیر کشمکش با سایر گروه‌های سیاسی، قراردادهای سیاسی، مذاکرات میان دولت‌مردان، ترور اشخاص، انواع اقدامات دولت‌ها، تأسیس مؤسسات اداری، کودتاها، نقش افراد ذی‌نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها، مسایل مالی، مسایل جاسوسی، مسایل مربوط به

۱- زندگی‌نامه‌ها و خاطرات، از دیدگاه روان‌شناسان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. (مثلاً برای شناخت افراد و ریشه‌های رفتار آنان.)

تأسیس تا زمان تثبیت و فعالیت در اجتماع، به مرور تحولاتی را پشت سر می‌گذارد. در این مدت با قدرت حاکم بر جامعه، همکاری یا مخالفت می‌کند، چه بسا دچار اشعاب گردد، یا جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی آن تغییر کند. ممکن است با قدرت‌ها و گروه‌های خارج

از کشور ارتباط یابد، کتاب‌ها و نشریاتی به چاپ برساند، ممکن است به دلایلی، از هم بپاشد یا به حیات خود ادامه دهد. در هر حال به انگیزه‌های گوناگونی که پیش از این خواندید بعضی از اعضای آن، چندی بعد به عرضه‌ی خاطرات خود اقدام می‌کنند. انتشار این‌گونه نوشته‌ها برای تألیف تاریخ هر حزب یا نقش آن در تحولات جامعه بسیار مفید است.

۷- تاریخ زندگی اشخاص: شاید از

خواندن این عنوان تعجب کنید و بپرسید «مگر تاریخ زندگی اشخاص، همان زندگی‌نامه یا خاطرات آنان نیست؟» پاسخ به این سؤال منفی است! در این مورد باز هم یادداشت‌های «علم» را مثال می‌زنیم. بدیهی است که «علم» علاوه بر یادداشت‌های خصوصی، در دوران زندگی خود، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و یا نوشته‌های دیگری نیز داشته است. چه بسا اسنادی نیز درباره‌ی او موجود باشد. پس برای نگارش تاریخ زندگانی‌اش می‌بایست همه‌ی این منابع مورد مطالعه قرار گیرد.

زندگی‌نامه‌های دانشمندان، عارفان و نظایر آن، برای نگارش تاریخ فرهنگ و تمدن مفیدند. در بحث از فرهنگ و تمدن اسلامی، سیره معصومین (ع) نیز باید مورد توجه مورخان قرار گیرد، زیرا آموزه‌های آنها و شاگردانی که تربیت کردند در پیدایش تمدن اسلامی مؤثر بوده است.

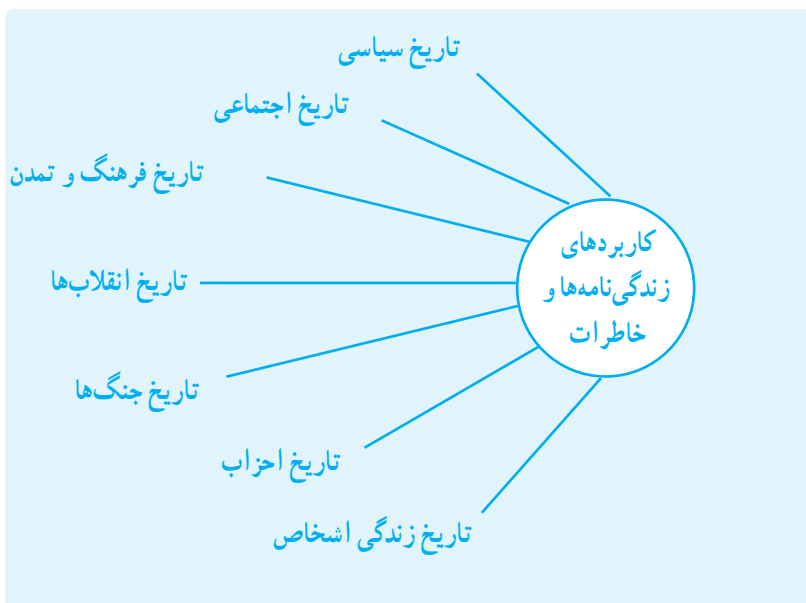
۴- تاریخ انقلاب‌ها: در انقلاب‌ها معمولاً

همه‌چیز به سرعت رخ می‌دهد. معمولاً عده‌ای از کسانی که در جبهه انقلاب یا ضد انقلاب شرکت داشته یا شاهد آن بوده‌اند، پس از چندی خاطرات دوران انقلاب را می‌نگارند. این‌گونه نوشته‌ها اطلاعاتی مفید در اختیار تاریخ‌نگاران قرار می‌دهد تا به خوبی به علل انقلاب، روند آن و نقش هر یک از گروه‌ها و شخصیت‌ها در شکل‌گیری یا سرکوبی آن پی‌برند.

۵- تاریخ جنگ‌ها: در این مورد جنگ

تحمیلی عراق علیه ایران نمونه خوبی است. در این جنگ بسیاری از قهرمانان ملت ایران شرکت داشتند که زندگی‌نامه آنان به قلم خودشان یا به قلم دیگران به چاپ رسیده است. همچنین بسیاری از آنان خاطرات دوران جنگ یا دوران اسارتشان را نگاشته‌اند. برای تدوین تاریخ این جنگ، مورخان علاوه بر مطالعه سایر منابع، می‌بایست این‌گونه نوشته‌ها را نیز مورد توجه قرار دهند.

۶- تاریخ احزاب: یک حزب از هنگام



فکر کنید و پاسخ دهید ✓

به نظر شما آیا تمام مطالب زندگی‌نامه‌ها درست است؟

بیشتر بدانید

تاریخ شفاهی

چند سال پس از جنگ جهانی دوم، ضبط صوت اختراع شد. این وسیله مفید و قابل حمل که امکان به‌کارگیری آن در همه‌جا وجود دارد، موجب گسترش «مصاحبه‌گری» شده است. مصاحبه با استفاده از ضبط صوت به‌عنوان یک شیوه آسان و مطمئن گردآوری اطلاعات موجب شد تا شعبه‌ای از تاریخ‌نگاری که موسوم به تاریخ شفاهی (Oral history) است، توسعه فراوان یابد. پیش از آن، تاریخ شفاهی با نوشتن مصاحبه‌ها بود. زیرا تاریخ شفاهی یعنی «نوشتن تاریخ با روش مصاحبه کردن». پیش از آن، مورخان براساس آثار، اسناد، کتاب‌ها، سکه‌ها و ... اقدام به نوشتن تاریخ می‌کردند، اما در روش تاریخ شفاهی



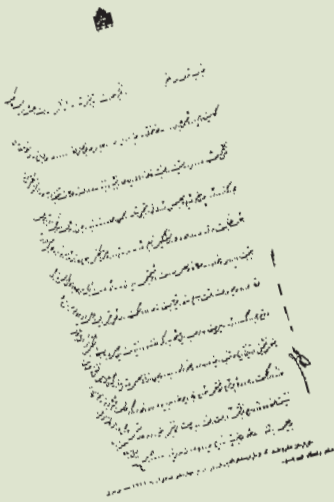
با مراجعه به اشخاص (زنده) که خود در وقایعی شرکت داشته‌اند یا از نزدیک شاهد آن وقایع بوده‌اند، اقدام به تاریخ‌نگاری می‌کنند. بدین ترتیب تاریخ شفاهی به «خاطره‌نویسی» بسیار نزدیک است؛ اما با آن تفاوت‌هایی دارد. از جمله آن که معمولاً خاطرات را انسان‌هایی می‌نویسند که صاحب مقام بوده و کارهای مهمی برعهده داشته‌اند. اما تاریخ شفاهی می‌تواند دربردارندهٔ اطلاعات مردم عادی نیز باشد. زیرا تشخیص مهم و مفید بودن اطلاعات در این‌جا، با مورخ است. نیز مسائل مربوط به زندگی، کار، فرهنگ، داد و ستد و به‌طور کلی همه‌چیز مورد توجه محققان تاریخ شفاهی است، مثلاً آداب و رسوم. به همین جهت تاریخ شفاهی موجب گسترده‌تر شدن و تنوع آگاهی‌های تاریخی شد. نیز این امکان را فراهم آورد که انسان‌های بیشتری در تحقیقات تاریخی شرکت کنند. امروزه در فعالیتهای درسی تاریخ در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها از روش تاریخ شفاهی استفاده می‌کنند. مثلاً یک دانش‌آموز با استفاده از اطلاعات و خاطرات افراد خانواده دربارهٔ شیوهٔ زندگی در سال‌های قبل و نیز ابزارها و وسایل مورد استفادهٔ مردم تحقیق می‌کند؛ یا دربارهٔ کوچه و محله و شهر که چه تغییراتی در چند سال گذشته داشته است، مقاله‌ای می‌نویسد. زیرا تاریخ شفاهی دربارهٔ مسائل تاریخی نزدیک به زمان زندگی ماست.

امروزه در سراسر دنیا مؤسسات پژوهشی دارای بخش‌های «تاریخ شفاهی» هست. آنان از طریق گفت‌وگو با سیاستمداران، دانشمندان و نویسندگان و نظایر آن که گاه چندین جلسه طول می‌کشد به گردآوری اطلاعات اقدام می‌کنند.

- ۱- کتاب‌های خاطرات معمولاً به چه انگیزه‌هایی نوشته می‌شوند؟
- ۲- کاربرد زندگی‌نامه‌ها را در تدوین تاریخ سیاسی توضیح دهید.
- ۳- به نظر شما چرا تمامی مطالب زندگی‌نامه‌ها ممکن است درست نباشند؟

با مطالعه فصلی از یک کتاب خاطرات، نکاتی را که می‌تواند برای یک تاریخ‌نگار مفید باشد، مشخص کنید و توضیح لازم درباره آن را بنویسید.

اسناد تاریخی



اسناد خواهیم داشت. از روزگار پیدایش خط، این چنین اسنادی همیشه در طول تاریخ بشر تولید شده و بعضی از آنها به جای مانده‌اند. امروزه چنین اسنادی می‌تواند در گشودن نکات مبهم تاریخ ما را یاری دهد.

آیا هر نوشته‌ای می‌تواند برای ما کاربرد تاریخی داشته باشد؟ برای پاسخ به این سؤال باید تعریفی مشخص از سند ارائه داد. اسناد با توجه به استفاده‌ای که در هر زمان از آنها می‌شود دارای دوارزش اداری و تحقیقی هستند. یعنی هنگامی که مطالب آنها مربوط به مسائل روزمره جاری است، اداری یا شخصی محسوب می‌شوند اما پس از آن که ارزش جاری و روزانه خود را از دست دادند، به آنها اسناد تاریخی می‌گویند. بنابراین از دیدگاه تاریخی می‌توان تعریف زیر را برای سند ارائه داد: «سند تاریخی برگ نوشته‌ای است که با از دست دادن ارزش روزمره و اداری خود در پژوهش‌های تاریخی قابل استناد و استفاده بوده و بنابراین قابلیت نگهداری

تاریخ واقعی هر کشور را تنها هنگامی می‌توان دقیق و صحیح نگاشت که بر مبنای منابع اصلی باشد. اسناد، نسخه‌های خطی (کتاب‌های غیر چاپی) و کتاب‌های چاپ شده از روی نسخه‌های خطی از مهم‌ترین منابع اصلی مورد نیاز مورخان هستند. اسناد برای پژوهش‌های تاریخی، هم‌چون مصالحی هستند که مورخ با استفاده از آنها به بازسازی تاریخ می‌پردازد. بنابراین پژوهش‌ها و تحلیل‌های مورخ بدون مراجعه به اسناد و نسخه‌های خطی کامل نخواهد بود.

اسناد

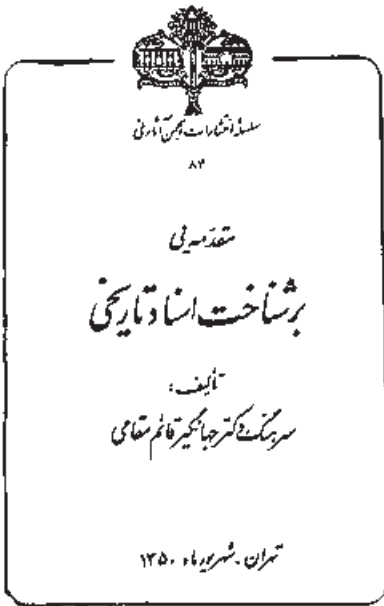
اسناد در نتیجه «روابط اجتماعی» انسان‌ها به وجود می‌آیند. نامه‌ای که دوستی به دوست خود می‌نویسد، حکم استخدام یک کارمند یا کارنامه تحصیلی یک دانش‌آموز، پس از چندی خود به یک سند تبدیل می‌گردند. پس اگر هر یک از ما نوشته‌های مربوط به روابط خانوادگی، وضعیت تحصیلی یا شغلی‌مان را نگاه داریم، یک بایگانی کوچک از

دائمی داشته باشند».

نگاهداری می‌شود، از دوره ایلخانیان، تیموریان و آق‌قویونلوها به بعد باقی مانده است. تعداد این اسناد تا دوره صفویه بسیار کم است و به همین دلیل تحقیقاتی که در زمینه تاریخ آن دوران انجام می‌شود، با مشکلات بسیاری روبه‌رو است. عوامل گوناگونی مانند تغییر محل پایتخت، آتش‌سوزی، سیل، حملات اقوام گوناگون به شهرها و غارت آنها، جنگ‌های داخلی پی‌درپی و مصادره اموال دیوان‌سالاران بزرگ سبب از میان رفتن بسیاری از اسناد شده است. بیشترین اسناد باقی‌مانده از سلسله‌های حاکم بر ایران مربوط به دوران پهلوی است.

اسناد تاریخی از مهم‌ترین منابع مکتوب در پژوهش‌های تاریخی به‌شمار می‌آیند و شامل مکاتبات حکومتی، فرمان‌ها، معاهدات سیاسی، نوشته‌های اداری، گزارش‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، اسناد قضایی، مالی، حقوقی و برخی مکاتبات خصوصی و خانوادگی می‌باشند. اسناد در اصل به صورت نوشته‌هایی یک و گاه چندبرگی هستند اما گاه کتاب‌هایی نیز تهیه می‌شد که در آنها مجموعه سند به صورت یک‌جا گردآوری شده بود. این کار بیشتر به دلیل توجه به فن نویسندگی و آموزش و نیز مقام و موقعیت صاحبان اسناد و نامه‌ها انجام می‌گرفته است. این‌گونه مجموعه‌ها امروزه ارزش تاریخی فراوانی نیز یافته‌اند. منشآت قائم‌مقام فراهانی صدراعظم معروف دوره قاجار، از این نمونه است.

بی‌توجهی به حفظ و نگهداری اسناد موجب از میان رفتن بسیاری از آنها در طول تاریخ شده است. اگر این بی‌توجهی صورت نمی‌گرفت اکنون مجموعه‌های بسیار عظیم و باارزشی از فرمان‌ها، احکام و اسناد دیگر در دست بود. تا آن‌جا که به تاریخ ایران مربوط می‌شود اسنادی که اکنون در دسترس محققان قرار دارد و در مراکز اسناد



فکر کنید و پاسخ دهید ✓

آیا می‌دانید در کشور ما چه روزی به‌عنوان روز اسناد ملی تعیین شده است؟

انواع اسناد

کاربرد اسناد

اسناد را براساس محتوا و کاربردشان در تحقیقات تاریخی، می‌توان به شیوه زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- اسناد اقتصادی و اجتماعی: گویای اوضاع اقتصادی و چگونگی زندگی مردم در دوره‌ای معین هستند. اسناد مالیاتی، قباله‌های ملکی و ازدواج، اسناد و مکاتبات تجاری، وقف‌نامه‌ها و آمارهای جمعیتی از این قبیل‌اند.

۲- اسناد فرهنگی: مانند اسناد مربوط به تأسیس مدارس، دانشگاه‌ها، اعزام دانشجویان به خارج از کشور، امتیازنامه انتشار نشریات.

۳- اسناد سیاسی: مانند فرمان‌های پادشاهان یا مسئولین مملکتی و مکاتبات سیاسی میان کشورها

۴- اسناد شخصی: مانند خاطرات افراد یا یادداشت‌های روزانه سفر و نامه‌های خصوصی^۱

اسناد، اطلاعاتی را درباره زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوران گذشته در اختیار مورخ می‌گذارند که در نوشته‌های مورخان کمتر به آن اشاره شده است؛ زیرا موضوع کتاب‌ها بیشتر در زمینه امور سیاسی، نظامی و در پاره‌ای موارد تشکیلات اداری است و مؤلفان آنها کمتر به شرح و تفسیر مطالب، به‌ویژه از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی، پرداخته‌اند. بنابراین مورخ امروزی می‌تواند با بررسی اسناد تاریخی به مطالبی جدید دست یابد. پاره‌ای از دلایل ارزش کاربردی اسناد عبارت است از:

۱- چون اسناد اداری در روند اداری روزگار خود صادر می‌شده‌اند با بررسی آنها می‌توان به اوضاع سیاسی، شیوه مکاتبات اداری و چگونگی ثبت و ضبط احکام و نامه‌ها پی‌برد. همچنین از میان اسناد اصطلاحات اداری روزگار گذشته مشخص می‌شود.



منشآت

منشآت در لغت یعنی انشا شده، نوشته شده و دیکنه شده. منشآت نوع خاصی از نامه‌هایی بود که در گذشته نوشته می‌شد و ویژگی‌هایی داشت؛ مثلاً در ابتدای آن به مدح خداوند می‌پرداختند که ممکن بود یک صفحه را به خود اختصاص دهد و یا با وعظ و خطابه پایان می‌یافت.

۱- این اسناد در بسیاری موارد توسط نسل‌های بعدی به‌صورت کتاب خاطرات یا سفرنامه چاپ شده‌اند.

این نامه در اواخر سال ۱۲۵۹ ق. به هنگامی که میرزا تقی خان در شهر ارزنة الروم (واقع در ترکیه) مشغول مذاکره دربارهٔ اختلافات مرزی ایران با دولت عثمانی بود، در ستایش از شایستگی او که توانسته بود از حقوق ایران به خوبی دفاع کند نوشته شده است. در پایین چند سطر از نامه بازنویسی شده است. دانش آموزان می‌توانند بقیهٔ نامه را از روی سند بازنویسی کنند.

باز نویسی بخشی از سند:

«... خدمات آن فرزند مقبول خاطر مآثر ملوکانه افتاد و باعث ازدیاد مراحم و اشفاق مهراشراق خدیوانه دربارهٔ آن فرزند شد. به حق، آن فرزند در مجلس پنجم بسیار بسیار خوب از عهده [...] برآمده است. زیاد از حد از آن فرزند راضی و خشنود شدم. مرحبا مرحبا! صد هزار آفرین. روی آن فرزند سفید. نمک شاهنشاه دین پناه به آن فرزند حلال باشد که به طور دلخواه آن جانب در مجلس پنجم حقوق و حدود دولت علیّه ایران را ثابت کردی...»

خود، کاربرد «شخصی» یا «اداری» داشته‌اند، از بسیاری دروغ‌ها و ملاحظه‌کاری‌ها و مسائلی از این قبیل که یک مؤلف در کتاب خود ممکن است آگاهانه در نظر گیرد، به دورند. بنابراین منبع موثقی برای مطالعات تاریخی به شمار می‌روند. مورخان در گذشته اسناد را کمتر به عنوان یک منبع تاریخی در نظر می‌گرفتند؛ اما امروزه تحقیق در تاریخ بدون مراجعه به اسناد ناقص خواهد بود. با وجود این نمی‌توان گفت آنچه در اسناد آمده، همواره درست است.

مورخ پیش از هرچیز باید از اصالت سندی که به آن استناد می‌کند، و جعلی نبودن آن مطمئن

نکات مهم در مراجعه به اسناد تاریخی

استفادهٔ تاریخی از اسناد مستلزم رعایت اصول خاصی است. یک برگ سند، نوشته‌ای است که شاید افراد زیادی با آن برخورد کنند، اما برای آنها کاربردی نداشته باشد؛ حال آن که مورخ با بررسی خود، آن را برای تدوین تاریخ زنده می‌کند. این امر جز با سنجش محتوای اسناد با دیگر منابع تاریخی نویسی (سکه‌ها، کتاب‌ها، کتیبه‌ها، آثار باستانی و غیره) ممکن نخواهد بود.

قوت‌ها و ضعف‌های اسناد

اسناد تاریخی به دلیل این که در زمان

بایگانی‌ها و مؤسسات نگهداری اسناد

محل نگهداری اسناد امروزه به آرشیو^۱ معروف است. تأسیس آرشیو برای نگهداری اسناد به زمان‌های بسیار گذشته بازمی‌گردد. از زمانی که انسان مسائل مربوط به زندگانش را ثبت کرد، به فکر نگهداری آنها نیز افتاد. نخستین بایگانی‌های به دست آمده، مربوط به تمدن‌های مهم بشری مانند مصر و آشور است. پس همیشه در طول تاریخ آرشیوهایی برای نگهداری اسناد و مدارک وجود داشته است. در اروپا از قرون وسطی آرشیوهایی برای اسناد و مدارک دولتی پدید آمد. از قرن هفدهم میلادی فهرست کردن و تنظیم اسناد دولتی در اروپا رواج یافت و هر روز آرشیوهای ملی گسترش بیشتری یافتند.

باشد. برای تعیین اصالت اسناد می‌توان شواهدی را در آنها در نظر گرفت. سندی که بتوان به آن اطمینان کرد نباید مخدوش، خط‌خورده، تراشیده، شکسته، ترمیم شده و نونویس^۱ باشد. اگر سند، رونوشت یا به اصطلاح قدیم سواد است، باید از روی اصل نوشته شده و خلاصه نشده باشد. برای شناسایی سند، توجه به امضا، مهر و حاشیه نوشته‌های آن ضروری است. از طریق کاغذ، مرکب و تزئینات یک سند نیز می‌توان اصالت آن را تعیین کرد. اسنادی که در دست بعضی افراد و خانواده‌ها هستند، ارزش بسیاری دارند، اما چون در معرض خطرهای گوناگون از قبیل آسیب دیدگی، پوسیدگی و نابودی هستند، بهتر است شناسایی و منتشر شوند و یا به مراکز نگهداری اسناد منتقل گردند.

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

با توجه به آنچه که در کتاب تاریخ ایران و جهان (۱) در مورد خط، زبان و نظام مملکت‌داری هخامنشیان آموخته‌اید، به نظر شما آرشیو در ایران باستان چه وضعیتی داشته است؟

در ایران تا پیش از تأسیس وزارت خانه‌های جدید، رسم بر این بود که مسئول هر دستگاه اداری و حکومتی، اسناد را در خانه نگهداری می‌کرد. بنابراین بیشتر اسناد اداری در خانواده‌های

۱- یعنی بعدها با خطی دیگر، جاهایی از آن را از نو نوشته باشند.

۲- آرشیو (Archive) یا بایگانی محل نگهداری کلیه اسناد عمومی یا تاریخی است که توسط یک مؤسسه یا اداره نگهداری شود. مؤسسه‌ای که مسئول نگهداری اسناد راكد (غیرقابل استفاده) در کشور ماست، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نام دارد.

در ایران تا چند دهه پیش، اسناد به شکل پراکنده در خانواده‌ها و سازمان‌ها وجود داشتند تا این که فکر تأسیس مرکزی برای نگهداری اسناد مطرح شد و پس از پیشنهاد سازمان یونسکو برای تأسیس آرشیو در کشورهای مختلف، سرانجام در سال ۱۳۴۹ ش. قانون آرشیو به تصویب مجلس وقت رسید و سازمان اسناد ملی ایران به عنوان آرشیو ملی تشکیل شد. امروزه همه سازمان‌های دولتی موظفند اسناد راکد و قابل بایگانی خود را به این سازمان بفرستند.^۱

از دیگر مراکز نگهداری اسناد، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران است که اسناد قابل توجه و مهمی به‌ویژه از دوره قاجاریه

دیوان‌سالار به ارث مانده و به مرور زمان تعداد زیادی از آنها از بین می‌رفت. تنها برای نگهداری اسناد و مکاتبات سلطنتی در دربار، آرشیوی وجود داشت که رونوشت اسناد را در آنجا نگهداری می‌کردند. پس از انقلاب مشروطه، به دلیل توجه به سازمان‌های اداری و ایجاد وزارت‌خانه‌ها و در واقع شکل‌گیری نظام جدید اداری، اسناد هر وزارت‌خانه در بایگانی همان‌جا نگهداری می‌شد. این کار به تدریج موجب افزایش اسناد و مدارک گردید. به طوری که کم‌کم مؤسسات از عهده نگهداری آنها برنیامدند. به این ترتیب فکر تأسیس مرکزی اختصاصی برای نگهداری اسناد مربوط به افراد یا ادارات مختلف به وجود آمد.



ساختمان گنجینه اسناد ملی

۱- این سازمان در سال ۱۳۸۲ ش. با کتابخانه ملی ادغام شد و به سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تغییر نام داد. مرکز این سازمان در تهران قرار دارد و به تازگی در چند شهر دیگر مانند تبریز، کرمان، همدان و زاهدان شعبه‌هایی تأسیس کرده است و فعالیت‌های سودمندی برای نگهداری، طبقه‌بندی و آماده‌سازی اسناد و استفاده پژوهشگران و نیز نشر مجموعه‌هایی از آنها انجام داده است.

و اسنادی از رجال سیاسی و دانشمندان معاصر را نگهداری می‌کند.^۱

وظایف مراکز اسناد

وظایف یک مرکز اسناد در ۴ بخش خلاصه

می‌شود:

۱- حفظ و نگهداری اسناد از انواع خطرات

مانند آتش‌سوزی، رطوبت، نور، حشرات و ...

۲- آماده‌سازی اسناد برای استفاده

محققین به وسیله فهرست، طبقه‌بندی و دسته‌بندی

آنها و تهیه راهنمایی برای استفاده مراجعین.

۳- مرمت اسناد آسیب‌دیده.

۴- تکثیر اسناد برای حفظ آنها به شکل

میکروفیلم یا فتوکپی.



مجله گنجینه اسناد یکی از مجله‌های تخصصی تاریخ پژوهی است که مقاله‌های آن عمدتاً مستند به اسناد و مدارک تاریخی است. این مجله از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود.



مراحل مرمت یک سند تاریخی



۱- مراکز اسناد دیگری نیز در ایران برای نگهداری اسناد تاریخی وجود دارد. از جمله: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی،

کتابخانه‌های دانشگاهی، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان، وزارت امور خارجه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران و ...

نسخه‌های خطی

امروزه ما کتاب‌هایی را در اختیار داریم که در نسخه‌های فراوان به یاری صنعت چاپ، نشر یافته و محققان و متفکران، افکار و یافته‌های خود را از طریق این کتاب‌ها به مردم انتقال می‌دهند. صنعت چاپ نخستین بار در نیمه قرن پانزدهم میلادی برابر با قرن نهم هجری در اروپا به کار گرفته شد. با توجه به این که نخستین چاپخانه‌ای که در ایران دست به چاپ کتاب زد در سال ۱۲۲۷ ق. به کشور وارد شد، این سؤال پیش می‌آید که پیش از آن کتاب‌ها چگونه در اختیار مردم قرار می‌گرفتند؟

مدتی پس از این که بشر به نگارش بر روی کاغذ دست زد، این کاغذها را با جلد به هم پیوست و کتاب را به وجود آورد. این کتاب‌ها که بخشی از آنها امروزه در اختیار

ماست، به دلیل این که با دست نوشته شده‌اند، به «دست نوشته» یا «نسخه‌ی خطی» معروفند. از هنگام آغاز کتاب‌نویسی در ایران، تاکنون هزاران هزار نسخه خطی نوشته شده است؛ اما همه آنها به دست ما نرسیده است. دلیل این نیز همان آفاتی است که برای اسناد برشمرديم. تمامی منابع اصلی تاریخی، ادبی و جغرافیایی و سایر علوم که امروزه مورخان و دیگر دانشمندان برای بررسی علوم موردنظرشان از آنها استفاده می‌کنند تا پیش از رواج صنعت چاپ، در شکل اولیه خود، نسخه خطی بوده‌اند.

مثلاً یک مورخ اگر بخواهد درباره تاریخ ایران در دوره مغولان، پژوهش و بررسی کند چاره‌ای ندارد جز این که به منابع اصلی این دوره مانند تاریخ جهانگشا، نوشته عطاملک جوینی، جامع‌التواریخ نوشته رشیدالدین فضل‌الله همدانی و بسیاری منابع

دیگر مراجعه کند که در همان زمان یا اندکی پس از آن نوشته شده‌اند. این کتاب‌ها که



آغاز نسخه خطی جامع‌التواریخ اثر رشیدالدین فضل‌الله همدانی

اکنون چاپ شده و در اختیار مورخین قرار دارند، روزی به شکل نسخه خطی در گوشه کتابخانه‌ای پنهان بوده و چه بسا بسیاری از وجود آنها بی‌اطلاع بوده‌اند. اما فردی که به او مصحح می‌گویند آنها را یافته و تصحیح کرده و به چاپ سپرده است.

نسخه‌های خطی از نظر قدمت و ارزش تاریخی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- نسخه اصل: نسخه اصل نسخه‌ای است که به خط مؤلف است. نسخه‌ای که توسط یک کاتب نوشته می‌شد و مؤلف خود آن را تصحیح و بازخوانی می‌کرد نیز همان ارزش را دارد. نسخه اصل، مهم‌ترین نسخه یک کتاب است. زیرا مطالب مورد نظر مؤلف بدون هیچ دخل و تصرفی در آن وجود دارد و چون این نسخه اساس نوشتن نسخه‌های دیگر بوده است به «نسخه مادر» معروف می‌باشد.

۲- نسخه نزدیک به اصل: پس از نسخه اصل، نسخه‌ای اهمیت دارد که از روی نسخه اصل نوشته شده باشد و اگر کاتب آنها دقیق و امانت‌دار بوده باشد، در آنها کمتر اشتباه راه یافته است. هر چه تاریخ کتابت نسخه از تاریخ تألیف آن دورتر باشد، اعتبار آن کمتر می‌شود چون امکان تغییر بیشتری در آن وجود دارد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- سند را تعریف کنید.
- ۲- کاربردهای اسناد برای مورخ را توضیح دهید.
- ۳- ویژگی‌های یک سند تاریخی قابل استناد را بنویسید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- یکی از مراکز اسناد را معرفی کنید.
- ۲- چنانچه سندی مربوط به گذشته در اختیار دارید، درباره آن گزارشی به کلاس ارائه دهید.

نشریه‌ها و تاریخ‌نویسی



روزمره با آن برخورد می‌کنید، به همین معناست. اگرچه روزنامه‌ها و مجلات تنها وسیله انتقال اخبار و آگاهی در جوامع نیستند. اما به دلایلی می‌بایست آنها را در ردیف مهم‌ترین این وسایل به‌شمار آورد. آن‌چنان‌که پیدایش امکاناتی نظیر تلفن، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت نیز نه تنها از این اهمیت نکاسته بلکه برخی از این امکانات به توسعه نشریات کمک کرده‌اند. برخی از دلایل اهمیت نشریات عبارتند از:

۱- نشریات نخستین رسانه‌های گروهی هستند که انسان در قرون جدید از آنها استفاده کرده و عاملی مهم در پیشرفت فکری، علمی، اقتصادی و سیاسی جوامع بوده و هستند.

منابع کسب آگاهی درباره گذشته همیشه یکسان نیستند. بلکه بسته به این‌که درباره کدام دوره از تاریخ مطالعه کنیم، تفاوت‌هایی در این زمینه وجود دارد. برای مثال اهمیتی که آثار باستانی برای شناخت دوره‌های کهن‌تر تاریخ دارند بیش از اهمیت آنها برای بررسی تاریخ دوره‌های جدید تاریخ بشر است. در عوض در اثر پیشرفت‌های تمدنی و فرهنگی قرون اخیر منابع دیگری به وجود آمده‌اند که امروزه به مورخان برای شناخت بهتر این قرون کمک می‌کنند. یکی از این منابع نشریات یا روزنامه‌ها و مجلات هستند که در این درس با اهمیت آنها در سیر زندگی انسان و کاربردشان به‌عنوان یک منبع تاریخی آشنا خواهید شد.



نشریات و اهمیت آنها در زندگی انسان

امروزه در جهان ارتباطات اجتماعی به رسانه‌های چاپی از قبیل روزنامه و مجله که در «زمان‌هایی مشخص»، با «هدفی معین» و «به‌طور متناوب» تولید و توزیع می‌شوند اصطلاحاً نشریه گفته می‌شود. عنوان «مطبوعات» نیز که گاه در زندگی



جزئی مهم از زندگی روزمره مردم هستند. به همین دلیل است که تنوع و تعداد آنها در هر کشور، از جمله ملاک‌های پیشرفت یا عقب ماندگی آن کشور محسوب می‌شوند.

۲- از نظر تنوع و حجم مطالب نشریات نسبت به دیگر رسانه‌ها محدودیت کمتری دارند. برای مثال یک شبکه رادیویی یا تلویزیونی معمولاً در مقایسه با یک روزنامه، اخبار و مطالب کمتری را با توضیحات محدودتر ارائه می‌کنند.

۳- استفاده از نشریه نیازمند اختصاص دادن وقت معین (مثل اخبار رادیو یا تلویزیون) نیست و در هر زمان امکان مراجعه به آن وجود دارد. همچنین خواننده نشریه فرصت مطالعه مکرر مطالب و اندیشه و تفکر بیشتر درباره آنها را می‌یابد.

۴- معمولاً سندیت مطالب نشریات بیش از هر رسانه دیگری است. زیرا این مطلب ثبت شده و مکتوبند و نگرش‌ها و دیدگاه‌های متنوع‌تری را شامل می‌شوند. بنابراین آنچه گفته شد در عصر کنونی نشریات

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

به نظر شما نشریات چه ویژگی‌ها و فواید خاص دیگری دارند؟ پس از گفت‌وگو

در کلاس چند مورد را یادداشت کنید.

انواع نشریات در گذشته و حال

علمی، ادبی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، طنز و غیره تقسیم‌بندی می‌شوند. در بسیاری مواقع ترکیبی از چند موضوع تعیین‌کننده نوع مطالب یک نشریه است. معمولاً محورهای موضوعی نشریات در بالای صفحه نخست یا روی جلد آنها نوشته می‌شود.

نشریات را براساس نوع موضوع و محتوا یا زمان انتشار آنها به انواع مختلفی تقسیم‌بندی و نام‌گذاری کرده‌اند:

۱- از نظر موضوع و محتوا: از این نظر نشریات به انواعی مانند خبری، سیاسی،



می‌گیرد. مطالب این دسته از نشریات با مطالب یک روزنامه یا مجله خبری و عمومی تفاوت بنیادی دارد و کاستی‌های موجود در نشریات (که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد) در آنها کمتر به چشم می‌خورد.

۲- از نظر زمان انتشار: در تعریف نشریه خوانندید که «زمان مند بودن» یکی از خصوصیات نشریات است. به همین جهت فاصله زمانی میان چاپ دو شماره از یک نشریه در تعیین نوع و نام آن مؤثر است. نام‌هایی چون «روزنامه»، «هفته‌نامه» و «فصل‌نامه» بیانگر دسته‌بندی نشریات از این بعد هستند.

در بسیاری از مواقع ترکیبی از عوامل محتوایی و زمانی موجب به‌وجود آمدن یک نشریه با عنوانی خاص می‌گردد. برای نمونه می‌توان به عنوان‌هایی نظیر «روزنامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی صبح» یا «فصل‌نامه مطالعات تاریخی» اشاره کرد.

توجه به محتوا نوع دیگری از تقسیم‌بندی نشریات را نیز مطرح می‌سازد. در این نوع تقسیم‌بندی بیشتر کیفیت (میزان سندیت)، اهمیت و کاربرد مطالب مطرح است. نام‌گذاری‌هایی مانند «نشریه علمی پژوهشی» یا «مجله تحقیقی کاربردی» برای نشان‌دادن این ویژگی‌ها صورت



آرشیو نشریات

کتابخانه‌های بزرگ و مراکز پژوهشی، معمولاً دارای بخش نشریات قدیمی هستند. این نشریات بعد از دسته‌بندی، صحافی و گاه تبدیل شدن به میکروفیلم یا چاپ مجدد، در اختیار مراجعین قرار داده می‌شوند تا به جست‌وجوی مطالب مورد نظر خود در آنها بپردازند.

آگاهی‌های تاریخی در نشریات



اگرچه هدف اصلی از به‌وجود آمدن نشریات آگاه کردن مردم هر عصر از اوضاع و احوال جهان دور و بر آنها بوده و هست، اما در عین حال چون مدارکی مکتوب هستند با گذشت زمان به‌عنوان یک منبع، ارزش تاریخی نیز پیدا می‌کنند. آن‌چنان‌که امروزه جزو منابع اصلی مورخان، برای آگاه شدن از اوضاع دوره انتشار آنها به‌شمار می‌آیند، نشریات از راه‌های گوناگونی موجب افزایش دانش مورخان و توسعه علم تاریخ می‌شوند. از جمله:

۱- چنانکه می‌دانیم نوشته‌های به‌جامانده از هر دوره تاریخی مهم‌ترین منبع آگاهی درباره آن دوره می‌باشند. از این جهت نشریات به دلیل فاصله زمانی اندکی که با وقوع اخبار ذکر شده در آنها دارند، منبع اصلی و مهم هستند. آگاهی‌های موجود در نشریات مستقیم، متنوع و مفصل است. مستقیم بودن مطالب آنها از آن روست که هم‌زمان یا به فاصله اندکی پس از وقوع رویدادهایی که ذکر می‌کنند، ثبت شده‌اند. تنوع اطلاعات تاریخی نشریات به دلیل پرداختن آنها به موضوعات مختلف (گاه تا ده‌ها موضوع) است. بالاخره آنکه شرح و تفصیل موجود در نشریات درباره بسیاری از رویدادها نیز قابل توجه است. برای مثال اگر در یک کتاب تاریخ یا خاطرات درباره یک رویداد یا یک شخصیت سیاسی مطالبی کلی و محدود آمده باشد، در نشریات هم‌زمان با آن رویداد یا شخصیت جزئیات بیشتری یافت می‌شود. بنابراین با کمک

نشریات می‌توان با رویدادهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و افکار و اندیشه‌های رایج در هر عصر و حتی حوادث جزئی و روزمره آشنا شد. به‌طور خلاصه نشریات، آیینۀ اوضاع و احوال دوران انتشار خودشان هستند.

۲- نشریات در شکل‌گیری بعضی رویدادها و تحولات تاریخی قرون اخیر تأثیر داشته‌اند. در این حالت آنها علاوه بر در اختیار گذاشتن اخبار تاریخی نقش یک عامل تاریخی را نیز دارند و بنابراین نادیده گرفتن آنها موجب بروز نقص در شناخت واقعیت تاریخی خواهد شد. در قسمت پایانی این درس با نمونه‌هایی از نقش تاریخی نشریات در تاریخ معاصر کشورمان آشنا خواهید شد.

۳- نشریات به شکلی دیگر نیز با تاریخ پیوند می‌یابند و آن این‌که در بسیاری از آنها مطالبی به‌صورت عمومی و یا تخصصی و تحقیقی

درباره تاریخ چاپ می‌شود. از این جهت نشریات به پیشرفت علم تاریخ و گسترش دانش و بینش تاریخی در جوامع کمک می‌کنند.

درجه اعتبار محتوای نشریات در مطالعات تاریخی

در درس‌های پیش خواندید که همه منابع تاریخ‌نویسی در هنگام مراجعه مورخ به آنها مورد نقد قرار می‌گیرند تا نقاط قوت و ضعف آنها شناخته شود. نشریات، به خصوص روزنامه‌ها، هم از این موضوع مستثنی نیستند. زیرا از نظر مورخان نمی‌توان همه مطالب آنها را بدون ارزیابی پذیرفت. همواره این امکان وجود دارد که به دلایل مختلف اخبار و اطلاعاتی نادرست و غرض ورزانه در نشریات وجود داشته باشد. برخی از این دلایل عبارتند از:

۱- دخالت نظرات شخصی: ممکن است افرادی که اخبار و مطالب یک نشریه را تهیه و تنظیم می‌کنند براساس دیدگاه یا منفعت شخصی خویش واقعیت‌ها را دستکاری کنند. به همین جهت لازم است مورخ دیدگاه‌ها و اهداف دست‌اندرکاران یک نشریه اعم از مدیران و نویسندگان مطالب آن را بشناسد و تأثیر آنها بر محتوای نشریه را دریابد.

۲- ملاحظات سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و ...: این گونه ملاحظات باعث می‌شوند واقعیت‌ها آن گونه که بوده‌اند منعکس

نشوند. مورخ باید این ملاحظات را که ممکن است در هر دوره تاریخی متفاوت باشند، شناسایی کند و با در نظر داشتن آنها به مطالب نشریات اعتماد کند.

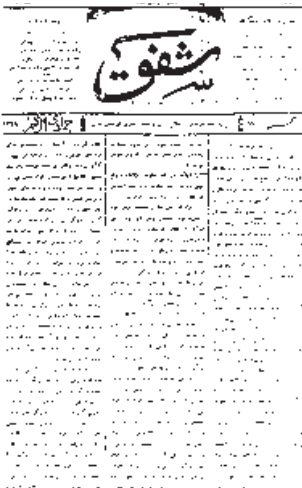
۳- شتاب‌زدگی: یکی از مشکلات مهم در مورد مندرجات نشریات این است که چون با سرعت و عجله تهیه و چاپ می‌شوند، امکان بروز اشتباه در آنها زیاد است. به دلیل اهمیت مسأله زمان در تولید نشریات و به ویژه روزنامه‌ها، دست‌اندرکاران آنها به ناچار فرصت کافی برای تحقیق و بررسی پیرامون درستی یا نادرستی همه اخبار و جزئیات آنها را ندارند. عجله و محدودیت وقت همچنین موجب می‌شود که اشتباهات چاپی در نشریات راه یابد. بنابراین در بسیاری مواقع اخبار موجود در نشریات با وجود تازه و دست‌اول بودن، کامل نیستند.



ژورنالیسم و تاریخ‌نویسی ژورنالیستی

مشکلاتی که به آنها اشاره شد باعث می‌شود که اخبار و مقالات چاپ‌شده در نشریات در مجموع دارای سبک و اعتبار خاصی شوند که اصطلاحاً به آن «ژورنالیسم» (journalism) می‌گویند. مورخان با استفاده از این اصطلاح هر کتاب تاریخی را نیز که محتوای آن با عجله، غرض ورزی و تحت تأثیر ملاحظات مختلف نوشته شده باشد، «ژورنالیسم تاریخی» یا «تاریخ‌نویسی ژورنالیستی» می‌نامند. کم یا زیاد کردن اهمیت یک موضوع یا شخصیت تاریخی، تبلیغ یا جوسازی، دخالت دادن نظرات شخصی و گروهی (حکومتی) و عجله در ثبت اخبار و رویدادها پیش از روشن شدن جزئیات و ابعاد مختلف آنها، از جمله ویژگی‌های این نوع تاریخ‌نگاری است.

مطالب آنها نیز افزایش یافت. سخت‌گیری‌های حکومت موجب شد بعضی افراد در خارج از ایران روزنامه‌هایی به زبان فارسی چاپ کنند و آنها را به شکل‌های مختلف در کشور (بیشتر در تهران و چند شهر بزرگ دیگر) توزیع کنند.



نقش نشریات در تحولات تاریخ معاصر ایران و شناخت آنها

چاپ روزنامه در ایران قدمتی نزدیک به دو قرن دارد. نخستین روزنامه «کاغذ اخبار» نام داشت که به همت میرزا صالح شیرازی در زمان حکومت محمدشاه قاجار منتشر شد. میرزاتقی‌خان امیرکبیر نیز از جمله کسانی بود که با انگیزه اصلاح حکومت و پیشرفت کشور به چاپ روزنامه‌ای با نام «وقایع اتفاقیه» اقدام کرد. در آغاز روزنامه‌ها در صفحاتی محدود (۲ تا ۵ صفحه) و تعدادی اندک (حداکثر چندصد نسخه) منتشر می‌شدند و ضمناً مطالب آنها از سوی حکومت و حتی شخص شاه به شدت کنترل می‌شد. به تدریج و با افزایش آگاهی اجتماعی و سیاسی مردم و به‌ویژه صاحبان فکر و اندیشه تعداد نشریات و کیفیت

در این نشریات مطالب گوناگونی دربارهٔ اوضاع ایران و جهان به چاپ می‌رسید که تأثیری مهم بر افکار خوانندگان آنها داشت. برای مثال در نشریاتی که پیش یا هم‌زمان با انقلاب مشروطیت ایران چاپ شده‌اند، مطالب زیر یافت می‌شود.

— بیان پیشرفت‌های برخی کشورها و مقایسهٔ وضع نامساعد ایران با آنها همراه با ذکر علت‌های پیشرفت این کشورها و عقب‌ماندگی ایران.

— انتشار اخباری دربارهٔ رویدادهای داخلی و تحلیل آنها که در روزنامه‌های داخلی اجازهٔ چاپ نمی‌یافتند.

— چاپ مطالبی دربارهٔ آفات استبداد و استعمار و لزوم استقرار قانون و عدالت در کشور.

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

در قسمت بیشتر بدانید این درس یک آگهی از یک روزنامه مربوط به اواخر دوره قاجار، آورده شده است. با مطالعه آن بگویید چه آگاهی‌های تاریخی دربارهٔ اوضاع ایران در زمان انتشار این روزنامه در آن وجود دارد؟

چاپ می‌رسید. دولت و گروه‌های سیاسی هر کدام با ایجاد روزنامه سعی در همراه کردن مردم با نظرات و خواسته‌های خویش داشتند.

در رویدادهای مهم بعدی ایران همچون نهضت ملی‌شدن نفت و انقلاب اسلامی هم نشریات ضمن تأثیرگذاری بر افکار جامعه، به انعکاس اخبار کشور و جهان می‌پرداختند. اگرچه بسیاری از این نشریات تحت تأثیر ملاحظات گروهی، حکومتی و شخصی قرار داشته‌اند، اما باید توجه داشت که حتی آگاهی از خود این ملاحظات، برای مورخان امروزی سودمند و روشنی‌بخش است.

بدین ترتیب مورخ با مراجعه به این روزنامه‌ها علاوه بر آگاهی از رویدادهای تاریخی آن زمان، با مسایلی چون ساختار سیاسی ایران، روابط خارجی، خواسته‌ها و مشکلات مردم، اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی رایج و علل و زمینه‌های انقلاب مشروطه آشنا می‌شود.

در دوران بعد از انقلاب مشروطیت نیز روزنامه‌ها با وسعتی بیشتر در صحنهٔ سیاسی و اجتماعی کشور نقش‌آفرین بودند. در این روزنامه‌ها نظریات مختلف دربارهٔ چگونگی ادارهٔ کشور پس از استقرار نظام مشروطه و حوادث گوناگون به

«بشارت باد اهل وطن را،

مژده باد وطن خواهان را و بشارت باد خانمهای منسوجاتِ وطنی پوش را که ملزم نمودند خودشان را به پوشیدن لباس شرف و افتخار که بافت‌های داخلی وطن عزیز از قبیل پارچه‌های یزد و اصفهان و کاشان و کرمان باشد. چندی بود که به واسطه ناامنی راه و تاخت و تاز قاطعان طریق، جنس وطنی داخل طهران نمی‌شد و به این واسطه وطن‌طلبان مایوس و ناامید بودند. ولی الحمدلله از زمانی که انجمن محترم به همت خواتین ایرانی تشکیل یافته و اعضای انجمن در نهایت جدیت در ترویج منسوجات وطنی جدّ و جهد می‌نمایند و خبر به ولایات منتشر شده، حالیه کمپانی اسلامی با هزار زحمت دو عدل از پارچه‌های خوب اصفهان که خیلی ممتاز است و از همه جهت از پارچه‌های فرنگ بی‌نیاز است، وارد نموده است.

روزنامهٔ شکوفه، سال سوم، غره [اول شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۳۳۳، شماره ۱۷، صفحه ۱.



- ۱- نشریات به چه دلایلی در زندگی انسان اهمیت دارند؟
- ۲- از نظر موضوع و محتوا نشریات به چه انواعی تقسیم‌بندی می‌شوند؟
- ۳- نشریات از چه راه‌هایی به افزایش دانش مورخان و پیشرفت علم تاریخ کمک می‌کنند؟
- ۴- دلایل راه یافتن اخبار و مطالب نادرست در نشریات را توضیح دهید.
- ۵- نشریات چگونه در انقلاب مشروطیت ایران مؤثر واقع شدند؟

- ۱- یک نشریه (روزنامه، مجله یا...) مربوط به چند سال پیش (هرچه قدیمی‌تر بهتر) پیدا کنید. سپس براساس مطالب آن گزارشی تهیه کنید که گویای اوضاع کشور یا شهر شما در زمان انتشار آن نشریه باشد.
- ۲- با مراجعه به روزنامه‌فروشی فهرستی از نام و مشخصات (موضوع، زمان انتشار و...) نشریات موجود در آن تهیه و به کلاس ارائه کنید.



مورخان و تاریخ ایران

زندگی کوچ‌نشینان و یک‌جانشینان ایران، جامعه‌ای با ویژگی‌های جدید ایجاد گشت، که با وجود تغییرات و تحولات بسیار به حیات خود ادامه داده است.

در تمام این دوران که با مهاجرت اقوام مختلف به داخل ایران و جریان‌ها و حوادث بسیار همراه بود، عواملی همچون زبان فارسی، دین اسلام و آیین زردشت، و نیز موقعیت جغرافیایی ایران در شکل‌گیری هویت ایرانیان تأثیری پایدار داشتند.

مورخان با در نظر داشتن ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تاریخ طولانی ایران از آن روزگار تاکنون، به بررسی تاریخ ایران و عوامل تشکیل دهنده هویت ایرانی می‌پردازند.

ایران کشوری با پیشینه‌ای بسیار طولانی و دارای افتخارآمیزترین جلوه‌های فرهنگ و تمدن بشری است. قرن‌ها پیش از آنکه مهاجران آریایی وارد این سرزمین شوند، در گوشه و کنار ایران، مراکز مهم تمدنی مانند ایلام، سیلک، جیرفت و تمدن مشهور به شهر سوخته در سیستان وجود داشت که سازندگان هر یک از آنها در زمینه‌های گوناگون علمی و فرهنگی به درجه بالایی از شکوفایی رسیده بودند.

پس از مهاجرت آریایی‌ها به ایران، تحولی در وضع این سرزمین ایجاد شد. آنان پس از درگیری‌های اولیه، کم‌کم با ساکنان بومی ایران درآمیختند و بدین ترتیب از آمیزش دستاوردهای



منظور از هویت، عواملی همچون زبان، تاریخ و فرهنگ است که چپستی یک

ملت را مشخص می‌کند.

دوره‌بندی‌های تاریخ ایران

اسلامی، مردم ایران به دین اسلام ایمان آوردند و در ساختن فرهنگ و تمدن اسلامی پیشگام دیگر مسلمانان شدند. بزرگ‌ترین دانشمندان اسلامی از این سرزمین برخاستند و آثار علمی فراوانی را به جامعه بشری تقدیم کردند.

مورخان روند زندگی ایرانیان در طول تاریخ را به شیوه‌های گوناگونی دوره‌بندی کرده‌اند. در یک تقسیم‌بندی پذیرفته شده، تاریخ ایران به دو دوره بزرگ ایران پیش از اسلام (ایران باستان) و ایران در دوران اسلامی تقسیم می‌گردد. در دوره

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

به نظر شما ملاک تقسیم‌بندی تاریخ ایران به دو دوره قبل و بعد از اسلام چیست؟

اشراف و نجبا در ایران منشأ بسیاری از تحولات سیاسی، اقتصادی و اداری بود و نظام سیاسی را یک شبکه بسیار گسترده و پیچیده اداری مرکب از دیوان‌های مختلف، اداره می‌کرد. فرمانروا در رأس هرم قدرت قرار داشت و توده‌های مردم در قاعده این هرم قرار می‌گرفتند.

وضع سیاسی ایران از مشروطیت به بعد دچار دگرگونی شد که در سال قبل با آن آشنا شده‌اید. با انقلاب اسلامی تحولی بزرگ‌تر در تاریخ سیاسی ایران اتفاق افتاد. از ابتدای تاریخ این سرزمین سلسله‌های حکومتی با یورش مؤسس آن علیه سلسله قبلی شکل می‌گرفت و حکومت به صورت موروثی به فرزندان وی منتقل می‌شد. با انقلاب اسلامی حکومت سلسله‌های پادشاهی پایان یافت و انتخاب رهبران جامعه بر عهده مردم قرار گرفت.

در هر یک از این دوره‌ها زندگی جامعه ایرانی ویژگی‌های خود را داشت و دارد. ورود اسلام به ایران با اسلام‌پذیری تدریجی ایرانیان، سبب دگرگونی‌هایی در روند جامعه ایرانی شد و سبب پیدایی فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی گشت.

یک شیوه تقسیم‌بندی دیگر، دوره‌بندی تاریخ ایران به لحاظ روند اقتصادی و سیاسی است. از این نظر می‌توان تاریخ ایران را به دو دوره، از روزگار باستان تا انقلاب مشروطیت و از مشروطیت تا عصر حاضر تقسیم کرد. ایران از روزگار باستان تا مشروطیت دارای وضع سیاسی تقریباً معینی با دگرگونی‌های اوایل دوره اسلامی و نیز شیوه اقتصادی مشخص بود. نظام سیاسی ایران در این دوران، اغلب استبدادی و ساختار اقتصادی آن بر بنیان کشاورزی و دامداری بود. در این دوران طولانی، بخش کوچکی اما پرنفوذ

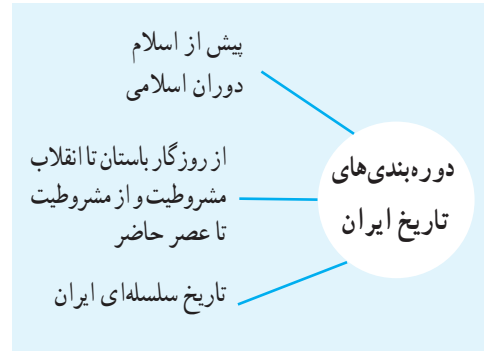
تاریخ‌نگاری در ایران

بررسی و تجزیه و تحلیل نقش عوامل گوناگون در شکل‌گیری جامعه ایرانی بدون یاری پژوهش‌های تاریخی امکان‌پذیر نیست. چون قصد نهایی این کتاب، آشنایی با دانش تاریخ است، می‌بایست شیوه‌های این بازسازی توسط مورخان ایرانی بازگو شود. در آغاز، نگاهی گذرا به سیر دانش تاریخ در ایران می‌اندازیم.

ایرانیان از دیرباز دلبسته روایت رویدادهای مهم بوده‌اند، اما این دلبستگی تا زمان ما به شیوه‌ای یکسان نمایان نشده است. آنچه در درس چهارم درباره پیوند افسانه‌ها و حماسه‌ها با تاریخ خواندید، درباره تاریخ ایران نیز درست است. مورخان اطلاعات اندکی از دوران باستانی ایران در دست دارند. جز کتیبه‌ها، سکه‌ها، آثار، ابزار، افسانه‌ها و حماسه‌های برجای مانده از آن دوران آثار مکتوبی از ایرانیان بر جای نمانده است.

بخش عمده‌ای از آگاهی‌های کنونی ما در این باره برگرفته از آثار مورخان یونانی و رومی است و چون رقیب ایرانیان آن دوران بوده‌اند، نمی‌توان به‌درستی به همه آنها اعتماد کرد.

یکی دیگر از راه‌های دوره‌بندی تاریخ ایران، تقسیم آن بر بنیاد خاندان‌های حکومت‌گر یعنی سلسله‌های سیاسی حاکم بر ایران است. این شیوه از دیرباز تا کنون یکی از رایج‌ترین شیوه‌های دوره‌بندی تاریخ ایران بوده است. به‌عنوان مثال فهرست نام پادشاهان هخامنشی و با ساسانی مبنای محاسبه دوره فرمان‌روایی آنان به‌شمار می‌رود. البته این شیوه دشواری‌هایی نیز دارد، که در درس دوم با آن آشنا شدید.



اکنون که با ویژگی‌های کلی جامعه ایرانی در طول تاریخ و نیز دوره‌بندی‌های آن آشنا شدید به بررسی روند دانش تاریخ در ایران و شیوه‌های مورخان در دوره مختلف تاریخی می‌پردازیم.

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

آیا می‌توانید ارتباط شاهنامه فردوسی را با خدای نام‌ها بیان کنید؟

گروه قرار می‌گیرند: گروهی که در دستگاه مغولان مناصب دولتی داشتند. (مانند عظاملک جوینی نویسنده تاریخ جهانگشای) و گروهی که بیرون از نفوذ آنان بودند و بنابراین با دید انتقادی به فرمانروایی مغولان می‌نگریستند. (مانند منهاج سراج نویسنده کتاب طبقات ناصری)

تاریخ‌نویسی در ایران عهد تیموریان و ترکمانان (آق‌قویونلوها و قراقویونلوها) همانند دوره‌های قبل ادامه یافت. در این دوران یک دسته از مورخان، تاریخ‌های عمومی و شرح‌حال فرمانروایان را مبنای کار خود قرار دادند و دسته‌ای دیگر به تاریخ شهرها پرداختند. به عبارت دیگر تاریخ‌های محلی را نوشتند.

مورخان دوران صفوی نیز به روایت رویدادهای دولت صفوی و فرمانروایان آن پرداختند. بسیاری از آنها همانند مورخان پیش از خود، وقایع را به ترتیب وقوع آنها می‌نوشتند.



پس از ورود اسلام به ایران بخشی از تاریخ شفاهی ایران باستان توسط علاقه‌مندان به آن دوران، نوشته شد و «خدای‌نامه»ها که به باور برخی پژوهشگران، سال‌شمار وقایع فرمانروایان ساسانی بوده است، مبنای کار مورخان مسلمان گشت.

با ورود اسلام به ایران، سنت‌های ایرانی و اسلامی درباره اندیشه تاریخی، در هم آمیختند. از آن پس مورخان با تأثیرپذیری از اندیشه‌ها و روش‌های جدید به نگارش تاریخ پرداختند. این مورخان در آغاز به دلیل جنبه دینی و رواج زبان عربی به‌عنوان زبان عمومی مسلمانان آثار خود را بدان زبان می‌نوشتند. این روند در پی روی کارآمدن فرمانروایان مستقل و نیمه‌مستقل در ایران و تجزیه خلافت اسلامی دگرگون شد. در دوران حاکمیت سلسله‌های ترک نژاد بر ایران، زبان فارسی مبنای تاریخ‌نویسی مورخان شد که رویدادهای مربوط به سرگذشت فرمانروایان ترک و یا رویدادهای یک شهر یا ولایت را ثبت می‌کردند.

یورش مغولان به ایران ویرانی‌ها و کشتارهای فراوانی در پی داشت. با این همه در همین دوران چند نمونه بسیار ارزشمند از کتاب‌های تاریخ ایران و تاریخ‌های محلی نوشته شد. ایلخانان مغول مانند دیگر کشورگشایان علاقه داشتند یاد جنگ‌ها و لشکرکشی‌های خویش را حفظ کنند. مورخان این دوره همراه با انجام این خواسته، پی‌آمدهای اندوهبار یورش آنان بر ایران را نیز بازگو کردند.

مورخان دوره حکومت مغولان در دو

به‌طور گسترده به زندگی مردم و تکاپوهای آنان توجه کرد و رویدادهای مربوط به آنان را در اثر خویش آورد. از این پس شیوه سنتی و شیوه نو در تاریخ‌نویسی پا به پای هم پیش رفتند.

مورخان ایرانی؛ روش‌ها و بینش‌ها

از هنگام آغاز تاریخ‌نویسی در ایران، مهم‌ترین موضوع مورد اعتنای مورخان، رویدادهای بزرگ و مهم و به‌ویژه رویدادهای مربوط به زندگی فرمانروایان بود. در طول تاریخ ایران منصبی به نام وقایع‌نگاری و مجلس‌نویسی وجود داشت که وظیفه آن ثبت رویدادهای مربوط به فرمانروایان بود. این مورخان در کار خویش تقریباً همان مراحل را که در درس اول برای کار یک مورخ ذکر شد، می‌پیمودند. (سعی کنید آنها را به یاد آورید.)

با وجود این در شیوه تاریخ‌نگاری سنتی، کار مورخ بیشتر ارائه اطلاعات درباره فرمانروا، شرح جنگ‌ها و روابط سیاسی با دیگر دولت‌ها، بود. این مورخان بیشتر به بازگویی وقایع می‌پرداختند.

در سال‌های پایانی فرمانروایی قاجاریان، مورخان ایرانی به تدریج روش‌های نو تاریخ‌نگاری را که پیش از آن در اروپا شکل گرفته بود، فراگرفتند. بنابراین تاریخ‌نویسی در ایران تحت تأثیر روش‌ها و حتی بینش‌های آنان قرار گرفت، اما این کار چندان گسترشی نیافت و حتی پس از تأسیس گروه‌های تخصصی تاریخ در دانشگاه‌ها، مورخان تنها اندکی از شیوه پیشینیان فاصله

منابع تاریخی این دوران به‌ویژه سفرنامه‌های اروپاییان سرشار از آگاهی‌های فراوان درباره زندگی و اقدامات فرمانروایان صفوی است. همچنین به دلیل روابط گسترده ایران با اروپا، در بردارنده آگاهی‌های باارزش درباره مناسبات خارجی ایران است.

با روی کار آمدن دولت قاجار در ایران، زمینه برای یک رشته دگرگونی‌ها نیز فراهم آمد. در نیمه نخست حکومت قاجاریان (از ابتدا تا سلطنت ناصرالدین‌شاه) روند تاریخ‌نویسی، همان تقلید از شیوه مورخان پیشین بود؛ به این معنی که در آثار مورخان چندان نشانی از حضور مردم در تاریخ نبود و نیز نشانی از زندگی اجتماعی در آن به چشم نمی‌خورد.

در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار، گونه‌ای نهضت ترجمه در ایران رواج یافت. در این دوران ایران روابط نزدیکی با اروپا داشت و به همین دلیل شماری از آثار اروپاییان به فارسی ترجمه شد که بخشی از آن‌ها کتاب‌های تاریخی بود. این رویداد زمینه را برای نفوذ روش‌های تاریخ‌نگاری جدید غربی در ایران آماده ساخت. اما آنچه هم‌روش و هم‌بینش مورخان ایرانی را در این دوران دگرگون ساخت انقلاب مشروطیت ایران بود. در این زمان با تألیف کتاب تاریخ بیداری ایرانیان به دست ناظم‌الاسلام کرمانی، دوره تازه‌ای در تاریخ‌نویسی ایران آغاز شد زیرا برای نخستین بار در این کتاب مورخی ایرانی

برای پژوهش‌های خویش سود می‌برند. بنابراین در شیوه‌های جدید تاریخ‌نویسی مهم‌ترین اصل، همه‌جانبه‌نگریستن مورخ به گذشته به یاری تمامی موادی است که او را در کار بازسازی خردمندانانه گذشته، یاری دهند.



عباس اقبال آشتیانی (۱۳۳۴-۱۲۷۵ ش.) یکی از نخستین پیشگامان تاریخ‌نویسی نو در ایران بود. آثار او در مرز تاریخ‌نویسی سنتی و نو قرار دارند و گرچه از آن هنگام تاکنون، تاریخ‌نویسی در ایران دچار دگرگونی‌هایی گشته است، اما نوشته‌های اقبال آشتیانی همواره به عنوان نمونه‌هایی جدی از تأثیر روش‌های جدید در تاریخ‌نگاری باقی خواهد ماند.

گرفتند. در دوران کنونی، تاریخ به صورت یک رشته مستقل علمی در کشور مطرح گشته است و بنابر تقسیم‌بندی و تخصصی‌شدن علوم، تاریخ نیز روش‌ها و بینش‌های ویژه علمی خویش را یافته است. اکنون توجه به جنبه‌های تازه در تاریخ‌نگاری سبب دل‌بستگی پاره‌ای از مورخان به تاریخ‌نویسی علمی شده است. این شیوه مستلزم دگرگونی در روش و بینش مورخ است.

در تاریخ‌نویسی جدید ایران، سعی در به‌کار بستن روش علمی در پژوهش است. این کار دربرگیرنده گزینش، سازمان‌دهی و عرضه پژوهش‌های تاریخی با تکیه بر منابع اصلی و اسناد و مدارک مستند برای هر موضوع تحقیق است، به‌علاوه در این روش بر ارزیابی و نقادی عالمانه منابع و به‌کارگیری همه مواد لازم برای تاریخ‌نویسی تأکید می‌شود.

بینش تاریخ‌نگاری معاصر ایران نیز کم‌کم به سوی تحولی بنیادی پیش می‌رود و موضوع کار مورخان، تنها سرگذشت فرمانروایان و شرح جنگ‌های آنان نیست. در تاریخ‌نویسی جدید، همه جنبه‌های گوناگون زندگی گذشته مردم ایران می‌بایست مورد تأکید قرار گیرد. به همین دلیل مورخان امروزه به نگارش آثاری در زمینه‌های گوناگون دانش تاریخ یعنی تاریخ نظامی، تاریخ اقتصادی، تاریخ اندیشه دینی، تاریخ هنر و ... دل‌بسته شده‌اند و از همه منابع حتی منابع ادبی

مورخان ایرانی

وقایع‌نگاران و مجلس‌نویسان قدیم با روش سنتی مورخانی که برای حرفه‌تاریخ‌نگاری و تحقیقات تاریخی، در دانشگاه‌ها آموزش دیده‌اند.

مورخان غیر ایرانی

بعضی از مورخان مسلمان و غیرمسلمان که در گذشته درباره‌تاریخ ایران آثاری نوشته‌اند.

شرق‌شناسان و ایران‌شناسان که پژوهش‌های آنان هم از دیدگاه روش و هم به لحاظ بیش تأثیر عمده‌ای در تاریخ‌نویسی ایران گذشته و روشن‌ساختن زوایای تاریک آن داشته است؛ هرچند به دلایل گوناگون سیاسی و فرهنگی می‌توان کاستی‌ها و غرض‌ورزی‌هایی نیز در کار برخی از آنان دید.



امروزه افرادی هم وجود دارند که از سر تفنن، سودجویی، شهرت‌طلبی یا دلبستگی‌های گروهی، به ظاهر به تاریخ‌نگاری، دست می‌زنند. این گروه تنها با سرهم‌بندی اطلاعات دیگران، به شیوه‌ای سطحی، وانمود می‌کنند اثری تاریخی عرضه کرده‌اند، اما در واقع حاصل کار آنان چیزی نیست جز یک رشته آگاهی‌های پراکنده نامنظم که از اینجا و آنجا گرد آورده‌اند.

نقش دین و زبان در هویت ملی ایرانیان

دو عامل مهمی که در استمرار حیات جامعه ایرانی نقش داشته‌اند، عامل دین و زبان فارسی است. اقوام ساکن در ایران همواره ضمن نگاهداشت خرده فرهنگ‌های خویش، پیکره یگانه فرهنگ ایرانی را ساخته‌اند. این کار بر بنیاد باورهای مشترک دینی و زبانی انجام یافته است.

دین از هزاران سال پیش تاکنون تأثیر عمده‌ای در زندگی ایرانیان داشته است. زیرا باورهای دینی، همه گستره زندگی سیاسی و اجتماعی را دربر گرفته است. در ایران عهد ساسانی، همبستگی استواری میان دین و دولت برقرار بود و تاریخ ملی ایران رنگی دینی داشت. این شیوه در ایران پس از اسلام نیز همچنان پابرجا مانده و به‌ویژه پس از رسمی شدن مذهب تشیع در دوره حکومت صفویان جلوه‌ای ویژه یافت و به‌عنوان عامل مهم همبستگی مردم ایران درآمد.

پابه پای دین، عامل زبان نیز به وحدت‌بخشی جامعه ایرانی یاری رسانده است. زبان فارسی با ریشه‌های کهن و با داشتن آثاری باشکوه در زمینه شعر و نثر که حاوی بلندترین مفاهیم فکری است، از مهم‌ترین عناصر جلوه ایران در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی و نیز استمرار هویت ایرانی به‌شمار می‌رود. ایران گرچه از دیرباز به دلیل وضع ویژه طبیعی، گذرگاه فرهنگ‌ها، مهاجرت‌ها و یورش‌های گوناگون بود و از همه این رویدادها به مثابه زمینه‌ای برای مبادله فرهنگی با همسایگان سود جست، دین و زبان فارسی را به‌عنوان مهم‌ترین ابزارهای نگاهداشت هویت خویش، به‌کار برد و با تعالی بخشیدن بدان‌ها گروه‌های قومی فراوانی را در فرهنگ خویش مستحیل کرد.

- ۱- دو مورد از انواع دوره‌بندی‌های تاریخ ایران را شرح دهید.
- ۲- وضع تاریخ‌نویسی در ایران عصر مغول چگونه بود؟
- ۳- تاریخ‌نویسی ایران در عصر ناصرالدین شاه چه تحولی یافت؟
- ۴- منظور از «روش» و «بینش» در تاریخ‌نویسی جدید ایران چیست؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- با مطالعه یک کتاب تاریخی (یا بخشی از آن) نظر خود را درباره روش و بینش آن بنویسید.
- ۲- به یک کتابخانه مراجعه کنید و مشخصات دست‌کم پنج کتاب را درباره یک دوره معین تاریخ ایران فهرست کنید.
- ۳- مهم‌ترین سلسله‌های تاریخی ایران از دوران باستان تا عصر حاضر را براساس ترتیب زمانی بنویسید.



مورخان و تاریخ جهان

تقسیمات تاریخ جهان

در این درس به این مطالب می‌پردازیم که «مورخان به تاریخ جهان چگونه می‌نگرند؟» نخستین گام مورخان برای بررسی تاریخ جهان، دوره‌بندی این دوران طولانی از زندگی انسان است، زیرا مطالعه و بررسی این دوره طولانی، بدون چنین کاری مشکل و حتی غیرممکن است. به همین جهت مورخان و دیگر دانشمندانی که درباره تاریخ جهان مطالعه می‌کنند، برای سهولت مطالعه خویش، تاریخ جهان را به دوره‌ها و عصرهایی تقسیم کرده‌اند.

مورخان به دلیل اهمیتی که خط (کتابت) در تاریخ‌نویسی دارد، بر این عقیده هستند که تاریخ به دو دوره تقسیم می‌شود، یکی «دوره ماقبل تاریخ» یعنی پیش از اختراع خط و دوم «دوره تاریخی» یعنی پس از اختراع خط.

در کتاب تاریخ ایران و جهان (۱) با برخی دیگر از این تقسیم‌بندی‌ها آشنا شدید. آیا می‌توانید یک نمونه از آنها را بیان کنید؟

تاریخ جهان، تاریخ سراسر کره زمین

کره زمین، جهان مشترک همه انسان‌هاست. به همین جهت تاریخ جهان هم، تاریخ همه انسان‌هاست، اما چنانکه می‌دانیم از حدود ۵۰۰ سال پیش انسان‌ها موفق به کشف تمامی کره زمین و اثبات تجربی کرویّت زمین شده‌اند. تا پیش از آن، بشر متمدن اطلاعی از قاره‌های امریکا، اقیانوسیه، قسمت‌هایی از افریقا و بسیاری از جزایر و سواحل و دریاها و اقیانوس‌ها نداشت. با این حال باز هم دانشی به نام «تاریخ جهان» وجود داشته است؛ اما نه در مفهوم کنونی آن.

با گسترش دانش بشر، اطلاعات تاریخی او نیز بیشتر شد، به‌خصوص در آثار مورخان مسلمان، وسعت دید قابل ملاحظه‌ای ارائه گردید. از پنج قرن پیش با کشف راه‌های دریایی و شناختن قاره‌های ناشناخته، نگرش تاریخ بشر وسعت بیشتری یافت و تاریخ جهان نسبت به قبل جهانی‌تر شد. با وجود این، تعصبات فرقه‌ای، منافع سیاسی و اغراض و اهداف قومی، مانع از تحقق کامل این

امر شده است. به‌ویژه بسیاری از مورخان اروپایی همواره کوشیده‌اند که تاریخ اروپا را اساس و محور تاریخ تمامی جهان قلمداد کنند؛ بدین دلایل تاکنون تاریخ جهانی منصفانه‌ای که سهم و جایگاه واقعی همه مردم جهان در آن منظور شده باشد، نوشته نشده است. بیشتر کتاب‌هایی که غریبان در دوران اخیر درباره تاریخ جهان نوشته‌اند دارای این نقیصه‌اند.

تاریخ جهان، عرصه وحدت انسانی و حاصل تمدن بشری

تعلیمات ادیان الهی و تحقیقات علمی نشان داده است که انسان‌ها در فطرت و سرشت برابرند به عبارت دیگر نوع انسان در «انسان‌بودن» دارای وحدت است. این وحدت ذاتی انسان‌ها مسلماً در اوایل تاریخ، با وحدت در ظواهر زندگی و تمدن نیز همراه بوده است. تفاوتی که بعدها در میان جوامع بشری به وجود آمد، در نتیجه عواملی نظیر تنوع محیط جغرافیایی، میزان اندیشه و تلاش و مانند آنها بوده است. تفاوت انسان‌ها از لحاظ اندیشه، اراده و روحیات و توانایی‌های جسمی، هنگامی که با عوامل دیگری چون میزان وحدت جامعه و «قدرت مدیریت» همراه شود، سبب آشکارشدن اختلاف در پیشرفت جوامع می‌گردد.

تفاوت در سطح تمدن ملت‌ها به هیچ‌وجه ناقض برابری انسانی نیست تفاوت تا آنجا که باعث تحرک و تلاش گردد، مفید است؛ اما وقتی

که موجب تبعیض و سلطه‌جویی شود، همکاری انسانی و صلح و سازندگی را به جنگ و جدال تبدیل می‌کند. به این جهت در دنیای کنونی تلاش برای استقرار برابری و عدالت و کوشش برای کمک به پیشرفت‌های تمدن بشری در زمان‌هایی بوده که صلح و تفاهم میان ملت‌ها حاکم بوده است. تمدن کنونی که جلوه‌گاه ترقیات عظیم فنی و فکری بشر می‌باشد، در واقع دستاورد تلاش مشترک همه انسان‌ها و جوامع است. مثلاً کاغذ که همه ما هر روزه از آن استفاده فراوان می‌کنیم ابتدا به وسیله چینی‌ها اختراع شد، (بیشتر به صورت پارچه‌ای) سپس مسلمانان آن را از چینی‌ها گرفتند و تکمیل کردند (با استفاده از الیاف گیاهی) و بعدها اروپاییان فن کاغذسازی را از مسلمانان آموختند و با کمک مواد شیمیایی و ماشین‌آلات آن را توسعه دادند. همچنین است در زمینه ریاضیات که ملل قدیم (سومری، مصری، هندی، یونانی، ایرانی و ...) همه سهمی در پیشرفت آن داشته‌اند.

نقش پیامبران و مصلحان در تمدن بشری

اگر به تمدن‌های جهان باستان و پس از آن بنگرید، در کنار هریک از آنها نام پیامبران بزرگ الهی یا برخی از مصلحان بلندآوازه را می‌بینید. در نزد اقوام سامی، حضرت ابراهیم (ع) و سپس انبیای بنی‌اسرائیل، در آسیای غربی حضرت نوح (ع) و حضرت یونس، در مصر حضرت یوسف (ع) و غیره. دین همواره الهام‌بخش ترقی هنری، فکری،

پیدایش و مرگ تمدن‌ها و عبرت‌آموزی از آن

از حدود پنج‌هزار سال پیش تا کنون که تاریخ جهان شاهد پیدایش مدنیّت و تشکیل دولت‌ها بوده، تمدن‌های متعددی یکی پس از دیگری به وجود آمده و از میان رفته‌اند. مشاهده زوال بسیاری از تمدن‌ها، بشر امروز را با این پرسش مهم روبه‌رو ساخته که آیا تمدن کنونی نیز لاجرم نابود خواهد شد؟ و اساساً آیا می‌توان تدبیری اندیشید که این تمدن به مرحله زوال قدم نگذارد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها نظرات گوناگونی ابراز شده است. در قرن نوزدهم به دلیل پیشرفت‌های مادی در اروپا، چنین می‌نمود که تمدنی به وجود آمده که در تاریخ مانند نداشته و لذا برخلاف همه تمدن‌های گذشته زوال نخواهد یافت. اما ناتوانی این تمدن در ساختن دنیایی آرمانی و متعادل که مدعی آن بود و فقدان وحدتی درونی که برای بقای آن ضرورت داشت، موجب گردید تا در اواخر قرن نوزدهم، اندیشه بقای تمدن جدید غرب با تردیدهای اساسی روبه‌رو شود. دو جنگ جهانی هولناک در نیمه اول قرن بیستم از نشانه‌های این وضع بود که در پیدایش آن هیچکس جز صاحبان همین تمدن مقصر نبودند. بدین ترتیب کم‌کم هراس از زوال تمدن کنونی صاحبان آن را نگران ساخت. به خصوص آن که ساخت سلاح هسته‌ای این فکر را پیش آورد که در صورت وقوع یک جنگ هسته‌ای، بی‌تردید تمدن نابود خواهد شد انیشتین که از جمله دانشمندانی بود



یکی از مورخان مشهور زمانه ما که به بررسی و تفسیر چگونگی تمدن‌های سراسر جهان پرداخت، توین‌بی بود.

اجتماعی و سیاسی بوده و به همین جهت بیشتر تمدن‌های بزرگ، دین بزرگ یا پیامبر برگزیده را در کنار خود دارند. مثلاً تمدن اروپایی با پذیرش مسیحیت و پای‌بندی به آن، پیوندی ناگسستنی دارد. تمدن اسلامی نیز بر بنیاد ایمان و اعتقادات اسلامی از هند تا ایران و عربستان و شمال آفریقا و شامات شکل گرفت. تمدن ایران باستان نیز همراه با آیین زردشت و بر مبنای آن پدید آمد و گسترش یافت. مصلحان بزرگ و شخصیت‌های معنوی نیز در شکل‌گیری و تداوم تمدن‌ها مؤثر بوده‌اند. در چین کنفوسیوس و لائوتزو، در هند بودا و در یونان سولون و سقراط از این دست مصلحان معنوی و اجتماعی بوده‌اند.

کتاب تاریخ جهان، سر در فضای مه‌آلود اساطیر دارد، صفحات آینده آن نیز آن‌چنان واضح نیست که مورخان و فیلسوفان تاریخ بتوانند درباره آن به روشنی سخن بگویند. بنابراین صفحات آخر کتاب تاریخ برای آنان، همین روزگار کنونی است؛ روزگاری که برای آن نام‌های گوناگونی پیشنهاد شده است: عصر فضا، عصر اتم، عصر کامپیوتر، عصر پتروشیمی، عصر الکترونیک، عصر ارتباطات و...، اگرچه در آینده نیز برای آن نام‌هایی خواهند ساخت. مسلماً هر یک از کسانی که این اسامی را برگزیده‌اند مقایسه‌ای با گذشته‌ها را هم در نظر داشته‌اند. مثلاً نام‌گذاری دوران ما به عصر پتروشیمی یعنی صنعتی که از نفت، موادی بسیار متنوع و فراوان می‌سازد که کم و بیش جانشین پنبه، چوب، چرم، شیشه و غیره می‌شود در مقایسه با دوره‌های سنگ، برنز و آهن بوده است. پیشرفت‌های بشر در زمینه فضایی استفاده



انفجار اتمی

که اندیشه‌هایش در اختراع بمب اتمی مؤثر واقع شد، گفته بود که جنگ جهانی چهارم با چوب و چماق خواهد بود، یعنی آن‌که، در جنگ جهانی سوم، بمب اتمی تمدن را نابود خواهد کرد و لذا بشر پس از آن به دوران توحش و بدویت باز خواهد گشت.

مسائل عصر ما

بدون شک همان‌گونه که صفحات آغازین



سازمان ملل متحد

از اتم و الکترونیک هیچ سابقه‌ای در اعصار گذشته ندارد. چنان‌که هنگامی‌که این پیشرفت‌ها از اوایل قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم صورت می‌گرفت، بشر قرن نوزدهم انقلاب صنعتی را سرآغاز دوران کاملاً جدیدی احساس می‌کرد و بر این باور بود که قدم به دورانی گذاشته که هیچ یک از پیشینیان بدان وارد نشده بودند. پیشرفت‌های فنی خوش‌بینی‌هایی را موجب شد که حتی اعلان خطر در مورد افزایش جمعیت جهان و تذکر متفکران آگاه در مورد انحطاط اخلاقی انسان، جدی تلقی نشد، زیرا پیشرفت فنی که موجب افزایش تولید می‌شد، خطر افزایش جمعیت را مرتفع می‌ساخت و قدرت صنعت، ظاهراً به بشر امروز به جای انحطاط، اقتدار می‌بخشید، اما بعدها روشن شد که جدی نگرفتن این هشدارها و هشدارهای مشابه آنها کاری صحیح نبوده است. مسأله افزایش جمعیت و انحطاط اخلاقی نشان داد که تا چه اندازه این هشدارها جدی است و تکنولوژی نیز مسائل خاص خود را دارد و راه خود را می‌رود و به جای آن که در خدمت انسان باشد، انسان را در خدمت خود می‌خواهد. بنابراین مسأله ماشینیسم یعنی «سلطه مقدرات ماشین بر مقتضیات انسان» مطرح شد. ماشین همان‌گونه که مرزهای اراده انسانی را درمی‌نوردید، مرزهای سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. بهره‌برداری از وسایل جدید حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی مستلزم هماهنگی‌هایی در

سطح بین‌الملل بود. ارتباطات پستی و تلگراف و تلفن نیز چنین وضعیتی داشت. طولی نکشید که در زمینه هواشناسی، امداد رسانی، حقوق کارگران و مبارزه با تبه‌کاران نیز دولت‌ها مجبور به همکاری با هم شدند. مسأله حقوق بین‌الملل و حفظ صلح نیز مطرح شد و گرچه مانند مسائل فنی پیشرفتی نداشت، اما همگان پذیرفتند که باید آن را در مقیاس جهانی مورد ارزیابی قرار دهند. تأسیس سازمان‌های پست جهانی، هواشناسی جهانی، هوانوردی جهانی، کنفرانس بین‌المللی کار، دادگاه لاهه و سرانجام سازمان ملل و دهها مؤسسه بین‌المللی، تا حدود زیادی به دلیل توسعه و پیشرفت تکنولوژی بود که ارتباطات را فوق‌العاده گسترش داد و پیوستگی میان ساکنان کره خاک را بسیار عمیق ساخت. اگرچه نقش اهداف و اغراض سیاسی در تشکیل چنین مؤسساتی قابل چشم‌پوشی نیست لیکن سخن برسر آن است که زمینه تحقق چنین اهداف و اغراضی نیز ساخته و پرداخته مقتضیات تکنولوژی است.

اصولاً بهره‌برداری کامل و کافی از تکنولوژی جدید بدون بین‌المللی ساختن مدیریت آن میسر نبوده است. به‌علاوه تکنولوژی، آلودگی محیط زیست و تخریب طبیعت را به همراه خود آورده است. یکی از ابعاد بحران محیط زیست مسأله «آلودگی هوا» است، هوای کره زمین در صورت آلوده شدن، همگان را کم و بیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین نه تنها کسانی که هوا را آلوده می‌کنند بلکه حتی کسانی که نقشی



یکی از بزرگترین مشکلات زندگی بشر در عصر کنونی مسأله آلودگی محیط زیست می‌باشد این آلودگی‌ها حتی آثار تاریخی را در معرض نابودی قرار داده‌اند.

همگانی است. بدین لحاظ بحران محیط زیست یکی از مشکلات بزرگ عصر ما است که هم ناشی از توسعه صنعت و هم ناشی از سوء مدیریت و سوء استفاده از صنعت است.



در این آلودگی ندارند نیز از آن زیان می‌بینند و باید همگی در حفظ سلامت آن بکوشند. آلودگی دریاها، آلودگی ناشی از مواد رادیواکتیویته، خطراتی که از تخریب فضای سبز به وجود می‌آید، شکاف برداشتن لایه اُزن، گرم شدن کره زمین و مسائلی از این قبیل، مربوط به همه انسان‌ها است و چنان‌که گفته شد حل آن نیز با کمک همگان میسر است، نه بهره‌برداری سیاسی از آنها و گرفتن نقش قیم‌آبانه در برخورد با آنها. حال اگر خطرات انتشار بیماری‌های مسری به واسطه توسعه فراوان ارتباطات، مسافرت‌ها و تجارت و نیز مشکلات حمل و نقل هوایی و دریایی را هم بدان اضافه کنیم، می‌بینیم که حفظ محیط اطراف انسان تا چه اندازه نیازمند به توجه و مراقبت

تکنولوژی‌های جدید و علم تاریخ

در روزگار اخیر، یک عامل جدید به حوزه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ و تاریخ‌نگاری اضافه شده است؛ این عامل و وسیله مهم، رایانه و اینترنت است. پیدایش این دو و گسترش آن در حوزه مطالعات تاریخی، از آن جهت بسیار اهمیت دارد که بخش عمده‌ای از وقت مورخ صرف گردآوری اطلاعات تاریخی می‌گردد. با استفاده از اینترنت و رایانه، می‌توان این زمان را به حداقل رساند و به بسیاری از موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی و محققان راحت‌تر و سریع‌تر دسترسی یافت. حتی به کمک اینترنت می‌توان، به جست‌وجوی سریع محتویات شمار زیادی از کتاب‌های تاریخی پرداخت. به کمک اینترنت، می‌توان از حاصل آخرین مطالعات مورخان و محققان در سراسر جهان استفاده کرد. در پرتو این فن‌آوری جدید، می‌توان یافته‌های پژوهشی خود را به سرعت و سهولت در اختیار مخاطبان بسیاری قرار داد. هر چند این ابزار با ارزش به صورت بایسته و شایسته در مطالعات تاریخی ایران به کار گرفته نشده است، با این حال تردیدی نیست که با گذر زمان، شاهد گرایش روزافزون مؤسسات و مراکز پژوهشی به اینترنت خواهیم بود. نشانه آشکار این رویکرد آن است که در شناسنامه بسیاری از مجلات و دایرةالمعارف‌های منتشره در ایران، نشانی اینترنتی آنها هم ثبت می‌شود. با توجه به اهمیت روزافزون اینترنت در جهان امروز، عده‌ای ملاک باسوادبودن افراد را توانایی در استفاده از اینترنت می‌دانند. اگر با اینترنت آشنایی کافی داشته باشید و از توانایی کافی خواندن متون انگلیسی هم برخوردار باشید، به واقع از طریق اینترنت به دنیایی از اطلاعات مختلف و جدید در زمینه‌های مختلف دسترسی خواهید یافت. در سایت‌های انگلیسی متعدد موجود، شما می‌توانید علاوه بر دست‌یابی به اطلاعات تاریخی تمام ادوار تاریخ جهان، به انواع بازی‌ها و سرگرمی‌های تاریخی دسترسی یابید. در این سایت‌ها، می‌توانید متناسب با گروه‌های سنی مختلف، هم مطالب تاریخی پیدا کنید و هم با شیوه‌های آموزش تاریخ به گروه‌های سنی ذی‌ربط آشنا شوید. حتی در برخی از این سایت‌ها، می‌توانید با جواب‌دادن به پرسش‌های متعدد و جذاب موجود، به ارزیابی

دانش تاریخی خود پردازید. در ذیل آدرس چند سایت اینترنتی فارسی ذکر شده است؛ چنانچه امکان استفاده از اینترنت برایتان وجود دارد، سعی کنید با جست‌وجو در سایت‌های زیر به برخی از اطلاعات تاریخی موجود در سایت‌های اصلی و فرعی زیر مراجعه نموده و حاصل تلاش خود را در قالب یک گزارش به معلم خود ارائه نمایید.

www.iranopedia.com سایت دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

www.ketab.ir سایت کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

www.roshdmag.org سایت مجلات رشد

<http://www.chn.ir> سایت خبرگزاری میراث فرهنگی

پرسش‌های نمونه

- ۱- با ذکر شواهد تاریخی نقش ارتباطات را در توسعه تمدن بشری شرح دهید.
- ۲- چرا مسائل عصر ما توجه همگان را به خود معطوف ساخته است؟

اندیشه و جست و جو

شما راه‌حل مسایل عصر کنونی را در چه می‌دانید؟ با ارائه شواهد و دلایل کافی در کلاس به بحث و تبادل نظر پردازید.



فهرست ماخذ*

- ۱- آقایی سربزه، مجتبی، عکاسی (۱)، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۱.
- ۲- آلبر، پیر، مطبوعات، ترجمه فضل‌الله جلوه، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۳- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ۲ جلد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- ۴- ابن الفزا، رسل الملوك، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۵- اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر، احسان، اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه هرمز عبداللهی و روبین پاکباز، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۹.
- ۶- اسکندری، ایرج، خاطرات ایرج اسکندری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۲.
- ۷- اصفهانی، ابوالفرج، برگزیده الاغانی، ترجمه و تلخیص از محمدحسین مشایخ فریدنی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ۸- اطلس تاریخ ایران، تهران، سازمان نقشه‌برداری ایران، ۱۳۷۸.
- ۹- افشار، ایرج، اسناد تاریخی در ایران، آینده، شماره هفتم (۱۳۶۰)، صص ۵۷۵-۵۸۷.
- ۱۰- _____، «نسخ خطی اسلامی و سابقه تاریخی آنها»، هنر و مردم، شماره ۱۲۲ (آذر ۱۳۵۱)، صص ۳-۷.
- ۱۱- _____، «نسخه خطی مظهر فکر و هنر ایرانی» راهنمای کتاب، سال دوازدهم (۱۳۴۸)، ش ۱ و ۲، صص ۳-۷.
- ۱۲- الیاده، میرچا، افسانه و واقعیت، ترجمه نصرالله زنگویی، تهران، پایروس، ۱۳۶۷.

* معرفی این منابع به معنای تأیید همه مطالب آنها نیست.

- ۱۳- _____، چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستادی، تهران، توس، ۱۳۶۲.
- ۱۴- _____، مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ، ترجمه بهمن سرکاراتی، تبریز، انتشارات یغما، ۱۳۶۵.
- ۱۵- بهار، مهرداد، اساطیر ایران، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- ۱۶- _____، پژوهشی در اساطیر ایران، ۲ جلد، تهران، توس، ۱۳۶۲.
- ۱۷- _____، جستارهایی چند در فرهنگ ایران، تهران، فکر روز، ۱۳۷۴.
- ۱۸- بیرشک، احمد، گاهنامه تطبیقی سه‌هزار ساله، تهران، بنیاد بزرگ دانش‌نامه فارس، ۱۳۸۰.
- ۱۹- _____، گاه‌شماری ایرانی، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۰.
- ۲۰- بحرالعلومی شاپورآبادی، فرانک، روش‌های سالیابی در باستان‌شناسی، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- ۲۱- بیک‌محمدی، حسن، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- ۲۲- پاکباز، روئین، در جستجوی زبان نو، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۲۳- پلوتارک، حیات مردان نامی، جلد چهارم، ترجمه رضا مشایخی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸.
- ۲۴- ترابی طباطبایی، جمال، سکه‌های شاهان ایران، تبریز، موزه آذربایجان، ۱۳۵۰.
- ۲۵- تقی‌زاده، سیدحسن، تاریخ زمان (تقویم)، ایرانشهر، نشریه کمیسیون ملی یونسکو در ایران، جلد ۱، صص ۲۵۵-۲۶۶.
- ۲۶- تکمیل همایون، ناصر، خلیج فارس، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۲۷- تولستوی، لئون، هنر چیست؟ ترجمه کاوه دهگان، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲.
- ۲۸- توین‌بی، آرنولد، تمدن در بوته آزمایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳.
- ۲۹- جنسن، ه.و، تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۳۰- چلکوفسکی، پتر، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داود حاتمی، تهران، انتشارات

- علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- ۳۱- خان‌محمدی، علی‌اکبر، روش کار با اسناد خطی، گنجینه اسناد، سال سوم، دفتر اول، بهار ۱۳۷۲، صص ۸۶-۹۷.
- ۳۲- دروئو، ماکس، جغرافیای انسانی، تهران، راین، چاپ یکم، ۱۳۷۱.
- ۳۳- دالو، منصور؛ محمدی، ایران، تاریخ هنر ایران، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۸۱.
- ۳۴- دورانت، ویل و آریل، درس‌های تاریخ، ترجمه احمد بطحایی، تهران، انتشارات سازمان آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۳۵- دیانت، ابوالحسن، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ۲ جلد، تبریز، نیما، ۱۳۶۷.
- ۳۶- دیولافوا، مادام ژان، سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- ۳۷- رایینو، ه.ل، صورت‌جراید ایران و جرایدی که در خارج ایران به زبان فارسی طبع شده است، تصحیح و حواشی سید فرید قاسمی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۳.
- ۳۸- رایینسون، چارلز الگزاندر، تاریخ باستان، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۳۹- راسی‌هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه زاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۶۸.
- ۴۰- رضی، هاشم، گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، تهران، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۵۸.
- ۴۱- ریاحی، محمدامین، سفارتخانه‌های ایران، تهران، توس، ۱۳۶۸.
- ۴۲- زامباور، نسب‌نامه خلفا و شهریان، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۵۵.
- ۴۳- زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر، چاپ‌های مکرر.
- ۴۴- زنده‌رود (فصل‌نامه فرهنگ، ادب و تاریخ)، شماره ۱۰ و ۱۱، بهار ۱۳۷۴، (ویژه خاطره‌نویسی).
- ۴۵- ذاکر، م، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ، بی‌جا، نشر آیت، بی‌تا.

- ۴۶- ذاکر حسین، عبدالرحیم، ادبیات ایران پیرامون اشعار و نهضت‌های آزادیبخش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۴۷- ساماران، شارل، (مؤلف ناظر)، روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه گروه مترجمان، ۴ جلد، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۷۱-۱۳۷۰.
- ۴۸- سحاب، ابوالقاسم، فرهنگ خاورشناسان، تهران، سحاب، ۱۳۵۶.
- ۴۹- شاردن، ژان، سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ۱۰ جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- ۵۰- شکوهی، حسین، فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات گیتاشناسی، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- ۵۱- شمس اشراق، عبدالرزاق، نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان، دفتر خدمات فرهنگی استاک، ۱۳۶۹.
- ۵۲- شیبانی، ژان، «سفر اروپاییان به ایران»، ترجمه سیدضیاءالدین دهشیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- ۵۳- صافی، قاسم، عکس‌های قدیمی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۵۴- صالحی، نصرالله، اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنة الروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸ هـ.ق)، تهران، اداره انتشارات اسناد و دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۵۵- صبا، محسن، «اسناد در خدمت تحقیقات تاریخی...» کتابداری، شماره هفتم، سال ۱۳۵۸، صص ۴۴-۵۹.
- ۵۶- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ۴ جلد، اصفهان، انتشارات کمال، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- ۵۷- عبدالرزاق جوهری، بسری، تاریخ اکتشافات جغرافیایی، ترجمه عیسی متقی‌زاده و احمد برادری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- ۵۸- عبدالغنی حسن، محمد، زندگی‌نامه‌ها، ترجمه امیره ضمیری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۵۹- عبداللهی، رضا، تحقیقی در زمینه گاه‌شماری هجری و مسیحی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۶۰- _____، تاریخ تاریخ در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ۶۱- طالبی وقائینی، فرامرز و فرزانه، کتاب‌شناسی سکه، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۳.

- ۶۲- عبده، جلال، چهل سال در صحنه، ۲ جلد، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۸.
- ۶۳- عزتی، عزت‌الله، ژئواستراتژی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ یکم، ۱۳۷۲.
- ۶۴- علیزاده، عباس، تئوری و عمل در باستان‌شناسی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۶۵- عوفی، محمد، لب‌الالباب، تصحیح و تحشیه سعید نفیسی، ۱۳۳۵.
- ۶۶- علامه‌زاده، رضا، هنر آدمیان نخستین، بی‌جا، جهان کتاب، بی‌تا.
- ۶۷- علم، امیراسدالله، گفتگوهای من با شاه، ۲ جلد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۲.
- ۶۸- غنی، قاسم، زندگی من، تهران، انتشارات آبان، ۱۳۶۱.
- ۶۹- فاروقی، فؤاد، سیری در سفرنامه‌ها، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۶۱.
- ۷۰- فاطمی، سعید، اساطیر یونان و روم یا افسانه خدایان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- ۷۱- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۶۹.
- ۷۲- قاسمی، سیدفرید، راهنمای مطبوعات ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲.
- ۷۳- _____، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، تهران، مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۴.
- ۷۴- قائم‌مقامی، جهانگیر، روش تحقیق در تاریخ‌نگاری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۸.
- ۷۵- _____، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- ۷۶- قریب، محمدحسین، تاریخ موسیقی، تهران، انتشارات هیرمند و فرهنگ و هنر، ج ۲، ۱۳۶۲.
- ۷۷- کار، ای.اچ. تاریخ چیست؟ ترجمه حسن کامشاد، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹.
- ۷۸- کاهن، کلود، درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی (قرون یکم تا هشتم هـ.ق. روش‌شناسی و عناصر کتاب‌شناسی)، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۷۹- کرامتی، محسن، فرهنگ اصطلاحات هنرهای تجسمی، تهران، نشر چکامه، چاپ

اول، ۱۳۷۰.

۸۰- کنشلو، علی؛ ناصحی، محمدعلی، تاریخ هنر جهان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۱.

۸۱- کولیور رایس، کلارا، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

۸۲- کیندرمن، هیانتس، تاریخ تئاتر اروپا، ج اول، ترجمه سعید فرهودی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۵.

۸۳- گاروند، هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، مؤسسه انتشاراتی نگاه و آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

۸۴- گرنویل، فریمن، تقویم‌های اسلامی و مسیحی و جدول‌های تبدیل آنها به یکدیگر، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، قلم، ۱۳۵۹.

۸۵- گشایش، فرهاد، خلاقیت‌نمایشی، تهران، انتشارات عفاف، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

۸۶- گوران، آندره لوروا، دانسته‌ها و ندانسته‌های تاریخ هنر، ترجمه نورالدین فرهیخته، تهران، انتشارات پویش، چاپ اول، بی‌تا.

۸۷- گوران، هیوا، کوشش‌های نافرجام (سیری در صد سال تئاتر ایران)، تهران، آگاه، ۱۳۶۰.

۸۸- لاکست، ایو، جغرافیا نخست در خدمت جنگ، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

۸۹- لانسکی، گرهارد وجین، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۹۰- مایل هروی، نجیب، نقد و تصحیح متون، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.

۹۱- مجتهدزاده، پیروز، منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.

۹۲- مجیدزاده، یوسف، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۹۳- محرابی، رحمت‌الله، آموزش تئاتر، تهران، تربت، چاپ اول، ۱۳۷۲.

- ۹۴- مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- ۹۵- محمدحسن، زکی، جهانگردان مسلمان در قرون وسطی، ترجمه عبدالله ناصر طاهری، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۶.
- ۹۶- مشکور، محمدجواد، نام خلیج فارس در طول تاریخ، بی تا. بی نا.
- ۹۷- مصدق، محمد، خاطرات و تألمات مصدق، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۵.
- ۹۸- معینی کرمانشاهی، حسین، حکایت ناگفته، تهران، انتشارات سنایی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۹۹- ملکپور، ایرج، تقویم پنج‌هزار ساله هجری شمسی، تهران، پژوهشکده راه کمال، ۱۳۷۸.
- ۱۰۰- مهتا، ود، فیلسوفان و مورخان، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۹.
- ۱۰۱- مهرآبادی، میترا، خاندان‌های حکومت‌گر ایران باستان، تهران، فتحی، ۱۳۷۲.
- ۱۰۲- نبئی، ابوالفضل، تقویم و تقویم‌نگاری در ایران، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- ۱۰۳- وامبری، آرمینوس، سیاحت درویشی دروغین، ترجمه فتحعلی خواجه‌نوریان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
- ۱۰۴- ودیعی، کاظم، «رابطه جغرافیا با تاریخ»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۱ سال چهارم (۱۳۴۸)، صص ۱-۱۰.
- ۱۰۵- _____، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در جغرافیا و راهنمای مطالعات جغرافیایی و عمران‌های منطقه‌ای، تهران، انتشارات دهخدا، بی تا.
- ۱۰۶- وزیری، علی‌نقی، تاریخ عمومی هنر، ۲ جلد، تهران، انتشارات هیرمند، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۱۰۷- ووستنفلد، فردیناندو ماehler، ادوارد، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، به کوشش حکیم‌الدین قریشی، تهران، فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۶۰.
- ۱۰۸- هومر، ایلیاد، ترجمه سعید نفیسی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.

